

فصلنامه علمی

راهبرد

۱۱۱

سال سی و سوم - شماره دوم - پیاپی یکصد و یازدهم - تابستان ۱۴۰۳

اعضای هیئت تحریریه

دکتر محمدرحیم عیوضی

دکتر ابراهیم بیگ‌زاده

دکتر عزت‌الله نادری

دکتر علی بیگدلی

دکتر علی اصغر پورعزت

دکتر سهیلا پروین

دکتر علی مرشدی‌زاد

دکتر مجتبی امیری

بلبل



پژوهشکده تحقیقات راهبردی

صاحب امتیاز

پژوهشکده تحقیقات راهبردی
مجمع تشخیص مصلحت نظام

مدیر مسئول

دکتر محمدرضا مجیدی

سرمدیر

دکتر محمدرحیم عیوضی

مدیر داخلی

عقیقه عابدی

ویراستاری و صفحه‌آرایی

شرکت خدمات نشر تغییر

شاپا: ۳۱۰۲-۱۰۲۸

شاپای الکترونیک: ۶۵۲۵-۲۵۸۸

تیراژ چاپی: ۱۵۰ نسخه

انتشارات

پژوهشکده تحقیقات راهبردی

نشانی: میرداماد، مصدق (نفت) شمالی، بین کوچه چهارم و ششم، پلاک ۱۰.

کدپستی: ۱۵۹۱۸۱۶۹۱۱ تلفن: ۲۲۲۵۸۹۲۱ شماره: ۲۲۲۵۸۹۲۱

وبسایت: <http://rahbord.csr.ir>

پست الکترونیک: rahbordcsr@gmail.com

قیمت: ۱,۵۰۰,۰۰۰ ریال

این فصلنامه به استناد نامه شماره ۹۰/۲۵۵۹۵ مورخ ۱۳۹۰/۱۰/۴ هیئت نظارت بر مطبوعات منتشر می‌شود.

به استناد نامه شماره ۳۵۱۱/۱۸/۲ مورخ ۹۲/۰۳/۱۲ وزارت علوم، تحقیقات و فناوری فصلنامه راهبرد دارای مرتبه علمی - پژوهشی است.

فصلنامه راهبرد در پایگاه‌های زیر نمایه می‌شود:

www.isc.gov.ir

پایگاه استنادی علوم جهان

www.sid.ir

مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی

www.magiran.com

بانک اطلاعات نشریات کشور

www.csr.ir

پژوهشکده تحقیقات راهبردی

www.ensani.ir

پرتال جامع علوم انسانی

www.civilica.com

مرجع دانش

www.noomags.ir

پایگاه مجلات تخصصی نور

اهداف فصلنامه

۱. ایجاد زمینه برای انتشار مقالات علمی - پژوهشی در حوزه مسائل فرهنگی - اجتماعی کشور؛
۲. مساعدت به نظام سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری فرهنگی - اجتماعی کشور؛
۳. اشاعه و توسعه ادبیات مطالعات راهبردی و سیاست‌گذاری در میان محققان و پژوهشگران علوم اجتماعی؛
۴. ایجاد زمینه برای پیوند تحقیقات و مطالعات اجتماعی و فرهنگی با حوزه سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری کشور؛
۵. ارتقای کیفیت راهبردها و سیاست کلان کشور در حوزه‌های فرهنگی - اجتماعی.

راهنمای تدوین مقاله و شرایط پذیرش آن در فصلنامه راهبرد

فصلنامه راهبرد به منظور ایجاد زمینه برای انتشار مقالات علمی - پژوهشی در حوزه مسائل اجتماعی و فرهنگی کشور، تازه‌های پژوهشی صاحب‌نظران این حوزه را منتشر می‌کند تا در دسترس علاقه‌مندان قرار گیرد.

مقالات ارسالی باید شرایط زیر را دارا باشند:

الف) شرایط علمی

۱. مقاله باید دارای اصالت و نوآوری (Original research)، تحلیلی و نتیجه‌کاوش‌های نویسنده یا نویسندگان باشد.
۲. در نگارش مقاله باید روش تحقیق علمی رعایت شود و از منابع معتبر و اصیل نیز استفاده شده باشد.
- توضیح: مقاله پس از دریافت، نخست در هیئت تحریریه بررسی و ارزیابی می‌شود و در صورت داشتن شرایط لازم، برای داوران ارسال می‌گردد. پس از وصول دیدگاه‌های داوران، نتایج و امتیازات کسب شده، در هیئت تحریریه مطرح می‌شود و در صورت کسب امتیازات کافی و پذیرش آن، در نوبت چاپ قرار می‌گیرد.

ب) شرایط نگارش

۱. مقاله باید از جهت نگارش، ساختاری محکم و استوار داشته باشد و اصول فصاحت و بلاغت در آن رعایت شود.
۲. عنوان مقاله باید کوتاه و گویا باشد.
۳. نام مؤلف یا مؤلفان همراه با درجه علمی، نشانی محل کار و نشانی اینترنتی (Email) ذکر شود (ذکر شماره تلفن مسئول مکاتبات نیز لازم است).
۴. چکیده فارسی حداکثر پانزده سطر (۱۵۰ تا ۲۰۰ کلمه) باشد.
۵. کلیدواژه فارسی حداکثر شش کلمه باشد.
۶. مقاله باید دارای مقدمه روشن و دقیق باشد چنانکه خواننده را برای ورود به مبحث اصلی آماده سازد.
۷. بیان پیشینه تحقیق از شرایط مقاله است.
۸. در متن اصلی مقاله باید موضوع به‌طور روشن تحلیل شود.
۹. مقاله باید دارای نتیجه‌گیری دقیق باشد.
۱۰. چکیده انگلیسی حداکثر پانزده سطر (۱۵۰ تا ۲۰۰) کلمه باشد.
۱۱. کلیدواژه انگلیسی حداکثر پنج کلمه باشد.
۱۲. نام نویسنده و درجه علمی و محل کار به لاتین ذکر شود.
۱۳. ارجاعات متن باید داخل پرانتز به ترتیب نام نویسنده، سال و صفحه ذکر شود؛ مثال: (زرین کوب، ۱۳۷۲، ص. ۲۵۴) (Giddens, 2009, p. 14).
۱۴. منابع و مأخذ پایانی باید به ترتیب زیر ذکر شود:

الف: کتاب: نام خانوادگی (شهرت)، نام (سال انتشار). نام کتاب. نام مترجم یا مصحح، شهر محل نشر: نام ناشر.

ب: نشریه: نام خانوادگی (شهرت)، نام (سال انتشار). عنوان مقاله. نام نشریه، دوره (شماره)، صفحات مقاله (۲۵-۴۵).

ج: مجموعه مقالات: نام خانوادگی، نام (سال انتشار). عنوان مقاله. نام گردآورنده یا ویراستار، نام مجموعه مقالات، محل نشر: نام ناشر، شماره صفحات مقاله (۲۵-۴۵).

د: سایت‌های اینترنتی: نام خانوادگی، نام (آخرین تاریخ). عنوان موضوع: نام و نشانی اینترنتی به صورت ایتالیک.

ه: لوح فشرده: نام خانوادگی، نام (سال انتشار). عنوان، نام لوح فشرده، محل نشر، نام ناشر

۱۵. مقاله باید حداکثر ۲۵ صفحه و هر صفحه در ۲۳ سطر تنظیم شود.

۱۶. مقاله باید از طریق سایت فصلنامه ارسال شود.

۱۷. اسامی خاص و اصطلاحات لاتین و ترکیبات خارجی بلافاصله پس از فارسی آن داخل پرانتز در متن مقاله ذکر شود.

۱۸. مقالات مستخرج از پایان‌نامه باید تأیید استاد راهنما را همراه داشته باشد.

۱۹. مقالات ارسالی به‌هیچ‌وجه برگردانده نمی‌شود.

۲۰. مقاله نباید در هیچ مجله یا همایشی ارائه شده باشد.

یادآوری: مجله در پذیرش یا نپذیرفتن مقاله همچنین ویراستاری آن آزاد است.

دریافت مقاله از طریق سایت فصلنامه انجام می‌گیرد.

یادآوری: مشخصات تمامی نویسندگان در بخش مورد نظر در سایت ذکر شود.

رئیس‌جمهور

سال سی و سوم - شماره دوم - پیاپی یکصد و یازدهم - تابستان ۱۴۰۳

فهرست مقالات

تحلیل راهبردی امنیت غذایی کشور به روش SWOT-QSPM

۲۲۳ مریم افخمی، آرمین توحیدی، سید احمد حسینی، امید بوذری

مؤلفه‌های حکمرانی فرهنگ پایه در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی)

۲۴۷ سید جواد حسینی، محمدعلی سمیعی

ترکیب‌گرایی در سنجش حکمرانی محیط زیست با تکیه بر تحلیل مقایسه‌ای

۲۸۹ سیده آل محمد، مجید رضانی مهربان، نغمه مبرقی دینان

بررسی اثر تصمیم‌گیری جمعی در افزایش عدالت اجتماعی با استفاده از مدل‌سازی معادلات ساختاری

۳۱۹ سید محسن میرباقری

راهبرد دریایی ایران در جنوب غرب آسیا و شمال اقیانوس هند

۳۴۹ منصور لشنی، رحمت حاجی‌مینه، حسین دهشیار، علیرضا عالی‌پور

شناسایی ابعاد و مؤلفه‌های مؤثر در طراحی نظام اکتساب فناوری‌های نوظهور نیروهای مسلح

۳۷۵ سید هادی صادقی، حسن عیسوند، عبدالله وثوقی نیری، مهرداد اسکندری

حکمرانی طبیعت‌محور: پیوند تئوری و اجرا برای همزیستی پایدار انسان و طبیعت در ایران

۴۱۵ محسن سلیمانی روزبهانی، افشین دانه‌کار

Strategic Analysis for Food Security in Iran Using the SWOT-QSPM Method

Maryam Afkhami

Assistant Professor, Faculty of Governance, University of Tehran, Tehran, Iran.
Email: mm.afkhami@ut.ac.ir

Armin Towhidi

Professor of the University College of Agriculture and Natural Resources, University of Tehran, Adjunct Professor, Faculty of Governance, University of Tehran, Tehran, Iran (Corresponding Author).
Email: atowhidi@ut.ac.ir

 0000-0002-3288-1709

Seyed Ahmad Hosseini

Researcher of Resalat Social University, Tehran, Iran.
Email: sahosseini@gmail.com

Omid Bouzari

PhD Student, University College of Agriculture and Natural Resources, University of Tehran, Tehran, Iran.
Email: omid.bouzari@ut.ac.ir

 0000-0002-5052-3753

Abstract

Ensuring food security, sustainable agriculture, and the preservation of basic natural resources. Given the five-year development plans and the country's twenty-year vision document, the limitation of basic natural resources, climatic diversity, and the potential social, economic, and cultural capacities, improving the food security of the land is not possible with solely technical and engineering approaches but requires policymaking and good governance. In this research, the concept of food security is explained, and then the two-year performance of the Ministry of Jihad and Agriculture and the 13th government is evaluated. In this regard, the SWOT analytical method and the QSPM matrix have been used for ranking the main strategies. Also, at the end of this research, strategic suggestions have been presented to improve the food security conditions. At the same time, the current situation of the country is facing suitable opportunities, which should be used in the best way through rational planning and using governance approaches. Furthermore, the results of the SWOT matrix analysis indicated that conservative policies are among the main strategies to ensure food security in the country, and the priority of implementing these conservative policies through the QSPM matrix analysis is with the strategy of creating and strengthening the macro policy and good governance system in the field of agriculture by using the power and capacity of scientific centers.

Keywords: Food security, Governance, Policy, Strategic planning, SWOT-QSPM Analysis.



تحلیل راهبردی امنیت غذایی کشور به روش SWOT-QSPM

مریم افخمی

استادیار دانشکده حکمرانی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

Email: mm.afkhami@ut.ac.ir

آرمین توحیدی

استاد دانشکده کشاورزی و منابع طبیعی، استاد وابسته دانشکده حکمرانی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

Email: atowhidi@ut.ac.ir

0000-0002-3288-1709

سید احمد حسینی

پژوهشگر دانشگاه توسعه اجتماعی رسالت، تهران، ایران.

Email: sahosseiniv@gmail.com

امید بوذری

دانشجوی دکتری دانشکده کشاورزی و منابع طبیعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

Email: omid.bouzari@ut.ac.ir

0000-0002-5052-3753

چکیده

تأمین امنیت غذایی، کشاورزی پایدار و حفظ منابع طبیعی پایه (به‌ویژه آب و خاک) از موضوعات اساسی حکمرانی سرزمین هستند که با امنیت ملی گره خورده‌اند. مسائل و چالش‌های این حوزه را باید با توجه به ویژگی‌های اکولوژیکی و اجتماعی تحلیل نمود و برای آن‌ها راهبرد و سیاست ارائه نمود. با توجه به برنامه‌های پنج‌ساله توسعه و سند چشم‌انداز بیست‌ساله کشور، محدودیت منابع طبیعی پایه، تنوع اقلیمی و ظرفیت‌های بالقوه اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و ارتقای امنیت غذایی سرزمین با رویکردهای صرفاً فنی و مهندسی ممکن نیست؛ بلکه نیازمند سیاست‌گذاری و حکمرانی خوب است. در این پژوهش مفهوم امنیت غذایی تبیین شده و سپس عملکرد دوساله وزارت جهاد کشاورزی و دولت سیزدهم ارزیابی شده است. در این راستا از روش تحلیلی SWOT و ماتریس QSPM برای رتبه‌بندی راهبرد اصلی بهره‌گرفته شده است. همچنین در انتهای این پژوهش، پیشنهادهایی راهبردی برای بهبود شرایط امنیت غذایی ارائه شده است. بر اساس نتایج به‌دست‌آمده از این تحلیل، در شرایط موجود کشور (به لحاظ موجودی غذا، دسترسی به غذا، کیفیت و سلامت غذا)، میزان ضعف در حوزه امنیت غذایی بیش از میزان قوت است؛ درعین‌حال، وضع موجود کشور با فرصت‌های مناسبی روبه‌رو است که باید با تدبیر عقلانی و بهره‌گیری از رویکردهای حکمرانی از این فرصت‌ها به بهترین شکل استفاده نماید. همچنین نتایج تحلیل ماتریس SWOT نشان داد که سیاست‌های محافظه‌کارانه، از جمله راهبردهای اصلی در جهت تأمین امنیت غذایی در کشور است و اولویت اجرای این سیاست‌های محافظه‌کارانه از طریق تحلیل ماتریس QSPM با راهبرد ایجاد و تقویت سیاست کلان و نظام حکمرانی خوب در حوزه کشاورزی از طریق بهره‌گیری از توان و ظرفیت مراکز علمی است.

کلیدواژه‌ها: امنیت غذایی، حکمرانی، سیاست، کشاورزی، برنامه‌ریزی راهبردی، تحلیل SWOT-QSPM.

شاپای الکترونیک: ۶۵۲۵-۲۵۸۸ / پژوهشکده تحقیقات راهبردی / فصلنامه علمی راهبرد

CC BY 4.0



10.22034/rahbord.2024.455053.1666

مقدمه و بیان مسئله

امنیت غذایی یکی از معیارهای توسعه انسانی است و دستیابی به آن از اهداف اصلی کشورها محسوب می‌شود. افزایش ضریب امنیت غذایی یکی از خواسته‌های بنیادین نخبگان سیاسی کشورهای جهان است (قریب، ۱۳۹۱). امروزه تولید غذا و تأمین امنیت غذایی با رویکرد توسعه پایدار و حفظ امنیت زیستی امری حیاتی در نظام حکمرانی کشورها است. امنیت غذایی با اقتدار ملی گره خورده است به طوری که مسائل و چالش‌های مرتبط با حوزه کشاورزی پایدار و امنیت غذایی را باید در سطوح کلان و با رویکرد حکمرانی خوب و با توجه به ویژگی‌های اکولوژیکی و اجتماعی سرزمین، تحلیل، واکاوی و برطرف نمود. درک صحیحی از شیوه جاری حکمرانی در ارتباط با موضوع محیط‌زیست و کشاورزی می‌تواند بستر مناسبی را برای بهبود حکمرانی در راه توسعه بلندمدت کشورها به خصوص کشورهای در حال توسعه، ارائه دهد (سلیمانی روزبهنای و همکاران، ۱۴۰۲). در برنامه‌های پنج‌ساله توسعه و سند چشم‌انداز بیست‌ساله کشور، توجه گسترده‌ای به تأمین امنیت غذایی شده است. تأمین غذا با حفظ منابع طبیعی پایه نظیر آب و خاک و محیط‌زیست از جمله پیچیده‌ترین مسائل کشورهای پیشرفته و در حال توسعه محسوب می‌شود. در ایران، محدودیت منابع طبیعی پایه از یک سو و داشتن اقلیم‌های متفاوت و متنوع در سراسر کشور همچنین وجود ظرفیت‌های بالقوه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی به ویژه در بستر مناسبات روستا از سوی دیگر، شرایطی را به وجود آورده است که صرفاً با رویکرد فنی و مهندسی امکان پاسخ‌گویی به نیازمندی‌های کشور میسر نیست. ارتقای امنیت غذایی کشور نیازمند نقد و ارزیابی مداوم عملکرد دولت‌ها، آینده‌نگری و تصمیم‌سازی با مشارکت حداکثری نخبگانی است. در دهه‌های اخیر با برجسته شدن مفهوم توسعه انسانی در سطح جهان، مسئله امنیت غذایی که از دیرباز مطرح بوده، ابعاد تازه‌ای به خود گرفته و تحت تأثیر فعالیت‌های سازمان ملل مورد توجه خاص بوده است. در این زمینه سه موضوع اساسی یعنی مفهوم امنیت غذایی، عوامل مؤثر بر آن و شاخص‌های سنجش امنیت غذایی قابل بررسی است.

وضعیت امنیت غذایی در کشور نشان می‌دهد که ضعف‌ها، قوت‌ها، تهدیدها و فرصت‌هایی در رابطه با امنیت غذایی کشور در هر سه مؤلفه موجودی غذا، دسترسی به غذا و کیفیت و سلامت غذا وجود دارند. شواهد نشان می‌دهند که مقادیر فعلی عرضه سرانه مواد غذایی با سطح مطلوبشان فاصله دارند. از طرفی بر اساس تحقیقات

و پایش‌های صورت گرفته در کشور، بخش کشاورزی در ایران با مشکلاتی مواجه است که به‌طور عمده شامل کمبود زمین‌های کشاورزی (محدودیت خاک حاصل‌خیز)، تنش خشکی و تغییرات اقلیمی، بحران‌های محیط‌زیستی و از همه مهم‌تر مسئله آب است که در نظام حکمرانی و برنامه‌ریزی راهبردی توجه ویژه‌ای را می‌طلبد. از ابتدای شروع به کار دولت سیزدهم، موضوع امنیت غذایی مورد توجه بوده است، با وجود این، آمار و اطلاعات بیانگر برخی نارسایی‌های جدی در وضعیت امنیت غذایی کشور است؛ در نتیجه نرخ موفقیت دولت در اجرای برنامه‌های مرتبط مورد سؤال است. لذا هدف از این مطالعه، ارزیابی عملکرد دو سالانه دولت سیزدهم و وزارت جهاد کشاورزی در حوزه امنیت غذایی و سیاست‌گذاری و ارائه پیشنهادهایی برای برون‌رفت از مشکلات و ارتقای وضعیت کشور است.

در این پژوهش تلاش شده است نخست با نگاهی به تعاریف و معیارهای بین‌المللی، امنیت غذایی تبیین شود، سپس عملکرد دوساله دولت سیزدهم با بررسی نقاط ضعف، قوت، فرصت و تهدید ارزیابی شده است. در پایان نیز پیشنهادهایی برای بهبود شرایط امنیت غذایی کشور ارائه شده است.

۱. رویکرد نظری

فائو در سال ۲۰۰۱، تعریف امنیت غذایی را این‌گونه ارائه کرده است: «زمانی امنیت غذایی وجود دارد که همه مردم به غذای کافی، سالم و مغذی دسترسی فیزیکی، اقتصادی و اجتماعی داشته باشند و غذای در دسترس، مطابق با نیازها و ترجیحات غذایی آنان برای یک زندگی فعال و سالم باشد». بانک جهانی نیز امنیت غذایی را «دسترسی همه مردم در تمام اوقات به غذای کافی برای داشتن یک زندگی سالم» تعریف کرده است؛ این تعریف بر سه عنصر «موجود بودن غذا»، «دسترسی به غذا» و «پایداری دریافت غذا» استوار است. عوامل مؤثر بر امنیت غذایی را می‌توان در یک طبقه‌بندی کلی به دو بخش تقسیم کرد: الف. عوامل مرتبط با تولید (عرضه)، مصرف (تقاضا) و تجارت غذا؛ ب. عواملی که به‌صورت غیرمستقیم و از طریق تأثیرگذاری بر عوامل اصلی، امنیت غذایی را تحت تأثیر قرار می‌دهد مانند تغییرات اقلیمی، کمبود منابع طبیعی پایه، بحران‌های جهانی و منطقه‌ای مانند جنگ و همه‌گیری رشد جمعیت و طبقه متوسط شهرنشین، بحران انرژی و رقابت بین تولید مواد غذایی و سوخت‌های فسیلی، کاهش سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی، یا عوامل فرهنگی همچون الگوی مصرف جامعه.

امنیت غذایی در سه سطح خانوار، ملی و بین‌المللی مطرح است. در سطح خانوار می‌توان آن را با بررسی‌های مستقیم مصرف تحت شرایط اقتصادی به‌خصوص دستمزد، اشتغال و قیمت‌ها و در سطح ملی با شاخص‌های زیر اندازه‌گیری کرد:

۱. کمیت تولید مواد غذایی در مقایسه با نیاز در طول زمان؛
۲. واردات مواد غذایی مورد نیاز با توجه به ظرفیت‌های وارداتی؛
۳. ترانزنامه غذایی و ارزیابی مواد مغذی موجود در سطح کلان؛
۴. ترکیب سبد غذایی کشور در سطح کلان و روند تغییرات آن در طول زمان؛
۵. قیمت‌های مواد غذایی و روند تغییرات آن.

همچنین می‌توان از شاخص جهانی امنیت غذایی یا GSFI برای مدل‌سازی استفاده کرد که شاخصه‌های آن عبارتند از:

- ❖ توان مالی: این زیر شاخص توانایی و پتانسیل فرد برای پرداخت بابت مواد غذایی و هزینه‌های مرتبط با احتمال مواجهه با شوک‌های غذایی را مورد ارزیابی قرار می‌دهد و شامل چند مؤلفه از جمله سهم هزینه مواد غذایی به کل مخارج خانوار، نسبت جمعیت زیر خط فقر، تولید ناخالص داخلی سرانه، تعرفه واردات محصولات کشاورزی، دسترسی به منابع مالی برای کشاورزان و وجود برنامه‌های تأمین امنیت غذا است؛
- ❖ در دسترس و موجود بودن مواد غذایی: این زیر شاخص عوامل مؤثر بر عرضه و دسترسی آسان به مواد غذایی، مخاطرات این دسترسی و زیرساخت‌های کشور در تولید و توزیع مواد غذایی را تحت پوشش قرار می‌دهد. مؤلفه‌های این گروه شامل عرضه کافی، نوسانات تولید محصولات کشاورزی، اتلاف مواد غذایی، مخارج عمومی تحقیق و توسعه کشاورزی، زیرساخت‌های کشاورزی، فساد مالی، ثبات سیاسی و توانایی جذب شهرنشینی است؛
- ❖ کیفیت و امنیت: رژیم غذایی سالم و مغذی در این طبقه مد نظر قرار دارد؛ رژیمی که به حفظ و بهبود سلامت عمومی بدن کمک نماید و مایعات کافی ویتامین‌ها و مواد معدنی کافی و همچنین، کالری لازم بدن را فراهم آورد. از این‌رو، کیفیت و امنیت غذایی توسط پنج مؤلفه تنوع رژیم غذایی، در دسترس بودن ریزمغذی‌ها، کیفیت پروتئین‌ها، استانداردهای تغذیه و ایمنی مواد غذایی شکل می‌گیرد.

۲. روش پژوهش

در این تحقیق، برای تعیین استراتژی‌های مناسب برای موضوع امنیت غذایی، از مدل تحلیل ماتریس‌های SWOT (Wehrich, 1982) و QSPM (Porter, 1996) بهره گرفته شد. در ابتدا با بررسی میدانی و مشاهدات صورت گرفته و نیز بهره‌گیری از تجربیات ناشی از اقدامات صورت گرفته در دو سال اخیر در کشور، عوامل محیطی داخلی (نقاط قوت و ضعف) و عوامل محیط خارجی (فرصت‌ها و تهدیدها) در تعیین استراتژی‌های مربوط به تعیین الگوهای افزایش امنیت غذایی از طریق بحث و بررسی در پنل خبرگان شناسایی شدند. این عوامل به تفکیک در جداول ۱ و ۲ نشان داده شده است. سپس از طریق طراحی و تدوین پرسش‌نامه‌ای بر اساس نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیدهای شناسایی شده و بهره‌گیری از طیف لیکرت، ارزش هر یک از عوامل درونی و بیرونی مشخص شد. شایان ذکر است که این پرسش‌نامه در اختیار ۲۵ خبره و کارشناس مرتبط قرار گرفت و برای هر سؤال از نمره ۱ به عنوان تأثیر خیلی کم تا نمره ۵ به‌عنوان تأثیر خیلی زیاد، طیف نمره و ارزش‌دهی مشخص شد.

بعد از جمع‌آوری و تحلیل اطلاعات به‌دست‌آمده از پرسش‌نامه‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS، مجموع و میانگین نمرات کسب شده برای هر عامل محاسبه و نیز وزن نرمال شده به همراه امتیاز وزن‌دار با بهره‌گیری از نرم‌افزار EXPERT CHOICE محاسبه شد. سپس بر اساس رتبه‌بندی امتیازات وزن‌دار از بیشترین به کمترین، ۳ راهبرد برتر از لحاظ بالاترین امتیاز وزن‌دار برای هر یک از نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیدها تعیین شد. سپس این راهبردهای شناسایی شده در چهار حالت SO (راهبردهای تهاجمی)، WO (راهبردهای محافظه‌کارانه)، ST (راهبردهای رقابتی) و WT (راهبردهای تدافعی) در قالب ماتریس SWOT پیوند داده شد (جدول ۳). شایان ذکر است که در جداول ۱ و ۲، منظور از امتیاز کل، مجموع امتیازات کسب شده از نظرسنجی خبرگان، وزن نرمال شده از تقسیم امتیاز کل هر آیت‌م بر مجموع امتیازات (عوامل داخلی شامل نقاط قوت و ضعف و برای عوامل خارجی شامل فرصت‌ها و تهدیدها) و امتیاز موجود از ضرب امتیاز کل در وزن نرمال شده به‌دست‌آمده است.

ابزار تحلیلی QSPM یک نگرش مدیریت راهبردی سطح بالا برای ارزیابی راهبردهای ممکن است. در روش QSPM تلاش می‌شود که از طریق کمی‌سازی راهبردهای فرعی، بهترین راهبردها به‌طور واقعی اولویت‌بندی شوند. در این ماتریس،

ضریب نمره هر راهبرد از حاصل ضرب هر عامل (که در قسمت SWOT به دست آمد و توضیح داده شد) در نمره جذابیت آن به دست می آید. نمره جذابیت می تواند ۱، ۲، ۳ یا ۴ باشد (۴ = بالاترین جذابیت و ۱ = پایین ترین جذابیت). سپس با توجه به جمع نمره جذابیت هر راهبرد، راهبردها اولویت بندی می شوند (Pahlavi et al., 2014). در جدول ۴، نمره جذابیت با مقایسه هر راهبرد با یکایک نقاط قوت و ضعف، فرصت‌ها و تهدیدها تعیین می شود، بدین صورت که اگر راهبردی تطابق کامل با آن عامل (قوت، ضعف، فرصت یا تهدید) داشته باشد، نمره جذابیت آن ۴ بدان اختصاص می یابد و اگر کمتر تطابق داشته باشد، به نسبت تطبیق بیشتر به کمتر، به ترتیب نمرات ۳، ۲ و ۱ بدان اختصاص داده می شود (Pearce & Robinson, 2015).

۳. یافته‌های پژوهش

در جداول ۱ و ۲ محاسبات و تحلیل‌های مربوط به عوامل داخلی (نقاط قوت و ضعف) و عوامل خارجی (تهدیدها و فرصت‌ها) ارائه شده است.

جدول ۱: عوامل داخلی

امتیاز وزن دار	امتیاز وضع موجود	وزن نرمال شده	امتیاز کل	عوامل داخلی
نقاط قوت				
0.245757753	4	0.061	105	S1 توجه و دیدگاه ویژه رئیس‌جمهور به مسائل کشاورزی و روستاها
0.143943827	3	0.048	82	S2 تلاش در راستای تولید و تأمین محصولات راهبردی از جمله منطقی‌سازی قیمت در خرید تضمینی، توسعه کشت گلخانه‌ای، شروع برنامه توسعه کشت قراردادی و برنامه جهش تولید در دیپ‌زارها
0.093036864	3	0.031	53	S3 تلاش برای بهبود دیپلماسی اقتصادی و تدوین مقدمات قرارداد جهت استفاده از ظرفیت برخی کشورها به منظور کشاورزی فراسرزمینی و تجارت محصولات غذایی

امتیاز وزن دار	امتیاز وضع موجود	وزن نرمال شده	امتیاز کل	عوامل داخلی	
0.222352253	4	0.056	95	S4	ایجاد مراکز ستادی برای فرماندهی راهبردی و مدیریت هوشمند از جمله قرارگاه امنیت غذایی و رصدخانه کشاورزی
0.142188414	3	0.047	81	S5	رشد سرمایه‌گذاری و تأمین مالی از طریق تبصره ۱۸ و نهضت اصلاح واحدهای صنعتی تعطیل و نیمه تعطیل در بخش کشاورزی
0.198946752	4	0.050	85	S6	تلاش در راستای افزایش ضریب نفوذ دانش و فناوری در بخش کشاورزی مانند ارتقای سامانه‌های نوین آبیاری، ایجاد پارک ملی علم و فناوری کشاورزی و منابع طبیعی، مزارع نمونه، حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان و اعلام اولیه برنامه الگوی کشت مناطق مختلف
0.145699239	3	0.049	83	S7	احیای قانون تمرکز وظایف و اختیارات مربوط به بخش کشاورزی در وزارت جهاد کشاورزی
0.224692803	4	0.056	96	S8	آغاز تلاش برای ثبت اسناد رسمی اراضی کشاورزی مطابق با نقشه های حد نگار و عکس‌های هوایی
0.147454652	3	0.049	84	S9	آغاز پایش و اجرای عملیاتی قانون ارتقای بهره‌وری در بخش کشاورزی
نقاط ضعف					
0.122878877	2	0.061	105	W1	نبود سیاست کلان و نظام حکمرانی خوب در حوزه کشاورزی و منابع طبیعی و ضعف در تشکلهای، نهادهای مدنی، نظام های بهره برداری و مدیریت مشارکتی

امتیاز وزن دار	امتیاز وضع موجود	وزن نرمال شده	امتیاز کل	عوامل داخلی	
0.047396138	1	0.047	81	W2	ضعف در زنجیره تأمین و زنجیره ارزش از جمله بروز نوسانات مقطعی در دسترسی به برخی نهاده‌ها (خوراک دام) یا کالاهای (مانند مرغ)، ضعف در نظام رهگیری محصولات کشاورزی، عدم کنترل واسطه‌گری، ناتوانی در تنظیم بازار به خصوص کالاهای یارانه‌ای، مداخلات غیر موجه در بازار از جمله قیمت‌گذاری دستوری برخی کالاها
0.03510825	1	0.035	60	W3	ضعف در برنامه‌ریزی تولید از جمله عملکرد کم محصولات در واحد سطح، بهره‌وری کم آب مصرفی و سایر نهاده‌های کشاورزی، نهادینه نشدن الگوی کشت محصولات کم آب‌بر و تولید مبتنی بر اقلیم، اتلاف منابع و محصولات در مراحل تولید، برداشت، فراوری و مصرف، فقدان برنامه کارآمد برای استفاده از ضایعات و پسماندها، عدم تأمین به‌هنگام نهاده‌ها به‌خصوص در بخش تأمین کود، دام و طیور، افزایش کشتار بی‌سابقه دام‌های مولد و قاچاق محصولات راهبردی به خارج
0.042129901	1	0.042	72	W4	اصلاح نادرست سیاست اختصاص ارز ترجیحی که موجب حذف حدوداً ۴۰۰ هزار میلیارد تومان یارانه از ابتدای زنجیره ارزش شد و همچنین عدم برنامه‌ریزی صحیح برای اختصاص منابع آزاد شده به مصرف‌کننده نهایی محصولات غذایی راهبردی. این امر سبب مشکلات اساسی در

امتیاز وزن دار	امتیاز وضع موجود	وزن نرمال شده	امتیاز کل	عوامل داخلی	
				تأمین مالی تولیدکنندگان به خصوص دامداران و تورم شدید قیمت محصولات غذایی گردیده و باعث کاهش تولید و به مخاطره افتادن سلامت جامعه به دلیل کاهش مصرف شده است	
0.118197776	2	0.059	101	W5	ضعف در مسائل اداری و پشتیبانی از جمله عدم کنترل ویژه خواری های اقتصادی در حوزه کشاورزی، ناکارآمدی نظام اداری، ضعف در تعامل بین دستگاهی و ضعف در پشتیبانی اداری و مالی کافی از کشاورزان است
0.043885313	1	0.044	75	W6	ناکارآمدی در صیانت از منابع طبیعی و حفاظت از محیط زیست همچون عدم اجرای قانون مبارزه با تغییر کاربری و تبدیل اراضی کشاورزی به مسکونی، بی توجهی به موضوع آب در دشت های ممنوعه و ضعف نظارت بر چاه های برقی و برداشت بی رویه آب های زیرزمینی، تخریب جنگل ها و مراتع و تهدید تنوع ژنتیکی گونه های وحشی و اهلی در مسیر توسعه کشاورزی، آلودگی آب، خاک و محصولات کشاورزی و ظهور آفات مقاوم با استفاده بیش از حد از سموم شیمیایی، عدم اجرای دقیق قانون حفاظت از خاک و عدم توجه به مدیریت پایدار منابع خاک
0.034523113	1	0.035	59	W7	ضعف در تأمین مواد مغذی اصلی خانوارها از جمله اختصاص ناکارآمد کالبرگ، حذف شیر مدارس و ... به طوری که سرانه

امتیاز وزن دار	امتیاز وضع موجود	وزن نرمال شده	امتیاز کل	عوامل داخلی	
				مصرف مواد مغذی به‌ویژه حامل های پروتئین حیوانی فاصله عمیقی با استانداردهای بهداشتی پیدا کرده است	
0.0327677	1	0.033	56	W8	ضعف در امنیت زیستی و کیفیت و سلامت غذا از جمله شیوع بیماری‌های همه‌گیر دامی، استفاده بی‌رویه از بذرها، تراریخته، کود و سموم شیمیایی و واردات محصولات غذایی بی-کیفیت و گاهی آلوده
0.0327677	1	0.033	56	W9	تراز تجاری منفی در بخش کشاورزی (رشد واردات بیشتر از صادرات) و خام‌فروشی محصولات کشاورزی.
0.042715038	1	0.043	73	W10	عدم برنامه‌ریزی برای جلوگیری از تخریب روستاها و کاهش جمعیت تولیدکنندگان بخش کشاورزی به صورت مقطعی یا دائمی
0.03978935	1	0.040	68	W11	وجود نقص و تأخیر در توزیع نهاده‌های اصلی کشاورزی به دلیل عدم شفافیت در سامانه‌ها و درگاه های مرتبط، توقف‌های طولانی مدت در گمرک و ضعف در ناوگان حمل و نقل محصولات کشاورزی
0.033937975	1	0.034	58	W12	ضعف سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی در حل مسائل فنی و تولید فناوری لازم و تحول آفرین از جمله نژادهای پربازده دام و طیور (لاین‌های تجاری)، بذرها، داروها، هورمون‌ها و واکسن‌ها و ناکارآمدی سامانه ترویج و عدم به کارگیری مؤثر دانشگاه‌ها در بخش کشاورزی

امتیاز وزن دار	امتیاز وضع موجود	وزن نرمال شده	امتیاز کل	عوامل داخلی	
0.047396138	1	0.047	81	W13	عدم ارائه برنامه اقدام مؤثر در راستای کاهش ضایعات محصولات کشاورزی و پسماندهای غذایی و بازیافت آنها
2.237565828		1	1709	جمع کل IFE	

جدول ۲: عوامل خارجی

امتیاز وزن دار	امتیاز وضع موجود	وزن نرمال شده	امتیاز کل	عوامل خارجی	
فرصت‌ها					
0.350180505	4	0.088	97	O1	ارز ترجیحی به‌منظور جلوگیری از افزایش قیمت کالاهای اساسی البته با نرخ ۲۸۵۰۰۰ ریال مجدداً اختصاص داده شده است.
0.364620939	4	0.091	101	O2	وجود فرصت‌های سرزمینی از جمله ظرفیت‌های متنوع اقلیمی کشور، وجود منابع طبیعی و ذخایر ژنتیکی گسترده، وجود سواحل عظیم شمال و جنوب و دسترسی به دریاها و اقیانوس‌ها برای توسعه آبی‌پروری و شیلات، قرار داشتن کشور در مسیرهای حمل و نقل تجاری بین‌المللی و وجود بازارهای بزرگ صادراتی در منطقه
0.444043321	4	0.111	123	O3	ظرفیت بزرگ منابع انسانی متخصص و توان مراکز علمی از جمله دانشگاه‌ها، شرکت‌های دانش‌بنیان و سازمان نظام مهندسی کشاورزی

امتیاز وزن دار	امتیاز وضع موجود	وزن نرمال شده	امتیاز کل	عوامل خارجی	
0.321299639	4	0.080	89	O4	دانش بومی گسترده و تجارب ارزشمند نیاکانی در روستاها و بخش کشاورزی که می‌تواند با خرد جمعی به بازتولید دانش و پیشرفت کشور کمک نماید
0.173285199	3	0.058	64	O5	تغییر معادلات بین‌المللی از جمله افزایش قیمت‌های جهانی ناشی از افزایش تورم در اروپا و بهره‌گیری از مزیت‌های صادراتی، عضویت در پیمان‌های مختلف بین‌المللی از جمله شانگهای و بریکس، امکان بهره‌مندی از حجم تجارت عظیم این پیمان‌ها و کشورهای همسایه و بهره‌مندی از فرصت پیچ تاریخی و جابه‌جایی قدرت از غرب به شرق
تهدیدها					
0.194945848	2	0.097	108	T1	نابسامانی‌های اقتصاد کلان کشور از جمله کاهش درآمد سرانه مردم، افزایش ضریب جینی، بالا بودن شاخص فلاکت، غیر موجه شدن بخش تولید در مقایسه با بخش‌های غیر مولد، خدماتی و واسطه‌گر به دلیل سود کمتر، نوسانات نرخ ارز و تورم فزاینده، ناکافی و نامتناسب بودن حجم یارانه‌های اختصاصی به بخش کشاورزی مبتنی بر نیاز کشور
0.140794224	2	0.070	78	T2	تهدیدهای بین‌المللی از جمله تحریم‌های سیاسی و اقتصادی، دیپلماسی ضعیف، عدم تأثیرگذاری در نهادهای بین‌المللی پشتیبان کشاورزی، وجود رقبای بزرگ اقتصادی در ربودن بازارهای منطقه‌ای و جهانی و تلاش قدرت‌های استکباری برای قراردادن کشور در مسیر ورشکستگی

امتیاز وزن دار	امتیاز وضع موجود	وزن نرمال شده	امتیاز کل	عوامل خارجی	
0.16967509	2	0.085	94	T3	کم‌توجهی به نهاد روستا در برنامه‌های کلان کشور (به‌عنوان مهم‌ترین واحد جغرافیایی مولد در بخش کشاورزی) و در نتیجه کاهش تولید، مهاجرت گسترده به سوی شهرها و البته تخریب ساختار اجتماعی و عرفی روستایی و عشایری
0.056859206	1	0.057	63	T4	مسائل اجتماعی و فرهنگی شامل بیکاری، مهاجرت نخبگان، کم‌انگیزی دانش‌آموختگان جوان، عدم وجود نظام شایسته‌سالار، محدودیت به‌کارگیری تحصیل‌کردگان در دستگاه‌های حاکمیتی و بروز بحران‌های اجتماعی
0.062274368	1	0.062	69	T5	وابستگی زیاد به واردات برخی مواد اولیه، نهاده‌ها و فناوری‌های پیچیده و نوظهور
0.064981949	1	0.065	72	T6	عدم تناسب الگوی مصرف جامعه با داشته‌ها و مزیت‌های نسبی سرزمینی
0.144404332	2	0.072	80	T7	بحران‌های اقلیمی و زیستی کشور شامل خشک‌سالی و کم‌آبی، مناقشات منطقه‌ای یا عدم هماهنگی با برخی کشورهای همسایه بر سر منابع آبی یا رعایت پروتکل‌های قرنطینه و امنیت زیستی، خسارت به محصولات به دلیل گستردگی روزافزون ریزگردها و آفات و بیماری‌ها، تغییرات آب و هوایی و رویدادهای حدی و بروز بیماری‌های همه‌گیر و نوظهور
0.063176895	1	0.063	70	T8	مداخلات غیر دوستانه بعضی از کشورهای همسایه در منطقه قفقاز و مرز ایران و ارمنستان همچنین

امتیاز وزن دار	امتیاز وضع موجود	وزن نرمال شده	امتیاز کل	عوامل خارجی
				تهدید برای توسعه تجارت با روسیه و کشورهای عضو CIS
2.550541516		1	1108	جمع کل EFE

جدول ۳: ماتریس SWOT

نقاط ضعف (W)	نقاط قوت (S)
<p>نبود سیاست کلان و نظام حکمرانی خوب در حوزه کشاورزی و منابع طبیعی و ضعف در تشکلهای، نهادهای مدنی، نظامهای بهره‌برداري و مدیریت مشارکتی</p>	<p>توجه و دیدگاه ویژه رئیس‌جمهور به مسائل کشاورزی و روستاها</p>
<p>ضعف در زنجیره تأمین و زنجیره ارزش از جمله بروز نوسانات مقطعی در دسترسی به برخی نهادهای (خوراک دام) یا کالاهای (مانند مرغ)، ضعف در نظام رهگیری محصولات کشاورزی، عدم کنترل واسطه‌گری، ناتوانی در تنظیم بازار به خصوص کالاهای یارانهای،</p>	<p>ایجاد مراکز ستادی برای فرماندهی راهبردی و مدیریت هوشمند از جمله قرارگاه امنیت غذایی و رصدخانه کشاورزی</p>

مداخلات غیرموجه در بازار از جمله قیمت‌گذاری دستوری برخی کالاها		
ضعف در مسائل اداری و پشتیبانی از جمله عدم کنترل ویژه‌خواری‌های اقتصادی در حوزه کشاورزی، ناکارآمدی نظام اداری، ضعف در تعامل بین دستگاهی، ضعف در پشتیبانی اداری و مالی کافی از کشاورزان	آغاز تلاش برای ثبت اسناد رسمی اراضی کشاورزی مطابق با نقشه‌های حدنگار و عکس‌های هوایی	
استراتژی‌های WO یا محافظه کارانه	استراتژی‌های SO یا تهاجمی	فرصت‌ها (O)
رفع نقاط ضعف در سیستم‌های اداری و تعامل بین دستگاهی در پشتیبانی اداری و مالی کافی از کشاورزان از طریق اختصاص ارز ترجیحی به منظور جلوگیری از افزایش قیمت کالاهای اساسی	استفاده از تلاش‌ها برای ثبت و ردیابی زمین‌های کشاورزی برای ایجاد برنامه‌های آموزشی بهبود یافته کشاورزی، آموزش و توسعه سرمایه انسانی	ارز ترجیحی به منظور جلوگیری از افزایش قیمت کالاهای اساسی البته با نرخ ۲۸۵۰۰۰ ریال مجدداً اختصاص داده شده است.
کاهش مشکلات مربوط به زنجیره تأمین از طریق بهره‌گیری از ظرفیت غنی و فرصت‌های سرزمینی	توجه و دیدگاه ویژه رئیس‌جمهور به مسائل کشاورزی و روستاها از طریق اختصاص ارز ترجیحی	وجود فرصت‌های سرزمینی از جمله ظرفیت‌های متنوع اقلیمی کشور، وجود منابع طبیعی و ذخایر ژنتیکی گسترده، وجود سواحل عظیم شمال و جنوب و دسترسی به

		دریاهای و اقیانوس‌ها برای توسعه آبی‌پروری و شیلات، قرار داشتن کشور در مسیرهای حمل و نقل تجاری بین‌المللی و وجود بازارهای بزرگ صادراتی در منطقه
ایجاد و تقویت سیاست کلان و نظام حکمرانی خوب در حوزه کشاورزی از طریق بهره‌گیری از توان و ظرفیت مراکز علمی	ایجاد مراکز ستادی برای فرماندهی راهبردی و مدیریت هوشمند از جمله قرارگاه امنیت غذایی و رصدخانه کشاورزی برای حکمرانی و مدیریت بهینه ظرفیت‌های متنوع اقلیمی کشور	ظرفیت بزرگ منابع انسانی متخصص و توان مراکز علمی از جمله دانشگاه‌ها، شرکت‌های دانش‌بنیان و سازمان نظام مهندسی کشاورزی
استراتژی‌های WT یا تدافعی	استراتژی‌های ST یا رقابتی	تهدیدها (T)
رفع نقاط ضعف در سیستم‌های اداری و تعامل بین دستگاهی در پشتیبانی اداری و مالی کافی از کشاورزان با رویکرد حل نابسامانی‌های اقتصادی کشور	مقابله با بی‌ثباتی اقتصادی و کاهش درآمد روستایی از طریق ایجاد مراکز ستادی برای فرماندهی راهبردی و مدیریت هوشمند از جمله قرارگاه امنیت غذایی و رصدخانه کشاورزی	نابسامانی‌های اقتصاد کلان کشور از جمله کاهش درآمد سرانه مردم، افزایش ضریب جینی، بالا بودن شاخص فلاکت، غیرموجه شدن بخش تولید در مقایسه با بخش‌های غیر مولد، خدماتی و واسطه‌گر به دلیل سود کمتر، نوسانات نرخ ارز و تورم فزاینده، ناکافی و نامتناسب بودن حجم یارانه‌های اختصاصی به بخش کشاورزی مبتنی بر نیاز کشور
تقویت حکمرانی خوب برای رفع مشکلات ناشی از کم‌توجهی به نهاد روستا در برنامه‌های کلان کشور	رفع تهدید کاهش تولید و تخریب ساختار اجتماعی روستایی به دلیل کم‌توجهی به نهاد روستا در برنامه‌های کلان کشور به علت توجه ویژه رئیس جمهور به روستاها و کشاورزی	کم‌توجهی به نهاد روستا در برنامه‌های کلان کشور (به‌عنوان مهم‌ترین واحد جغرافیایی مولد در بخش کشاورزی) و در نتیجه کاهش تولید، مهاجرت گسترده به سوی شهرها و البته تخریب

		ساختار اجتماعی و عرفی روستایی و عشایری
ارائه راهکارهای مناسب برای حل مشکل زنجیره تأمین با در نظر گرفتن بحران‌های اقلیمی و زیستی کشور	ثبت زمین‌های کشاورزی با استفاده از فناوری تصاویر هوایی برای شناسایی زمین‌های با پتانسیل مواجهه با بحران‌های اقلیمی و زیستی کشور در جهت کاهش خسارت به محصول و مناقشات منطقه‌ای	بحران‌های اقلیمی و زیستی کشور شامل خشک‌سالی و کم‌آبی، مناقشات منطقه‌ای یا عدم هماهنگی با برخی کشورهای همسایه بر سر منابع آبی یا رعایت پروتکل‌های قرنطینه و امنیت زیستی، خسارت به محصولات به دلیل گستردگی روزافزون ریزگردها و آفات و بیماری‌ها، تغییرات آب و هوایی و رویدادهای حادی و بروز بیماری‌های همه‌گیر و نوظهور

جدول ۴: ماتریس QSPM

WO3		WO2		WO1		قوت	
ضریب نمره	نمره جذابیت	ضریب نمره	نمره جذابیت	ضریب نمره	نمره جذابیت	ضریب (وزن نرمال شده)	عوامل اصلی
0.184	3	0.184	3	0.246	4	0.061	S1
0.096	2	0.192	4	0.096	2	0.048	S2
0.093	3	0.093	3	0.093	3	0.031	S3
0.167	3	0.222	4	0.111	2	0.056	S4
0.142	3	0.142	3	0.095	2	0.047	S5
0.199	4	0.199	4	0.099	2	0.050	S6
0.146	3	0.146	3	0.097	2	0.049	S7
0.112	2	0.112	2	0.056	1	0.056	S8
0.197	4	0.098	2	0.098	2	0.049	S9
1.336	27	1.389	28	0.992	20	0.447	جمع قوت‌ها

WO3		WO2		WO1		ضعف	
ضریب نمره	نمره جذابیت	ضریب نمره	نمره جذابیت	ضریب نمره	نمره جذابیت	ضریب (وزن نرمال شده)	عوامل اصلی
0.246	4	0.184	3	0.123	2	0.061	W1
0.095	2	0.190	4	0.190	4	0.047	W2
0.140	4	0.105	3	0.105	3	0.035	W3
0.169	4	0.084	2	0.169	4	0.042	W4
0.177	3	0.177	3	0.236	4	0.059	W5
0.132	3	0.132	3	0.088	2	0.044	W6
0.069	2	0.069	2	0.069	2	0.035	W7
0.066	2	0.033	1	0.033	1	0.033	W8
0.066	2	0.066	2	0.098	3	0.033	W9
0.171	4	0.085	2	0.085	2	0.043	W10
0.119	3	0.080	2	0.080	2	0.040	W11
0.136	4	0.068	2	0.068	2	0.034	W12
0.190	4	0.047	1	0.047	1	0.047	W13
1.774	41	1.320	30	1.391	32	0.553	جمع ضعف‌ها

WO3		WO2		WO1		فرصت	
ضریب نمره	نمره جذابیت	ضریب نمره	نمره جذابیت	ضریب نمره	نمره جذابیت	ضریب (وزن نرمال شده)	عوامل اصلی
0.088	1	0.088	1	0.350	4	0.088	O1
0.182	2	0.365	4	0.182	2	0.091	O2
0.444	4	0.444	4	0.222	2	0.111	O3
0.321	4	0.241	3	0.080	1	0.080	O4
0.058	1	0.058	1	0.116	2	0.058	O5
1.093	12	1.195	13	0.950	11	0.428	جمع فرصت‌ها

WO3	WO2	WO1	تهدید
-----	-----	-----	-------

عوامل اصلی	ضریب (وزن نرمال شده)	نمره جذابیت	نمره	ضریب	نمره جذابیت	نمره	ضریب
T1	0.097	3	0.292	2	0.195	2	0.195
T2	0.070	1	0.070	2	0.141	2	0.141
T3	0.085	1	0.085	2	0.170	1	0.085
T4	0.057	1	0.057	2	0.114	3	0.171
T5	0.062	2	0.125	2	0.125	2	0.125
T6	0.065	2	0.130	4	0.260	2	0.130
T7	0.072	1	0.072	3	0.217	2	0.144
T8	0.063	1	0.063	1	0.063	1	0.063
جمع تهدیدها	0.572	12	0.894	18	1.283	15	1.053
جمع کل		4.227		5.188		5.256	
رتبه بندی		3		2		1	

مطابق تحلیل‌های انجام شده که نتایج آن در جدول فوق ارائه شده است، اولویت به‌کارگیری راهبردهای محافظه‌کارانه با ایجاد و تقویت سیاست کلان و نظام حکمرانی خوب در حوزه کشاورزی از طریق بهره‌گیری از توان و ظرفیت مراکز علمی است. سپس راهبردهای کاهش مشکلات مربوط به زنجیره تأمین از طریق بهره‌گیری از ظرفیت غنی و فرصت‌های سرزمینی و نیز رفع نقاط ضعف در سیستم‌های اداری و تعامل بین دستگاهی در پشتیبانی اداری و مالی کافی از کشاورزان از طریق اختصاص ارز ترجیحی به‌منظور جلوگیری از افزایش قیمت کالاهای اساسی قرار گرفته‌اند. در ادامه و در بخش پایانی این پژوهش، گزینه‌های سیاست‌نامه بر اساس موارد تحلیل شده در این پژوهش ارائه شده است.

۴. نتیجه‌گیری و پیشنهاد

تحلیل استراتژیک و سیاست‌گذاری برای امنیت غذایی در حکمرانی سرزمینی با استفاده از روش SWOT-QSPM بینش‌های مهمی را ارائه کرده است. نتایج حاکی از آن است که وضعیت کنونی امنیت غذایی کشور دارای نقاط ضعف بیش از نقاط قوت است، اما فرصت‌های مناسبی نیز وجود دارد که می‌توان با رویکردهای برنامه‌ریزی منطقی و حکمرانی از آن‌ها بهره برد.

استراتژی‌های اولویت‌بندی شده از طریق تحلیل QSPM بر ایجاد و تقویت سیاست‌های کلان و نظام حکمرانی خوب در بخش کشاورزی با استفاده از ظرفیت مراکز علمی متمرکز است که شامل رفع نقاط ضعف در سیستم‌های اداری و زنجیره تأمین و همچنین ارائه حمایت اداری و مالی کافی به کشاورزان می‌شود.

گزینه‌های سیاست ارائه شده طیف وسیعی از حوزه‌ها را شامل می‌شود؛ از جمله توسعه حکمرانی خوب در کشاورزی، بهبود خودکفایی و بهره‌وری، احیای نواحی روستایی، بهینه‌سازی الگوهای تولید و مصرف مواد غذایی، تقویت دانش و فناوری کشاورزی، تقویت زنجیره تأمین و ارزش، ارائه حمایت اقتصادی از این بخش، مدیریت پایدار منابع آب و خاک، تضمین ایمنی مواد غذایی و ترویج دیپلماسی منطقه‌ای و جهانی. اجرای این توصیه‌های راهبردی و سیاستی به‌صورت هماهنگ می‌تواند به کشور کمک کند تا شرایط امنیت غذایی خود را در مواجهه با چالش‌های مختلف داخلی و خارجی افزایش دهد. نظارت مستمر، ارزیابی و انطباق این سیاست‌ها برای اطمینان از اثربخشی و ارتباط آن‌ها در طول زمان بسیار مهم خواهد بود و به‌طور کلی، یک رویکرد جامع و چندوجهی برای دستیابی به امنیت غذایی پایدار برای کشور مورد نیاز است.

با توجه به نقش و اهمیت موضع برنامه‌ریزی بر اساس سیاست‌گذاری مناسب در موضوع امنیت غذایی و بر اساس نتایج به‌دست‌آمده از تحلیل نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیدهای پیش روی دولت، گزینه‌های ذیل در جهت بهره‌برداری سیاست‌مداران این حوزه برای برنامه‌ریزی صحیح و با قابلیت اجرایی شدن پیشنهاد می‌شود. در این راستا، باید سیاست‌های کلان و نظام حکمرانی خوب در کشاورزی و منابع طبیعی همراه با مردمی‌سازی، تقویت نهادهای مدنی، تشکل‌های صنفی، نظام‌های بهره‌برداری و مدیریت مشارکتی تدوین شود.

- ❖ ارتقای ضرایب خودکفایی و خوداتکایی در نهاده‌ها و محصولات راهبردی از طریق افزایش عملکرد و سطح زیر کشت (و تولید) در مناطق مستعد مبتنی بر آمایش سرزمین، تولید قراردادی، توسعه کشت گلخانه‌ای، تقویت و احیای دیم‌زارها و مراتع، توجه بیشتر به تولیدات کشاورزی دریا پایه و استفاده اقتضایی از کشت فرا سرزمینی؛
- ❖ احیا و توسعه پایدار روستایی به‌منظور تقویت مهم‌ترین نهاد مولد کشاورزی با توجه به تنوع و ظرفیت اقلیمی کشور و دانش ضمنی به‌ویژه در سواحل جنوبی و حاشیه مناطق بیابانی و نیمه بیابانی؛

- ❖ اصلاح الگوی تولید و مصرف مواد غذایی با توجه به مزیت‌های نسبی کشور و مؤلفه‌های ایرانی - اسلامی و ترویج مصرف غذای سالم با استفاده از ظرفیت مردمی‌سازی و بهره‌گیری از دانش بومی و تجارب زیسته نیاکانی و علوم روز دنیا؛
- ❖ بهبود بهره‌وری تولید از طریق ارائه برنامه جامع ارتقای بهره‌وری و تولید دانش و فناوری‌های پیشرفته و تحول‌آفرین با استفاده از توان گسترده مراکز علمی، دانش‌آموختگان، دانشمندان و شرکت‌های دانش‌بنیان و افزایش مهارت دانش‌آموختگان دانشگاه‌ها؛
- ❖ برنامه‌ریزی برای ایجاد ارتباط منسجم و مداوم محققین، اساتید و کارشناسان کشاورزی با روستاها و مناطق کشاورزی به‌منظور ارتقای ضریب نفوذ علم و ترویج و انتقال دستاوردهای پژوهشی؛
- ❖ تقویت زنجیره تأمین، ارزش و توزیع از طریق مشارکت تشکل‌های مردمی، توسعه صنایع تبدیلی و نشان‌سازی و تقویت رصدخانه کشاورزی ایران در جهت تدقیق آمارها، حکمرانی داده‌های کشاورزی، تقویت هوشمندسازی و ایجاد سامانه‌های نظارتی؛
- ❖ حمایت اقتصادی و تأمین مالی بخش کشاورزی با راهکارهایی مانند تخصیص یارانه در حلقه‌های کارآمد زنجیره ارزش، افزایش سهم تولیدکنندگان از نهاده‌های دولتی و ارزش‌افزوده، قیمت‌گذاری و خرید تضمینی و بهبود شرایط بیمه محصولات کشاورزی؛
- ❖ اهتمام به توسعه حکمرانی منابع آب و محیط‌زیست، تقویت مدیریت مشارکتی حوضه‌های آبریز، محدود کردن سدسازی و جلوگیری از انتقال آب بین حوضه‌ای و همچنین رعایت حبابه تالاب‌ها و دریاچه‌ها با رساندن رواناب کافی از درون حوضه آبریز و بهره‌گیری از پساب کشاورزی برای استفاده مجدد در چرخه آبیاری، تمرکز تولید بر بهره‌برداری بیشتر از آب‌های آبی به‌جای سبز و ارتقای بازده آبیاری و احیای قنات‌ها؛
- ❖ ارائه برنامه اقدام در راستای مدیریت پایدار منابع خاک، کاهش فرسایش و آلودگی خاک‌ها، از طریق کنترل سیلاب‌ها و کشاورزی کم‌نهاده و سالم؛
- ❖ حمایت اقتصادی جدی از دهک‌های کم‌درآمد جامعه از طریق تخصیص یارانه‌های مستقیم به کالاهای اصلی در سبد امنیت غذایی یا ارائه دوره‌ای

- این سبد به دهک‌های پایین‌تر به‌منظور بهبود سرانه مصرف مواد مغذی ضروری و تقویت سلامت جامعه؛
- ❖ ارائه برنامه اقدام و طرح عملیاتی در راستای توسعه ایمنی غذایی در کنار ارائه برنامه اقدام سند امنیت غذایی؛
 - ❖ ارتقای دیپلماسی منطقه‌ای و جهانی در راستای حفظ منافع ملی و بخش کشاورزی از جمله سهم کشور از منابع آبی، جلوگیری از بحران‌های اقلیمی و زیستی و برقراری روابط تجاری پایدار؛
 - ❖ ارتقای دولت الکترونیک در راستای کاهش دیوان‌سالاری و ارتقای شفافیت، عدالت و تسریع در امور؛
 - ❖ بازبینی جدی الگوی کشت و تدوین الگوی کشت پایدار با بهره‌گیری از همه ظرفیت‌های وزارت جهاد کشاورزی، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، شرکت‌های دانش‌بنیان و تشکل‌های مردمی؛
 - ❖ ارائه برنامه اقدام در راستای کاهش ضایعات کشاورزی و غذایی در زنجیره تأمین (تولید، برداشت، فراوری و مصرف)، حمایت از صنایع تبدیلی و تکمیلی برای فراوری بهینه و بازیافت و استفاده از ضایعات و پسماندهای کشاورزی.

فهرست منابع

- توحیدی، آرمین؛ گرجی، منوچهر؛ رفیعی، غلامرضا؛ قربانی، مهدی؛ جوادی، ارژنگ؛ رفیعی، حامد؛ ساریخانی، سعادت؛ حسینی، سید احمد؛ آل محمد، سیده؛ افخمی، مریم (۱۴۰۲). گزارش سیاستی برای ارزیابی نخبگانی عملکرد دولت سیزدهم، ارزیابی عملکرد وزارت جهاد کشاورزی و دولت در حوزه امنیت غذایی. بنیاد ملی نخبگان.
- قریب، حسین (۱۳۹۱). چشم‌انداز امنیت غذایی در جمهوری اسلامی ایران. راهبرد (۴)۳۱.
- پهلوانی، مصیب؛ مرادی، ابراهیم؛ فرامرزپور، راحله (۱۳۹۳). تدوین و انتخاب استراتژی توسعه پایدار بخش کشاورزی استان سیستان و بلوچستان بر اساس تحلیل SWOT و ماتریس برنامه‌ریزی کمی QSPM، اولین همایش ملی افق‌های نوین در توانمندسازی و توسعه پایدار معماری، عمران، گردشگری، انرژی و محیط زیست شهری و روستایی، همدان.
- سلیمانی روزبهانی، محسن؛ دانه‌کار، افشین؛ باقری، علی (۱۴۰۲). بررسی جایگاه محیط‌زیست در ابزارهای حکمرانی ایران. راهبرد (۲)۳۲.
- علیرضا، فرخ؛ آقازادگان، پروین؛ آقازادگان، حسین؛ آقازادگان، جمال‌الدین؛ آقازادگان، آیشن؛ زاهدی، مرجان (۱۴۰۲). کشاورزی پایدار و امنیت غذایی، کشاورزی و توسعه پایدار شماره ۱۰۰.

References


- Gharib, H. (2013). Current Situation of Food Security in Iran and Future Outlook. *Strategy*, 21(4), <https://dorl.net/dor/20.1001.1.10283102.1391.21.4.11.9> (In persian).
- Pahlavi, M., Moradi, E., & Faramarzpour, R. (2014). Compilation and selection of sustainable development strategy of agricultural sector of Sistan and Baluchistan province based on SWOT analysis and QSPM quantitative planning matrix The First National Conference on New Horizons in Empowerment and Sustainable Development of Architecture, Civil Engineering, Tourism, Energy and Urban and Rural Environment, <https://civilica.com/doc/293292> (In persian).
- Pearce, J. A., & Robinson, R. B. (2015). Strategic management: Planning for domestic & global competition. (No Title).
- Porter, M. E. (1996). What is strategy?
- Soleymani Roozbahani, M., Daneh-Kar, A., & Bagheri, A. (2023). A Review of Environmental Priorities in Iran's Governance Instruments. *Strategy*, 32(2), 241-272. <https://doi.org/10.22034/rahbord.2023.423943.1614> (In persian).
- Wehrich, H. (1982). The TOWS matrix—A tool for situational analysis. *Long range planning*, 15(2), 54-66.

Components of Foundational Cultural Governance in the Thought of Ayatollah Khamenei

Seyed Javad Hosseini

faculty member, Imam Sadeq University (AS). Faculty of Islamic Studies and Political Science, Tehran, Iran (Corresponding Author).


Email: s.j.hosseini66@gmail.com

 0009-0005-7897-161X

Mohammad Ali Samiee

Master of Islamic Studies and Political Science, Imam Sadiq University, Tehran, Iran.

Email: ma.samiee75@gmail.com

 0002-3799-4240-5174

Abstract

These days, the concept of cultural governance and its components is gaining attention in many countries around the world. Even in nations that have had a minimal approach to culture, culture is being used as a tool to implement the necessary policies for today's societies. The relationship between the two areas of "culture" and "governance" has been a focus for thinkers and rulers recently, and this reciprocal relationship between culture and governance holds potential for management and cultural changes in the Islamic Republic, some of which have already been realized. The main question of this research is: What are the components of foundational cultural governance in the thoughts of Ayatollah Khamenei? This research takes an inductive approach and employs a qualitative method based on grounded theory. To identify the components of foundational cultural governance, the statements and viewpoints of the leader from 1989 to 2023 were analyzed, and then 165 statements related to foundational cultural governance were gathered. For a precise content analysis, the software 2020Maxqda was used, and relevant points related to the research topic were extracted from selected paragraphs in the form of coded themes and concepts. After examining the statements, 430 propositions were extracted; in the open coding phase, 750 codes were developed; in the axial coding phase, 195 concepts were identified; and finally, from the selective coding, 43 main categories emerged, which were analyzed under four foundational components: cultural management, cultural engineering, strategic cultural management, and cultural policymaking.

Keywords: Governance, Basic culture, Ayatollah Khamenei, Foundation data.

E-ISSN: 2588-6525 / Center for Strategic Research / The Scientific Journal of Strategy

Journal of "The Scientific Journal of Strategy" © 11 years by Center for Strategic research is licensed under [CC BY 4.0](https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/)



 10.22034/RAHBORD.2024.457344.1665



مؤلفه‌های حکمرانی فرهنگ پایه در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی)

سید جواد حسینی

عضو هیئت علمی دانشکده معارف اسلامی و علوم سیاسی، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

Email: s.j.hosseini66@gmail.com

0009-0005-7897-161X

محمدعلی سمیعی

کارشناسی ارشد معارف اسلامی و علوم سیاسی، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران.

Email: ma.samiee75@gmail.com

0002-3799-4240-5174

چکیده

حکمرانی فرهنگ پایه دستگاهی مفهومی است که جاری‌سازی آن در ساحت کلان، به چرخش منظر و بنیان‌های مسلط بر ساحت سیاست‌گذاری منتج می‌شود. از یک منظر می‌توان گفت در آن، فرهنگ، نه رویکرد و زاویه دید بلکه به‌مثابه بنیان و مبنای حکمرانی مورد توجه قرار می‌گیرد. از سوی دیگر با توجه به زیست‌بوم و بافتار فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و همچنین ارزش‌ها و هنجارهای نظام، توجه به رویکرد فوق و صورت‌بندی و سامان‌بخشی مناسبات حکمرانی و فرهنگ را ضروری می‌نماید. پژوهش حاضر در پی پاسخ به این سؤال است که با توجه به اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای مؤلفه‌های حکمرانی فرهنگ پایه را استخراج و تدوین نماید. مؤلف در مرحله گردآوری داده از روش اسنادی و کتابخانه‌ای بهره برده و در ساحت تحلیل داده‌ها بر اساس نظریه داده بنیاد پیش رفته است؛ بنابر این در مرحله نخست گفتارهای آیت‌الله خامنه‌ای در سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۴۰۲ مورد تحلیل قرار گرفت و در حدود ۱۶۵ گفتار که ارتباط وثیقی با پژوهش حاضر داشتند، گردآوری شد. محتوای استخراج‌شده با استفاده از نرم‌افزار Maxqda 2020 به‌صورت دقیق تجزیه و تحلیل شد و واحدهای مضمونی که تناسب غلیظ‌تری با موضوع داشتند، انتخاب و پس از صورت‌بندی در قالب کدها و مضامین پایه سامان‌دهی شدند. با بررسی گفتارها و دستیابی به حدود ۴۳۰ گزاره، ۷۵۰ مضمون پایه، ۱۹۵ مفهوم محوری و سازمان‌دهنده و در نهایت با استفاده از کدگذاری انتخابی ۴۳ مضمون فراگیر حاصل شد که می‌توان آن را در چهار کلان مفهوم سیاست‌گذاری فرهنگی، مهندسی فرهنگی، مدیریت فرهنگی، مدیریت راهبردی فرهنگی صورت‌بندی کرد. در نتیجه این پژوهش حکمرانی فرهنگ پایه به‌عنوان یکی از اصول بنیادین نظام جمهوری اسلامی و حکومت اسلامی، در نظریه آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی) به‌عنوان راهکاری کلیدی برای نیل به اهداف انقلاب اسلامی به‌طور ویژه‌ای مطرح شده است. ایشان بر این باورند که فرهنگ اسلامی، به‌عنوان یکی از اجزای اساسی هویت ملی، می‌بایست در سیاست‌های کلان کشور به‌عنوان محوری بنیادین و راهبردی مورد توجه قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: حکمرانی، فرهنگ پایه، آیت‌الله خامنه‌ای، داده بنیاد.



مقدمه و بیان مسئله

فرهنگ از جمله مسائلی بوده است که همواره مورد توجه سیاستمداران قرار داشته است. رابطه دو حوزه «فرهنگ» و «حکمرانی» نیز از جمله مسائل مورد توجه اندیشمندان و حکمرانان بوده است. بر اساس علوم دینی و مدرن دو رویکرد نسبت به ارتباط دو مقوله فرهنگ و حکمرانی وجود دارد، یکی از رویکردها به اصالت بخشی فرهنگ در برابر سیاست اذعان داشته و رویکرد دوم به اصلاح فرهنگ توسط سیاست می‌پردازد. در رویکرد اول فرهنگ به مردم واگذار شده و عملاً فرهنگ سازنده سیاست شناخته می‌شود؛ اما در رویکرد دوم سیاستمداران نظارت در عرصه فرهنگ را بر عهده می‌گیرند. در واقعیت عرصه حکمرانی، ترکیبی از این دو رویکرد به گونه‌های مختلف به کار برده می‌شود. در اینجا منظور از حکمرانی، عمل یا شیوه حکومت کردن بوده که با اعمال قدرت رهبران جوامع مختلف در مدیریت و توسعه کشورها در ابعاد سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی مؤثر است (اکرامی، ناظمی اردکانی، ۱۳۸۳: ۱۰۳). مفهوم حکمرانی و قدرت نرم توسط جوزف نای در سال ۱۹۹۰ مطرح شد (Nye, 1990). حکمرانی یا قدرت نرم، امری ضروری برای موفقیت سیاستها است (Sharp, 2004, p. 423). این نوع از قدرت به شهرت و حسن نیت یک کشور در جوامع بین‌المللی و انتقال اطلاعات بین دولت‌ها و ملت‌ها وابسته است. قدرت نرم، با جذب و مجذوب کردن به جای اجبار یا امتیاز دادن، برای دستیابی به خواسته‌ها از طریق جذابیت‌های فرهنگی و ایده‌های سیاسی ایجاد می‌شود (نای، ۱۳۸۷: ۴۳-۴۵). از عوامل اثرگذار در حوزه حکمرانی، اندیشه و آرای رهبران دینی و فرهنگی است. آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر انقلاب اسلامی، یکی از شخصیت‌های برجسته در این زمینه است که به بررسی و تدوین مؤلفه‌های حکمرانی فرهنگ پایه پرداخته است. البته باید به این مسئله توجه کرد که آنچه انقلاب اسلامی را از سایر انقلاب‌ها متمایز ساخته است، وجه فرهنگی و جنبه نرم‌افزارگرایانه آن، تجلی قدرت نرم انقلاب اسلامی ایران و از جمله شاخص‌های اصلی قدرت ملی جمهوری اسلامی ایران است. این قدرت نرم انقلاب اسلامی، امکان ساقط شدن بنیان‌های قدرت سخت‌افزاری رژیم پهلوی و به چالش کشیده شدن سلطه‌گران جهانی را فراهم نمود (ابوالفتحی، پیرمحمدی، ۱۳۹۳: ۳۰).

امروزه سیاست‌گذاری فرهنگی به دیدگاه‌های نخبگان و کارگزاران سیاسی حداقل در مرحله نظارت وابسته است و می‌توان بر اساس نقش نخبگان و سیاستمداران دیدگاه‌ها و تعاریف مختلفی از سیاست‌گذاری فرهنگی ارائه داد.

همچنین سیاست‌گذاری فرهنگی ابزار دولت‌ها و حاکمیت‌ها برای اثرگذاری و مدیریت حوزه امور عمومی به‌عنوان شکل‌دهنده به ذهن و رفتار عمومی جامعه است که در رفتار عموم مردم، آداب و رسوم، سبک زندگی و الگوی مصرف تجلی پیدا می‌کند. آیت‌الله خامنه‌ای همواره به اصالت فرهنگ تأکید می‌کنند و در حوزه نظر و عمل، فرهنگ را مقدم بر عرصه سیاست و حتی اقتصاد می‌دانند. ایشان از فرهنگ به‌عنوان جهت‌دهنده همه اقدام‌های اساسی و زیربنایی جوامع بشری و شتاب‌دهنده یا کندکننده آن نام می‌برند و برای رسیدن به تمدن اسلامی فرهنگ‌سازی را در هریک از اجزای تمدنی جامعه، برترین وسیله پیشرفت و بی‌نیازکننده از ابزارهای الزام‌آور و تحکمی می‌دانند (سمعی، ۱۴۰۲: ۲۵). با توجه به منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای، همان‌طور که اشاره شد فرهنگ داری جایگاه اثرگذار بوده، البته برخی معتقدند تاکنون، صورتی تقلیل یافته از بیانات و منویات رهبری در این مسیر محقق شده که در قالب مفهوم پیوست‌نگاری فرهنگی قابل مشاهده است. به همین دلیل در خلأ رویکرد حکمرانی فرهنگ‌پایه، مسائل حکمرانی از دریچه اقتصادی یا سیاسی و امنیتی صرفاً مد نظر قرار می‌گیرند و به فرهنگ تنها به‌عنوان پیوستی تزیینی برای سایر حوزه‌های مأموریتی نگریسته می‌شود. این نگاه منجر به سردرگمی حاکمیت در تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی، تشتت نظری و عملی سیاست‌گذاران و کارگزاران در خصوص سیاست‌ها، اقدامات و درنهایت ایجاد ترکیبی ناهمگون از رویکردهای نئولیبرالیستی، سوسیالیستی، اسلام‌گرایانه و ... برای فهم نظام مسائل کشور شده است. بنابر این تبیین و تفسیر مؤلفه‌های حکمرانی فرهنگ‌پایه در افکار آیت‌الله خامنه‌ای در جهت تحقق اهداف انقلاب اسلامی و ارتقای سطح فرهنگ و اخلاق در جامعه ضرورت می‌یابد. هدف اصلی این مقاله تبیین مؤلفه‌های حکمرانی فرهنگ‌پایه در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای است. این پژوهش اکتشافی است و دارای فرضیه نیست. سؤال اصلی این پژوهش عبارت است از مؤلفه‌های حکمرانی فرهنگ‌پایه در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای چیست؟

۱. پیشینه پژوهش

پس از بررسی پژوهش‌ها و مطالب مرتبط با موضوع این پژوهش، می‌توان مطالعات گذشته را در دو سطح از حیث محتوا تقسیم کرد؛ الف. آثاری که به تحلیل نقش فرهنگ در حکمرانی از نظر آیت‌الله خامنه‌ای پرداخته است:

جمشیدی (۱۴۰۰) در کتاب درآمدی بر اندیشه فرهنگی آیت‌الله خامنه‌ای؛ به‌صورت تحلیلی و منظومه‌وار دیدگاه‌های فرهنگی آیت‌الله خامنه‌ای را بیان کرده و اندیشه‌های فرهنگی ایشان را در قالب منظومه فکری به‌صورت نظام‌مند و ساختارمند بیان کرده است. این اثر به ساخت‌های معرفتی و فکری و همچنین نموده‌ها و مصداق‌های عینی اندیشه فرهنگی آیت‌الله خامنه‌ای نیز می‌پردازد.

غفاری (۱۳۹۴) در کتاب از نیمه خرداد پس از معرفی اندیشه و رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، به تبیین و تفهیم اندیشه و رفتارهای ایشان می‌پردازد.

علی شیری (۱۳۸۸) با عنوان طراحی سیستم فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر بیانات مقام معظم رهبری به بررسی ابعاد گوناگون فرهنگ جمهوری اسلامی ایران پرداخته و بیانات مقام معظم رهبری به‌عنوان ولی‌فقیه و سیاست‌گذار کلان کشور را به‌عنوان مبنا برگزیده است تا آن‌ها را در قالب بیانیه، مأموریت و سیاست‌های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران تبیین نماید.

صحرايي و همکاران (۱۳۹۹) به‌وسیله روش‌های نظریه‌پردازی داده بنیاد، با رویکرد تفسیری و هدف کاربردی، الگوی بومی برای رهبری راهبردی و هدایت سازمان‌های فرهنگی را تدوین کرده است که با توجه به دیدگاه‌ها و نظرات رهبر معظم انقلاب، به بهبود عملکرد و ارتقای اهداف این سازمان‌ها کمک خواهد کرد.

شریعتی (۱۳۹۳) در پژوهشی بررسی می‌کند که چگونه فرهنگ به‌عنوان یک راهبرد مؤثر در جنگ نرم مورد استفاده قرار می‌گیرد و نشان می‌دهد که دشمنان جمهوری اسلامی با تغییر باورها و نگرش مردم، به تهاجم فرهنگی و تهدید استقلال کشور و دستاوردهای انقلاب اسلامی می‌پردازند؛ اما راهبردهای مدیریت بحران فرهنگی و مصون‌سازی جامعه در برابر این تهاجمات هنوز تدوین نشده است. هدف این مقاله، تدوین راهبردهای بهینه برای مدیریت بحران و مصون‌سازی جامعه در برابر تهاجم فرهنگی و نفوذ فرهنگ غربی است.

ب: آثاری که به برخی از مؤلفه‌های حکمرانی فرهنگ‌پایه در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای اشاره دارد:

جهان‌بین (۱۳۹۷) به تبیین دیدگاه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در مدیریت فرهنگ با استفاده از روش کیفی پرداخته است و بر اساس مفاهیم کلیدی و اصول آن به الگوی مدیریت فرهنگ از منظر آیت‌الله خامنه‌ای می‌پردازد.

صمدیان (۱۳۹۳) به واکاوی مفهوم مهندسی فرهنگی در دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی) پرداخته و نتایج آن نشان می‌دهد که رسیدن به فرهنگ متعالی و

ارزش‌های اسلامی، فلسفه وجودی رسالت نظام جمهوری اسلامی است. همچنین مدیریت و مهندسی فرهنگی می‌تواند موجبات تحول در جامعه را فراهم کند. وظیفه برنامه‌ریزی حوزه فرهنگ به عهده شورای عالی انقلاب فرهنگی است و مردم نیز می‌توانند به‌عنوان صاحبان و مروجان فرهنگ، شرکای مدیریت نظام فرهنگی باشند.

قیدرلو و جان قربان (۱۴۰۱) در مقاله‌ای با عنوان زیست‌بوم فرهنگی؛ چهارچوبی برای فرهنگ و الگوی حکمرانی فرهنگ‌پایه در جمهوری اسلامی ایران ایجاد کرده‌اند. در این پژوهش مفهوم حکمرانی فرهنگ‌پایه به معنای سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی برای تحقق اصول مبتنی بر اصالت بخشی به فرهنگ مطلوب معیار است. این فرهنگ معیار در نظام جمهوری اسلامی ایران، فرهنگ انقلاب اسلامی با مبانی و خاستگاه‌های معرفتی بر اساس آموزه‌های اسلامی شیعی است؛ که عدم توجه به این رویکرد در عرصه حکمرانی مهم‌ترین عامل شکل‌گیری سیاست‌ها و خط‌مشی‌های متضاد در عرصه‌های مختلف حکمرانی و اقدامات پراکنده، مقطعی، غیرفرهنگی و بعضاً ضد فرهنگی است. در نتیجه این پژوهش ساختار حکمرانی بر دو مبنای مرجعیت عرفی دین و تحقق رفاه به قید سعادت بازطراحی شده است. در ادامه به بررسی برخی از منابع بین‌المللی مرتبط با موضوع نیز می‌پردازیم.

«استیفن بانگای»^۱ و «میشل گولد»^۲ (۱۹۹۱) تحقیقی درباره آفرینش یک نظام کنترل استراتژیک فرهنگی انجام داده‌اند. این پژوهش با تمرکز بر کنترل استراتژیک فرهنگی و فرایند توسعه آن ارائه و در نتیجه، هفت عامل اصلی از ویژگی‌های الگوی فرهنگی شناسایی شده‌اند که در پرسش‌نامه استاندارد برای اندازه‌گیری این عوامل مورد استفاده قرار گرفته‌اند؛ این عوامل شامل «سازگاری»، «مسئولیت‌پذیری»، «پاداش»، «صمیمیت و حمایت»، «رهبری استانداردها» و «شفافیت سازمانی» هستند.

«هچ»^۳ (۱۹۹۳) در کتاب تئوری سازمان، پویایی‌های فرهنگی را بررسی کرده و اینکه فرهنگ چگونه از مصنوعات، نمادها، ارزش‌ها و مفروضات تشکیل شده است و چگونه تعاملات بین این عناصر به تغییرات در فرهنگ منجر می‌شود. این ارتباطات دوطرفه باعث پایداری فراگردهای توصیف‌شده در مدل شده و هر تلاشی برای تغییر در فرهنگ، تأثیرات گسترده‌ای را در پی دارد.

1. Bungay, S
2. Goold, M
3. Hatch

«شاین»^۱ (۱۹۹۲) در کتاب «فرهنگ‌سازمانی و رهبری» به تبیین مفاهیم کلی فرهنگ‌سازمانی و ارتباط آن با رهبری پرداخته است و فرهنگ‌سازمانی را به‌عنوان مجموعه‌ای از راه‌حل‌ها برای مسائل داخلی و خارجی سازمان معرفی می‌کند. مطالعات پیشین در حوزه حکمرانی فرهنگ‌پایه، عمدتاً از دیدگاه‌های اسلامی، علمی و تخصصی بوده‌اند و از منابع و مستندات علمی بهره گرفته‌اند و از تنوع موضوعی و مفهومی بالایی برخوردار بوده‌اند، اما از لحاظ بررسی حکمرانی فرهنگ‌پایه، دارای خلأ بوده‌اند. در مطالعات پیشین، مؤلفه‌های حکمرانی فرهنگ‌پایه بر اساس اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای ارائه نشده است؛ بنابر این، پژوهش حاضر دارای نوآوری است زیرا تاکنون کاری مختص به حکمرانی فرهنگ‌پایه که در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای باشد و از انسجام لازم برخوردار باشد، صورت نگرفته است. در این پژوهش تلاش شده است خلأ تبیین حکمرانی فرهنگ‌پایه در سبک رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای که در پژوهش‌های گذشته وجود داشته است را پوشش دهیم و با ارائه حکمرانی فرهنگی در اندیشه و عمل رهبر معظم انقلاب، مباحث موجود اعم از مؤلفه‌های حکمرانی فرهنگ‌پایه در اندیشه ایشان که شامل تفکر فرهنگی، سیاست‌گذاری فرهنگی و اجرای سیاست‌های کلان فرهنگی است را تبیین و بررسی نماییم.

۲. چهارچوب مفهومی و نظری

در این بخش ابتدا به تعریف مفاهیم اصلی پژوهش پرداخته می‌شود و سپس بنیادهای نظری پژوهش مورد بررسی قرار می‌گیرد؛

۲-۱. فرهنگ

واژه فرهنگ از ریشه مذهبی در زبان لاتین می‌آید و در زبان‌های دیگر به معانی مختلفی استفاده می‌شود (نقیب‌زاده، ۱۳۸۰: ۷۰). در جامعه‌شناسی، فرهنگ به معنای دانش، هنر، اخلاق و رسوم استفاده می‌شود. اندیشمندان غربی تعاریف مختلفی از فرهنگ ارائه داده‌اند، از جمله تعاریفی که فرهنگ را به‌عنوان مجموعه‌ای از هنجارها و ارزش‌ها می‌داند و تعاریفی که آن را به‌عنوان وسیله‌ای برای حل مسائل می‌شناسد. رالف لینتون فرهنگ را به‌عنوان راه و رسم زندگی اعضای یک جامعه معرفی کرده

1. Edgar H Schein

است و اندیشمندان دیگر نیز تعاریف مختلفی از فرهنگ ارائه داده‌اند (آشوری، ۱۳۹۳: ۵۲). درنهایت، یک تعریف جامع از فرهنگ بسیار دشوار به نظر می‌رسد. به‌طور کلی فرهنگ از دیدگاه اندیشمندان غربی از شش لایه تشکیل شده است که شامل باورها، ارزش‌ها، هنجارها، نمادها و اسطوره‌ها، آیین‌ها و آداب و رسوم است (آشوری، ۱۳۹۳: ۷۵).

آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی) تاکنون تعریفی مجزا از فرهنگ ارائه نداده‌اند. با رجوع به منابع مختلف جهت دستیابی به تعریف فرهنگ از منظر ایشان نشان می‌دهد که ایشان به فرهنگ به‌عنوان یک مفهوم گسترده و اساسی در جامعه نگاه می‌کنند و فرهنگ را به‌عنوان مجموعه‌ای از ارزش‌ها، صفات مطلوب، بایدها، واجبات و ... تعریف می‌کنند. این تعریف نشان می‌دهد، فرهنگ نه تنها شامل عناصر مادی مانند لباس و معماری است، بلکه شامل باورهای ذهنی و خصلت‌های اخلاقی یا به تعبیری عناصر معنوی نیز می‌شود و همچنین به اهمیت جایگاه فرهنگ در تصمیم‌گیری‌های کلان نظام، سیاست‌های کلان آموزشی، علمی و رفتار عمومی جامعه می‌توان اشاره کرد. ایشان فرهنگ را یک عامل مهم در شکل‌دهی هویت جامعه و تصمیم‌گیری‌های مهم اجتماعی می‌دانند؛ بنابر این از دیدگاه ایشان، فرهنگ نقش مهمی در روح جامعه و شکل‌دهی به هویت جامعه دارد و همچنین دارای ارتباط وثیق با اصول دینی و مذهبی دارد (جمشیدی، ۱۴۰۰: ۴۶-۵۲).

۲-۲. سیاست

سیاست به‌عنوان یکی از مفاهیم مهم و حیاتی در زندگی انسانی، همواره مورد توجه و بررسی قرار گرفته است. این مفهوم از زمان‌های گذشته تا به امروز در تمامی جوامع و فرهنگ‌ها مورد توجه بوده و همچنان ادامه دارد؛ بنابر این، تعریف سیاست و نگاه به آن از اهمیت بسیاری برخوردار است.

سیاست از واژه یونانی Polis به معنای شهر گرفته شده است؛ در یونان باستان، شهر و دولت تفکیک‌ناپذیر بودند (ارسطو، ۱۳۶۴: ۱۳). مفهوم سیاست از جهت اصطلاحی در اندیشه سیاسی به سه معنای کسب، حفظ و اعمال قدرت دولت و اداره امور همگانی آمده است (نقیب زاده، ۱۳۸۰: ۲۴). مفهوم سیاست گسترده‌ترین عرصه حیات فردی و اجتماعی انسان را در اختیار گرفته است (مهاجرنیا، ۱۳۹۷: ۵۶).

به‌طور کلی چهار دسته تعریف از مفهوم سیاست از منظر اندیشمندان غربی مطرح شده است. این دسته‌ها شامل تعاریفی است که سیاست را به‌عنوان علم مطالعه

دولت، یک نهاد رسمی و اجتماعی، قدرت مطلق و یک نوع رفتار معرفی می‌کنند. این تعاریف مختلف نشان می‌دهند که مفهوم سیاست از دیدگاه‌های مختلفی قابل تفسیر است و می‌تواند شامل ابعاد مختلفی از جامعه و انسان باشد. این نگرش‌ها نشان می‌دهد که سیاست به عنوان یک مفهوم گسترده و چندبعدی، از زوایای مختلفی قابل بررسی و تفسیر است (اخترشهر، ۱۳۸۵: ۱۴).

در این پژوهش، مفهوم سیاست به مثابه حکمرانی مد نظر قرار گرفته است که در دهه‌های اخیر در ادبیات علوم سیاسی مطرح شده است و در نگرش‌های ایدئالیستی، کارکردگرایانه و سازمانی دولت و حکمرانی مورد بحث قرار گرفته است. این مفهوم، سیاست را فراتر از فعالیت‌های دولت و حکومت در نظر می‌گیرد که شامل مشارکت و همکاری همه ذی‌نفعان جامعه است. برخی از تعاریف اندیشمندان از مفهوم سیاست به معنای حکمرانی شامل موارد زیر می‌شود؛

❖ دیوید ایستون: حکمرانی به عنوان فرایندی تعریف می‌شود که در آن، بازیگران مختلف، از جمله دولت، بخش خصوصی، جامعه مدنی و مردم، با یکدیگر تعامل و همکاری می‌کنند تا اهداف مشترک را محقق سازند (Easton, 1965)

❖ رابرت دال: حکمرانی به عنوان فرایندی تعریف می‌شود که در آن، قدرت برای تصمیم‌گیری در مورد امور عمومی، بین بازیگران مختلف جامعه توزیع می‌شود (Dahl, 1971)

❖ پل پیترز: حکمرانی فرایندی است که در آن، منابع و امکانات جامعه، برای تحقق اهداف مشترک، مدیریت می‌شوند (Peter J, 2011)

❖ اندرو هیوود: حکمرانی به عنوان فرایندی تعریف می‌شود که در آن بازیگران مختلف، از جمله دولت، بخش خصوصی، جامعه مدنی و مردم، با یکدیگر تعامل و همکاری می‌کنند تا اهداف مشترک را محقق سازند. وی همچنین ویژگی‌های اصلی دولت را با عنوان‌های حکمرانی، قدرت مطلق، عمومی بودن نهادهای دولتی، مشروعیت و ابزار سلطه معرفی کرده است (Heywood, 2008).

این تعاریف، نشان می‌دهند که مفهوم سیاست به معنای حکمرانی، مفهومی گسترده و همه‌جانبه است که در آن، افراد و گروه‌ها برای دستیابی به اهداف و منافع مشترک خود، با یکدیگر تعامل و همکاری می‌کنند. در این مفهوم دولت و حکومت نقش مهمی ایفا می‌کنند و می‌توانند با ایجاد زمینه‌های لازم برای مشارکت و

همکاری ذی‌نفعان جامعه، به بهبود کیفیت سیاست‌گذاری و اجرای سیاست‌ها کمک کنند (هیوود، ۱۳۹۲: ۱۲۹-۱۳۱). از جمله مزایای این مفهوم عبارت‌اند از:

- بهبود کارایی سیاست‌گذاری؛
- افزایش رضایت عمومی؛
- افزایش ثبات سیاسی.

در بررسی مفهوم سیاست از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای، با رجوع به منابع مختلف دریافتیم که ایشان سیاست را به‌مثابه خدمت به گسترش آرمان‌های اسلامی و تحقق حیات طیبه اسلامی تعریف می‌کند. بر اساس دیدگاه ایشان، سیاست باید با عدالت، علم و دین همراه باشد و قدرت، عدالت و حکمت الهی باید در اداره امور مردم حاکم باشد. ایشان بر این باورند که انسان‌ها باید به کمالات بشری دست یابند و این امر باید از ویژگی‌های اساسی سیاست اسلامی باشد. آیت‌الله خامنه‌ای، در تعریف سیاست معتقد است که سیاست نه‌تنها به مسائل دولتی و اجتماعی مربوط نیست، بلکه به‌تمامی جوانب زندگی فردی و اجتماعی انسان تأثیر می‌گذارد؛ بنابر این، سیاست به‌عنوان یک فرایند تصمیم‌گیری و انتخاب، در تمامی زمینه‌ها و ابعاد زندگی انسانی حضور دارد. به نظر ایشان، سیاست به معنای تلاش برای بهبود و تحول در جوامع انسانی است. ایشان اعتقاد دارند که هدف اصلی سیاست، ایجاد توسعه و پیشرفت در جوامع است و باید به نحوی باشد که به رضایت و خوشبختی مردم منجر شود؛ بنابر این، سیاست به‌عنوان یک ابزار برای رسیدن به اهداف مشترک و تحقق ارزش‌های انسانی مورد توجه قرار می‌گیرد. در نگاه آیت‌الله خامنه‌ای، سیاست باید به‌عنوان یک وظیفه و مسئولیت اخلاقی در نظر گرفته شود. همچنین سیاستمداران باید با اخلاق و اصول انسانی همراه باشند و تصمیم‌گیری‌های خود را بر اساس ارزش‌های اخلاقی و اسلامی انجام دهند؛ بنابر این، سیاست باید به‌عنوان یک فرصت برای خدمت به مردم و بهبود شرایط زندگی آن‌ها در نظر گرفته شود (مهاجرنیا، ۱۳۹۷: ۵۶-۶۰). این تعریف جامع و کامل از سیاست، نشان‌دهنده دیدگاه انسان‌محور و اخلاقی آیت‌الله خامنه‌ای به این مفهوم است و می‌تواند به‌عنوان یک مبنای مهم برای تحلیل و بررسی مسائل سیاسی و اجتماعی استفاده شود.

۲-۳. حکمرانی

با توجه به اینکه مفهوم سیاست در این پژوهش به‌مثابه حکمرانی در نظر گرفته شده، ضرورت دارد به بررسی مفهوم حکمرانی به‌صورت مجزا پرداخته شود. واژه حکمرانی

از واژه یونانی kybernan گرفته شده و به معنای هدایت و راهنمایی کردن است (اکبری، ۱۳۸۶: ۸۴). این مفهوم میان‌رشته‌ای در جامعه‌شناسی، حقوق، اقتصاد، علوم سیاسی و مدیریت مورد بررسی قرار می‌گیرد. مفهوم حکمرانی، سیاست‌گذاری یا خط‌مشی‌گذاری از جمله مفاهیم متأخر علوم دانشگاهی است. پژوهشگران این حوزه به تحول قدرت سلسله‌مراتبی و ناکارآمدی دولت‌ها پرداخته‌اند و به دنبال تغییر ساختار سنتی قدرت و تأکید بر نهادهای موازی دولت در تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری‌ها هستند. به‌طور کلی تعریف این مفهوم عبارت است از: «خط‌مشی یا سیاست مجموعه‌ای از اقدامات ثابت و هدفمند است که به‌وسیله فرد یا مجموعه‌ای از بازیگران برای پرداختن به یک مسئله یا دغدغه دنبال می‌شود» (صالحی امیری، ۱۳۸۷: ۲۳) بر اساس تعریف مطرح‌شده، پژوهشگران «مجموعه اقدامات هدفمند که به‌وسیله یک بازیگر یا مجموعه‌ای از بازیگران در مواجهه با یک مشکل یا موضوع خاص دنبال می‌شود» (اشترین، ۱۳۸۶: ۲۷) را حکمرانی دانسته‌اند و معتقدند خاستگاه آن عکس‌العملی به تقاضاهای روزافزون جامعه و نهادهای عمومی آن از سوی سیاست‌دانان برای حل مشکلات و بحران‌های سیاسی، اجتماعی و اداری است (اشترین، ۱۳۸۶: ۱۱). به‌طور مثال حکمرانی فرهنگ، تعیین خطوط عریضی است که جامعه باید در عرصه فرهنگی آن را در نظر داشته باشد (وحید، ۱۳۸۸: ۳۷-۳۸).

۴-۲. رابطه سیاست و فرهنگ

در قرن جدید، یکی از دغدغه‌های محوری اندیشمندان و فیلسوفان در حوزه انسان‌گرایانه، رابطه سیاست و فرهنگ است، اساساً تأثیری که فرهنگ و سیاست در شکل‌گیری یکدیگر در ابعاد مختلف دارند، همیشه آشکارتر از تفکیک این دو مقوله بود. با مطالعه و تأمل در تألیفات برجسته‌ترین متفکران این حوزه مشخص می‌شود که در مورد تقدم و عقب‌ماندگی یا تأثیر متقابل رابطه دو مقوله فرهنگ و سیاست نظر یا اتفاق نظر مشابهی بین اندیشمندان وجود نداشته است (باباخانی، افتخاری، ۱۳۹۵: ۵۸).

«توماس الیوت»^۱ در یادداشتی درباره سیاست و فرهنگ می‌نویسد: «امروز می‌بینیم که فرهنگ توجه سیاستمداران را به خود جلب می‌کند. این وظیفه دولت است که آن را ترویج کند» (بامداد، ۱۳۹۵: ۲۶). به‌طور کلی، نظرات متفکران مختلف در

1. Thomas Stearns Eliot

مورد رابطه فرهنگ و سیاست به سه دسته تقسیم می‌شود که نظریات حکمرانی فرهنگ پایه نیز در ذیل این سه دسته نیز قابل طرح است؛

۲-۴-۱. فرهنگ‌گرایان

بیشتر جامعه‌شناسان بر روی نقش عوامل تاریخی- فرهنگی خاص در شکل‌دهی به سیاست تمرکز داشته‌اند. بسیاری از دانشمندان اجتماعی، فرهنگ را به‌عنوان اساس تحول سیاست و سایر جنبه‌های جامعه می‌دانند و باور دارند که فرهنگ نقش اساسی در جامعه دارد. حامیان این نظریه فرهنگ را شامل تمام اعمال اجتماعی می‌بینند و باور دارند که فرهنگ جنبه‌های مادی و غیرمادی زندگی انسان مانند عادات و باورها، درک‌ها و رفتارهای فردی و جمعی را تنظیم می‌کند. آن‌ها ادعا می‌کنند که به دست آوردن قدرت سیاسی تنها از طریق کسب قدرت فرهنگی امکان‌پذیر است. از جمله نظریه‌پردازانی که بر پدیده فرهنگ و قدرت فرهنگی در تفکر سیاسی تأکید کرده‌اند، آنتونیو گرامشی است. دیدگاه‌های دیگر اندیشمندان مانند «مالینوفسکی»^۱، «گی روشه»^۲، «گیرتز»^۳، «آیزنشتاد»^۴، «دوتوکویل»^۵ و برخی دیگر در این مکتب فکری قرار دارد. مالینوفسکی باور دارد که فرهنگ تمام جنبه‌های زندگی انسان را در برمی‌گیرد. گی روشه فرهنگ را به‌عنوان یک سیستم می‌بیند که عناصر آن یک کلیت جامع و گسترده را نسبت به یکدیگر ایجاد می‌کنند. روسو، جامعه‌شناس فرانسوی، نقش‌های اجتماعی مانند نقش پدر یا مادر را به‌عنوان یک مجموعه خاصی از الگوهای رفتاری می‌بیند که الگوهای مختلفی از رفتارهای اجتماعی ایجاد می‌کنند (کاظمی، ۱۳۸۰: ۱۲۸-۱۲۹).

نظریه حکمرانی فرهنگ پایه به اولویت‌بخشی به فرهنگ در حکمرانی توجه دارد. اندیشمندان این دیدگاه معتقدند که نظام‌های مختلف باید بر اساس فرهنگ قرار گرفته شوند و حکمرانی باید بر اصل زیربنایی فرهنگ متمرکز شود. در این نظریه، قدرت در داخل و خارج از اقتدار رسمی و نهادهای حکومت وجود دارد و تصمیم‌گیری‌ها بر اساس روابط پیچیده بین بازیگران فرهنگی انجام می‌شود. این نظریه توافقی بین اولویت‌ها و سلايق رقیب و متضاد برقرار می‌کند.

-
1. Bronisław Malinowski
 2. Guy Rocher
 3. Clifford James Geertz
 4. Shmuel Noah Eisenstadt
 5. Tocqueville

۲-۴-۲. سیاست‌گرایان

برخی اندیشمندان به این نظریه اعتقاد دارند که فرهنگ در خدمت سیاست قرار گرفته و قدرت فرهنگ، نتیجه شرایط اجتماعی است. از دیدگاه «مارکس»^۱، سیاست و فرهنگ بازتابی از شرایط اجتماعی است و قدرت فرهنگ‌ها تابع قدرت اجتماعی گروه‌های حامی یا حامل آن فرهنگ‌ها است. همچنین انتقاداتی وارد شده که غالباً فرهنگ، قدرت سیاسی را مایه گسترش خود قرار داده و هیچ نظام فرهنگی بدون قدرت توسعه نخواهد یافت (ملکی، ۱۳۹۷: ۹).

۲-۴-۳. تعامل سیاست و فرهنگ

در نظریه تعامل فرهنگ و سیاست، تأثیر فرهنگ بر نظام سیاسی و بالعکس مورد بررسی قرار می‌گیرد. این تعامل بین فرهنگ و سیاست نشان می‌دهد که هر نظام سیاسی مسئولیت‌های اجرایی و اخلاقی خود را دارد، از جمله حفظ ارزش‌ها و هنجارهای مورد قبول و منافع ملی. نظریه‌های نظام‌گرا یا سیستماتیک مبنا، تعامل‌گرایی فرهنگ و سیاست را تأیید می‌کنند و امکان تفکیک زیرسیستم‌ها و حفظ ساختار کلی را فراهم می‌کنند. نظریه‌پردازان مختلف، از جمله «جرج زیمل»^۲، «تالکوت پارسونز»^۳، «ژرژ بالاندیه»^۴ و «ماکس وبر»^۵ به تعامل و تأثیر متقابل بین فرهنگ و سیاست معتقد هستند (انتظاری، ۱۳۹۳: ۳۶-۳۷).

۲-۵. نظریه حکمرانی فرهنگ پایه

حکمرانی فرهنگ پایه، مفهومی است که در سال‌های اخیر مورد توجه اندیشمندان و سیاست‌مداران قرار گرفته است. این مفهوم، بر اهمیت حکمرانی فرهنگ پایه و نقش آن در جامعه تأکید دارد. نظریات مختلفی در مورد حکمرانی فرهنگ پایه وجود دارد. برخی از اندیشمندان، حکمرانی فرهنگ پایه را وظیفه حکومت می‌دانند. برخی دیگر، معتقدند که حکمرانی فرهنگ پایه، وظیفه مردم و نهادهای فرهنگی است. در ادامه، برخی از دیدگاه‌های اندیشمندان در رابطه با حکمرانی فرهنگ پایه مورد اشاره قرار می‌گیرد:

-
1. Karl Heinrich Marx
 2. Georg Simmel
 3. Talcott Parsons
 4. George Balandieh
 5. George Balandieh

❖ «علامه محمدتقی جعفری»، فیلسوف و فقیه شیعه معتقد است که فرهنگ، اساس هر جامعه‌ای است و تقویت و حمایت از فرهنگ، نقش مهمی در حفظ هویت اسلامی جوامع دارد. به اعتقاد او حکمرانی فرهنگ پایه، باید بر اساس ارزش‌های اسلامی باشد و دولت از فرهنگ‌هایی که با ارزش‌های اسلامی سازگار هستند حمایت کند و زمینه‌های لازم برای حفظ فرهنگ اسلامی را فراهم کند (جعفری، ۱۳۷۳: ۴۰۵-۴۰۶).

❖ «جان بورج»^۱ (۲۰۰۳) معتقد است که «حکمرانی فرهنگ پایه باید بر اساس مشارکت مردم و حاکمیت قانون باشد. مردم باید در تصمیم‌گیری‌های فرهنگی مشارکت داشته باشند و دولت باید از طریق قانون، زمینه‌های لازم برای تقویت و حمایت از فرهنگ پایه را فراهم کند».

❖ «جان راثبیل»^۲ (۲۰۰۸) معتقد است، حکمرانی فرهنگ پایه باید بر اساس تنوع فرهنگی باشد. دولت باید از فرهنگ‌های مختلف در جامعه حمایت کند و زمینه‌های لازم برای حفظ تنوع فرهنگی را فراهم کند.

❖ «هوارد گاردنر»^۳ (۲۰۱۱) معتقد است که حکمرانی فرهنگ پایه، می‌بایست بر اساس عدالت فرهنگی باشد. دولت باید از همه فرهنگ‌ها در جامعه حمایت کند و زمینه‌های لازم برای دسترسی همه مردم به فرهنگ را فراهم سازد.

درنهایت، باید توجه داشت که حکمرانی فرهنگ پایه، مفهومی جدید است که هنوز در حال توسعه است. اندیشمندان در تبیین این مفهوم، تلاش کرده‌اند تا نقش مهم فرهنگ پایه در توسعه پایدار جوامع را برجسته کنند.

۲-۵-۱. تفاوت حکمرانی فرهنگی و حکمرانی فرهنگ پایه

حکمرانی فرهنگی و حکمرانی فرهنگ پایه، دو مفهوم کلیدی در عرصه سیاست فرهنگی هستند که با یکدیگر تفاوت‌های اساسی دارند؛

1. Bourg, J
2. Rathbille, J
3. Gardner, H

❖ حکمرانی فرهنگی، به معنای سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی برای توسعه و ترویج فرهنگ است. این مفهوم، از منظری دیگر، به معنای مدیریت و اداره عرصه فرهنگ نیز هست. در حکمرانی فرهنگی، فرهنگ به‌عنوان یک حوزه مستقل از سایر حوزه‌های اجتماعی تلقی می‌شود؛ بنابراین، سیاست‌های فرهنگی در این رویکرد، معمولاً به‌صورت مجزا از سایر سیاست‌های اجتماعی اتخاذ می‌شوند؛

❖ حکمرانی فرهنگ‌پایه، مفهومی جدیدتر است که در سال‌های اخیر در عرصه سیاست فرهنگی مطرح شده است. این مفهوم، بر این اساس استوار است که فرهنگ، اساس و زیربنای سایر حوزه‌های اجتماعی است؛ از همین‌رو، حکمرانی فرهنگ‌پایه، به معنای سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی برای توسعه و ترویج فرهنگ به‌عنوان یک زیربنای اساسی برای سایر حوزه‌های اجتماعی است؛

همچنین تفاوت‌های اصلی میان حکمرانی فرهنگی و حکمرانی فرهنگ‌پایه را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

❖ دیدگاه نسبت به فرهنگ: در حکمرانی فرهنگی، فرهنگ به‌عنوان یک حوزه مستقل از سایر حوزه‌های اجتماعی تلقی می‌شود. درحالی‌که در حکمرانی فرهنگ‌پایه، فرهنگ، اساس و زیربنای سایر حوزه‌های اجتماعی است؛

❖ رویکرد به سیاست‌گذاری فرهنگی: در حکمرانی فرهنگی، سیاست‌های فرهنگی معمولاً به‌صورت مجزا از سایر سیاست‌های اجتماعی اتخاذ می‌شوند. درحالی‌که در حکمرانی فرهنگ‌پایه، سیاست‌های فرهنگی باید در ارتباط و تعامل با سایر سیاست‌های اجتماعی اتخاذ شوند؛

❖ هدف حکمرانی: هدف حکمرانی فرهنگی، توسعه و ترویج فرهنگ است. درحالی‌که هدف حکمرانی فرهنگ‌پایه، ایجاد جامعه‌ای مبتنی بر فرهنگ مطلوب است (قیدرلو، جانقریان، ۱۴۰۱: ۲۸).

۲-۵-۲. حکمرانی فرهنگ‌پایه: دو رویکرد و تفاوت‌های آن‌ها

در حکمرانی فرهنگ‌پایه دو رویکرد را می‌توان اتخاذ کرد که در ادامه این رویکردها مورد بررسی قرار می‌گیرد.

اولین رویکرد، حکمرانی فرهنگ‌پایه به مفهوم ارتقای دسترسی به محصولات فرهنگی، از جمله کالاها و خدمات فرهنگی، تعبیر می‌شود. این مفهوم به معنای ارتقای فرهنگ و همچنین جهانی‌سازی است و می‌تواند به‌عنوان یک مبنای بین‌المللی برای استفاده از قدرت نرم در سطح جهانی مورد استفاده قرار گیرد. در این رویکرد، حکمرانی فرهنگ‌پایه در واقع به معنای مدیریت امور فرهنگی است. به‌عنوان مثال، افزایش تعداد سالن‌های سینما، نمایش، کنسرت، تولید فیلم‌های سینمایی، توسعه گردشگری و سایر امور فرهنگی، همگی زیر مفهوم حکمرانی فرهنگ‌پایه قرار می‌گیرند که خروجی آن توسعه امور فرهنگی است. این تعریف به تفکیک فرهنگ از سایر حوزه‌های اجتماعی استوار است و نشان‌دهنده اهمیت حکمرانی فرهنگ‌پایه در ارتقای فرهنگ و توسعه امور فرهنگی است؛ این رویکرد دو ضعف عمده دارد:

۱. ایجاد زمینه‌های شکاف طبقاتی بیشتر: این رویکرد ممکن است منجر به افزایش شکاف‌های اجتماعی و احساس نابرابری شود، زیرا تمرکز بر ایجاد زیرساخت‌های فرهنگی و اجتماعی ممکن است منجر به ایجاد تفاوت‌های طبقاتی و افزایش گسست اجتماعی شود. عدم توجه به نیازهای تمامی اقشار جامعه می‌تواند منجر به ایجاد نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی شود؛
 ۲. توجه زیرساختی به امور فرهنگی بدون لحاظ کردن ابعاد نرم‌افزاری: این رویکرد ممکن است فقط به توسعه زیرساخت‌های فرهنگی توجه کند و ابعاد نرم‌افزاری مانند آموزش و ترویج فرهنگ و هنر، ترویج ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی را نادیده بگیرد. این موضوع می‌تواند منجر به عدم توسعه کامل فرهنگ و هنر و عدم ترویج ارزش‌های فرهنگی در جامعه شود.
- اما در رویکرد مد نظر این پژوهش، حکمرانی فرهنگ‌پایه، به‌عنوان یک رویکرد مبتنی بر فرهنگ مطلوب، به تأکید بر اصول و مبانی فرهنگی خود و تحقق اهداف خود بر اساس آن‌ها می‌پردازد. این رویکرد مبتنی بر اصول و مفاهیم اسلامی شیعی، به‌عنوان معیار انقلاب اسلامی، تعریف می‌شود و نظام جمهوری اسلامی ایران باید بر اساس آن اقدام کند. این رویکرد حکمرانی فرهنگ‌پایه، به‌عنوان یک الگوی سیاست‌گذاری مبتنی بر فرهنگ، برنامه‌ریزی و اجرا می‌شود. به‌عنوان یک رویکرد مبتنی بر فرهنگ، حکمرانی فرهنگ‌پایه به معنای توانایی دولت در ایجاد و اجرای قوانین و ارائه خدمات با محوریت فرهنگ مطلوب معیار (در اینجا فرهنگ انقلاب

اسلامی) است. این رویکرد نیازمند طراحی الگوی سیاست‌گذاری مبتنی بر فرهنگ و برنامه‌ریزی برای تحقق اهداف فرهنگی است (قیدرلو، جانقریان، ۱۴۰۱: ۲۸-۳۰).

مهم‌ترین وجه تمایز این رویکرد، رسمیت‌بخشی به فرهنگ مطلوب عرفی، به‌عنوان یکی از اصول حکمرانی فرهنگی، نشان‌دهنده تأکید بر ارزش‌ها، اخلاق و عرف‌های مطلوب در جامعه است. این موضوع به معنای تأکید بر ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی در انجام سیاست‌ها و برنامه‌های دولتی است. همچنین، تغییر رویکرد حکمرانی انقلاب اسلامی از نگاه پیوست‌نگارانه و پیوستی به عرصه فرهنگ و جایگزینی آن با رویکرد طراحی فرهنگی، به معنای تغییر در شیوه فعالیت‌ها و سیاست‌های دولتی است. این تغییر رویکرد به معنای تأکید بر طراحی و برنامه‌ریزی سیاست‌ها و برنامه‌های دولتی بر اساس اصول و مفاهیم فرهنگی مطلوب است. این امر نشان‌دهنده تأکید بر ارتباط و هماهنگی بین فرهنگ و حکومت است و نقش مهمی در تحقق اهداف فرهنگی دارد.

۳. روش پژوهش

در این پژوهش، از روش نظریه‌پردازی داده بنیاد که یک روش کیفی تحقیق است (Strauss & Corbin, 1998)، برای بررسی موضوع مؤلفه‌های حکمرانی فرهنگ‌پایه در دیدگاه‌های آیت‌الله خامنه‌ای استفاده شده است. این روش اجازه می‌دهد تا از داده‌های واقعی مانند بیانات، خطبه‌ها، پیام‌ها، احکام، فرمان‌ها، یادداشت‌ها و مصاحبه‌های آیت‌الله خامنه‌ای استفاده شود که به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم به موضوع حکمرانی فرهنگ‌پایه اشاره دارد تا به درک عمیق‌تری از موضوع موردنظر رسیده شود؛ این پژوهش به دلیل استفاده از روش نظریه‌پردازی داده بنیاد و تمرکز بر دیدگاه‌های آیت‌الله خامنه‌ای، در زمینه تحقیقات اکتشافی قرار می‌گیرد. منابع اصلی مورد مطالعه در این فرایند، سایت رسمی رهبر معظم انقلاب و نرم‌افزار حدیث ولایت بوده است و تلاش شده است تا تمامی بیانات ایشان در ارتباط با موضوع مورد بررسی و استخراج گردد. ذکر این نکته نیز حائز اهمیت است که ۱۶۵ مورد از بیانات و رهنمودهایی مورد بررسی قرار گرفته است که در آن به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم به موضوع حکمرانی فرهنگ‌پایه اشاره شده و مضاف بر آن بیانات و ابلاغیه‌های ایشان نسبت به اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی نیز مد نظر قرار گرفته است.

۴. تجزیه و تحلیل داده‌ها

این پژوهش با استفاده از روش داده بنیاد با رهیافت نظام‌مند صورت گرفته است. طبق رویکرد نظام‌مند، نظریه‌پردازی در سه‌گام اصلی کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی انجام می‌شود. در این پژوهش، جدولی ارائه شده‌اند که نکات کلیدی و همچنین مقوله‌بندی مفاهیم حاصل از کدگذاری‌ها را نشان می‌دهند. این پژوهش به بررسی حکمرانی فرهنگ پایه از دیدگاه مقام معظم رهبری می‌پردازد و از کلمات کلیدی مرتبط با این موضوع استفاده می‌کند. از ۶۸۰ مورد سخنرانی و مکتوبات مرتبط با فرهنگ، ۱۶۵ مورد انتخاب شده و مورد بررسی قرار گرفته‌اند. این سخنرانی‌ها بر اساس نمونه‌گیری نظری و جهت‌دار انتخاب شده‌اند تا ویژگی‌ها و مفاهیم مورد نظر از حیث کیفی بررسی شوند. در نهایت این پژوهش از ۴۳۰ فیش مرتبط با حکمرانی فرهنگ پایه استفاده کرده و بر این اساس کدهای باز تعیین شده است.



شکل ۱: فرایند انجام روش نظریه‌پردازی داده‌بنیاد

۴-۱. کدگذاری باز

اولین مرحله کدگذاری باز است که هدف این مرحله تحلیل محتوا و پیدا کردن مفاهیم از میان انبوهی از اطلاعات به‌دست‌آمده است. از مجموع بیانات مورد بررسی ۷۵۰ کد باز احصا شد. از آنجا که تعداد سخنرانی‌های مورد بررسی زیاد بوده است، امکان گزارش‌دهی کدگذاری باز در این پژوهش وجود ندارد و کدگذاری‌های انجام‌شده در قالب گزارش مطرح نمی‌شود و تنها نتایج حاصله مورد بحث قرار می‌گیرد. برای اینکه کدگذاری به‌درستی صورت گرفته باشد، نتایج حاصل از کدگذاری پس از پایان آن مورد بازبینی و پالایش قرار گرفته است. به‌عنوان نمونه بخشی از کدگذاری باز انجام‌شده در جدول ۱، قابل مشاهده است.

جدول ۱: نمونه کدگذاری باز

کدهای باز	گزیده متن	منبع
استقلال فرهنگی زنان ایرانی؛ هویت فرهنگی؛ استقلال هویتی؛ حجاب.	امروز پرچم استقلال هویتی و فرهنگی زنان در دست زنان ایرانی است؛ امروز بانوان ایرانی با حفظ حجاب، استقلال هویتی خودشان و استقلال فرهنگی خودشان را دارند اعلام می کنند و به دنیا صادر می کنند؛ یعنی دنیا سخن جدیدی دارد می شنود. زن میتواند در میدان های اجتماعی حضور فعال داشته باشد، تأثیرگذاری اجتماعی عمیق داشته باشد. امروز زنان کشور ما در بخش های مختلف چنین تأثیرگذاری دارند؛ درعین حال حجاب و عفاف و وجه تمایز میان زن و مرد، فاصله میان زن و مرد، در معرض سوءاستفاده مردان قرار نگرفتن، خود را در حد وسیله التذاذ مردان بیگانه و زیاده طلب پایین نیاوردن و تحقیر نکردن، جزو خصوصیات زن ایرانی و زن مسلمان امروز است. ما البته این الگو را داریم، این چهارچوب را داریم، در میان بانوان ما کسانی هستند در حد بسیار خوب، بعضی در حد اعلای این الگو دارند زندگی می کنند، بعضی هم در حدود متوسط اند؛ بهر حال، این الگو وجود دارد و مبنای کار زن ایرانی این است.	بیانات در دیدار با مداحان اهل بیت (علیهم السلام) (۱۳۹۶/۱۲/۱۷)
جامعه اسلامی؛ تمدن سازی نوین اسلامی؛ عدالت اجتماعی؛ عزت ملی؛ مردم سالاری.	با همین حرکت تداوم انقلاب و استمرار انقلاب، امروز بحمدالله انقلاب، هم زنده است، هم زاینده و تولیدکننده است. اینکه شما می بینید جبهه استکبار این جور در مقابل انقلاب و در مقابل ملت انقلابی ایران می ایستد و این جور دشمنی می کند، به خاطر این است که انقلاب زنده است. اگر انقلاب نبود، این ها دلیلی نداشتند این قدر خباثت به خرج بدهند در مقابل ملت ایران. حالا «زنده بودن انقلاب» یعنی چه؟ یعنی دل بستگی نسل های جدید کشور به آرمان های انقلاب. امروز مردم دل بسته همان آرمان هایی هستند که انقلاب مطرح کرد؛ یعنی استقلال ملی، عزت	بیانات در ارتباط تصویری با مردم آذربایجان شرقی (۱۴۰۰/۱۱/۲۸)

کدهای باز	گزیده متن	منبع
	<p>ملی، رفاه ملی، عدالت اجتماعی، تحقق جامعه اسلامی و درنهایت، همان‌طور که عرض کردیم، ایجاد تمدن نوین اسلامی؛ این‌ها هدف‌های بزرگ انقلاب است. مردم ما امروز به این هدف‌ها دل‌بسته‌اند، علاقه‌مندند؛ کاری از دستشان بر بیاید - هرکسی بتواند کاری انجام بدهد - واقعاً انجام می‌دهند؛ یعنی یک اکثریت عظیمی از کشور این [دل‌بستگی] را دارند. حالا افرادی هم ممکن است گوشه‌کنار وجود داشته باشند که یک مقداری کُند باشند در حرکت یا در حرکت داخل نشوند، لکن ملت ایران عموماً دل‌بسته به این آرمان‌ها است. ملت دل‌بسته است، انقلاب زنده است و دلیل زنده‌بودن انقلاب هم یکی همین دشمنی جبهه استکبار است که به خاطر ایستادگی نظام بر سر این هدف‌ها است.</p>	
<p>سند آموزش ۲۰۳۰ یونسکو؛ شورای عالی انقلاب فرهنگی؛ نفوذ دشمن؛ آموزش و پرورش.</p>	<p>این سند ۲۰۳۰ سازمان ملل و یونسکو و این حرف‌ها، این‌ها چیزهایی نیست که جمهوری اسلامی بتواند شانه‌اش را زیر بار این‌ها بدهد و تسلیم این‌ها بشود. به چه مناسبت یک مجموعه به اصطلاح بین‌المللی - که قطعاً تحت نفوذ قدرت‌های بزرگ دنیا است - این حق را داشته باشد که برای کشورهای مختلف، برای ملت‌های گوناگون، با تمدن‌های مختلف، با سوابق تاریخی و فرهنگی گوناگون، تکلیف معین کند که شما باید این‌جوری عمل کنید؟ اصل کار، غلط است. اگر چنانچه با اصل کار شما نمی‌توانید مخالفت بکنید، حداقلش این است که پایستید بگویید جمهوری اسلامی خودش خط‌مشی دارد، خط‌وربط دارد، ما سندهای بالادستی داریم، ما می‌دانیم باید در زمینه‌های آموزش، پرورش، اخلاق، سبک زندگی چه کار کنیم؛ احتیاج به این سند وجود ندارد. اینکه ما برویم سند را امضا کنیم و بعد هم بیاییم شروع کنیم بی‌سروصدا</p>	<p>بیانات در دیدار معلمان و فرهنگیان (۱۳۹۶/۰۲/۱۷)</p>

کدهای باز	گزیده متن	منبع
	<p>اجزایی کردن، نخیر، این اصلاً مطلقاً مجاز نیست؛ ما اعلام هم کرده‌ایم به دستگاه‌های مسئول. بنده از شورای عالی انقلاب فرهنگی هم گله‌مند هستم؛ آن‌ها باید مراقبت می‌کردند، نباید اجازه می‌دادند این کار تا اینجا پیش بیاید که ناچار بشویم ما جلوی آن را بگیریم و ما وارد قضیه بشویم. اینجا جمهوری اسلامی است؛ اینجا، مینا اسلام است، مینا قرآن است؛ اینجا جایی نیست که سبک زندگی معیوب و ویرانگر فاسد غربی بتواند در اینجا این جور اعمال نفوذ کند. البته متأسفانه اعمال نفوذ دارند می‌کنند و از طرق مختلف وارد می‌شوند اما [اینکه] این جور به‌طور رسمی سند به ما بدهند که «تا پانزده سال دیگر باید شما این جوری بکنید، این جوری بکنید»، ما هم بگوییم بله معنی ندارد این کار.</p>	
<p>بیداری اسلامی؛ ثبات سیاسی.</p>	<p>آن مطلبی که من می‌خواهم عرض بکنم، در واقع شروع یک بحث است که حالا این بحث را بعد خود شما جوان‌ها ان‌شاءالله در محافل‌تان باید دنبال کنید. در این شش هفته گذشته، من در چند سخنرانی به ثبات نظام و انقلاب اشاره کردم و گفتم که ثبات و استمرار و استقرار نظام جمهوری اسلامی از جمله مهم‌ترین عواملی بوده است که ملت‌های منطقه و ملت‌های مسلمان را امیدوار کرده و می‌توان گفت نقش مؤثری در ایجاد این حرکت عظیم اسلامی منطقه و آزادی و بیداری ایفا کرده.</p>	<p>بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان (۱۳۹۰/۰۵/۱۹)</p>

کدهای باز	گزیده متن	منبع
<p>دانشجو؛ جذب حداکثری؛ دفع حداقلی.</p>	<p>اگر [روحانی‌ای که در دانشگاه مستقر است، منشأ و منبع و مرجع یک فکر عمیق و اصیل و مستدل و تحسین‌برانگیز و قانع‌کننده دینی از نظر دانشجویها نباشد، همه تمهیدات بی‌فایده خواهد بود. باید پی‌درپی در محیط دانشگاه فکر دینی نو و مستدل عرضه کنید و فکر دینی دانشجویان را ارتقا بدهید. مخاطبان خود را هم فقط دانشجویان متدین و مذهبی و حزب‌اللهی ندانید؛ خوب، آن‌ها که البته هستند. مخاطبان شما همه بدنه دانشجویی کشورند؛ حتی کسانی که در دل با دین خیلی میانه‌ای هم ندارند، این‌ها هم مخاطب شمايند.</p>	<p>بیانات در دیدار اساتید و رؤسای دانشگاه‌ها (۱۳۸۶/۰۷/۰۹)</p>
<p>تقوای سیاسی؛ خدمت به مردم.</p>	<p>جوان‌های عزیز من، نوبت شمامست. جوان‌های قبل از شما هر چه نفس داشتند، در این راه زدند و ما را به اینجا رساندند؛ امروز نوبت جوان‌های ماست. در میدان علم، در میدان عمل، در میدان تقوا، در میدان سیاست، در میدان کار برای مردم و خدمت و در میدان شایستگی‌های گوناگون وارد شوید؛ خودتان را به صلاح و تقوا بیارایید و پیش بروید.</p>	<p>بیانات در خطبه‌های نماز جمعه (۱۳۸۴/۰۵/۲۸)</p>
<p>شاخص انقلاب اسلامی؛ مفاسد اقتصادی؛ فرهنگ مردم ایران.</p>	<p>آنچه امروز برای این ملت اهمیت دارد، این است که مسئولان کشور با همه قدرت و توان، شاخص‌های اصلی را برای اصلاح امور کشور در نظر بگیرند؛ همان سه شاخص عمده‌ای که گفته شد: مبارزه با فقر، مبارزه با فساد، مبارزه با تبعیض. این اساس قضیه است. اگر فقر و فساد و تبعیض به‌وسیله مسئولان کشور تحمل نشود؛ رضای الهی، توفیق الهی، هدایت الهی، شامل حال همه خواهد شد؛ گره‌ها باز خواهد شد. این ملت در میدان است؛ این ملت باوقاست؛ این ملت به قرآن دل داده است. اگر بخواهیم این کارها انجام گیرد، راهش این است که جلوی نفوذ دشمن باکمال قدرت بسته شود.</p>	<p>بیانات در اجتماع بزرگ مردم قم (۱۳۹۷/۰۷/۱۴)</p>

کدهای باز	گزیده متن	منبع
تخریب اذهان؛ نهاد منبر؛ تهاجم فرهنگی.	مباحثی که عقاید دینی آن‌ها را مستحکم و راسخ کند؛ لیکن همین جمله، قابل تفسیر و تبیین است. بعضی از عقاید دچار تزلزل و اضطراب نیست. آن‌کس که می‌خواهد مخاطب خود را هدایت کند، ابتدا باید ببیند آن بخش جهالت او و آن بخش آسیب‌پذیر ذهن او، کجاست. باید آن امواجی را که بر روی ذهن مخاطبین شما تلاش و کار می‌کند تا تخریب نماید، بشناسید تا بدانید جوان، چه چیزی را احتیاج دارد که به او بگویید. طوری نباشد که ده‌ها سؤال در ذهن مخاطب ما وجود داشته باشد و ما به‌جای پاسخ‌گویی به آن سؤال‌ها و استفهام‌ها، یک مطلب دیگر را که اصلاً برای او مورد سؤال نیست، مطرح کنیم.	بیانات در دیدار جمعی از روحانیون (۱۳۷۷/۰۲/۰۲)
مطالعه تاریخ؛ فرهنگ انقلاب اسلامی.	من وقتی با دید مقایسه به انقلاب سوسیالیستی شوروی سابق و انقلاب اسلامی خودمان نگاه می‌کنم، می‌بینم آن انقلاب چقدر خشن بوده است؛ اگر کسی تاریخ وقایع آن انقلاب را خوانده باشد، به خشونتش پی می‌برد. متأسفانه، اغلب جوانان ما، اصلاً از انقلاب‌های دیگر خبر ندارند. من گاهی از این بابت، واقعا غصه می‌خورم. اصلاً نمی‌دانند انقلاب وسیالیستی شوروی سابق که بزرگ‌ترین انقلاب زمان معاصر تا قبل از انقلاب اسلامی بود و این‌همه هیاهو در دنیا داشت، در مقایسه با انقلاب ما، از چه ظواهر ناخوشایندی برخوردار بود.	بیانات در دیدار هنرمندان و مسئولان فرهنگی کشور (۱۳۷۳/۰۴/۲۲)
یأس دشمن؛ تزویر؛ بیداری اسلامی؛ آسیب‌شناسی؛ انقلاب اسلامی؛ اقتدار اقتصادی.	شما معلمان و مربیان و نسل جوان هستید که فردا را می‌سازید و استکبار جهانی را مأیوس می‌کنید و نقطه‌ی امید روشن را- که امام و انقلاب اسلامی آن را به وجود آوردند- در دل مستضعفان عالم زنده نگه می‌دارید. امام عزیزمان همیشه بر این مطلب اساسی تأکید می‌کردند و ما اعتقاد داریم که این موضوع، جزو محکمت و	بیانات در دیدار وزیر و معاونان وزارت آموزش و پرورش و جمعی از معلمان و دانش‌آموزان استان تهران (۱۳۶۸/۰۳/۲۶)

کدهای باز	گزیده متن	منبع
	<p>ضروریات انقلاب و خط امام است. امروز استکبار جهانی و قلدرهای سیاسی عالم و امپراتوری‌های زر و زور در سرتاسر جهان که در فساد و انحطاط غرق‌اند، با اسلام و نظام اسلامی دشمن هستند؛ زیرا افشاگر و تهدیدکننده آن‌ها، اسلام و بیداری مسلمین است. طبیعی است هر کاری که علیه اسلام و نظام اسلامی و جمهوری اسلامی از عهده آن‌ها برآید، می‌کنند. در یک صورت، نظام جمهوری اسلامی می‌تواند خود را به‌طور کامل از خطر و آسیب دشمن مصون نگهدارد و آن، وقتی است که بااقتدار خویش آن‌ها را مأیوس کند. روزی که جمهوری اسلامی، با اثبات اقتدار سیاسی و اقتصادی خود و با اثبات قدرت ادامه زندگی، دشمن را مأیوس کرد، می‌توان اطمینان داشت که دشمن از توطئه دست خواهد کشید؛ چون احساس می‌کند تلاش او بی‌فایده است.</p>	

۲-۴. کدگذاری محوری

در مرحله بعد، کدها با یکدیگر مقایسه شده و مفاهیم از طریق کدگذاری محوری بیان می‌شوند. در این مرحله، تلاش می‌شود تا با استفاده از نشانه‌ها و ظرایف موجود در بیانات رهبر معظم انقلاب، کدگذاری محوری انجام شود. بر اساس عبارات استخراج‌شده، ۱۹۵ مفهوم به‌دست‌آمده است که در جدول ۲ نمونه‌ای از این مفاهیم آمده است.

جدول ۲: مفاهیم کدگذاری محوری

عنوان مفهوم	عنوان مفهوم	عنوان مفهوم	عنوان مفهوم
آتش به اختیار	چهره‌نگاری	رخنه فرهنگی	جوان انقلابی
حرکت‌های خودجوش فرهنگی	قتل عام فرهنگی	دولت اسلامی	جهاد کبیر
غارت فرهنگی	کار فرهنگی خودجوش	حقوق زن	کار فرهنگی
آسیب‌های فرهنگی	آینده فرهنگی کشور	آسیب‌شناسی فرهنگی	وحدت
ابزارهای فرهنگی	تقلید فرهنگی	تحقیر فرهنگی	تبادل فرهنگی
جنگ فرهنگی	پیوست فرهنگی	فرهنگ بسیجی	استحاله فرهنگی
انحطاط فرهنگی	فرهنگ ایران	تهاجم فرهنگی	عمل دینی
ادبیات جنگ	فرهنگ مقاومت	عمق فرهنگی	ادبیات مقاومت
اقتدار فرهنگی	استقلال فرهنگی	ارتقای فرهنگ	وسایل فرهنگی
روشنفکری	فرهنگ غلط	امور فرهنگی	کار فرهنگی
خاک‌ریز فرهنگی	شان فرهنگ	تولید علم	قوت فرهنگی
فرهنگ زندگی	فرهنگ‌سازی	اخلاق ملی	فرهنگ‌نامه
معضل فرهنگی	تعالی فرهنگی	بیداری اسلامی	اقتدار معنوی

۴-۳. کدگذاری انتخابی

در مرحله نهایی، مقایسه هر مفهوم با دیگری نیز محورهای مشترک دیگری به نام مقوله (کدگذاری انتخابی) را آشکار می‌کند. تحلیل و مقایسه این مقوله‌ها با یکدیگر، سیستم‌های معنا و تفسیر افراد و گروه‌ها درباره واقعیت‌های مورد مطالعه و مشارکت آن‌ها را آشکار می‌کند. پس از انجام مراحل کدگذاری باز و محوری داده‌های تحقیق گروه‌بندی می‌شود. با تحلیل داده‌ها، کدهای باز به مفاهیم انتزاعی تلفیق شد و مفاهیم حاصل از کدگذاری محوری در ۴۳ مقوله دسته‌بندی می‌شود. به دلیل فراوانی تعداد مقوله‌ها به دست آمده، آن‌ها مجدداً مورد تجزیه و تحلیل گرفته می‌شود. پس از بررسی‌های دقیق، مشخص شد مقوله‌هایی که ارتباط بیشتری با یکدیگر دارند تحت عنوان مقوله پایه دسته‌بندی شدند و در ادامه هر مقوله اصلی را ذیل یک مقوله پایه‌ای در نظر گرفته شد؛ بنابر این مقوله‌های اصلی و پایه به‌عنوان مسائل اساسی حکمرانی فرهنگ پایه نام‌گذاری شدند؛ بنابر این، مقوله‌ها یا مؤلفه‌های حکمرانی فرهنگ پایه عبارت‌اند از: سیاست‌گذاری فرهنگی، مدیریت فرهنگی، مدیریت

راهبردی فرهنگی و مهندسی فرهنگی. در ادامه پژوهش علاوه بر بررسی مرحله کدگذاری انتخابی به واکاوی مقوله‌های پایه‌ای به‌عنوان مؤلفه‌های حکمرانی فرهنگ پایه پرداخته می‌شود:

۴-۳-۱. سیاست‌گذاری فرهنگی

سیاست‌گذاری فرهنگی شامل هشت مقوله اصلی این پژوهش است و طبق الگوی داده بنیاد در دسته مقوله‌های مبنایی قرار می‌گیرد. سیاست‌گذاری به‌عنوان ارتباط شناختی با قدرت و سیاست تعریف می‌شود که به‌عنوان فرایند تصمیم‌گیری توسط یک منبع اعتبارسازی شده مانند دولت تعریف می‌گردد (شافریتز، بریک، ۱۳۹۰: ۴۱)، این فرایند به طراحی و برنامه‌ریزی روش‌ها و راه‌هایی جهت دستیابی به اهداف مشخص در زمینه‌های خاص می‌پردازد. در تعریف دیگر، سیاست‌گذاری به هر تصمیم‌گیری یا عدم تصمیم‌گیری توسط دولت اشاره دارد (وحید، ۱۳۸۶: ۲۸۸). با این تعاریف، سیاست‌گذاری فرهنگی نمایانگر اراده دولت برای تصویب و اجرای مجموعه‌ای از ابزارها، اهداف و اصول منسجم برای حمایت و ترویج جنبه‌های فرهنگی کشور است (مزینانی، ۱۴۰۰: ۲۲۲). این مفهوم به مجموعه فعالیت‌ها و سیاست‌هایی اطلاق می‌شود که به‌منظور توسعه و ارتقای فرهنگ و ارزش‌های ملی و مذهبی در جامعه صورت می‌گیرد. سیاست‌گذاری فرهنگی به‌عنوان یکی از ارکان اصلی حکمرانی فرهنگ پایه در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای بررسی شده است. طبق تعریف اشترینان، سیاست‌گذاری فرهنگی تعیین‌کننده اهداف و حوزه فعالیت دولت و نهادهای عمومی است. آیت‌الله خامنه‌ای معتقدند که سیاست‌گذاری صحیح می‌تواند به‌عنوان وسیله‌ای برای ارتقای تفکر، دانش و رشد جامعه عمل نماید. آیت‌الله خامنه‌ای در بیانات خود بر نقش رهبری در سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی کشور نیز تأکید می‌کنند و همچنین، ایشان شورای عالی انقلاب فرهنگی را به‌عنوان قرارگاه مرکزی فرهنگی کشور معرفی کرده و وظایف آن را در فرماندهی مسائل فرهنگی کشور و سیاست‌گذاری تعریف می‌کنند (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۷/۱۲/۰۴)؛ (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۲/۰۹/۱۹).

جدول ۳: مقوله‌های سیاست‌گذاری فرهنگی

مقوله اصلی	مفاهیم	مقوله پایه
مقابله و حفظ آمادگی در برابر تهاجم فرهنگی و جنگ نرم	جنگ نرم، تهاجم فرهنگی، حفظ آمادگی، امنیت ملی، استراتژی نظامی، شیخون فرهنگی، آسیب‌ها فرهنگی، استحاله فرهنگی	سیاست‌گذاری فرهنگی

مقوله اصلی	مفاهیم	مقوله پایه
اقتدار معنوی و فرهنگی	اقتدار معنوی، نفوذ فرهنگی هویت فرهنگی، تمدن اسلامی، قدرت فرهنگی	
استقلال فرهنگی	-	
جهاد فرهنگی	-	
ارتقای سطح فکری جامعه در زمینه‌های فرهنگی	فرهنگ عمومی، تعامل فرهنگی، ترویج هنر و ادبیات	
ترویج سبک زندگی اسلامی و ایرانی	فرهنگ ایرانی - اسلامی، هویت فرهنگی، انسجام اجتماعی، تمدن اسلامی، ارزش‌های فرهنگی، فرهنگ زندگی	
تبادلات فرهنگی با سایر کشورها	تعامل فرهنگی، تبادل فرهنگی، ارتباطات بین‌المللی	
فرهنگ‌سازی	ارزش‌های فرهنگی، هویت فرهنگی، فعالیت‌های فرهنگی، فعالان فرهنگی، کار فرهنگی	

۴-۳-۲. مدیریت راهبردی فرهنگی

مدیریت راهبردی فرهنگی شامل ده مقوله اصلی این پژوهش است و طبق روش داده‌بنیاد، این مقوله‌ها جزو مقوله‌های راهبردی محسوب می‌شوند. مدیریت راهبردی فرهنگی به‌عنوان یک فرایند مهندسی فرهنگ و مهندسی فرهنگی، به ایجاد، اتخاذ و اجرای راهبردهای فرهنگی، سازماندهی و تقسیم‌کار ملی، نظارت و ارزیابی راهبردی سیستم‌های مختلف کشور بر اساس نیازهای سطح ملی و بین‌المللی می‌پردازد. در این راستا، کارکردهای اصلی مدیریت راهبردی فرهنگی کشور شامل مراحل تعیین اهداف اصلی و ترسیم چشم‌انداز در افق زمانی مشخص، تعیین سیاست‌های کلی بر اساس آرمان‌ها، ارائه راهبردها با در نظر گرفتن ضعف‌ها و قوت‌های محیط داخلی و تهدیدات و فرصت‌های محیط خارجی است. در ادامه، ارزیابی استراتژیک و تعیین میزان تحقق اهداف توسط نظام‌های اصلی نیز در این فرایند جای می‌گیرد. در کنار این‌ها، مدیریت راهبردی فرهنگی به‌دقت به تحلیل محیط داخلی و خارجی توجه می‌کند تا اقدامات و تصمیمات بهینه‌تری اتخاذ شود. این فرایند به‌منظور ایجاد هماهنگی و انطباق مابین هدف‌ها و عملکردهای مختلف سیاست‌ها و راهبردها، به‌صورت مداوم اصلاحات و بهبودها را در نظر می‌گیرد. در نهایت، این مدیریت به‌وسیله نظارت و ارزیابی مستمر، پیشرفت و موفقیت در دستیابی به اهداف را بهبود

می‌بخشد و مسیری منسجم برای توسعه فرهنگ کشور را پیش می‌برد (مزینانی، ۱۴۰۰: ۲۲۲). آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی بر مدیریت راهبردی فرهنگ تأکید داشته‌اند. ایشان شورای انقلاب فرهنگی را بی‌بدیل در کشور معرفی کرده و معتقدند: در مسئله مدیریت راهبردی فرهنگی، به غیر از شورای عالی انقلاب فرهنگی، هیچ مرکز یا نهاد دیگری در کشور وجود ندارد. ایشان بر وظایف مختلف اعم از دولت، مجلس و مجمع تشخیص مصلحت تأکید می‌کنند؛ اما هیچ‌کدام وظایفی که بر عهده این شورا است و در قالب شرح وظایف تدوین شده است، بر عهده ندارند؛ بنابر این شورای عالی انقلاب فرهنگی مرکزی بی‌بدیل است و بنای فرهنگی کشور یا عالی‌ترین مرکز فرهنگی و علمی نهادهای کشور به شمار می‌رود (خامنه‌ای، ۱۳۹۲: ۱۱۱). بنابر این وظیفه مدیریت راهبردی بر عهده شورای انقلاب فرهنگی بوده است و این شورا نقش اساسی نسبت به سایر دستگاه‌ها در زمینه مدیریت راهبردی فرهنگ کشور را داشته است.

جدول ۴: مقوله‌های مدیریت راهبردی فرهنگی

مقوله پایه	مفاهیم	مقوله اصلی
مدیریت راهبردی فرهنگی	فرهنگ ایرانی-اسلامی، تعامل فرهنگی، اصلاحات فرهنگی، هویت فرهنگی، فرهنگ انقلابی	جهت‌گیری انقلابی و اسلامی
	راهبردهای فرهنگی، برنامه‌های فرهنگی، فرهنگ عمومی	اعلام علنی راهبردهای فرهنگی
	ارزش‌های فرهنگی، هویت فرهنگی، ارتقای فرهنگی	تکیه بر فرهنگ اسلامی و انقلابی
	ارزش‌های فرهنگی، هویت ملی، فرهنگ ایرانی و اسلامی، ارتباطات فرهنگی	هویت فرهنگی ایرانی و اسلامی
	ارزش‌های فرهنگی، هویت فرهنگی، تعالی فرهنگی، ارتقای فرهنگی، وحدت و هبستگی، انسجام ملی	حفظ و تقویت ارزش‌های دینی و ملی
	هویت فرهنگی، فرهنگ ملی، فرهنگ انقلابی، فرهنگ دینی، تعامل فرهنگی، ارزش‌های فرهنگی	فرهنگ با جوهره دین و انقلاب
	انعطاف‌پذیری فرهنگی، استقلال فرهنگی، هویت فرهنگی، استقلال هویتی و فرهنگی زنان، فرهنگ ملی، نقش زنان	پرچم استقلال هویتی و فرهنگی در دست زنان ایرانی
	علم دینی، فرهنگ اسلامی، تولید علم	اهمیت و نقش علم در فرهنگ

مقوله پایه	مفاهیم	مقوله اصلی
	جهاد فرهنگی، اخلاق اسلامی، فعالان فرهنگی	تقویت جناح فرهنگی مؤمن، انقلابی، مردمی و خودجوش
	عدالت اجتماعی، هویت فرهنگی، تمدن اسلامی	اهمیت دولت دینی

۴-۳-۳. مدیریت فرهنگی

مدیریت فرهنگی که شانزده مقوله اصلی زیرمجموعه آن تعریف می‌شود. بر اساس الگو نظریه‌های داده‌بنیاد جزو مقوله‌های مداخله‌گر و پیامدی محسوب شده است. مدیریت فرهنگی بر اساس ارزش‌ها، باورها و فرهنگ جامعه و سازمان تعریف می‌شود. در واقع، مدیریت فرهنگی به مفهوم مدیریت با تمرکز بر فرهنگ و ارزش‌ها است و در این رویکرد، اهداف و سیاست‌ها بر اساس ارزش‌ها و باورهای فرهنگی تعیین می‌شود. در جامعه و سازمانی که از مدیریت با رویکرد فرهنگی مادی و غیرالهی استفاده می‌کند، تمرکز اصلی بر روی اهداف مادی و اقتصادی است و تأکید بر نیازهای بعد طبیعی و حیوانی قرار دارد؛ اما در جوامع و سازمان‌هایی که از مدیریت با رویکرد فرهنگی الهی و انسانی استفاده می‌کنند، اهداف اصلی بر اساس ارزش‌های الهی و انسانی تعیین می‌شوند و تأکید بر تأمین نیازهای بعد انسانی قرار دارد (سلمانی، حجتی، رضایی: ۱۲). این نوع از مدیریت به دنبال تأمین آرامش و آسایش انسان است و نه تنها صرفاً بر رفع نیازهای طبیعی و مادی.

مدیریت فرهنگی به دو سطح تاکتیکی و راهبردی تقسیم می‌شود. در سطح تاکتیکی، مدیریت فرهنگی بیشتر به مدیریت امور یا فعالیت‌های فرهنگی مربوط می‌شود. امور فرهنگی شامل همه فعالیت‌هایی است که موجب قرار گرفتن گروهی از مخاطبان در تعامل با یکدیگر می‌شود و این امر می‌تواند باعث شکل‌گیری باورهای فرهنگی خاص در مخاطبان شود. پس از تبیین مفهوم مدیریت فرهنگی لازم است به شرح عرصه‌های عام و مهم فرهنگ بر اساس نظر آیت‌الله خامنه‌ای پرداخته شود:

❖ نخستین عرصه؛ در حوزه تصمیم‌گیری‌های کلان ملی، فرهنگ نقش هدایت‌کننده تصمیمات کلان ملی در بخش‌های اقتصادی، سیاسی، مدیریتی و تولیدی را ایفا می‌کند. هر فعالیتی که در کشور انجام می‌شود، به‌وسیله فرهنگ ترویج یا تولید می‌شود. از جمله فعالیت‌هایی که نقش

مهمی در ایجاد مبنای فرهنگی دارند می‌توان به تولید، خدمات، ساختمان‌سازی، کشاورزی، صنعت، سیاست خارجی و تصمیمات امنیتی اشاره کرد؛

- ❖ دومین عرصه؛ فرهنگ به‌عنوان شکل‌دهنده به ذهن و رفتار عمومی جامعه، فرهنگ نقش مهمی در شکل‌دهی به ذهن و رفتار عمومی جامعه دارد. این شکل‌دهی بر اساس فرهنگ‌های مختلف ازدواج، رانندگی، خانواده، اداره، لباس و الگوی مصرف است؛
- ❖ سومین عرصه؛ عرصه سیاست‌های کلان آموزشی و علمی دستگاه‌های موظف دولت که علاوه بر این، سیاست‌های کلان آموزشی و علمی باید توسط نهادهای دیگری تدوین شود که دیدگاهی کلان‌تر دارند (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۱/۰۹/۲۶).

ایشان بارها تأکید کرده‌اند که فرهنگ یک مسئله حیاتی و اساسی برای یک جامعه است. رهبر انقلاب معتقدند که اگر فرهنگ یک جامعه به معنای درست کلمه، فرهنگ صحیح باشد، به سمت رشد اقتصادی و رفاه حرکت خواهد کرد و فرهنگ، زمینه‌ای ایجاد خواهد کرد که جامعه ثروت، علم، قدرت، آزادی و ... پیدا نماید و به اهداف خود برسد. ایشان همچنین معتقدند که مدیریت فرهنگی در جامعه امری لازم و ممکن است. آیت‌الله خامنه‌ای در بیانات خود، اهمیت مدیریت فرهنگی را مورد تأکید قرار داده و معتقد است که هرج‌ومرج فرهنگی یکی از مهم‌ترین آسیب‌های فرهنگ است. ایشان نقش علما، نخبگان، روشنفکران و حکام را در تأثیرگذاری بر فرهنگ و تغییر مسیر آن به سمت مثبت یا منفی، بسیار اهمیت می‌دهند (خامنه‌ای، ۱۳۷۷/۱۰/۱۵).

جدول ۵: مقوله‌های مدیریت فرهنگی

مقوله پایه	مفاهیم	مقوله اصلی
مدیریت فرهنگی	فرهنگ ملی، تهاجم فرهنگی، هویت فرهنگی، کار فرهنگی	ترویج فرهنگ و اندیشه صحیح در جامعه
	نهادهای فرهنگی، ارتقا فرهنگی، فعالان فرهنگی	احساس مسئولیت مسئولین مربوطه نسبت به فرهنگ
	فرهنگ ایرانی، نقش جوانان، نهادهای فرهنگی	شناسایی و به‌کارگیری استعدادها و ظرفیت‌ها جوان کشور

حل مشکلات فرهنگی در شوراهای فرهنگی	آسیب‌های اجتماعی، تهاجم فرهنگی، فعالان فرهنگی
باهم دیدن نیازهای مادی و معنوی مردم	هویت فرهنگی، فرهنگ ایرانی-اسلامی
شناختن ضعف‌های فرهنگی موجود	تهاجم فرهنگی، فرهنگ عمومی
کمک به حرکت‌های خودجوش مردمی	جهاد فرهنگی، فرهنگ انقلابی
انجام کارهای فرهنگی و پرهیز از کار سیاسی	کار فرهنگی، هویت فرهنگی، ارتقا فرهنگ جامعه
شناسایی ضعف عملکرد دستگاه‌های فرهنگی	دستگاه‌های فرهنگی، فعالان فرهنگی
مدیریت و برنامه‌ریزی فرهنگی	-
تقویت و کارآمدی دستگاه‌های فرهنگی	-
رصد فعالیت‌های فرهنگی توسط مراجع فرهنگی	کار فرهنگی، دستگاه‌های فرهنگی
جلوگیری از نفوذ فرهنگی	تهاجم فرهنگی
تربیت نیروی فرهنگی	کار فرهنگی، فرهنگ انقلابی
جلوگیری از تولیدات مضر و آسیب‌زا	تهاجم فرهنگی
تولیدات فرهنگی صحیح و مؤثر	کار فرهنگی، فعالان فرهنگی

۴-۳-۴. مهندسی فرهنگی

این مفهوم نه مقوله اصلی پژوهش را شامل شده است و بر طبق الگوی روش داده‌بنیاد آن را می‌توان جزو عوامل زمینه‌ای دانست. مهندسی فرهنگی که گفتمانی ایرانی شمرده می‌شود، بر اساس تعریف سند نقشه مهندسی فرهنگی، برآمده از مهندسی فرهنگ است. در این پژوهش مهندسی فرهنگی به‌عنوان فرایندی فراگیر در شناخت، آسیب‌شناسی، پالایش، اصلاح و جهت‌دهی بخشی از فرهنگ بر اساس هویت اصیل ایرانی اسلامی با توجه به مقتضیات و شرایط ملی و جهانی ارائه شده

است. این مهندسی فرهنگی همچنین به‌عنوان فرایند بازطراحی، اصلاح و بهبود امور و روابط نظام‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی کشور بر اساس فرهنگ طراحی‌شده متناسب با شرایط، ویژگی‌ها و مقتضیات ملی و جهانی توصیف می‌شود (مزینانی، ۱۴۰۰: ۲۲۱). مهندسی فرهنگی به‌عنوان یک مسئله بسیار مهم مطرح می‌شود، زیرا فرهنگ جامعه، فضای تنفسی آن است و تصمیمات اقتصادی و سیاسی در آن شکل می‌گیرد. این فضا تأثیرگذار بر رفتارها و تصمیمات فردی و جمعی است و باید مورد توجه قرار گیرد. مهندسی فرهنگی به‌عنوان طراحی و تغییر سیستم فرهنگی کشور، باهدف تغییر رفتارهای جاری و بهبود شرایط فرهنگی، مطرح می‌شود. این مفهوم نیازمند بصیرت و فکر کلان برای درک جریان‌های فرهنگی داخلی و خارجی کشور است (جعفرزاده، ۱۳۹۲: ۱۰۵). آیت‌الله خامنه‌ای نیز اهمیت مهندسی فرهنگ را تأکید کرده و آن را یکی از مهم‌ترین تکالیف کشور دانسته است (خامنه‌ای، ۱۳۹۲: ۱۲۷). به‌این ترتیب بر اساس مطالب بیان‌شده، به تدوین، تهیه نقشه و طرح جامع برای ساماندهی نظام‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را کشور مهندسی فرهنگی می‌گویند.

جدول ۶: مقوله‌های مهندسی فرهنگی

مقوله پایه	مفاهیم	مقوله اصلی
مدیریت فرهنگی	فرهنگ ملی، تهاجم فرهنگی، هویت فرهنگی، کار فرهنگی	ترویج فرهنگ و اندیشه صحیح در جامعه
	نهادهای فرهنگی، ارتقای فرهنگی، فعالان فرهنگی	احساس مسئولیت مسئولین مربوطه نسبت به فرهنگ
	فرهنگ ایرانی، نقش جوانان، نهادهای فرهنگی	شناسایی و به‌کارگیری استعدادها و ظرفیت‌ها جوان کشور
	آسیب‌های اجتماعی، تهاجم فرهنگی، فعالان فرهنگی	حل مشکلات فرهنگی در شوراها
	هویت فرهنگی، فرهنگ ایرانی - اسلامی	باهم دیدن نیازهای مادی و معنوی مردم
	تهاجم فرهنگی، فرهنگ عمومی	شناختن ضعف‌های فرهنگی موجود
	جهاد فرهنگی، فرهنگ انقلابی	کمک به حرکت‌های خودجوش مردمی
	کار فرهنگی، هویت فرهنگی، ارتقای فرهنگ جامعه	انجام کارهای فرهنگی و پرهیز از کار سیاسی

مقوله پایه	مفاهیم	مقوله اصلی
	دستگاه‌های فرهنگی، فعالان فرهنگی	شناسایی ضعف عملکرد دستگاه‌های فرهنگی
	-	مدیریت و برنامه‌ریزی فرهنگی
	-	تقویت و کارآمدی دستگاه‌های فرهنگی
	کار فرهنگی، دستگاه‌های فرهنگی	رصد فعالیت‌های فرهنگی توسط مراجع فرهنگی
	تهاجم فرهنگی	جلوگیری از نفوذ فرهنگی
	کار فرهنگی، فرهنگ انقلابی	تربیت نیروی فرهنگی
	تهاجم فرهنگی	جلوگیری از تولیدات مضر و آسیب‌زا
	کار فرهنگی، فعالان فرهنگی	تولیدات فرهنگی صحیح و مؤثر

۴-۴. حکمرانی فرهنگ پایه در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای

حکمرانی فرهنگ پایه در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای نیز به معنای تأکید بر ارزش‌های، اخلاق و اصول اسلامی در تمامی جنبه‌های زندگی فردی و اجتماعی است. ایشان معتقدند که فرهنگ و ارزش‌ها باید در تمامی ابعاد زندگی انسانی حاکم باشند و به‌عنوان مبنای تصمیم‌گیری‌ها و رفتارها مورد استفاده قرار گیرند. این اندیشه بر مبنای اسلامی استوار است و به‌منظور ایجاد یک جامعه عادلانه و پویا مطرح شده است. ایشان بر اهمیت حکمرانی فرهنگ پایه تأکید فراوانی دارند و معتقدند که حکمرانی فرهنگ پایه، شرط لازم برای تحقق اهداف هر نظام سیاسی است و بدون حکمرانی فرهنگ پایه، هیچ نظام سیاسی نمی‌تواند به اهداف خود دست یابد.

آیت‌الله خامنه‌ای فرهنگ را به‌عنوان مسئله حیاتی و اساسی می‌داند و آن را به‌عنوان راه‌حل مشکلات و اصلاحات مطرح می‌کند. او باور دارد که فرهنگ نقش اساسی در هویت و تحولات اجتماعی دارد و اگر یک جامعه دارای فرهنگی غنی باشد، این جامعه دست‌کم اقتدار بالقوه دارد. از دیدگاه ایشان، ویرانی نهایی جامعه ویرانی فرهنگی است نه ویرانی‌های ظاهری. به‌طور خلاصه، او فرهنگ را به‌عنوان روح جامعه می‌بیند که بر سایر عناصر تأثیر می‌گذارد؛ بنابراین، بر اساس نظرات آیت‌الله خامنه‌ای، فرهنگ جایگاه بسیار مهمی در تمدن دارد. ایشان معتقدند که بخش نرم‌افزاری یا فرهنگی تمدن، بخش اصلی و اساسی آن است و اگر یک تمدن از

بخش‌های نظام فرهنگی غفلت نماید، در واقع در معنای حقیقی و اسلامی پیشرفت نخواهد کرد. این نگرش نشان می‌دهد که آیت‌الله خامنه‌ای فرهنگ را به‌عنوان روح و هویت واقعی جامعه می‌بیند و تأکید دارد که سیاست و اقتصاد باید با فرهنگ مرتبط باشند تا بتوانند به مصلحت‌های فرهنگی جامعه توجه کنند (جمشیدی، ۱۴۰۰: ۶۳-۶۸). از نظر ایشان نظام فرهنگی انقلاب اسلامی یکی از مهم‌ترین نظام‌های اجتماعی است و در منظومه فکری ایشان، جایگاه ویژه‌ای دارد. ایشان این دوران را یک پیچ عظیم و خطرناک تاریخی توصیف کرده‌اند و به این موضوع اشاره کرده‌اند که امت اسلامی سال‌هاست که با مشکلات و فساد حاکمان و زمامداران دچار رکود شده است و نیاز به اصلاح فرهنگی دارد. ایشان به ارتقای فرهنگ جامعه و داشتن دغدغه در مورد اوضاع فرهنگی کشور اهتمام داشته‌اند و تأکید دارند که مسائل فرهنگی نقش تعیین‌کننده‌ای در حال و آینده جامعه دارند. این نشان می‌دهد که آیت‌الله خامنه‌ای اهمیت بسیار زیادی به فرهنگ و ارزش‌های اسلامی در جامعه می‌دهند و تأکید دارند که اصلاحات فرهنگی باید از جمله اولویت‌های اصلی جامعه باشد (خسروپناه، ۱۳۹۸: ۵۲۷-۵۲۸).

بر این اساس حکمرانی فرهنگ پایه، یک الگوی نوین و تحول‌آفرین در عرصه سیاست فرهنگی است که می‌تواند در ایجاد جامعه‌ای مبتنی بر ارزش‌های اسلامی نقش مهمی ایفا کند. این الگو، با تأکید بر نقش فرهنگ به‌عنوان اساس و زیربنای سایر حوزه‌های اجتماعی، می‌تواند زمینه‌ساز تحولات بنیادین در جامعه شود. در این پژوهش سطح کارگزاران رسمی مورد توجه است زیرا که در این سطح غالباً فرهنگ از دو طریق یعنی نهادها و افراد بر تصمیمات سیاسی و از طریق مختلف دیگری نیز بر نظام‌ها، نهادها و رفتار سیاسی اثرگذار است. نهادهای فرهنگی از عوامل مؤثر بر شیوه تصمیم‌گیری در هر جامعه محسوب شده و شخصیت افراد تصمیم‌گیرنده نیز پدیده‌ای است که محصول زندگی اجتماعی آن‌ها بوده و از جمله عوامل فرهنگی به حساب می‌آید (نقیب‌زاده، ۱۳۸۱: ۳۱). بخش‌های مختلف دولت، مجلس و مجمع تشخیص مصلحت نسبت به فرهنگ وظایفی دارند؛ اما آیت‌الله خامنه‌ای معتقدند هیچ‌کدام وظایف مهمی که شورای عالی انقلاب فرهنگی بر عهده دارد را ندارند. ایشان مجموعه شورای عالی انقلاب فرهنگی را در عرصه مدیریت راهبردی فرهنگی کشور بی‌بدیل دانسته و از نظر ایشان این مرکز بی‌بدیل در واقع اتاق فرمان فرهنگی کشور و ستاد عالی فرهنگی و علمی دستگاه‌های کشور بوده و به‌عنوان مرکز مهمی در کشور محسوب می‌شوند (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۱/۰۶/۲۹).

بر اساس یافته‌های پژوهش، مؤلفه‌های حکمرانی فرهنگ‌پایه در جمهوری اسلامی به مجموعه اصول، ارزش‌ها و عواملی اشاره دارد که نقش مهمی در شکل‌دهی و تعیین فرهنگ و هویت ملی ایرانی-اسلامی دارند که شامل زبان، ادبیات، هنر، معماری، موسیقی، سینما، مراسم و رسومات، اعتقادات و مذهبی، آیین‌ها و مراسمات مذهبی-ملی و فرهنگی، اخلاق و ارزش‌های اجتماعی و ... می‌باشند. مسئله دیگری که در حکمرانی فرهنگ‌پایه باید به آن پرداخته شود؛ دلایل نیاز کشور به حکمرانی فرهنگ‌پایه از منظر آیت‌الله خامنه‌ای است که شامل:

۱. فرهنگ اساس و روح حاکم بر جامعه است؛
۲. از ابتدا ماهیت انقلاب اسلامی بر پایه فرهنگ استوار بوده؛
۳. موجودیت و امتداد انقلاب اسلامی و به تبع آن، نظام جمهوری اسلامی در گرو حیات فرهنگ است؛
۴. سیاست و اقتصادی بدون اتکا به فرهنگ و بدون وجود بستر مساعد فرهنگی عینیت پیدا نمی‌کند و فرهنگ در کنار یا ذیل سیاست و اقتصاد قرار نمی‌گیرد؛
۵. پیشرفت کشور در راستای وقوع تمدن اسلامی تنها با فرهنگ صحیح و پیشرو امکان‌پذیر است؛
۶. جمهوری اسلامی در معرض یک تهاجم فرهنگی بوده که هدف آن توقف حرکت انقلاب و براندازی نظام جمهوری اسلامی است؛
۷. کشور در عرصه فرهنگ با ضعف‌ها و آسیب‌هایی روبه‌رو است؛
۸. امکانات و نیروهای فرهنگی در کشور هماهنگ و هم‌افزا نیستند و حتی در مواردی همدیگر را خنثی می‌کنند.

بر اساس یافته‌های پژوهش علاوه بر مؤلفه‌های حکمرانی فرهنگ‌پایه می‌توان به ارکان آن از منظر آیت‌الله خامنه‌ای نیز اشاره کرد (جمشیدی، ۱۴۰۰: ۲۱۷-۲۱۹).

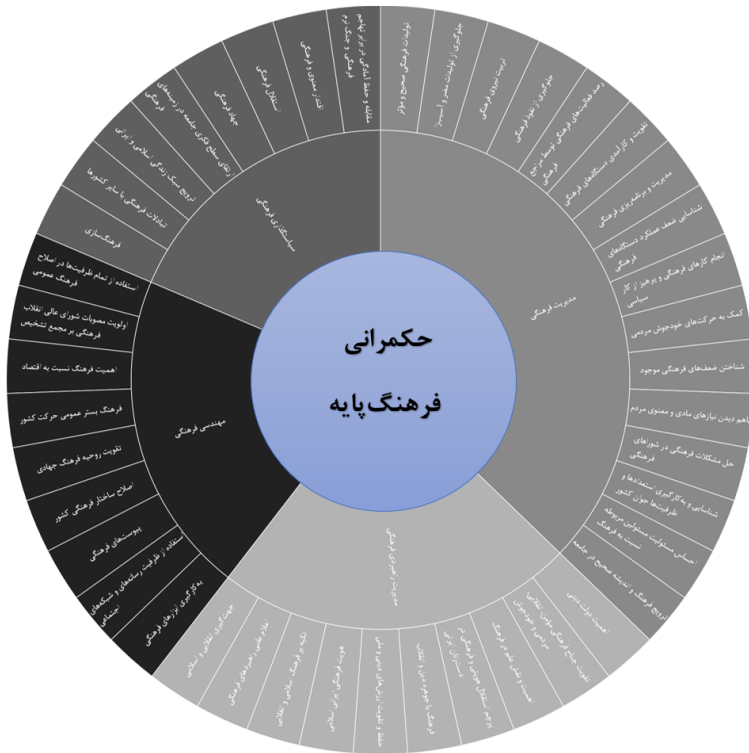
❖ رکن اول: نقش مردم

مردم نقش اصلی را در حکمرانی فرهنگ‌پایه ایفا می‌کنند. مردم فرهنگ مطابق با ارزش‌های اسلامی و انقلابی را پذیرفته و آن را در زندگی خود جاری می‌سازند.

❖ رکن دوم: نقش حکومت

حکومت نیز نقش مهمی در حکمرانی فرهنگ‌پایه دارد. حکومت باید زمینه‌های لازم برای رشد و تعالی فرهنگ جامعه را فراهم کند.

❖ رکن سوم: نقش نهادهای فرهنگی
 نهادهای فرهنگی نیز نقش مهمی در حکمرانی فرهنگ‌پایه دارند. این نهادها با تولید و نشر محتوای فرهنگی مناسب، به ترویج فرهنگ کمک می‌کنند
 با توجه به این سه رکن، می‌توان برنامه‌های فرهنگی و سیاست‌های حکومت را براساس تأثیرگذاری این سطوح بر فرهنگ کشور طراحی کرد و از این طریق به توسعه و تقویت فرهنگ مطلوب معیار اسلامی کمک کرد (جمشیدی، ۱۴۰۰: ۲۱۷-۲۱۹).



شکل ۲: نمودار مفهومی مولفه‌های حکمرانی فرهنگ‌پایه

۵. نتیجه‌گیری و پیشنهاد

با استناد به تحقیقات انجام‌شده، بیانات، پیام‌ها، نامه‌ها و احکام مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در زمینه حکمرانی فرهنگ‌پایه نتایج به‌دست‌آمده در چهار بُعد

مدیریت فرهنگی، مهندسی فرهنگی، مدیریت راهبردی فرهنگی و سیاست‌گذاری فرهنگی مورد بررسی قرار گرفت. به‌منظور مشخص کردن موارد مطرح در الگوی پارادایمی اشتراوس و کوربین، بر اساس بیانات و دیدگاه‌های آیت‌الله خامنه‌ای، ایشان فرهنگ را به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین و مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده ساختارهای اجتماعی می‌دانند و معتقدند که بسیاری از مشکلات اجتماعی به مشکلات فرهنگی باز می‌گردد و معتقدند که تمام راه‌ها در نهایت به فرهنگ می‌رسد و اصلاحات فرهنگی می‌تواند به حل مشکلات متنوع اجتماعی کمک کند. ایشان همچنین به‌وضوح اظهار داشته‌اند که غلبه فرهنگی می‌تواند غلبه اقتصادی، سیاسی، امنیتی و نظامی را با خود به دنبال بیاورد و اگر فرهنگ ملی یک جامعه پایمال تهاجم فرهنگی شود، آن جامعه از دست خواهد رفت. این نشان می‌دهد که آیت‌الله خامنه‌ای به فرهنگ به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین عوامل تعیین‌کننده سایر ابعاد اجتماعی و سیاسی توجه ویژه‌ای دارند.

در جمع‌بندی نتایج این پژوهش، چهارچوب حکمرانی فرهنگ‌پایه از نگاه آیت‌الله خامنه‌ای به شرح زیر است:

۱. حکمرانی فرهنگ‌پایه، یکی از مهم‌ترین وظایف دولت است؛
 ۲. حکمرانی فرهنگ‌پایه، اصول و ارزش‌هایی است که برای حفظ و تقویت هویت و فرهنگ ملی باید به آن پایبندی شود؛
 ۳. دولت باید با توجه به حکمرانی فرهنگ‌پایه، سیاست‌هایی را اجرا کند که باعث تقویت و حفظ فرهنگ ملی شود؛
 ۴. برای موفقیت در حکمرانی فرهنگ‌پایه، باید به نیازهای مردم توجه کرد و توانایی ارائه خدمات فرهنگی با کیفیت تمرکز کرد؛
 ۵. از دیگر وظایف دولت در حکمرانی فرهنگ‌پایه، پشتیبانی از هنر، ادبیات و فرهنگ است که باعث توسعه فرهنگی کشور می‌شود.
- بنابر این، حکمرانی فرهنگ‌پایه از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای، یکی از وظایف مهم دولت است که با توجه به فرهنگ ملی و نیازهای مردم باید اجرا شود.
- با در نظر گرفتن مقوله‌های اصلی که مشابهت دارند، مؤلفه‌های حکمرانی فرهنگ‌پایه به روش داده‌بنیاد در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای شامل موارد زیر است:
- ❖ اعتقاد به اهمیت و تأثیر فرهنگ در حکمرانی و اجتماع؛
 - ❖ توجه به ارزش‌ها، باورها و سنت‌های فرهنگی ملت؛
 - ❖ تأکید بر حفظ و تقویت هویت فرهنگی ملت؛

- ❖ ارزش‌گذاری برای ترویج ارزش‌های اخلاقی و انسانی در جامعه؛
- ❖ تأکید بر اهمیت آموزش و تربیت بر اساس ارزش‌های فرهنگی؛
- ❖ ترویج هماهنگی بین فرهنگ و توسعه اقتصادی و اجتماعی؛
- ❖ توجه به نقش فرهنگ در ارتقای توسعه پایدار و پیشرفت جامعه؛
- ❖ تأکید بر ارتقای آگاهی و شناخت از فرهنگ ملت به منظور تقویت هویت ملی و اجتماعی.

در حکمرانی فرهنگ‌پایه عمل و نظر دو روی یک سکه محسوب می‌شوند. به این معنا که در یک روی آن عمل بدون اتکا به فکر و نظر حیات واقعی ندارد و در روی دیگر، نظر منهای عمل ارزشی نخواهد داشت و ساحت نظر و عمل درهم‌تنیده و وحدت یافته هستند. برجسته‌ترین ابعادی که در طول پژوهش با آن برخورد داشتیم، شامل:

۱. جمهوری اسلامی نیازمند حکمرانی فرهنگی قوی است؛
 ۲. مبانی حکمرانی فرهنگی در اسلام با مبانی حکمرانی فرهنگی در غرب متفاوت بوده است و نیازمند شناخت دقیق است؛
 ۳. نقشه راه حکمرانی باید مبتنی بر دانش حکمرانی تهیه شود ضمن آنکه دانش حکمرانی فرهنگی را باید یک عرصه بین‌رشته‌ای در نظر گرفت.
- در پایان، می‌توان گفت که حکمرانی فرهنگ‌پایه، به‌عنوان یکی از اصول اساسی حکومت اسلامی و نظام جمهوری اسلامی، در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای به‌عنوان یکی از راهکارهای اصلی برای تحقق اهداف انقلاب اسلامی و تحقق عدالت اجتماعی و اخلاقی مطرح شده است. در نظام جمهوری اسلامی ایران، حکمرانی فرهنگ‌پایه به‌عنوان یک الگوی مطلوب برای حکمرانی مطرح شده است. این الگو بر اساس اصول و مبانی فرهنگ انقلاب اسلامی شکل گرفته است و هدف آن، ایجاد جامعه‌ای مبتنی بر ارزش‌های اسلامی است. برخی از ویژگی‌های حکمرانی فرهنگ‌پایه در نظام جمهوری اسلامی ایران شامل:

- ❖ اصالت‌بخشی به فرهنگ انقلاب اسلامی؛
- ❖ تأکید بر نقش مردم در فرهنگ‌سازی؛
- ❖ توجه به همه ابعاد فرهنگ.

همچنین می‌توان پیشنهادات سیاستی زیر را در راستای حکمرانی فرهنگ‌پایه مطرح کرد:

- ❖ ایجاد نگاه فرهنگ‌پایه در حوزه‌های حکمرانی و فرهنگ؛

- ❖ رصد تجربیات موجود در حکمرانی فرهنگ‌پایه و تجربه نگاری آن‌ها و تبدیل به نظریه؛
- ❖ بنا نهادن حوزه‌های حکمرانی بر اساس فرهنگ؛
- ❖ تربیت متخصصان این حوزه‌های حکمرانی و فرهنگ؛
- ❖ کاربست تولیدات نظری به‌واسطه نیروهای تربیت‌یافته در حوزه حکمرانی فرهنگ‌پایه؛
- ❖ شناسایی موانع تحقق حکمرانی فرهنگ‌پایه و راه عبور از آن؛
- ❖ ایجاد و تقویت نهادهای مستقل و تخصصی فرهنگی؛
- ❖ آموزش و فرهنگ‌سازی در مدارس و دانشگاه‌ها با محوریت معرفی فرهنگ اسلامی و ایرانی؛
- ❖ ترویج فرهنگ جهادی به‌عنوان یک الگو برای فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی، به‌ویژه در میان نسل جوان؛
- ❖ حمایت از تولیدات فرهنگی بومی و ارائه تسهیلات و حمایت‌های مالی از هنرمندان و تولیدکنندگان محتوا.

References

- Abolfathi, M., & Piramohammadi, S. (2014). The impact of soft power components of the Islamic Revolution of Iran on the expansion of the Islamic Awakening in the Middle East. *Defense Policy Quarterly*, 22(1), 2966.
- Akbari, G. (2007). Social capital and urban governance. *Geographical Research Quarterly*, 83, 135154.
- Akhtarshahr, R. (2006). *What is Politics?* Tehran: Kanoune Andishehe Javan.
- Ali Shiri, M.M. (2009). *Designing a Cultural System for the Islamic Republic Based on Ayatollah Khamenei's Statements* [Master's thesis]. Imam Sadiq University, Tehran.
- Aristotle. (1985). *Politics* (H. Enayat, Trans.). Tehran: Habibi Publications. (Original work published 1364 SH)
- Ashouri, D. (2014). *Definitions and Concepts of Culture*. Tehran: Agah Publications.
- Ashtarian, K. (2007). *Public Policy in Iran*. Tehran: Mizan Publications.
- Bamdad, A. (2016). *The Role of Cultural Diplomacy in the Islamic Republic of Iran with Emphasis on the Supreme Leader's Thought* [Master's thesis]. University of Guilan, Rasht.
- Baniyanian, H., Gholami, R., & Sahraei, E. (2020). Designing a strategic leadership model for Iran's cultural system using grounded theory. *Cultural Management Journal*, 5(2), 124.
- Bourq, J. 2003. *The future of cultural policy*. London: Sage.
- Bungay, S.& Goold, M. (1991). A New Framework for Determininig Critical Succses/Failure Factors in Project, *International of project management*, 14 (3), pp. 141-151.
- Dahl, Robert A. 1971. *Polyarchy: Participation and Opposition*. New Haven: Yale University.
- Dunleay, p. 1991. *Bureavcracy and Public choice: Economic5 Explanations in Political Science*. Hemel Hompsstead: Harvester Wheatsheaf.
- Easton, David. 1965. *A Systems Analysis of Political Life*. New York: Wiley.
- Eftekharzadeh, A., & Babakhani, M. (2016). Politics and culture: Indicators of cultural policymaking from Imam Khomeini's perspective. *Iranian Cultural Research Journal*, 9(3), 5790.
- Entezari, M. (2014). *The Relationship Between Politics and Culture in Imam Khomeini's Thought* [Master's thesis]. Imam Sadiq University, Tehran.
- Gardner, H. 2011. *The Harvard guide to multicultural education*. Cambridge: Harvard University.
- Ghaffari, M. (2017). *From the Midst of Khordad*. Tehran: Software Jihad Publications.
- Ghaydarloo, K., & Janqorban, M. (2022). Cultural ecosystem: A framework for culture and governance in the Islamic Republic. *Religion and Cultural Politics Journal*, 9(1), 747.
- Hatch, M.J. (2010). *Organization Theory* (H. Danaeefard, Trans.). Tehran: Mehraban Publications. (Original work published 1389 SH; typo corrected from 8139 SH)

- Heywood, A. (2013). *Politics* (A. Alam, Trans.). Tehran: Ney Publishing.
- Heywood, Andrew. 2008. "On Global Order." In *The Oxford Handbook of International Relations*. Oxford: Oxford University.
- Jafari, M.T. (1994). *Wisdom of Islamic Political Principles: Commentary on Imam Ali's Letter to Malik Ashtar*. Tehran: Nahj alBalagha Foundation.
- Jafarzadeh, M.H. (2013). *Cultural Charter from the Supreme Leader's Perspective*. Qom: Velayate Montazar Institute.
- Jahambin, F. (2018). Cultivating culture: Cultural management in Ayatollah Khamenei's thought. *Strategic Cultural Studies*, 3(1), 4568.
- Jamshidi, M. (2021). *Ayatollah Khamenei's Cultural Thought*. Tehran: Islamic Research Institute of Culture and Thought.
- Jamshidi, M. (2021). *Determination of the Path*. Tehran: Sade Publications.
- Kazemi, A.A. (2001). *Globalization of Culture and Politics*. Tehran: Qomes Publications.
- Khamenei, A. (n.d.). *Statements*. The Office of the Supreme Leader. Retrieved from <https://leader.ir>
- Khosropanah, A. (2019). *The Intellectual Framework of Ayatollah Khamenei*. Tehran: Islamic Research Institute of Culture and Thought.
- Maleki, A. (2018). The interaction of politics and culture in Imam Khomeini's political thought. *Review of the Scientific and Cultural Works of the Islamic Revolution*, 4(2), 89112.
- Mazinani, M. (2021). Cultural governance in the Islamic system. *Transcendent Governance Journal*, 2(5), 211236.
- Mohajernia, M. (2018). *The Political Philosophy of Ayatollah Khamenei*. Tehran: Islamic Research Institute of Culture and Thought.
- Naghibzadeh, A. (2001). *An Introduction to Political Sociology*. Tehran: SAMT Publications.
- Naghibzadeh, A. (2002). *The Influence of National Culture on Iran's Foreign Policy*. Tehran: Ministry of Foreign Affairs Publications.
- Nye, J. (2008). *Soft Power: The Means to Success in World Politics* (S.M. Rouhani & M. Zolfaghari, Trans.). Tehran: Imam Sadiq University Press.
- Nye, Joseph. 1990. *Soft Power*, New York: public affairs. - Nye., New York: Carnegie Council of Ethics and International Affairs.
- Peter J, May. 2011. *Governance: The Art of Governing*. Lanham: Rowman & Littlefield.
- Rathbille, J. 2006. *Cultural policy and diversity*. London: Routledge.
- Salehi Amiri, S.R. (2008). *Foundations of Cultural Policymaking and Planning*. Tehran: Expediency Discernment Council Research Center.
- Salmay, A., Hojjati, E., & Rezaei, M.R. (2018). Strategic evaluation indicators for Iran's cultural management. *Journal of Strategic Defense Studies*, 2(8), 728.
- Samadian, Z., & Shafiei Fani, A. (2014). Conceptual analysis of cultural engineering with emphasis on Ayatollah Khamenei's views. *Cultural Engineering Quarterly*, 8(3), 3250.
- Samiei, M.A. (2023). *The Relationship Between Politics and Culture in Ayatollah Khamenei's Thought and Practice* [Master's thesis]. Imam Sadiq University, Tehran.
- Schein, E. (2010). *Organizational Culture* (M.E. Mahjoob, Trans.). Tehran: Farra Publications. (Original work published 1389 SH)




- Shafritz, J.M., & Bryk, C.P. (2011). Public Policy in the United States (H.R. Malekmohammadi, Trans.). Tehran: Imam Sadiq University Press.
- Shariati, S., & Azimi Torghabadi, M. (2014). Strategic requirements for the Islamic Republic in managing soft warfare crises. *Defense Strategy Journal*, 12(4), 5578.
- Sharp, Gene. 2004. *The Politics of Nonviolent Action: The Methods*. Boston: Extending Horizons Books.
- Strauss, A.L. and J. Corbin. 1998. *Basics of Qualitative Research: Techniques and Procedures for Developing Grounded Theory*. 2nd Ed: Sage
- Vahid, M. (2007). A discussion on cultural policymaking. *Politics Quarterly*, 37(3), 287306.
- Vahid, M. (2009). *Public Policymaking*. Tehran: Mizan Publications.
- Velayati, A.A. (2005). *Islamic Culture and Civilization*. Qom: Maaref Publications

Compositionism in Measuring Environmental Governance: A Comparative Analysis

Sayedeh Alemohammad

Assistant Professor, Faculty of Governance, University of Tehran, Tehran, Iran.
(Corresponding Author).

Email: sh.alemohammad@ut.ac.ir

 0009-0006-7434-6583

Majid Ramezani Mehrian

Assistant Professor, Department of Environmental Studies, the Institute for Research and Development in the Humanities (SAMT), Tehran, Iran.

Email: mehrian@samt.ac.ir

Naghme Mobarghaee Dinan

Associate Professor, Environmental Sciences Research Institute, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

Email: n_mobarghei@yahoo.com

Abstract

Conceptual models are essential for understanding complex environmental issues and the management practices that drive either the degradation or recovery of landscapes. These models are crucial when measuring environmental governance. This research aims to analyze the characteristics of such models and propose a more comprehensive conceptual framework. The methodology includes a targeted review of sources, a comparative analysis of model content, and synthesis. The qualitative content analysis of these models is based on their fundamental characteristics, such as the main components, key relationships, primary focus, and key insights. Additionally, a quantitative analysis of the models was conducted by examining word frequency to assess their general emphasis. The study presents a proposed conceptual model with nine dimensions: driving forces, activities, pressures, structure, function, ecosystem services and disservices, advantages and disadvantages, value and human well-being, and responses (strategies and actions). This cyclic model supports the timely diagnosis of issues, their location, mapping of actors and stakeholders, providing feedback to policymakers, proposing appropriate management responses, and ensuring accountability. Without such integrated frameworks, management research lacking a thorough understanding of the cumulative consequences of multiple uncoordinated actions will be limited to a narrow scope and fail to improve environmental conditions. Recognizing how human activities impact the flow of ecosystem services can facilitate the adjustment, reduction, or reversal of negative trends and help establish appropriate metrics for measuring governance.

Keywords: Landscape, ecosystem services, value, measuring governance, content analysis.



ترکیب‌گرایی در سنجش حکمرانی محیط زیست با تکیه بر تحلیل مقایسه‌ای

سیده آل محمد

استادیار دانشکده حکمرانی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

Email: sh.alemohammad@ut.ac.ir

 0009-0006-7434-6583

مجید رضائی مهریان

استادیار گروه مطالعات محیطی، پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی (سمت)، تهران، ایران

Email: mehrian@samt.ac.ir

نغمه مبرقی دینان

دانشیار پژوهشکده علوم محیطی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

Email: n_mobarghei@yahoo.com

چکیده

مدل‌های مفهومی در درک مسائل غامض محیط زیستی و فهم رویه‌ها و شیوه‌های مدیریتی، مسبب گذار سیمای سرزمین به‌سوی شرایط قهقرایی (و یا برعکس)، نقش بی‌بدیلی دارند. چنین مدل‌هایی لازم است در حکمرانی‌سنجی محیط زیستی مورد توجه قرار گیرند. هدف این پژوهش، تحلیل ویژگی‌های این مدل‌ها و ارائه مدل مفهومی جامع‌تر حکمرانی‌سنجی است که از بررسی هدفمند منابع و تحلیل مقایسه‌ای محتوای مدل‌ها و ترکیب استفاده شده است. با جست‌وجوی مهم‌ترین اصطلاحات مرتبط در بیش از پنجاه مورد از جدیدترین مقالات، هفت مدل یافت شده است. تحلیل محتوای کیفی این مدل‌ها بر پایه ویژگی‌های اساسی آن‌ها (اجزای اصلی مدل، روابط اصلی در مدل، تمرکز اصلی مدل و بینش‌های کلیدی) به دست آمده است. همچنین با تحلیل کمی مدل‌ها بر اساس فراوانی کلمات، تأکیدات کلی مدل‌ها مورد بررسی قرار گرفته است. در نهایت یک مدل مفهومی پیشنهادی، دارای نه بعد (نیروهای محرکه، فعالیت‌ها، فشارها، ساختار، عملکرد، خدمات و بدخدمتی‌های اکوسیستمی، مزایا و زیان‌ها، ارزش و رفاه انسان و در نهایت پاسخ‌ها «راهبردها و اقدام‌ها») ارائه شده است. این مدل چرخه‌ای، به تشخیص به‌موقع مسائل و محل وقوعشان، نقش‌برداری بازیگران و ذی‌نفعان، ارائه بازخور به خط‌مشی‌گذاران، پیشنهاد پاسخ‌های مدیریتی مناسب و نظارت بر مسئولیت‌پذیری کمک می‌کند. بدون چنین چهارچوب‌های ترکیبی، تحقیقات مدیریتی بدون درک کافی از پیامدهای تجمعی اقدام‌های متعدد و ناهماهنگ، به یک زمینه خاص محدود می‌شود و منجر به بهبود شرایط محیط زیستی نمی‌شود. تشخیص چگونگی تأثیر فعالیت انسان بر جریان خدمات اکوسیستمی، می‌تواند تعدیل، کاهش یا معکوس نمودن روند را تقویت نماید و به تخصیص سنجه‌های مناسب برای حکمرانی‌سنجی کمک کند.

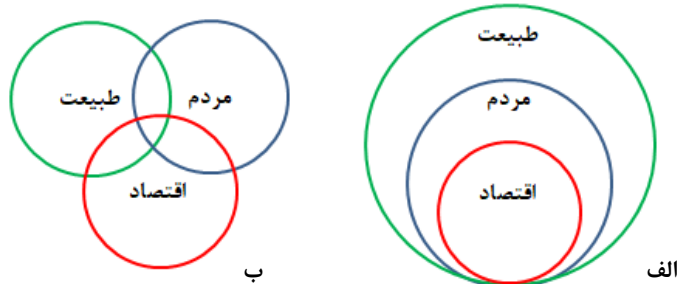
کلیدواژه‌ها: سیمای سرزمین، خدمات اکوسیستمی، ارزش، حکمرانی‌سنجی، تحلیل محتوا.



مقدمه و بیان مسئله

«ایستادن بر شانه غول‌ها» استعاره‌ای است به معنای استفاده از بینش و دستاوردهای متفکران پیشین و تجربیات و نوآوری‌های موجود برای دستیابی به درکی جدیدتر برای پیشرفت در زمینه‌های مختلف. آشناترین و محبوب‌ترین تکرار این عبارت در نامه‌ای از اسحاق نیوتن در سال ۱۶۷۵ میلادی دیده می‌شود: «اگر من از دیگران بیشتر دیده‌ام، به این دلیل است که بر شانه غول‌ها ایستاده‌ام». ترکیبات جدید نظریه‌ها یا مفاهیم با هم می‌تواند با استفاده از نگاهی انتقادی، ایده‌های تحقیقاتی جدیدی ایجاد کند. درحالی‌که، اصرار بر یک استاندارد علمی جهانی سفت و سخت و تکیه بر یک مفهوم خاص، ممکن است به‌جای کمک به همکاری و پیشرفت علمی، آسیب برساند. همان‌طور که ترکیب نظریه‌های چندگانه در مطالعات خط‌مشی‌گذاری و طرح‌ریزی دارای ارزش بالقوه زیادی است. ایجاد یک مدل مفهومی که با ترکیب مدل‌های مفهومی متعدد و گاه مکمل ایجاد می‌شود، تأثیرگذاری روایت تجربی ما را بیشتر برجسته می‌کند. به‌ویژه در فضای بین‌رشته‌ای، زمانی که سنت‌های فکری مختلف در هم می‌آمیزد، محدودیت‌های عملی استفاده از آن‌ها معمولاً کاهش می‌یابد و درک عمیق‌تر مسائل پیچیده به وجود می‌آید. البته باید توجه داشت که همه مفاهیم قابل تلفیق نیستند و گاه چندین نظریه یکدیگر را به چالش می‌کشند و به اصلاح یکدیگر می‌پردازند (Cairney, 2013; Klein, 2017). اهمیت اثرگذاری مدل‌ها و به‌ویژه مدل‌های مفهومی در تعریف مسائل، درک روابط و پیچیدگی‌ها، کاوش ایده‌ها، تفسیر داده‌ها، خلاصه نمودن اطلاعات، آزمایش فرضیه‌ها، پیش‌بینی نتایج، نظریه‌پردازی و ارائه پیشنهادهای پشتیبان تصمیم‌گیری، پوشیده نیست. مدل‌سازی و مفهوم‌سازی، همان‌طور که می‌تواند در مراحل مختلف مطالعات راهبردی محیط زیستی (خط‌مشی‌گذاری‌های محیط زیستی، طرح‌ریزی‌های محیط زیستی و برنامه‌ریزی‌های محیط زیستی) مورد استفاده قرار گیرد، در حکمرانی‌سنجی محیط زیستی هم می‌تواند کاربردپذیر باشد. ضرورت بسیار خاص پرداختن جداگانه به محیط زیست در حکمرانی‌سنجی به این دلیل است که حتی در پایه‌ای‌ترین مباحث جهان شمول، مادر بودن طبیعت و فراگیر بودن آن مورد غفلت واقع شده است. در «مدل متداول پایداری»^۱، یک فرض اشتباه وجود دارد. این دیدگاه تصور می‌کند که تمامی سه طبقه موضوعی کلی یا ابعاد سه‌گانه

طبیعت، مردم و اقتصاد) می‌توانند به صورت مستقل از یکدیگر وجود داشته باشند. در حالی که بدون طبیعت، مردم وجود نخواهند داشت و بدون مردم، اقتصادی وجود نخواهد داشت. پس با نگاهی دقیق‌تر، سلسله‌مراتبی وجود دارد. «مدل حقوق طبیعت»^۱، به این معنا است که به یاد داشته باشیم تنها چیزی که می‌تواند بدون دیگر ابعاد وجود داشته باشد، طبیعت است (Ito, 2017; Purvis et al, 2019).



شکل ۱: چگونگی دستیابی به پایداری الف: دیدگاه حقوق طبیعت و ب: دیدگاه متداول پایداری (Ito, 2017)

در گزارش شاخص عملکرد محیط زیستی^۲ (EPI)، ایران بر اساس ۲۲ عامل محیط زیستی مانند منابع آب، آلودگی هوا، تنوع زیستی و تغییرات اقلیمی در سال ۲۰۲۲، در بین ۱۸۰ کشور در رتبه ۱۳۳ قرار گرفته است. این رتبه‌بندی نیاز به حکمرانی مؤثر محیط زیستی و حکمرانی‌سنجی محیط زیستی در ایران و بسیاری از کشورهای در حال توسعه را نشان می‌دهد (Brunet, 2024; Edward, 2017; Nost, 2024; Soleymani, 2023; Wolf & Arnold, 2023; Roozbahani et al, 2023). چنین رتبه‌بندی‌هایی باید بر اساس معیارها و سنجه‌هایی باشد که به خوبی نشان دهد بر اساس پیوندهای میان واقعیت‌های محیطی و ابزارهای مدیریتی، چه چیزی و چگونه باید حکمرانی شود. اگرچه در نگاه اول مهم است که آگاه باشیم که آنچه را که نتوانیم بسنجیم، مدیریت هم نخواهیم توانست کنیم، اما چالش برانگیزتر این است که آنچه را که نتوانیم ساختاردهی و چهارچوب‌بندی نماییم، هرگز به خوبی نخواهیم توانست بسنجیم. در جهان مدرن از سویی، بازیگران عمومی، خصوصی و جامعه مدنی، خواستار داده‌های بیشتر بر اساس معیارهای دقیق‌تر و سنجه‌های جدیدتر درباره محیط

1. Rights of Nature model

2. Environmental Performance Index

زیست هستند، از سوی دیگر، روز به روز رشد کنترل نشده و نامتعادل نیازها، منجر به سطوحی از فعالیت‌ها و فشارهایی می‌گردد که باعث تخلیه بیشتر منابع طبیعی (به دلیل فراتر رفتن از ظرفیت احیای این منابع) و یا باعث فراتر رفتن شدیدتر آلودگی‌ها از ظرفیت جذب جاذب‌های طبیعی می‌شود (Chan et al, 2018; Ghosh, 2024; Loconto et al, 2024; Sönmez, 2019). در چنین دنیایی، در قالب چهارچوب‌های مفهومی، تحلیل روندها، وضعیت‌ها، منافع، سیاست‌ها و اقدام‌ها ممکن می‌گردد و مبنای عملی برای اندازه‌گیری‌ها، ارزش‌گذاری‌ها و مدیریت‌های بعدی می‌شود. در این زمینه، مدل‌های مفهومی زیادی وجود دارد که علی‌رغم داشتن قابلیت استفاده در حکمرانی‌سنجی، از این منظر به آن‌ها توجه نشده است. به‌کارگیری این مدل‌ها، به شکل یکسانی از سنجش حکمرانی و نتایج یکسان مدیریتی منتهی نمی‌شوند زیرا زیرساخت‌های دانشی آن‌ها، شباهت‌ها و تفاوت‌هایی دارند که احتمالاً مکمل یکدیگر هستند.

مدل‌های مفهومی به‌عنوان ابزاری حیاتی برای درک و تحلیل ساختارهای حکمرانی به تجسم اجزای کلیدی، عملکردها، روابط و تعاملات درون سیستم‌های اکولوژیکی - اجتماعی کمک می‌کنند (Aqdas, 2019; Malito, 2015; Triantafyllou, P., & Lewis, 2024). هم‌اکنون، یک مدل مفهومی روشن‌تر و کامل‌تر برای پشتیبانی سنجش اثربخشی حکمرانی، درک روند تعامل عناصر مختلف، اجتناب از تفسیرهای نادرست، بهبود فرایندهای تصمیم‌گیری و تسهیل نتیجه‌گیری به‌ویژه در رویارویی با پیچیدگی‌های چالش‌های محیط زیستی لازم است. بر اساس این مقدمه، ادراک و مقایسه مدل‌های پیشین، می‌تواند پشتیبان ارائه مدل‌های جدیدتر و ایجاد ایده‌های تکامل‌یافته‌تر به‌منظور حکمرانی‌سنجی در زمینه محیط زیست و در فضایی چندبعدی باشد. به عبارت دیگر، تشریح و تحلیل شیوه سنجش حکمرانی، مبتنی بر مفاهیم، نگرش‌ها و تحلیل‌های بین‌رشته‌ای، پشتیبان هسته دانش حکمرانی محیط زیستی است. این پژوهش، دو هدف عمده دارد، یکی شناسایی و مرور مدل‌های مربوط به حکمرانی‌سنجی محیط زیستی و دیگری ارائه یک مدل مفهومی ترکیب‌گرا براساس تحلیل مقایسه‌ای محتوا و سپس ترکیب مدل‌ها. پرسش‌های این پژوهش نیز به‌تناسب این اهداف، این‌گونه مطرح می‌شوند: محتوای مدل‌های مفهومی مرتبط با حکمرانی‌سنجی محیط زیستی بر اساس ویژگی‌های اساسی آن‌ها چگونه است؟ براساس تحلیل مقایسه‌ای محتوای این مدل‌ها و با استفاده از ترکیب جنبه‌های

مکمل در آن‌ها، یک مدل جامع‌تر قابل ارائه به‌منظور بهبود چهارچوب حکمرانی‌سنجی چه و چگونه است؟

۱. پیشینه پژوهش

تمسکی و همکاران (۱۴۰۲)، در مطالعه‌ای با عنوان «واکاوی الگوی مفهومی حکمرانی محیط زیست در ایران»، مفاهیم دولت، حکومت و حاکمیت را در حکمرانی محیط زیست تبیین نموده‌اند. بر اساس نتایج، حکمرانی محیط زیست مجموعه‌ای از قواعد، ایده‌ها و تدابیری است که به کار گرفته می‌شود تا دسترسی، بهره‌برداری و سوءاستفاده از منابع طبیعی موجود در یک قلمرو سرزمینی را محدود نماید.

سلیمانی روزبهانی و همکاران (۱۴۰۲)، در مطالعه‌ای با عنوان «بررسی جایگاه محیط زیست در ابزارهای حکمرانی ایران»، مفاهیم پایه مرتبط با حکمرانی (بر اساس سه رکن حکومت، بازار و جامعه مدنی) و همچنین روند تکاملی آن را تبیین نموده‌اند. در کشور ما از میان ابزارهای حکمرانی شامل ابزارهای قانونی، اقتصادی، ارتباطی و زیرساختی، موضوع محیط زیست تنها در بخش ابزار قانونی در حد مناسبی مورد توجه قرار گرفته است. اما این قوانین هم به شکل مطلوبی حمایت نشده و فرصت اجرایی شدن را پیدا نکرده است. متأسفانه دو مطالعه داخلی مذکور، الگویی از حکمرانی محیط زیست ارائه نمی‌دهد که در برگیرنده ابعاد و مراحل مشخص و یا چهارچوبی کاربردی برای سنجش حکمرانی باشد. همچنین مطالعه داخلی مرتبط دیگری پیدا نشد. این پژوهش با مرور دقیق و هدفمند پیشینه خارجی آغاز می‌شود که شامل هفت مدل زیر است:

۱-۱. مدل زنجیره ساختار- عملکرد- ارزش در سیمای سرزمین^۱

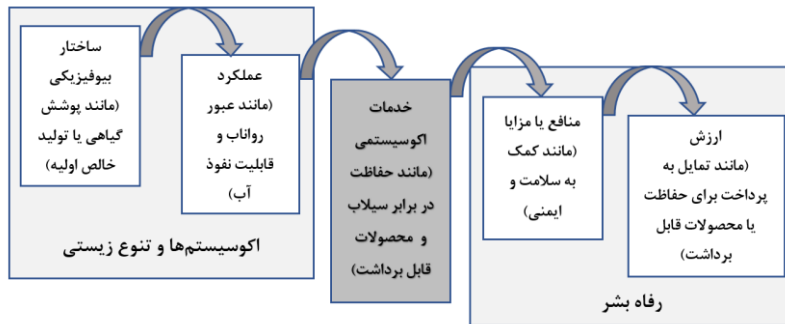
این مدل زمانی مطرح شد که پارادایم الگو - فرایند در اکولوژی سیمای سرزمین، توسط اضافه شدن یک جزو ارزش‌گذاری برای تصمیم‌گیری همکارانه محلی، بسط داده شد (De Groot et al, 2010; Potschin & Haines-Young, 2011) تا تحلیل‌های فضایی دچار ساده‌انگاری نشود. زیرا ارزش سیمای سرزمین بیش از مجموع ساده ارزش تک تک اجزای آن است. «خدمات اکوسیستمی»^۲، صورت متکامل‌تر عملکردهای طبیعی سرزمین است که منتج به مزایایی ارزشمند برای انسان است. این خدمات به چهار

1. Chain of Structure- Function- Value in Landscape

2. Ecosystem Services

دسته زیر تقسیم می‌شود: ۱. «خدمات تولیدی»^۱ مثل آب آشامیدنی و چوب؛ ۲. «خدمات تنظیمی»^۲ مانند پالایش هوا و آب، کنترل فرسایش و سیلاب، گرده‌افشانی و تعدیل آب و هوا؛ ۳. «خدمات فرهنگی»^۳ همچون خدمات آموزشی، تفریحی و زیبایی‌شناختی؛ ۴. «خدمات پشتیبانی»^۴ از جمله فتوسنتز، شکل‌گیری خاک و چرخه ماده و انرژی. این خدمات اکوسیستمی در کنار یکدیگر، سبب ایجاد سیماهای سرزمین چندعملکردی و چند ارزشی می‌شوند (Lee & Lautenbach, 2016; Locatelli et al, 2013; Von Haaren et al, 2019).

زنجیره ساختار، عملکرد و ارزش در سیمای سرزمین به رابطه به هم پیوسته بین ساختارها یا الگوها (مانند شکل زمین، آرایش انواع پوشش/ کاربری زمین، پیکره‌های آبی و زیرساخت‌های سبز)، عملکردهای اکولوژیکی (فرایندها و پویایی‌های منتج از وجود تغییر ترکیب و توزیع مجدد آن ساختارها) و ارزش‌های حاصل برای جوامع بشری (مربوط به رفاه انسان و یا مؤثر بر آن)، اشاره دارد (Assis et al, 2023; Ha et al, 2022). شکل ۲، صورت تکمیل شده مدل مفهومی مذکور را نشان می‌دهد.



شکل ۲: مدل تکمیل شده زنجیره ساختار- عملکرد- ارزش در سیمای سرزمین (Haines-Young & Potschin, 2010)

تعیین کمیت ظرفیت اکوسیستم‌ها برای عرضه خدمات اکوسیستمی (مانند عملکرد برداشت شده) نیازمند به دست آوردن، پردازش و تجزیه و تحلیل داده‌های میدانی بسیار و فرایندی پرهزینه و وقت‌گیر است. به همین دلیل، نقشه‌سازی خدمات اکوسیستمی بر اساس داده‌های پوشش/ کاربری اراضی، معمولاً ساده‌تر،

1. Provisioning Services
2. Regulating Services
3. Cultural Services
4. Supporting Services

کارآمدتر و منطقی‌تر است. این نقشه‌سازی، ابتدا مبتنی بر تحلیل فضایی انسجام ساختاری سیمای سرزمین^۱ (LSI) با استفاده از سنجه‌های ساختاری سیمای سرزمین است و سپس مبتنی بر تحلیل فضایی ارزش‌گذاری یکپارچه مبادلات و خدمات محیط زیستی^۲ (InVEST). ارزش را می‌توان از طریق ارزش‌گذاری‌های پولی و غیرپولی خدمات اکوسیستمی، تعیین نمود (Alemohammad et al, 2022; Armatas et al, 2018; Ran et al, 2023).

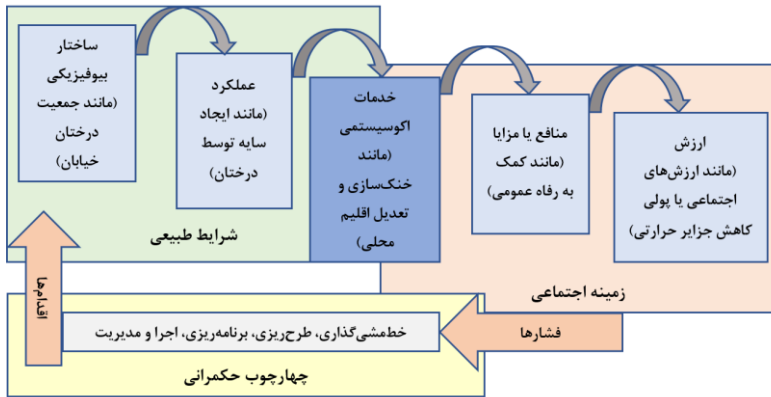
۱-۲. مدل زنجیره ساختار- عملکرد- ارزش در چهارچوب حکمرانی سیمای سرزمین

در مدل قبلی، عرضه خدمات اکوسیستمی، یک جریان خطی از طبیعت به سوی مردم بدون هیچ بازخورد انسانی در نظر گرفته شده است. اما خدمات اکوسیستمی توسط فرایندهای اجتماعی- اقتصادی مداخله‌گر در چهارچوب حکمرانی، از مرحله قبل به مرحله بعد منتهی می‌شود. طبق مدل زنجیره ساختار- عملکرد- ارزش در چهارچوب حکمرانی سیمای سرزمین^۳، اینکه انسان‌ها بتوانند از خدمات اکوسیستمی بهره ببرند، به نیازها و منافع ذی‌نفعان، راهبردها و شیوه‌های مدیریتی آنها، ظرفیت‌های آنها، دسترسی آنها به خدمات اکوسیستمی، زمینه‌های نهادی، بستر همکاری‌ها و تشریک مساعی بین بخش‌های مختلف، قوانین، ساز و کارهای اقتصادی و پیشرفت‌های فناورانه بستگی دارد (Buffam et al, 2022; Potschin-Young et al, 2018). در نهایت، درک خدمات اکوسیستمی که ذی‌نفعان برای آنها ارزش قائل هستند، می‌تواند آگاهی را افزایش دهد، اولویت‌های حفاظتی و آموزشی را روشن کند و به ارائه خط‌مشی‌های آینده‌نگرانه، طرح‌های مبتکرانه، برنامه‌های مناسب‌تر، اجرای مطمئن‌تر و ایجاد یک شبکه پایش دقیق‌تر بینجامد (Alemohammad et al, 2023; Balvanera et al, 2017; Wang et al, 2022). مدل مفهومی مذکور، در شکل ۳، نمایان شده است.

1. Landscape Structural Integrity

2. Integrated Valuation of Environmental Services and Tradeoffs

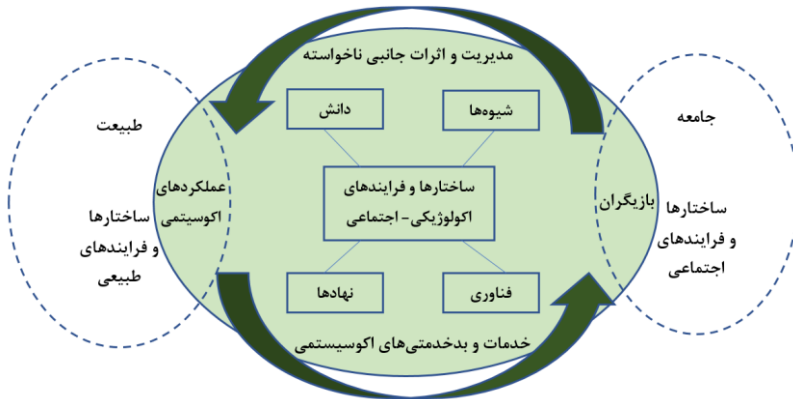
3. Chain of "Structure- Function- Value: in Landscape governance Framework



شکل ۳: مدل زنجیره ساختار- عملکرد- ارزش در چهارچوب حکمرانی سیمای سرزمین (Buffam et al, 2022)

۳-۱. مدل ابعاد واسطه در سیستم اکولوژیکی- اجتماعی

انسان به طور مداوم برای تأمین نیازهای معیشتی، به دست آوردن منافع اقتصادی و یا برای سازگاری با تغییرات اکولوژیکی- اجتماعی اکوسیستم‌ها را تغییر می‌دهد. تعامل نزدیک مردم با محیط زیست، جوهر سیستم‌های اکولوژیکی- اجتماعی (SESs) است. نمونه‌ای از تعاملات در این سیستم‌های انطباقی پیچیده، خدمات و بدخدمتهای اکوسیستمی است که به مزایا و زیان‌هایی اشاره دارد که از طبیعت به جامعه می‌رسد. شبکه‌های اکولوژیکی- اجتماعی (SENs) می‌توانند بازیگران مرتبط با هر خدمت اکوسیستمی خاص را نیز در برگیرند (Chan et al, 2016; Liehr et al, 2017; Nassl et al, 2015). در شکل ۵، این مدل مفهومی نمایش داده شده است.



شکل ۴: مدل ابعاد واسطه در سیستم اکولوژیکی- اجتماعی (Mehring et al, 2017)

مدل ابعاد واسطه در سیستم اکولوژیکی- اجتماعی^۱ بر این موضوع تأکید دارد که ساختارها و فرایندهای سیستم‌های اکولوژیکی- اجتماعی، دارای چهار بُعد واسطه است: ۱. دانش (مانند دانش محلی در مورد گیاهان و خاک)؛ ۲. شیوه‌ها یا اقدام‌ها (مانند مهاجرت فصلی با استفاده از ادراک ابعاد فضایی- زمانی سرزمین)؛ ۳. فناوری (مانند طرح‌های آبیاری و شیوه‌های جدید کوددهی)؛ ۴. نهادها (مانند شبکه‌های اجتماعی و سیاست‌های موجود) (Mehring et al, 2017). با تغییر شرایط طبیعت مانند تغییر شرایط فصلی، عرضه خدمات اکوسیستمی مانند تولید زیست‌توده گیاهی و جانوری کاهش می‌یابد. در چنین زمانی راهبرد معیشتی انسان، جابه‌جایی در عرصه سرزمین و یا استفاده از فعالیت‌های معیشتی جایگزین بوده است (این موضوع، مثالی از درهم‌آمیختگی بُعد دانش و بُعد شیوه‌ها است).

۱-۴. مدل آبشار خدمات اکوسیستمی

اقدام‌های انسان و مسئولیت‌های او دارای نقش واسطه‌گری در عرضه خدمات اکوسیستمی از سیمای سرزمین به ذی‌نفعان نهایی هستند (Fischer Eastwood, 2016; Zhang et al, 2022). «مدل آبشار خدمات اکوسیستمی»^۲ (ESC)، شامل پنج مرحله است. ساختار می‌تواند ویژگی‌های فیزیکی زیستگاه باشد. عملکردها می‌توانند عبور آب باشد که هیچ کاربرد مستقیمی برای انسان ندارند. خدمات برخاسته از عملکردها هستند، اما همیشه به نحوی به رفاه انسان کمک می‌کنند، به‌عنوان مثال سیل بند. همچنین مزایا، بخشی از سیستم اجتماعی و اقتصادی و کمک به رفاه انسان، مانند ایمنی است. انسان‌ها از مزایا قدردانی می‌کنند و برای خدمات ارزش قائل هستند. این ارزش می‌تواند اقتصادی نیز باشد، مانند تمایل به پرداخت. در این «مدل ساز و کارهای واسطه»^۳ (MM)، نشان‌دهنده راه‌های مداخله انسان در مراحل مختلفی هستند که جریان خدمات اکوسیستمی را در امتداد آبشار کنترل می‌کند و سهم آن را در رفاه انسان تعیین می‌کند (پیکان‌های رو به سمت راست). چهار ساز و کار واسطه (مدیریت، بسیج، تخصیص و قدردانی)^۴، خدمات اکوسیستمی را در طول آبشار تغییر می‌دهند. بازخوردها (پیکان‌های رو به سمت چپ)، ناشی از تأثیر ساز و کار قدردانی بر سایر ساز و کارهای واسطه است. این بازخوردها نشان‌دهنده تقاضا

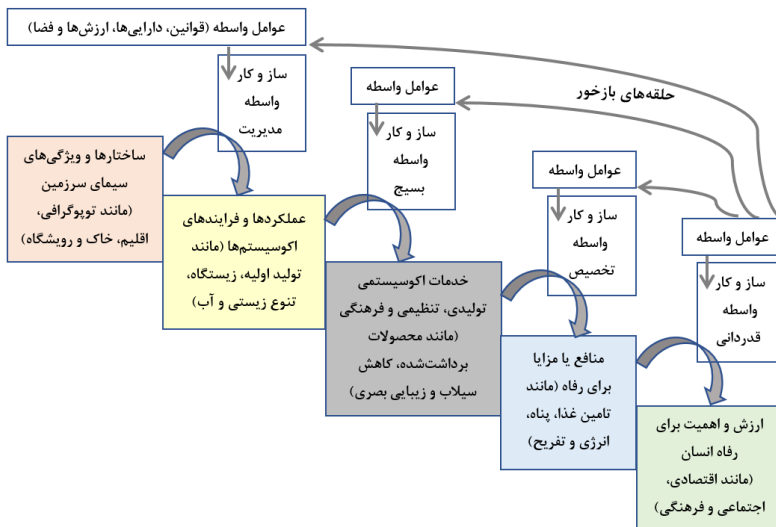
1. Mediating dimensions in Social- Ecological System

2. Ecosystem Services Cascade

3. Mediating Mechanism

4. Management, Mobilization, Allocation-Appropriation, and Appreciation

برای خدمات اکوسیستمی توسط ذی‌نفعانی است که چگونگی تأثیر این خدمات بر رفاه (از طریق تجربه یا دانش) را درک نموده‌اند. همچنین در این آبخیز، «عوامل واسطه»^۱ (MF) می‌توانند با تأثیر بر ساز و کارهای واسطه، مانع یا تسهیلگر بهره‌مندی ذی‌نفعان مختلف از خدمات اکوسیستمی باشند. این عوامل شامل قوانین، دارایی‌ها، ارزش‌ها و فضا هستند و جنبه زمینه‌ای دارند (Fedele et al, 2017; Gordard et al, 2016; Maes et al.) (2016; Palomo et al, 2016). مدل مفهومی آبخیز خدمات اکوسیستمی با تمام اجزا و ارتباطات کلی موجود آن، در شکل ۵، نمایش داده شده است.



شکل ۵: مدل آبخیز خدمات اکوسیستمی (Fedele et al, 2017)

کشاورزان ویتنامی از احیای یک منطقه آبخیزداری برای افزایش خدمات تنظیمی مرتبط با حاصل‌خیزی خاک با مزایای کشت برنج شلتوک حمایت کردند (ساز و کار مدیریت). برخی از زنان در غنا برای جمع‌آوری برگ‌های نوعی گیاه، با شوهران خود مذاکره کردند تا زمانی را برای این کار در نظر بگیرند (ساز و کار بسیج). دامداران در رومانی بسته به سیاست‌های کمک‌های اجتماعی، تصمیم به فروش یا نگهداری گاوهای خود گرفتند یا مدیران منابع آب با همکاری جوامع محلی در حوضه رودخانه پانگانی در تانزانیا جریان آب را از طریق دایک تنظیم می‌کنند تا مقدار تخصیص آب برای تولید برق، آبیاری زمین‌های کشاورزی و تالاب در

1. Mediating Factors

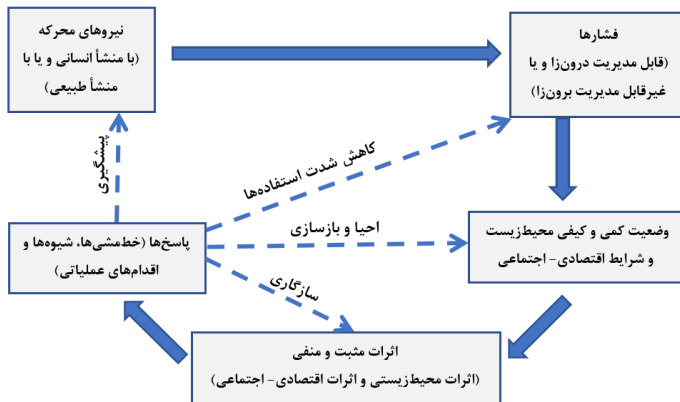
پایین‌دست مشخص شود (ساز و کار تخصیص) (Felipe- Lucia et al, 2015; Horcea-Milcu et al, 2015; Meyfroidt, 2013). یک جامعه بومی استرالیایی، ارزش‌های معنوی عناصر طبیعت را تشخیص می‌دهد. جوامع محلی ساکن در دهستان دنا در ایران، نسبت به ارزش‌های معیشتی، اقتصادی، فرهنگی و حفاظتی سیمای سرزمین، نوعی نگرش فضایی دارند (ساز و کار قدردانی) (Alemohammad et al, 2020; Hartter et al, 2014).

امتیاز بهره‌برداری چوب با مجوز ملی، وقتی در اختیار یک شرکت باشد سبب می‌شود آن شرکت ترکیب و ساختار پوشش گیاهی را تغییر دهد و یا دسترسی به جنگل‌ها را محدود کند (تأثیر عامل قانون بر ساز و کار مدیریت). کمبود نیروی کار مزرعه به دلیل مهاجرت یا وجود فرصت‌های شغلی دیگر می‌تواند منجر به رها شدن کشاورزی شود (تأثیر عامل دارایی بر ساز و کار بسیج). همچنین اعتماد به طب سنتی، اهمیت گیاهان دارویی و حفاظت رویشگاه آن‌ها را بهبود می‌دهد (تأثیر عامل ارزش بر ساز و کار قدردانی). تأثیرپذیری بازیگران و ذی‌نفعان از برخی خدمات و بدخدمت‌های اکوسیستمی به مکانی که در آن مزایا یا مخاطراتی ایجاد و فراهم می‌شود، بستگی دارد. خدمات هیدرولوژیکی از نظر فضایی بیشتر به حوضه آبخیز محدود می‌شوند، مگر اینکه جمعیت‌های دور از طریق انتقال، آب را دریافت کنند. همچنین تنظیم جریان آب توسط تالاب‌ها و تثبیت خاک توسط پوشش گیاهی دامنه‌ها سبب می‌شود خطر سیل یا رانش زمین در سکونت‌گاه‌های نزدیک کاهش یابد (تأثیر عامل فضا بر ساز و کار تخصیص). اولین حلقه بازخورد حاصل از قدردانی نمودن از مزایای خدمات اکوسیستمی، می‌تواند به تعدیل سیاست‌ها و شیوه‌های مدیریتی منجر شود (افزایش شناخت اجتماعی یا درک علمی از ظرفیت اکوسیستم‌های جنگلی برای ذخیره کربن در شرایط تغییرات آب و هوایی، می‌تواند انگیزه سیاسی کاهش جنگل‌زدایی را افزایش دهد). دومین حلقه بازخورد، می‌تواند بر تصمیم‌گیری‌های مربوط به بسیج تأثیر بگذارد (زنان روستایی ماداگاسکار برای استفاده از برگ‌های یک گیاه دارویی، از شوهران خود خواستند که آن‌ها را تا جنگل‌های دور دست همراهی و همیاری کنند). بازخورد سوم می‌تواند بر تخصیص مزایای اکوسیستم‌ها تأثیر بگذارد (محبوبیت دانه کینوا، سبب افزایش قیمت می‌شود و در نتیجه کشاورزان در آند بذرهای بیشتری را به‌جای خوردن، ذخیره و صادر می‌کنند (Fedele et al, 2011; Hausknost et al, 2017).

۵-۱. مدل نیروی محرکه، فشار، وضعیت، اثر و پاسخ

مدل نیروی محرکه، فشار، وضعیت، اثر و پاسخ^۱ (DPSIR)، به موازات اعمال قانون محیط زیست آبریان اروپا در پاسخ به پیچیدگی تحلیل تعاملات و بازخوردهای میان فعالیت‌های انسانی و اکوسیستم‌ها، توسط آژانس محیط زیست اروپا^۲ (EEA) توسعه یافت. ایده اولیه این مدل توسط سازمان توسعه و همکاری اقتصادی^۳ (OECD) در اوایل دهه ۱۹۹۰ به شکل فشار، وضعیت و پاسخ^۴ (PSI) مطرح شده بود. این مدل، زنجیره‌هایی از پیوندهای علی را برای طبقه‌بندی و تحلیل اطلاعات مربوط به مسائل پیچیده محیط زیستی به کار می‌گیرد. در قالب این ساختار، می‌توان سنجه‌های مورد نیاز برای بازخورد به خط‌مشی‌گذاران و مدیران را ارائه داد. همچنین با تمرکز بر تقویت همکاری‌ها بین ذی‌نفعان مختلف، به تصمیم‌گیری آگاهانه کمک نمود (Alemohammad et al, 2014; Hung & Schneider, 2020; Von Döhren & Haase, 2023).

این مدل، ابزاری برای ساختاردهی تحقیقاتی و تجزیه و تحلیل اطلاعات است. این سازماندهی به فهم چگونگی روندهای مؤثر در ایجاد اثرات فعالیت‌های انسانی در طول زمان و تعاملات فرایندهای اکولوژیکی-اجتماعی کمک می‌کند. همچنین با ارائه پاسخ‌های مدیریتی توسط دیدی بین‌رشته‌ای، به خط‌مشی‌گذاران و تصمیم‌گیران برای رسیدگی به مسائل غامض کمک می‌کند (Allen, 2022; Bradley & Yee, 2015; Gupta et al, 2020; Patrício et al, 2016).



شکل ۶: مدل نیروی محرکه، فشار، وضعیت، اثر و پاسخ (Allen, 2022)

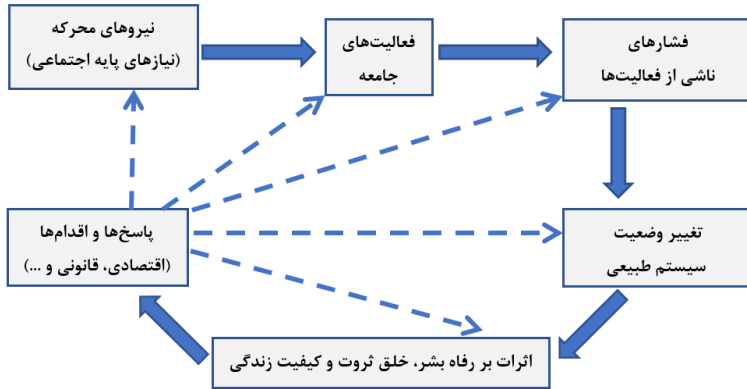
1. Driving force, Pressure, State, Impact and Response
2. European Environment Agency
3. Organization for Economic Co-operation and Development
4. Pressure, State, and Response

۱-۶. مدل نیروی محرکه، فعالیت، فشار، تغییر وضعیت، اثر (بر رفاه انسانی) و پاسخ (اقدام‌ها)

با توجه به وجود کاستی‌هایی در مدل قبلی، مدل نیروی محرکه، فعالیت، فشار، تغییر وضعیت، اثر (بر رفاه انسانی) و پاسخ (اقدام‌ها)^۱ برای پرداختن به مسائل پیچیده سیستم‌های اکولوژیکی- اجتماعی مطرح شد؛ مثلاً، نیروی محرک اصلی به دست آوردن غذا است. بخش ماهی‌گیری تجاری شامل بسیاری از انواع فعالیت‌های ماهی‌گیری (از جمله صیادی ترال با پرتو، صیادی گلدانی، صیادی طناب دراز) است و هرکدام فشار تولید می‌کنند. مثلاً ترال با پرتو یک فعالیت ماهی‌گیری است که منجر به فشاری از نوع ایجاد ساییدگی در بستر دریا (ناشی از چرخ دنده‌های یدک) می‌شود. چنین سایشی باعث آسیب زیستگاه بستر دریا (تغییر وضعیت) می‌شود که در نهایت با کاهش منابع قابل ماهی‌گیری منجر به تأثیرات (بر رفاه انسان) می‌شود. پاسخ مستقیم به نیروهای محرکه ممکن است شامل کاهش رشد اقتصادی یا کنترل جمعیت باشد. پاسخ مستقیم به فعالیت‌ها می‌تواند شامل تنظیم سطوح فعالیت (مانند ممنوعیت ماهی‌گیری، محدودیت دوره ماهی‌گیری یا ایجاد معیشت‌های جایگزین) باشد. پاسخ مستقیم به فشارها می‌تواند شامل کاهش سطوح فشار ناشی از یک سطح مشخص از فعالیت (مثلاً با تغییر نوع ابزار ماهی‌گیری یا تغییرات دنده) باشد (Elliott & O'Higgins, 2020; Molina et al, 2023). در مدل قبلی، نیروهای محرکه گاه به اشتباه مترادف با فعالیت‌ها در نظر گرفته می‌شد، درحالی‌که در این مدل، این دو متمایز شده‌اند. نیروهای محرکه در این مدل به انواع نیازهای انسان (نیازهای اساسی، نیازهای روان‌شناختی و نیازهای خودتکاملی)^۲ و سلسله‌مراتب پنج لایه مازلو مربوط است (Casanova & Price, 2018; Ho et al, 2015; Pimental et al, 2024). ترسیم و ثبت فعالیت‌ها روی نقشه‌ها، عکس‌ها و پایگاه‌های داده آسان‌تر از ترسیم و ثبت فشارها است، زیرا فشارها نیاز به تشخیص ردپای مکانی و زمانی دارند. در مدل قبلی، وضعیت به هر دو سیستم طبیعی و اجتماعی مربوط می‌شد، اما در این مدل، وضعیت به نظام طبیعی و اثر به نظام اجتماعی اشاره دارد. همچنین در این مدل، از تغییر وضعیت استفاده شده است که کامل‌تر از وضعیت است. به‌علاوه به‌صراحت، رفاه انسان در مدل گنجانده شده و با مفهوم خدمات اکوسیستمی پیوند برقرار شده است پاسخ‌های مدیریتی می‌تواند شامل راهبردها و اقدام‌های مدیریتی باشد (Elliott)

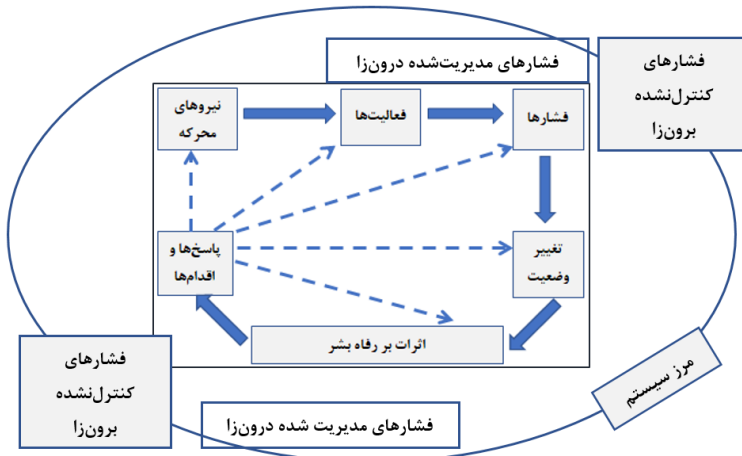
1. Drivers-Activities-Pressures-State changes-Impacts (on Welfare)-Responses (as Measures)
2. Basic needs, Psychological needs, and Self-fulfillment needs

نمایش داده شده است. (et al, 2017; Gunathilaka et al, 2022; Lovcraft & eek, 2019). مدل مذکور در شکل ۷،



شکل ۷: مدل نیروی محرکه، فعالیت، فشار، تغییر وضعیت، اثر (بر رفاه انسانی) و پاسخ (اقدام‌ها) (Elliott & O'Higgins, 2020)

۷-۱. مدل فشارهای کنترل نشده برون‌زا و فشارهای مدیریت شده درون‌زا
این مدل از مقیاس بالاتری نسبت به مدل ششم به منظور سازماندهی مسائل غامض محیط زیستی می‌پردازد. مدل مذکور در شکل ۸، نمایش داده شده است.



شکل ۸: مدل فشارهای کنترل نشده برون‌زا و فشارهای مدیریت شده درون‌زا (Elliott & et al, 2017)

فشارهای مدیریت‌شده درون‌زا در حوزه مدیریت رخ می‌دهد و بنابر این می‌توان هم علل و هم پیامدهای آن‌ها را در منطقه مدیریت کرد. به‌عنوان مثال، افزایش زیرساخت‌ها مانند پل یا نیروگاه در یک منطقه باعث ایجاد فشارهایی می‌شود که کاهش پیامدهای آن باید در یک برنامه مدیریتی گنجانده شود. اما علت فشارهای کنترل‌نشده برون‌زا، همان‌طور که از نام آن آشکار است، از خارج از منطقه نشئت می‌گیرد، مانند افزایش سطح دریا در نتیجه تغییرات آب و هوایی جهانی. اقدام‌های مدیریتی در درون منطقه، تنها به درمان پیامدهای آن می‌پردازد (مانند ایجاد دیوارهای دفاعی دریایی بالاتر در مقابل افزایش سطح آب دریا)؛ اما اقدام‌های مدیریتی برای رسیدگی به فشارهای برون‌زا، باید در مقیاس بزرگ و حتی جهانی باشد مانند جلسات کنفرانس اعضا^۱ (COP) در پاریس. این کنفرانس، یک اجلاس بین‌المللی و به‌عنوان زیرمجموعه‌ای از کنوانسیون چهارچوب سازمان ملل متحد در مورد تغییرات آب و هوا^۲ (UNFCCC) است که هر ساله برگزار می‌شود (Azevedo et al., 2024; Elliot et al., 2017; Jorge-Romero, 2022).

۲. روش پژوهش

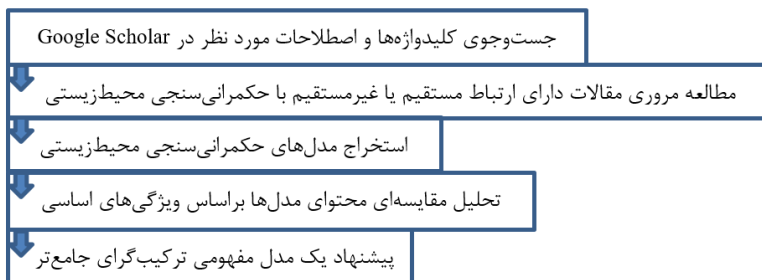
در این پژوهش، روش‌های مورد استفاده در مجموع شامل، مرور هدفمند منابع، تحلیل مقایسه‌ای محتوای مدل‌ها و در نهایت شیوه ترکیب بوده است. ابتدا جمع‌آوری اطلاعات، بر پایه مرور دقیق و بررسی هدفمند منابع صورت گرفت. به همین منظور، برای انتخاب مقالات، یازده مورد از مهم‌ترین «کلیدواژه‌ها و اصطلاحات» در حوزه مفاهیم، روش‌ها و مدل‌های مرتبط با سنجش حکمرانی محیط زیست، جست‌وجو شده است. این عبارات چنین است: «حکمرانی محیط زیستی»، «خدمات اکوسیستمی»، «حکمرانی سیمای سرزمین»، «ساختار- عملکرد- ارزش سیمای سرزمین»، «سیستم اکولوژیکی- اجتماعی»، «شبکه اکولوژیکی- اجتماعی»، «واسطه‌های جریان خدمات اکوسیستمی در سیستم‌های اکولوژیکی- اجتماعی»، «مسائل غامض محیط زیستی»، «زنجیره‌های علت و معلولی در چالش‌های محیط زیستی»، «مدل‌های مدیریت محیط زیست» و «پاسخ‌ها در مدیریت محیط زیست». در ادامه، بیش از پنجاه مورد از جدیدترین مقالات، برای مرور انتخاب شده است که به‌طور مستقیم و غیرمستقیم با مدل‌سازی مفهومی حکمرانی‌سنجی محیط زیستی،

1. Conference of the Parties

2. United Nations Framework Convention on Climate Change

مرتبط بوده‌اند. با بررسی این مقالات تعداد هفت مدل، یافته شده است. اسامی این مدل‌ها به شرح زیر است: «مدل زنجیره ساختار- عملکرد- ارزش در سیمای سرزمین»، «مدل زنجیره ساختار- عملکرد- ارزش در چهارچوب حکمرانی سیمای سرزمین»، «مدل ابعاد واسطه در سیستم اکولوژیکی- اجتماعی»، «مدل آبشار خدمات اکوسیستمی»، «مدل نیروی محرکه، فشار، وضعیت، اثر و پاسخ»، «مدل نیروی محرکه، فعالیت، فشار، تغییر وضعیت، اثر (بر رفاه انسانی) و پاسخ (اقدام‌ها)»، «مدل فشارهای کنترل‌نشده برون‌زا و فشارهای مدیریت‌شده درون‌زا».

سپس روش تحلیل اطلاعات، بر پایه تحلیل مقایسه‌ای (مبتنی بر تحلیل کیفی و کمی محتوا) بوده است. تحلیل محتوا از نوع جهت‌دار (هدفمند بر اساس یافته‌های مطالعات موجود) و برای کل جامعه آماری (تمام هفت مدل مفهومی موجود به‌جای تکیه بر برخی مدل‌ها به‌عنوان نمونه) بوده است. تحلیل محتوای کیفی مدل‌ها بر پایه ویژگی‌های اساسی (اجزای اصلی مدل، روابط اصلی در مدل، تمرکز اصلی مدل، بینش‌های کلیدی) به دست آمده است. این ویژگی‌ها همان چیزی است که کم و بیش در مدل‌های مختلف متغیر هستند. واحد تحلیل، متون مهم خلاصه شده مدل‌ها بوده است. همچنین با تحلیل کمی مدل‌ها بر اساس فراوانی کلمات، تأکیدات کلی مدل‌ها مورد بررسی قرار گرفته است. در ادامه، بر اساس هر دو تحلیل کمی و کیفی محتوا، جدول تحلیل مقایسه‌ای مدل‌ها، ارائه شده است. این مدل‌ها چهارچوب‌هایی را برای درک نحوه تعامل انسان و محیط زیست ارائه می‌دهند به‌صورتی که فعالیت‌ها و تصمیم‌های بر رفاه انسان و وضعیت محیط زیست اهمیت دارد. در نهایت، یک مدل مفهومی جامع‌تر، با استفاده از ترکیب اجزا و ویژگی‌های مختلف مدل‌ها پیشنهاد شده است. چهارچوب مراحل پژوهش در شکل ۹، خلاصه شده است.



شکل ۹: چهارچوب مراحل پژوهش

۳. یافته‌های پژوهش

بررسی‌ها نشان می‌دهد این مدل‌ها در دو طبقه کلی شامل مدل‌های مبتنی بر خدمات اکوسیستمی و مدل‌های علت و معلولی قابل تقسیم‌بندی هستند. این دو دسته مدل از جنبه‌هایی با یکدیگر دارای شباهت‌ها و تفاوت‌هایی هستند. در ادامه ادراک نهایی نویسندگان از این مدل‌ها بیان شده است و سپس شباهت‌ها و تفاوت‌هایشان به شکل مقایسه‌ای، تحلیل شده است. در نهایت یک مدل مفهومی جامع‌تر و چرخه‌ای ارائه شده است. چهار مدل اول، مبتنی بر تفکر خدمات اکوسیستمی و سه مدل بعد مبتنی بر تفکر علت و معلولی هستند.

مدل اول، «زنجیره ساختار- عملکرد- ارزش در سیمای سرزمین»، نشان می‌دهد که ساختار سیمای سرزمین تأثیر قابل توجهی بر جریان تمامی خدمات اکوسیستمی دارد. طراحی سیمای سرزمین، چنان باید باشد که از زیرساخت‌های طبیعی برای عرضه بهتر خدمات اکوسیستمی به انسان استفاده شود. رابطه بین ارزش سیمای سرزمین و خدمات اکوسیستمی معنادار و به هم پیوسته است. دلیل این ارزش‌گذاری، آن است که خدمات اکوسیستمی بر رفاه بشر تأثیر می‌گذارند. مدل دوم، «زنجیره ساختار- عملکرد- ارزش در چهارچوب حکمرانی سیمای سرزمین»، حاکی از اهمیت بسط و بهبود سنجه‌های معنادار، مناسب و قوی برای سنجش خدمات اکوسیستمی است، زیرا تغییرات عرضه و تقاضای خدمات اکوسیستمی بر هم‌افزایی مبادلات میان خدمات اکوسیستمی و ذی‌نفعان مختلف و همچنین کاهش تعارضات مؤثر است. بر اساس مدل سوم، «ابعاد واسطه در سیستم اکولوژیکی- اجتماعی»، مشخص است که خدمات و بدخدمتی‌های اکوسیستمی بخش کلیدی و محور برجسته روابط وابسته و متقابل بین سیستم‌های اکولوژیکی و اجتماعی است و در عرضه آن، هم فرایندهای اکولوژیکی و هم اقدام‌های انسانی دخیل است. بازیگران و ذی‌نفعان به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم از طریق فعالیت‌های مدیریتی یا پیامدهای جانبی ناخواسته، بر سیستم اکولوژیکی- اجتماعی و در نتیجه جریان خدمات اکوسیستمی تأثیر می‌گذارند. این مدل می‌تواند به ارزیابی هماهنگی اقدام‌های مدیریتی در مقیاس‌های مختلف و ارزیابی نقش روابط اجتماعی در شکل‌دهی جریان خدمات اکوسیستمی کمک کند.

با دقت نمودن به مدل چهارم، «آبشار خدمات اکوسیستمی»، می‌توانیم دریابیم که در ساز و کار مدیریت، انسان خواص بیوفیزیکی و ساختارهای اکوسیستم را از طریق مداخلات مدیریتی با هدف حفاظت، توسعه، تقویت یا بازیابی برخی از

ویژگی‌های اکوسیستم مورد علاقه تغییر می‌دهد. در ساز و کار بسیج، افراد برای ایجاد خدمات اکوسیستمی، دارایی‌های انسانی مانند کار، دانش و پول را به عملکردهای اکوسیستم اضافه می‌کنند. در ساز و کار تخصیص، انسان به صورت فعالانه یا منفعلانه تعیین می‌کنند که خدمات اکوسیستمی چگونه و به چه میزان براساس اهداف به‌سوی ذی‌نفعان مختلف سرازیر شود (بسته به روابط قدرت، منافع، در دسترس بودن گزینه‌ها و فرصت‌های هزینه-فایده). در ساز و کار قدردانی، انسان از نقش خدمات اکوسیستمی در رفاه قدردانی می‌کنند و ارزش‌های خاصی (مانند ارزش‌های اقتصادی، معیشتی، فرهنگی و یا حفاظتی) را به آن‌ها نسبت می‌دهند که تقاضا برای خدمات اکوسیستمی را شکل می‌دهد. همچنین از این مدل می‌توان دریافت که لزوماً همه خدمات اکوسیستمی، تمامی مراحل آبشار را برای ارائه مزایا به مردم طی نمی‌کنند. ممکن است ترسیب کربن یا تصفیه هوا، حتی بدون هیچ‌گونه اقدام یا واسطه انسانی و یا حتی بدون آگاهی از عملکرد اقلیم و ریز اقلیم، به نفع مردم باشد. همچنین در مدل «آبشار خدمات اکوسیستمی»، عوامل واسطه با یکدیگر تعامل دارند. به‌عنوان مثال، دور بودن روستاها (عامل واسطه فضا) می‌تواند فقدان زیرساخت (عامل واسطه دارایی) یا اجرای قانون را توضیح دهد. قانون می‌تواند حقوق افراد مرتبط با دسترسی، توزیع و مشارکت در تصمیم‌گیری را کنترل کند.

با توجه به مدل پنجم، «نیروی محرکه، فشار، وضعیت، اثر و پاسخ»، در می‌یابیم که نیروی محرکه را می‌توان اکولوژیکی یا اجتماعی-اقتصادی دانست (برای تمایز جنبه‌های طبیعی و انسانی)، اما اغلب، نیروهای محرکه شامل رشد جمعیت، نیازهای اولیه، سبک زندگی و تحولات فعالیت‌های انسانی هستند که باعث ایجاد تغییراتی در سطوح کلی تولید و مصرف و تأثیر بر محیط زیست می‌شوند. نیروهای محرکه بر سیستم، فشارهایی وارد می‌کند که معمولاً به‌صورت ردپای اکولوژیکی قابل درک است. فشارهای وارد شده، در انواع فرایندهای طبیعی منتقل می‌شوند تا خود را در تغییرات وضعیت نشان دهند. این تغییرات بر سلامت انسان، در دسترس بودن منابع، خدمات اکوسیستمی و تنوع زیستی تأثیر می‌گذارد. در مدل ششم، «نیروی محرکه، فعالیت، فشار، تغییر وضعیت، اثر (بر رفاه انسانی) و پاسخ (اقدام‌ها)»، فعالیت‌ها همان چیزی است که ما انجام می‌دهیم تا نیازهایمان را تأمین کنیم. هر فعالیت منجر به یک یا چند فشار می‌شود و هر فشار می‌تواند از یک یا چند فعالیت حاصل شود و در نتیجه یک ماتریس به هم پیوسته از فعالیت‌ها و فشارها ایجاد کند. فشار، ساز و کار ایجاد تغییر است که ابتدا سبب تغییر وضعیت اکولوژیکی (مانند تعداد گونه‌ها در یک

جامعه یا مقدار سطوح پوشش گیاهی یا فرایندهای نرخ بهره‌وری تولید یا نرخ جریان کربن در اکوسیستم) می‌شود و سپس بر سیستم اجتماعی (رفاه انسان و کالاهای و خدمات اکوسیستمی به دست آمده توسط جامعه) تأثیر می‌گذارد. در مدل هفتم، «مدل فشارهای کنترل نشده برون‌زا و فشارهای مدیریت‌شده درون‌زا»، همه نیازها در کنار هم نحوه استفاده از فضا را تعیین می‌کند (همراه با رقابتی که بین افراد، قبایل، جوامع و ملت‌ها رخ می‌دهد و تا مقیاس‌های منطقه‌ای و جهانی ادامه دارد). به هر حال و در هر مقیاسی، پاسخ‌ها و اقدام‌های انتخاب شده، باید از نظر اکولوژیکی پایدار، از نظر اقتصادی با دوام، از نظر فناوری امکان‌پذیر، از نظر اجتماعی مطلوب، از نظر اداری قابل دستیابی، از نظر قانونی مجاز، از نظر سیاسی مصلحت‌آمیز، از نظر اخلاقی و فرهنگی قابل دفاع باشد.

تمامی این مدل‌ها، تسهیلگر فهم شیوه‌های عملکرد مسبب چرخه‌های گذار سرزمین به سوی شرایط قهقرایی (و یا برعکس) هستند. بدون شک، درک پیچیدگی‌های تعامل انسان و طبیعت نیازمند قالب‌های مفهومی و مدل‌های تحلیلی است. با این حال، همپوشانی‌ها و تفاوت‌هایی میان آن‌ها وجود دارد که درک و انتخاب مناسب‌ترین مدل برای هر سیاق خاص را حائز اهمیت می‌کند. خدمات اکوسیستمی، عنصر کلیدی در مضمون مدل زنجیره ساختار-عملکرد-ارزش در سیمای سرزمین است. مدل زنجیره ساختار-عملکرد-ارزش در چهارچوب حکمرانی سیمای سرزمین، همان مدل قبلی است، اما تأکید می‌کند که روابط اجتماعی و چهارچوب‌های حکمرانی در بهره‌مندی از خدمات اکوسیستمی نقش دارند. بر اساس مدل ابعاد واسطه در سیستم اکولوژیکی-اجتماعی، چهار بُعد دانش، اقدام‌ها، فناوری و نهادها، بر جریان خدمات اکوسیستمی مؤثر هستند. بر اساس مدل آبشار خدمات اکوسیستمی، چهار ساز و کار مدیریت، بسیج، تخصیص و قدردانی، خدمات اکوسیستمی را از سیستم‌های طبیعی به دست ذی‌نفعان نهایی می‌رساند. مدل نیروی محرکه، فشار، وضعیت، اثر و پاسخ، با اجزای خود به درک تعاملات میان فعالیت‌های انسانی و اکوسیستم‌ها کمک می‌کنند. مدل نیروی محرکه، فعالیت، فشار، تغییر وضعیت، اثر و پاسخ، نسخه اصلاح و تکمیل شده مدل قبلی است. مدل فشارهای کنترل نشده برون‌زا و فشارهای مدیریت‌شده درون‌زا، با تفکیک انواع فشارها، سعی در تکامل بخشی به دو مدل پیش از خود دارد. جدول ۱، نتایج تحلیل مقایسه‌ای محتوای کیفی مدل‌های مفهومی را بر اساس تجزیه ویژگی‌ها و ابعاد مختلف نشان می‌دهد که تأکیدی بر مشروح چیزی است که گفته شد.

جدول ۱: تحلیل مقایسه‌ای کیفیت محتوای مدل‌های مفهومی شناسایی شده به منظور حکمرانی سنجی محیط زیستی

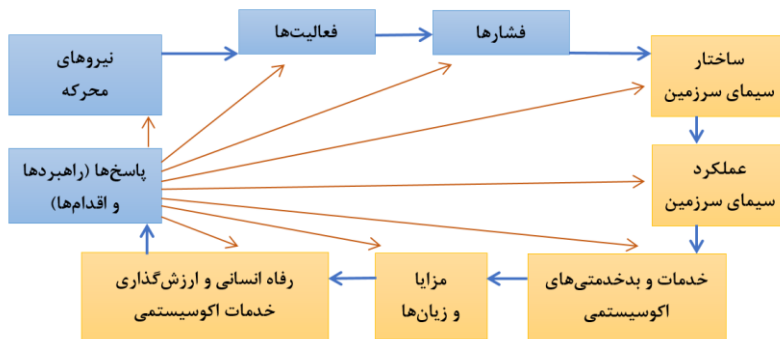
ردیف	نام مدل	اجزای اصلی	روابط مهم	تمرکز اصلی	بینش‌های کلیدی
مدل‌های خدمات اکوسیستمی	زنجیره ساختار، عملکرد، ارزش، در سیمای سرزمین	ساختار سیمای سرزمین / عملکردهای اکولوژیکی آن / ارزش‌های انسانی	زنجیره‌ای از ارتباطات میان اجزای اصلی وجود دارد و ساختار بر جریان خدمات اکوسیستمی تأثیر می‌گذارد.	تأکید بر نقش ارزش‌های حاصل از خدمات اکوسیستمی در رفاه جوامع انسانی و اهمیت آن در تصمیم‌گیری‌های مربوط به استفاده از سرزمین	ارزش‌های سیمای سرزمین فراتر از مجموع ارزش‌های تک‌تک اجزای ساختاری یا عملکردهای آن است و این به دلیل هم‌افزایی خدمات اکوسیستمی است
	زنجیره ساختار، عملکرد، ارزش، در چهارچوب حکمرانی سیمای سرزمین	اجزای زنجیره خدمات اکوسیستمی / عوامل اجتماعی - اقتصادی / فرایندهای حکمرانی	عرضه خدمات اکوسیستمی به ذی‌نفعان و تأثیر عوامل اجتماعی - اقتصادی بر دسترسی و بهره‌مندی آن‌ها از این خدمات	این مدل بر نقش دخالت‌های بشری، به‌عنوان بخشی از زنجیره جریان خدمات اکوسیستمی تأکید دارد	نیازها، منافع و تعاملات بین عوامل مختلف و تشریح مساعی ذی‌نفعان مرتبط با چهارچوب حکمرانی بر جریان خدمات اکوسیستمی مؤثر است.
	ابعاد واسطه در سیستم اکولوژیکی اجتماعی	بازیگران و ذی‌نفعان / ساختارها و فرایندهای اکولوژیکی - اجتماعی / ابعاد واسطه جریان خدمات اکوسیستمی	تعاملات پیچیده میان اقدام‌های انسانی و جریان خدمات اکوسیستمی	انسان توسط چهار بُعد واسطه (دانش، اقدام‌ها، فناوری و نهادها) می‌تواند بر خدمات اکوسیستمی و یا بدخمتی‌های اکوسیستمی تأثیر بگذارد	انسان به‌طور مداوم اکوسیستم‌ها را برای تأمین نیازهای خود و سازگاری با تغییرات اکولوژیکی - اجتماعی تحت تأثیر قرار می‌دهد
	آبشار خدمات اکوسیستمی	ساز و کارهای واسطه جریان خدمات اکوسیستمی / عوامل واسطه جریان خدمات اکوسیستمی / رفاه انسانی	بازخوردهای حاصل از درک و قدردانی از مزایای خدمات اکوسیستمی به سایر ساز و کارهای واسطه بر می‌گردد.	انسان با چهار ساز و کار (مدیریت، بسیج، تخصیص و قدردانی) واسطه جریان خدمات اکوسیستمی به‌سوی ذی‌نفعان می‌شود.	عوامل عمیق‌تر (قوانین، دارایی‌ها، ارزش‌ها و فضا)، نیروهای محرکه‌ای هستند که ساز و کارهای واسطه جریان خدمات اکوسیستمی را شکل می‌دهند

ردیف	نام مدل	اجزای اصلی	روابط مهم	تمرکز اصلی	بینش‌های کلیدی
مدل‌های علت و معلولی	نیروی محرکه، فشار، وضعیت، اثر و پاسخ	نیروهای محرکه / فشارها، وضعیت اکولوژیکی - اجتماعی / اثرات / پاسخها	تعاملات میان مداخلات انسان و اکوسیستم‌ها	تمرکز اصلی بر ساختاردهی تحقیقات و تجزیه و تحلیل اطلاعات درباره مسائل پیچیده محیط زیستی است	تصمیم‌گیری آگاهانه، مبتنی بر تحلیل تعاملات میان مداخلات انسان و اکوسیستم است.
	نیروی محرکه، فعالیت، فشار، تغییر وضعیت و پاسخ	نیروی محرکه / فعالیت / فشار / تغییر وضعیت اکولوژیکی / اثر بر رفاه انسانی / پاسخ یا اقدامها	تعاملات و بازخوردهای میان مداخلات انسانی و اکوسیستم‌ها با تفکیک دقیق‌تر اجزا	بین نیروهای محرکه و فعالیت‌ها تمایز وجود دارد. بین وضعیت اکولوژیکی و تأثیرات آن بر رفاه اجتماعی تمایز ایجاد شده است	در شناسایی نیروهای محرکه باید به نیازهای انسانی و سلسله‌مراتب مازلو توجه نمود زیرا نیاز، منشأ فعالیت است.
	فشارهای کنترل نشده برون‌زا و فشارهای مدیریت شده درون‌زا	نیروی محرکه / فعالیت / فشارهای کنترل نشده برون‌زا / فشارهای مدیریت شده درون‌زا / تغییر وضعیت / اثر بر رفاه انسانی / پاسخها یا اقدامها	تعاملات و بازخوردهای میان پیچیده میان مداخلات انسانی و محیط زیست با دید دقیق‌تر درون‌نگر و برون‌نگر	نیازهای انسانی، فعالیت‌ها و فشارهای درون‌زا و برون‌زا ایجاد شده، می‌توانند منجر به تخلیه منابع طبیعی و سرریز شدن آلودگی‌ها از ظرفیت تحمل جاذب‌های طبیعی شوند.	با توجه به فضای رقابتی جهانی و شرایط پیچیده منطقه‌ای، پاسخ‌های مدیریتی باید به تفکیک فشارهای درون‌زا و برون‌زا ارائه شوند

به لحاظ تحلیل فراوانی و توزیع کلمات، بیشترین تکرار مربوط به کلیدواژه‌های «سیمای سرزمین»، «خدمات اکوسیستمی»، «ساختار»، «عملکرد» و «ارزش» است که نشان‌دهنده تمرکز متن بر سیستم اکولوژیکی - اجتماعی است. سپس کلمات «انسان»، «فعالیت»، «اجتماعی»، «طبیعت» و «حفاظت»، بیشترین تکرار را دارد که بیانگر یک تمایل قوی به سمت چگونگی تأثیر اقدام‌های انسان بر اکوسیستم‌ها و

بالعکس است. در مرتبه بعد، کلماتی مانند «ارزش‌گذاری»، «انسان» و «ذی‌نفعان» به چشم می‌خورد که نشان‌دهنده اهمیت درک ارزش‌های انسانی، نیازها و منافع مختلف مشارکت‌کنندگان در این سیستم‌ها است. کلماتی مانند «رفاه»، «تصمیم‌گیری» و «حکمرانی» نیز بر نقش کلیدی تصمیم‌گیری‌های انسانی در مدیریت اکوسیستم‌ها و تأثیر آن بر رفاه انسان تأکید دارند.

بر اساس تفسیرهای مطرح شده و مطابق شکل ۱۰، در این پژوهش، یک مدل مفهومی حکمرانی‌سنجی محیط زیستی با دید سیستمی و جامع‌تر (نسبت به هفت مدل مفهومی مطرح شده) پیشنهاد شده است. این مدل با پیوند نزدیک‌تر علوم اجتماعی و علوم طبیعی، امکان استفاده از سنجه‌های مناسب پایش وضعیت را می‌دهد. بر اساس نگرش‌های پیش‌گیرانه و پیش‌دستانه، شکل چرخه‌ای این مدل، امکان تشخیص به‌موقع مسائل و شناسایی آسان محل وقوع آن‌ها را فراهم می‌کند. همچنین به نقشه‌برداری بازیگران و ذی‌نفعان درگیر با مسئله و حل آن، ارائه بازخور به خط‌مشی‌گذاران، پیشنهاد پاسخ‌های مناسب به مدیران و نظارت بر مسئولیت‌پذیری کمک می‌کند. در نتیجه، سنجه‌های حکمرانی محیط زیستی می‌توانند در قالب این مدل، سنجیده و استانداردسازی شوند تا سازمان‌ها و دولت‌ها عملکرد خود و جامعه را مقایسه نمایند و برای نتایج بهتر تلاش کنند.



شکل ۱۰: مدل مفهومی حکمرانی‌سنجی محیط زیستی

۴. نتیجه‌گیری

بدون چهارچوب‌های جامع، تحقیقات مدیریتی، به یک موضوع یا زمینه مورد توجه خاص محدود می‌شوند و اغلب می‌تواند به جنبه‌ای از یک مسئله بدون درک کافی از

پیامدهای آن برای سیستم بزرگ‌تر تبدیل شود. علاوه بر این، بسیاری از بازیگران و ذی‌نفعان درگیر در مشکلات پیچیده امروزی اغلب ممکن است خود را در حال اجرای اقدام‌های مدیریتی متعدد و ناهماهنگ ببینند. درحالی‌که هر یک از این اقدام‌ها ممکن است با موفقیت برای یک هدف خاص اجرا شود، اما اثرات ترکیبی آن‌ها، ممکن است منجر به بهبود شرایط محیط زیستی نشود. وقتی ذی‌نفعان تشخیص دهند که تغییرات در وضعیت اکوسیستم یا مزایای خدمات اکوسیستمی، بخشی از پیامدهای ناشی از اقدام‌های انسانی است، می‌توانند انگیزه بیشتری داشته باشند تا با تعدیل شیوه‌ها، چنین تغییراتی را کاهش دهند یا معکوس کنند. این بازخوردها حتی می‌توانند ادراک مردم، بخش خصوصی و بخش عمومی را درباره وضعیت اکوسیستم، باورها، ارزش‌ها و قوانین، تغییر دهند. به عبارت ساده، بازخورد اجتماعی جامعه متقاضی خدمات اکوسیستمی بر عرضه این خدمات، تأثیر می‌گذارد که سبب پویایی فضایی- زمانی جریان خدمات اکوسیستمی می‌شود. در ادامه، به تفکیک دو پرسش پژوهش را پاسخ می‌دهیم.

پرسش اول: محتوای مدل‌های مفهومی مرتبط با حکمرانی‌سنجی محیط زیستی بر اساس ویژگی‌های اساسی آن‌ها چگونه است؟ تمامی هفت مدل مرور و تحلیل شده، پشتیبان تحلیل رویه‌های مدیریتی مسبب چرخه‌های گذار سرزمین به‌سوی شرایط بدتر یا بهتر هستند و تأکید دارند که تصمیم‌گیری‌های انسان درباره اکوسیستم‌ها در نهایت بر رفاه، آسایش و کیفیت زندگی او تأثیرگذار است. خدمات اکوسیستمی، بخش اساسی، مدل اول است. مدل دوم، روابط اجتماعی و چهارچوب‌های حکمرانی را در بهره‌مندی از خدمات اکوسیستمی مؤثر می‌داند. بر اساس مدل سوم، چهار بُعد دانش، اقدام‌ها، فناوری و نهادها، بر جریان خدمات اکوسیستمی مؤثر هستند. براساس مدل چهارم، چهار ساز و کار مدیریت، بسیج، تخصیص و قدردانی، خدمات اکوسیستمی را به دست بهره‌برداران و استفاده‌کنندگان می‌رساند. مدل ششم، نسخه اصلاح و تکمیل شده مدل پنجم و برای درک تعاملات میان فعالیت‌های انسانی و اکوسیستم‌ها است. مدل هفتم، با تفکیک انواع فشارها، به تکامل دو مدل پیشین کمک می‌کند. تکرار واژه‌های استفاده شده در این مدل‌ها به ترتیب نشان می‌دهد که تمرکز در حکمرانی محیط زیستی و حکمرانی‌سنجی آن باید بر موارد زیر باشد:

۱. شناخت دقیق‌تر سیستم‌های اکولوژیکی- اجتماعی؛ ۲. تحلیل بهتر چگونگی تأثیر اقدام‌های انسان بر اکوسیستم‌ها و بالعکس؛ ۳. ارزش‌گذاری ارزش‌های انسانی براساس شناخت انواع نیازها و منافع مختلف مشارکت‌کنندگان.

پرسش دوم: بر اساس تحلیل مقایسه‌ای محتوای این مدل‌ها و با استفاده از ترکیب جنبه‌های مکمل در آن‌ها، یک مدل جامع‌تر قابل ارائه به‌منظور بهبود چهارچوب حکمرانی‌سنجی چه و چگونه است؟ مدل مفهومی پیشنهادی برای حکمرانی‌سنجی محیط زیستی با دربرگرفتن تمامی ابعاد مهم هفت مدل قبلی (به لحاظ ویژگی‌هایی مانند اجزای اصلی، روابط مهم، تمرکز اصلی و بینش‌های کلیدی) برتر و تکامل‌یافته‌تر است. اجزای مدل پیشنهاد شده به این شرح است: ۱. نیروهای محرکه؛ ۲. فعالیت‌ها؛ ۳. فشارها؛ ۴. ساختار سیمای سرزمین؛ ۵. عملکرد سیمای سرزمین؛ ۶. خدمات و بدخدمتی‌های اکوسیستمی؛ ۷. مزایا و زیان‌ها؛ ۸. رفاه انسانی و ارزش‌گذاری خدمات اکوسیستمی و ۹. پاسخ‌ها (راهبردها و اقدام‌ها). در مدل پیشنهاد شده، تفکیک شدن عناصر مختلف از هم سبب می‌شود پاسخ‌ها هم با تفکیک بیشتری قابل طرح باشد. به‌طور مثال، پاسخ‌هایی که به نیروهای محرکه داده می‌شود جنبه پیش‌گیرانه و پیش‌دستانه دارد، پاسخ‌ها به فشارها جنبه کاهش فشارها را دارند، پاسخ‌هایی که به وضعیت (ساختار و عملکرد سیمای سرزمین) داده می‌شود، تأثیر احیاکنندگی دارد و پاسخ به اثرات (رفاه انسانی) به‌منظور سازگاری یا کاهش اثرات ارائه می‌شود. بر اساس این مدل، راهبردها و اقدام‌هایی در رویارویی با عدم قطعیت‌ها و شرایط در حال تغییر باید به کار گرفته شود تا تاب‌آوری سیستم اکولوژیکی-اجتماعی را افزایش دهد. این مدل، تمامی روابط مهم، نقاط مورد تمرکز و بینش‌های کلیدی سایر مدل‌ها را به‌طور هم‌زمان و جامع به همراه دارد.

در اثبات تعمیم‌پذیری و قابلیت کاربردپذیری نتایج این پژوهشی، همین نکته کافی است که هفت مدل مرور شده، بارها در جهان در مطالعات محیط زیستی از ایده (مفهوم) تا اجرا (عرصه عمل) به کار گرفته شده است و نتایج تسهیلگرانه‌ای در فهم پیچیدگی‌های محیطی و بهبود تصمیم‌گیری‌ها داشته است، بنابر این مدلی هم که از ترکیب چنین مدل‌هایی به دست بیاید (یعنی مدل پیشنهادی این پژوهش)، بر اساس استدلال استقرایی (رسیدن از اجزا به کل)، مشروعیت و مقبولیت دارد. در نهایت دو بینش کلیدی زیر به‌منظور بسط جنبه‌های کمی و افزایش سنجش‌پذیری مدل ارائه شده به‌ویژه جهت به‌کارگیری در مطالعات راهبردی و خط‌مشی‌گذاری، پیشنهاد می‌شود:

۱. کاربرد هم‌زمان مدل‌های مفهومی مرتبط با سیمای سرزمین و خدمات اکوسیستمی در کنار مدل‌های زنجیره علت و معلولی، سبب ایجاد پل تحقیقاتی قوی بین‌رشته‌ای بین علوم طبیعی و علوم اجتماعی می‌شود که ظرفیت‌های منحصر به

فردی را برای دانشمندان ارائه می‌دهد تا نیاز به آزمون و خطای بیشتر و دستکاری محیط زیست کاهش یابد. ادغام مدل‌های مرتبط با این مفاهیم با همدیگر در تصمیم‌گیری، یک رویکرد یکپارچه برای تجزیه و تحلیل تعاملات پیچیده سیستم‌های اکولوژیکی و اجتماعی و راهبردهای مدیریتی مؤثرتری را ارائه می‌دهد. به عبارت دیگر با تلفیق این دو رویکرد تلاش بر آن است تا دو بخش وضعیت (تغییر وضعیت طبیعی) و اثر (بر رفاه انسانی)، به‌گونه‌ای کمی، قابل سنجش و قابل پایش رصد شود تا بتوان با استفاده از این الگو، حکمرانی مطلوب‌تری را در سرزمین اجرایی نمود و پاسخ‌هایی ارائه داد؛

۲. از سویی، دو مفهوم سیمای سرزمین و خدمات اکوسیستمی بر اهمیت حفظ ظرفیت پویا و پایای سرمایه‌های طبیعی (منابع طبیعی و جاذب‌های طبیعی) تأکید دارند. ساختار، عملکرد و ارزش در سیمای سرزمین به هم پیوسته و برای توسعه پایدار ضروری است. بر اساس چنین مفاهیمی، تغییر و اختلال، چه با منشأ طبیعی و چه انسانی، ناهمگونی فضایی ایجاد می‌کند که بر جریان خدمات اکوسیستمی و متعاقباً ارزش سیمای سرزمین یا تأثیر می‌گذارد. از سوی دیگر، مدل‌های زنجیره علت و معلولی نیز تأثیر انسان را بر جریان خدمات اکوسیستمی و متعاقباً بر ارزش سیمای سرزمین نشان می‌دهند. در نهایت با تمام تفاسیر، منطقی است که بگوییم تعریف و پیاده‌سازی سنجش‌ها و معیارهای حکمرانی در انطباق با اجزای چنین چهارچوب‌بندی‌هایی، قابلیت توجیه اعمال ابزارها و ساز و کارهای قانونی (تنظیمی، اقتصادی، تشویقی، حمایتی، ارتباطی - آگاهی‌رسانی و زیرساختی) را افزایش می‌دهد و در نتیجه بر راهبرد رقابت یا چگونگی مبادلات میان تصمیم‌گیری‌های مؤثر بر حفاظت محیط زیست و پیامدهای توسعه تأثیر خواهد گذاشت.

References

- Alemohammad, S., Omidifar, R., Yousefvand, S., & Ramezani Mehrrian, M. (2023). Comparative Analysis of Approaches to Protected Area Governance and the Evolution Process of Landscape Conservation. *Strategy*, 32(2), 307-330. doi: 10.22034/rahbord.2023.417486.1598
- Alemohammad, S., Yavari, A. R., Salehi, S., & Zebardast, L. (2014). Using the Strategic Environmental Assessment for Compilation Polices of Sustainable Development Plan in Lake Urmia. *Journal of Environmental Studies*, 40(3), 645-667. doi: 10.22059/jes.2014.52211
- Alemohammad, S., Yavari, A. R., Malek-Mohammadi, B., Salehi, E., & Amiri, M. J. (2022). Landscape conservation and protected areas (case of Dena, Iran). *Environmental Monitoring and Assessment*, 194(2), 54. doi:10.1007/s10661-021-09696-6
- Alemohammad, S., Yavari, A. R., Malek mohammadi, B., Salehi, E., & Amiri, M. J. (2020). Participatory Mapping of Community Use Zone in Dena District Adjacent to Dena Preserved Area. *Geography and Environmental Sustainability*, 10(1), 53-68. doi: 10.22126/ges.2020.4750.215
- Allen, W. (2022). Using a DPSIR framework to support good natural resource management and policy. *Learning for Sustainability*, March 10. (Online – open access): <https://learningforsustainability.net/post/extended-dpsir/>
- Aqdas, M. (2019). *Measuring Governance-Developing Governance Framework*. Available at SSRN 3389500.
- Armatas, C. A., Campbell, R. M., Watson, A. E., Borrie, W. T., Christensen, N., & Venn, T. J. (2018). An integrated approach to valuation and tradeoff analysis of ecosystem services for national forest decision-making. *Ecosystem services*, 33, 1-18.
- Assis, J. C., Hohlenwerger, C., Metzger, J. P., Rhodes, J. R., Duarte, G. T., da Silva, R. A., & Ribeiro, M. C. (2023). Linking landscape structure and ecosystem service flow. *Ecosystem Services*, 62, 101535.
- Azevedo, A., Guerra, A., & Martins, I. (2024). Seamounts ecological modelling: A comprehensive review and assessment of modelling suitability to emergent challenges. *Ocean & Coastal Management*, 251, 107050.
- Balvanera, P., Quijas, S., Karp, D. S., Ash, N., Bennett, E. M., Boumans, R., & Walz, A. (2017). Ecosystem services. *The GEO handbook on biodiversity observation networks*, 39-78.
- Bradley, P. & S. Yee. Using the DPSIR Framework to Develop a Conceptual Model: Technical Support Document. U.S. Environmental Protection Agency, Washington, DC, EPA/600/R-15/154, 2015.
- Brunet, L. (2024) Transposing emotions to conserve nature? The positive politics of the metrics of ecosystem services, *Science as Culture*, 33, pp. 1–25.
- Buffam, I., Hagemann, F. A., Emilsson, T., Gamstetter, D., Pálsdóttir, A. M., Randrup, T. B., & Ode Sang, Å. (2022). Priorities and barriers for urban ecosystem service provision: A comparison of stakeholder perspectives from three cities. *Frontiers in Sustainable Cities*, 4, 838971.
- Cairney, P. (2013). Standing on the shoulders of giants: how do we combine the insights of multiple theories in public policy studies?. *Policy studies journal*, 41(1), 1-21.

- Chan, K.M.A.; Balvanera, P.; Benessaiah, K.; Chapman, M.; Diaz, S.; Gomez-Baggethun, E.; Gould, R.; Hannahs, N.; Jax, K.; Klain, S. Opinion: Why protect nature? Rethinking values and the environment. *Proc. Natl. Acad. Sci. USA* 2016, 113, 1462–1465. [CrossRef]
- Chan, K. M. A., Gould, R. K. and Pascual, U. (2018) Editorial overview: Relational values: what are they, and what's the fuss about?, *Current Opinion in Environmental Sustainability*, 35, pp. A1–A7.
- Casanova, D., & Price, L. (2018). Moving towards sustainable policy and practice—a five level framework for online learning sustainability. *Canadian Journal of Learning and Technology/La revue canadienne de l'apprentissage et de la technologie*, 44(3).
- De Groot R, Fisher B, Christie M, Aronson J, Braat L, Gowdy J. (2010) Integrating the ecological and economic dimensions in biodiversity and ecosystem service valuation. In: Kumar P (ed.) *The Economics of Ecosystems and Biodiversity: Ecological and Economic Foundations*, London: Earthscan, 9–40.
- Edwards, P. N. (2017) Knowledge infrastructures for the Anthropocene, *The Anthropocene Review*, 4, 34–43.
- Elliott, M., Burdon, D., Atkins, J. P., Borja, A., Cormier, R., De Jonge, V. N., & Turner, R. K. (2017). “And DPSIR begat DAPSI (W) R (M)!”-a unifying framework for marine environmental management. *Marine Pollution Bulletin*, 118(1-2), 27-40.
- Elliott, M., & O’Higgins, T. G. (2020). From DPSIR the DAPSI (W) R (M) Emerges a Butterfly-‘protecting the natural stuff and delivering the human stuff’. *Ecosystem-based management, ecosystem services and aquatic biodiversity: Theory, tools and applications*, 61-86.
- Fischer, A., Eastwood, A., 2016. Coproduction of ecosystem services as human nature interactions-An analytical framework. *Land Use Policy* 52, 41–50. <https://doi.org/10.1016/j.landusepol.2015.12.004>.
- Fedele, G., Locatelli, B., & Djoudi, H. (2017). Mechanisms mediating the contribution of ecosystem services to human well-being and resilience. *Ecosystem services*, 28, 43-54.
- Fedele, G., Urech, Z.L., Rehnus, M., Sorg, J.-P., 2011. Impact of Women’s Harvest Practices on *Pandanus guillaumetii* in Madagascar’s Lowland Rainforests. *Econ. Bot.* 65, 158–168. <https://doi.org/10.1007/s12231-011-9157-0>.
- Felipe-Lucia, M.R., Martín-López, B., Lavorel, S., Berraquero-Díaz, L., Escalera-Reyes, J., Comín, F.A., 2015. Ecosystem services flows: why stakeholders’ power relationships matter. *PLoS ONE* 10, 1–21. <https://doi.org/10.1371/journal.pone.0132232>.
- Ghosh, R. (2024) Data-driven governance and performances of accountability: Critical reflections from US agri-environmental policy, *Science as Culture*, 33.
- Gorddard, R., Colloff, M.J., Wise, R.M., Ware, D., Dunlop, M., 2016. Values, rules and knowledge: adaptation as change in the decision context. *Environ. Sci. Policy* 57, 60–69. <https://doi.org/10.1016/j.envsci.2015.12.004>.
- Gupta, J., Scholtens, J., Perch, L., Dankelman, I., Seager, J., Sándor, F., & Kempf, I. (2020). Re-imagining the driver–pressure–state–impact–response framework from an equity and inclusive development perspective. *Sustainability Science*, 15, 503-520.

- Gunathilaka, M. L., Halwatura, D., Manawadu, L., & Munasinghe, D. (2022). Application of Satellite Remote Sensing and DAPSI (W) R (M) Framework as a Tool to Assess Land Use Impacts on Urban Lakes in Sri Lanka. *Environment and Urbanization ASIA*, 13(2), 218-231.
- Ha, N. T., Benedikter, S., & Kapp, G. (2022). A value chain approach to forest landscape restoration: insights from Vietnam's production-driven forest restoration. *Forest and Society*, 6(1), 311-334.
- Haines-Young RH and Potschin M (2010) The links between biodiversity, ecosystem services and human well-being In: Raffaelli D and Frid C (eds) *Ecosystem Ecology: A New Synthesis*. BES Ecological Reviews Series, CUP. Cambridge: Cambridge University Press, 110–139.
- Hartter, J., Solomon, J., Ryan, S.J., Jacobson, S.K., Goldman, A., 2014. Contrasting perceptions of ecosystem services of an African forest park. *Environ. Conserv.* 41, 1–11. <https://doi.org/10.1017/S0376892914000071>.
- Hausknost, D., Grima, N., Singh, S., 2017. The political dimensions of Payments for Ecosystem Services (PES): cascade or stairway? *Ecol. Econ.*, 109–118
- Ho, C. I., Liao, T. Y., Huang, S. C., & Chen, H. M. (2015). Beyond environmental concerns: using means–end chains to explore the personal psychological values and motivations of leisure/recreational cyclists. *Journal of Sustainable Tourism*, 23(2), 234-254.
- Horcea-Milcu, A.I., Leventon, J., Hanspach, J., Fischer, J., 2015. Disaggregated contributions of ecosystem services to human well-being in low-intensity farmland. *Reg. Environ. Change* 117–163. <https://doi.org/10.1007/s10113-016-0926-2>.
- Hung Anh, L., & Schneider, P. (2020). A DPSIR assessment on ecosystem services challenges in the Mekong Delta, Vietnam: coping with the impacts of sand mining. *Sustainability*, 12(22), 9323.
- Ito, M. (2017). Nature's Rights: A New Paradigm for Environmental Protection'. *The Ecologist*.
- Jorge-Romero, G., Elliott, M., & Defeo, O. (2022). Managing beyond ecosystem limits at the land-sea interface: The case of sandy beaches. *Marine Pollution Bulletin*, 181, 113838.
- Klein, L. (2017). Standing on the shoulders of giants. *Journal of Organisational Transformation & Social Change*, 14(2), 99-100.
- Lee, H., & Lautenbach, S. (2016). A quantitative review of relationships between ecosystem services. *Ecological Indicators*, 66, 340-351.
- Liehr, S.; Röhrig, J.; Mehring, M.; Kluge, T. How the Social-Ecological Systems Concept Can Guide Transdisciplinary Research and Implementation: Addressing Water Challenges in Central Northern Namibia. *Sustainability* 2017. accepted.
- Locatelli, B., Imbach, P., Wunder, S., 2013. Synergies and trade-offs between ecosystem services in Costa Rica. *Environ. Conserv.* 41, 27–36. <https://doi.org/10.1017/S0376892913000234>.
- Loconto, A., Prudham, S., & Wolf, S. (2024). Environmental governance through metrics: guest introduction. *Science as Culture*, 33(1), 1-15.
- Lovecraft, A. L., & Meek, C. L. (2019). Arctic coastal systems: Evaluating the DAPSI (W) R (M) framework. *Coasts and Estuaries*, 671-686.
- Maes, J., Liquete, C., Teller, A., Erhard, M., 2016. An indicator framework for assessing ecosystem services in support of the EU Biodiversity Strategy

- to 2020. *Ecosyst. Serv.* 17, 14–23. <https://doi.org/10.1016/j.ecoser.2015.10.023>.
- Malito, D. (2015). The difficulty of measuring Governance and Stateness. Robert Schuman Centre for Advanced Studies Research Paper No. RSCAS, 38.
 - Mehring, M., Zajonz, U., & Hummel, D. (2017). Social-ecological dynamics of ecosystem services: Livelihoods and the functional relation between ecosystem service supply and demand—Evidence from Socotra archipelago, Yemen and the Sahel region, West Africa. *Sustainability*, 9(7), 1037.
 - Meyfroidt, P., 2013. Environmental cognitions, land change and social-ecological feedbacks: local case studies of forest transition in Vietnam. *Human Ecol.* <https://doi.org/10.1007/s10745-012-9560-x>.
 - Molina, R., Di Paola, G., Manno, G., Paniciari, A., Anfuso, G., & Cooper, A. (2023). A DAPSI (W) R (M) framework approach to characterization of environmental issues in touristic coastal systems. An example from Southern Spain. *Ocean & Coastal Management*, 244, 106797.
 - Nassl, M., & Löffler, J. (2015). Ecosystem services in coupled social–ecological systems: Closing the cycle of service provision and societal feedback. *Ambio*, 44(8), 737-749.
 - Nost, E. (2024) The tool didn't make decisions for US': Metrics and the performance of accountability in environmental governance, *Science as Culture*, 33.
 - Palomo, I., Felipe-Lucia, M.R., Bennett, E.M., Martín-López, B., Pascual, U., 2016. Disentangling the pathways and effects of ecosystem service co-production. *Adv. Ecol. Res.* 54, 245–283. <https://doi.org/10.1016/bs.aecr.2015.09.003>.
 - Patrício, J., Elliott, M., Mazik, K., Papadopoulou, K. N., & Smith, C. J. (2016). DPSIR—two decades of trying to develop a unifying framework for marine environmental management?. *Frontiers in Marine Science*, 3, 177.
 - Pimentel, A. K. O., Farias, L. A., Nakayama, C. R., Leite, C. B. B., Duarte, C. G., & Leite, L. O. D. C. (2024). Maslow and the Environment: Integrating the Social Representation and the Theory of Needs. *Ambiente & Sociedade*, 27, e00147.
 - Potschin, M. B., & Haines-Young, R. H. (2011). Ecosystem services: Exploring a geographical perspective. *Progress in physical geography*, 35(5), 575-594.
 - Potschin-Young, M., Haines-Young, R., Gorg, C., Heink, U., Jax, K., and Schleyer, C. (2018). Understanding the role of conceptual frameworks: reading the ecosystem service cascade. *Ecosyst. Serv.* 29, 428–440. doi: 10.1016/j.ecoser.2017.05.015
 - Purvis, B., Mao, Y., & Robinson, D. (2019). Three pillars of sustainability: in search of conceptual origins. *Sustainability science*, 14, 681-695.
 - Ran, P., Hu, S., Frazier, A. E., Yang, S., Song, X., & Qu, S. (2023). The dynamic relationships between landscape structure and ecosystem services: An empirical analysis from the Wuhan metropolitan area, China. *Journal of Environmental Management*, 325, 116575.
 - Soleymani Roozbahani, M., Soleymani Roozbahani, M., & Bagheri, A. (2023). A Review of Environmental Priorities in Iran's Governance Instruments. *Strategy*, 32(2), 241-272. doi: 10.22034/rahbord.2023.423943.1614


- Sönmez, F. Ö. (2019). A conceptual model for a metric based framework for the monitoring of information security tasks' efficiency. *Procedia Computer Science*, 160, 181-188.
- Triantafyllou, P., & Lewis, J. M. (2024). Introduction to the Handbook on Measuring Governance. In *Handbook on Measuring Governance* (pp. 1-13). Edward Elgar Publishing.
- Von Döhren, P., & Haase, D. (2023). Ecosystem Services for Planning Post-Mining Landscapes Using the DPSIR Framework. *Land*, 12(5), 1077.
- Von Haaren, C., Lovett, A. A., & Albert, C. (2019). Landscape planning and ecosystem services: the sum is more than the parts. *Landscape Planning with Ecosystem Services: Theories and Methods for Application in Europe*, 3-9.
- Wang, Z., Fu, B., Zhang, L., Wu, X., & Li, Y. (2022). Ecosystem service assessments across cascade levels: typology and an evidence map. *Ecosystem Services*, 57, 101472.
- Wolf, S. A. and Arnold, N. (2023) Accountability in the anthropocene, *Environmental Policy and Governance*, 33(6), 579–582.
- Zhang, C., Li, J., & Zhou, Z. (2022). Ecosystem service cascade: Concept, review, application and prospect. *Ecological Indicators*, 137, 108766.

Investigating the Effect of Collective Decision-Making on Enhancing Social Justice Using Structural Equation Modeling

Seyed Mohsen Mirbagheri

Postdoctoral Researcher in Science and Technology Policy, Faculty of Management, Economics and Advanced Engineering, University of Science and Technology, Tehran, Iran.

Email: sm_mirbaghyeri@pGRE.iust.ac.ir

 0000-0002-9078-0586

Abstract

This article aims to identify the indicators of common rationality (as a basis for joint decision-making), collective decision-making, and social justice and measure the type and extent of the relationship between them. A conceptual model is designed to achieve the aims using the research background and interviews with experts. Then, the relationships between the measures and constructs of this model were investigated by distributing the questionnaire to the target population. The target community is the managers of government organizations (at different management levels) who are aware of collective decision-making or have experience using it. In the conceptual model, common rationality includes four indicators (common thoughts, common goals, common benefits, and common interests); collective decision-making consists of four indicators (voting, information sharing, meeting, and consultation); and social justice includes four indicators (reducing discrimination, reducing corruption, power distribution, and reducing conflict of interest). The structural equation method is used to achieve the research objectives, and Smart PLS 2.0 software is used to analyze the data. To evaluate the overall model fit, the goodness of fit (GOF) is used, which is obtained as 0.516, and this criterion indicates that the overall model fit of the research model is appropriate. The results indicate that common rationality affects social justice through the mediating variable of collective decision-making. Managers should not ignore collective decision-making if they want to use the common rationality created to increase justice. This study can motivate rulers and managers to use the collective decision-making method in various matters to increase social justice without spending a lot of money.

Keywords: Participation, social justice, collective decision-making, common rationality.




بررسی اثر تصمیم‌گیری جمعی در افزایش عدالت اجتماعی با استفاده از مدل‌سازی معادلات ساختاری

سید محسن میرباقری

پژوهشگر پسا دکتری سیاست‌گذاری علم و فناوری، دانشکده مدیریت، اقتصاد و مهندسی پیشرفت، دانشگاه علم و صنعت، تهران، ایران.

Email: sm_mirbaghyeri@pgre.iust.ac.ir

 0000-0002-9078-0586

چکیده

هدف این مقاله شناسایی شاخص‌های عقلانیت مشترک (به‌عنوان مبنایی برای تصمیم‌گیری مشترک)، تصمیم‌گیری جمعی و عدالت اجتماعی و سنجش نوع و میزان رابطه بین آن‌هاست. برای دستیابی به اهداف ابتدا یک مدل مفهومی با استفاده از پیشینه تحقیق و مصاحبه با خبرگان طراحی شده است. سپس روابط بین سنج‌ها و سازه‌های این مدل به‌وسیله توزیع پرسش‌نامه در جامعه هدف بررسی شد. جامعه هدف مدیران سازمان‌های دولتی (در سطوح مدیریتی مختلف) هستند که از موضوع تصمیم‌گیری جمعی آگاهی داشتند و یا تجربه استفاده از آن را داشتند. در مدل مفهومی عقلانیت مشترک شامل چهار شاخص (تفکرات مشترک، اهداف مشترک، منافع مشترک و علائق مشترک)، تصمیم‌گیری جمعی شامل چهار شاخص (رای‌گیری، اشتراک اطلاعات، مشورت و تیم‌سازی) و عدالت اجتماعی شامل چهار شاخص (کاهش تبعیض، کاهش فساد، توزیع قدرت و کاهش تعارض منافع) است. برای دستیابی به اهداف تحقیق از روش معادلات ساختاری و برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار Smart PLS 2.0 استفاده شده است. برای بررسی برازش مدل کلی، از معیار نیکویی برازش (GOF) استفاده شده است که ۰/۵۱۶ به دست می‌آید و این معیار نشان می‌دهد برازش کلی مدل پژوهش مناسب است. نتایج نشان می‌دهد عقلانیت مشترک از طریق متغیر میانجی تصمیم‌گیری جمعی بر عدالت اجتماعی تأثیر می‌گذارد. یعنی اگر مدیران بخواهند از عقلانیت مشترک ایجاد شده برای افزایش عدالت استفاده کنند، نباید تصمیم‌گیری جمعی را نادیده بگیرند. این مقاله می‌تواند به حکمرانان و مدیران انگیزه دهد که بدون صرف هزینه‌های زیاد، برای افزایش عدالت اجتماعی از روش تصمیم‌گیری جمعی در امور مختلف استفاده کنند.

کلیدواژه‌ها: مشارکت، عدالت اجتماعی، تصمیم‌گیری جمعی، عقلانیت مشترک.



مقدمه و بیان مسئله

عدالت اجتماعی از اهمیت بالایی برخوردار است، زیرا به‌عنوان زیربنای بسیاری از عملکردها و اهداف اجتماعی عمل می‌کند که افراد در پی آن هستند. این مفهوم در هر شرایط اجتماعی که افراد در تعامل با یکدیگر قرار دارند، اهمیت می‌یابد. محور اصلی عدالت اجتماعی به ساختار بنیادین جامعه و به‌ویژه نحوه توزیع حقوق و مسئولیت‌های اساسی میان افراد و تقسیم منافع حاصل از همکاری‌های اجتماعی بازمی‌گردد. در این میان، نهادهای دولتی نقش ویژه‌ای در تحقق عدالت اجتماعی دارند، چرا که این نهادها حق انحصاری اعمال قدرت را دارند.

با وجود نقش برجسته نهادهای دولتی در برقراری عدالت اجتماعی، عوامل اساسی و تقویت‌کننده عدالت اجتماعی به‌درستی شناسایی نشده‌اند. یکی از عوامل کلیدی در افزایش عدالت اجتماعی، ترویج رویکرد مشارکتی در جامعه است. پرسش اساسی در این زمینه این است که چگونه می‌توان مشارکت هدفمند میان کارکنان یک سازمان را ایجاد کرد و آنان را به مشارکت در فرایند تصمیم‌گیری ترغیب نمود؟ همچنین، چه روش‌ها و شاخص‌هایی برای تسهیل مشارکت در عمل باید مورد استفاده قرار گیرد؟ یکی از مؤثرترین روش‌های مشارکت در جامعه، تصمیم‌گیری جمعی است که هم‌زمان با افزایش نظارت عمومی بر عملکرد افراد، شفافیت را نیز تقویت می‌کند. این دو ابزار، یعنی خود نظارتی و شفافیت، در نهایت به تسهیل دستیابی به عدالت اجتماعی و ارتقای حقوق ذی‌نفعان کمک می‌کنند.

این تحقیق با تمرکز بر نقش مشارکت به‌عنوان رویکردی موفق در ارتقای عدالت اجتماعی، در راستای تحقیقات پیشین قرار دارد. با این حال، آنچه در پژوهش‌های قبلی مغفول مانده، نحوه دقیق ایجاد مشارکت و ابزارهای اجرایی آن است. سؤالاتی نظیر چگونگی ایجاد مشارکت هدفمند میان افراد و فراهم کردن زمینه‌های مشارکت آن‌ها در تصمیم‌گیری همچنان بی‌پاسخ مانده است. این تحقیق تلاش می‌کند تا این شکاف‌ها را پر کرده و مسیری یکپارچه برای ایجاد مشارکت و دستیابی به عدالت اجتماعی شناسایی کند.

در این مقاله، تصمیم‌گیری جمعی به‌عنوان یکی از مؤثرترین راه‌ها برای افزایش مشارکت معرفی می‌شود و تأثیر آن مورد بررسی قرار می‌گیرد. همچنین، رسیدن به عقلانیت مشترک که افراد را با نگرش‌ها و دیدگاه‌های متفاوت به یکدیگر نزدیک می‌کند، به‌عنوان پیش‌زمینه‌ای برای تصمیم‌گیری جمعی مطرح می‌شود. عقلانیت به معنای مجموعه‌ای از استدلال‌ها و باورهایی است که افراد برای اعمال و رفتارهای



خود دارند. عقلانیت مشترک زمانی محقق می‌شود که گروه‌ها بتوانند به درکی مشترک از مسائل و راه‌حل‌ها برسند و به دنبال آن، اهداف و تفکرات مشترکی شکل گیرد. هدف اصلی این مقاله، بررسی اثر تصمیم‌گیری جمعی بر عدالت اجتماعی است. برای دستیابی به این هدف، ابتدا شاخص‌های مؤثر بر عقلانیت مشترک، تصمیم‌گیری جمعی و عدالت اجتماعی شناسایی و سپس روابط میان آن‌ها بررسی می‌شود. با وجود اهمیت این موضوع، تاکنون پژوهشی که به‌طور مستقیم اثر تصمیم‌گیری جمعی بر عدالت اجتماعی را بررسی کند، یافت نشده است. از این‌رو، این پژوهش با هدف پر کردن این خلأ انجام شده است. در نهایت، این تحقیق سه فرضیه اصلی را دنبال می‌کند: فرضیه اول: شناسایی شاخص‌های عقلانیت مشترک و بررسی رابطه آن با تصمیم‌گیری جمعی؛ فرضیه دوم: شناسایی شاخص‌های تصمیم‌گیری جمعی و بررسی رابطه آن با عدالت اجتماعی و فرضیه سوم: شناسایی شاخص‌های عقلانیت مشترک و بررسی رابطه آن با عدالت اجتماعی.

۱. پیشینه پژوهش

تصمیم‌گیری جمعی و عدالت اجتماعی دو موضوع مهم و پیوسته در علوم اجتماعی، روان‌شناسی، مدیریت و فلسفه سیاسی هستند. این مفاهیم به نحوه تعامل افراد در گروه‌ها و چگونگی توزیع منابع، فرصت‌ها و مزایا در جامعه اشاره دارند. پژوهش‌های زیادی در این زمینه انجام شده است که هر یک از دیدگاه‌های مختلفی به این مسائل پرداخته‌اند. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که در تصمیم‌گیری جمعی، عواملی مانند تضاد منافع، قدرت افراد و تأثیر رهبران، نقش به‌سزایی دارند. مطالعات اجتماعی و روان‌شناختی نیز به بررسی تأثیر فشار گروهی، تعاملات اجتماعی و فرایندهای مذاکره بر تصمیم‌گیری پرداخته‌اند. جان رالز با معرفی «نظریه عدالت» خود به بیان مفهوم تصمیم‌گیری بر مبنای انصاف و برابری پرداخت که این امر تأثیر زیادی بر تحقیقات بعدی در زمینه تصمیم‌گیری جمعی و عدالت داشته است.

مطالعات اخیر همچنین به تأثیر عدالت اجتماعی در افزایش انسجام اجتماعی، کاهش نابرابری‌ها و افزایش اعتماد عمومی پرداخته‌اند. تحقیقات نشان می‌دهند که تصمیم‌گیری جمعی و عدالت اجتماعی به‌طور متقابل بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند. تصمیمات جمعی می‌توانند توزیع منابع و مزایا را شکل دهند و در نتیجه عدالت اجتماعی را تقویت یا تضعیف کنند. همچنین، نظام‌های عادلانه اجتماعی می‌توانند شرایط مناسب‌تری برای تصمیم‌گیری‌های جمعی فراهم کنند که در آن تمام اعضای

جامعه به صورت مساوی مشارکت داشته باشند. در مجموع، پیشینه تحقیق در این حوزه نشان می‌دهد که ایجاد توازن بین منافع فردی و جمعی، ایجاد سازوکارهای عادلانه برای تصمیم‌گیری و اجرای آن‌ها و فراهم کردن فرصت‌های برابر برای همه افراد، از جمله مهم‌ترین چالش‌ها در ایجاد عدالت اجتماعی از طریق تصمیم‌گیری جمعی است. در جدول ۱، پیشینه پژوهش به صورت خلاصه آورده شده است.

جدول ۱: خلاصه پیشینه پژوهش

پژوهشگر	عنوان پژوهش	یافته‌های پژوهش
(نجاری و معارفی، ۱۳۹۵)	بررسی اثر مشارکت در تصمیم‌گیری گروهی بر سازمان شاد با فرض متغیر میانجی اعتماد سازمانی (مورد مطالعه: دانشگاه پیام نور استان خوزستان)	اثبات می‌کند مشارکت در تصمیم‌گیری گروهی به طور مستقیم و غیرمستقیم از طریق متغیر میانجی اعتماد سازمانی بر سازمان شاد تأثیر مثبت و معنادار دارد.
(کرمی، ۱۳۹۶)	بررسی مسائل و مشکلات تصمیم‌گیری گروهی	مشخص نمودن وضعیت نحوه تصمیم‌گیری مدیران دولتی و چگونگی ارتباط آن با مشورت است.
(ابراهیمی خو، ۱۳۹۶)	بررسی نقش رفتارهای مشارکتی کارکنان در تصمیم‌گیری‌های مدیریتی و تأثیر آن بر دستاوردهای سازمانی مطالعه موردی بانک توسعه صادرات ایران	استفاده صحیح و مؤثر از مشارکت موجب بهبود تعهد سازمانی افراد نسبت به سازمان خود و ارتقای سطح سلامتی سازمان و پیامدهای مطلوب می‌گردد.
(Franks et al., 2003)	سرعت در مقابل دقت در تصمیم‌گیری جمعی	مورچه‌ها در شرایط معمولی و وقتی که دقت بیشتر از سرعت مهم است، تصمیم‌گیری جمعی را به کار می‌گیرند.
(Pratt & Sumpter, 2006)	یک الگوریتم قابل تنظیم برای تصمیم‌گیری جمعی	با استفاده از تحلیل رفتار مورچه‌ها، الگوریتم‌های کلی اما قابل تنظیم به عنوان ویژگی طراحی سیستم‌های پیچیده پیشنهاد می‌کند.
(Laughlin, 2011)	نظریه انتخاب اجتماعی، نظریه طرح تصمیم اجتماعی و تصمیم‌گیری گروهی	خلاصه‌ای از مفاهیم اصلی نظریه انتخاب اجتماعی؛ خلاصه‌ای از مفاهیم اصلی نظریه طرح تصمیم‌گیری اجتماعی؛ معرفی تحقیقات گویا و تأکیدات متناظر و مکمل دو نظریه را ارائه می‌کند.

پژوهشگر	عنوان پژوهش	یافته‌های پژوهش
(McHugh et al., 2016)	تصمیم‌گیری جمعی، رهبری و هوش جمعی: آزمایش با شبیه‌سازی عامل بنیان و یک مطالعه میدانی	یک رویکرد رهبری جمعی به کار می‌رود و با استفاده از شبیه‌سازی‌های مبتنی بر عامل و داده‌های مطالعه میدانی کد شده یک مدل مفهومی چندسطحی برای تصمیم‌گیری جمعی معرفی می‌شود.
(Ganzer-Ripoll et al., 2019)	ترکیب نظریه و استدلال انتخاب اجتماعی: امکان تصمیم‌گیری جمعی	زیرساخت‌های محاسباتی برای پشتیبانی از مباحث مبتنی بر استدلال را فراهم می‌کنند، به‌ویژه بر روی این مسئله متمرکز می‌شوند که چگونه شرکت‌کنندگان در یک بحث با توجه به تمام اظهاراتی که ارائه شده، می‌توانند درباره نتیجه بحث به توافق برسند.
(Mann, 2020)	تصمیم‌گیری جمعی توسط عوامل عقلایی با اولویت‌های مختلف	نتیجه رفتار جمعی شدیداً وابسته به ساختار به اشتراک‌گذاری اولویت‌ها در گروه و همچنین کیفیت اطلاعات در محیط به اشتراک گذاشته شده است.
(Briffett Aktacs, 2024)	ارتقای عدالت اجتماعی و آموزش عادلانه اجتماعی در آموزش عالی از طریق اقدام‌پژوهی مشارکتی	ایجاد جوامع مشارکتی از طریق مشارکت دانشجو می‌تواند فضایی را برای توزیع مجدد دانش، شناسایی و نمایندگی گروه‌های مختلف دانشجویی ایجاد کند و تضمین کند که عدالت اجتماعی در خط مقدم اصلاحات آموزشی در آموزش عالی قرار دارد.

۲. چهارچوب مفهومی و نظری

عقلانیت مشترک به‌عنوان پایه تصمیم‌گیری جمعی محسوب می‌شود. وقتی افراد در تصمیم‌گیری‌های جمعی دارای عقلانیت مشترکی هستند، به دنبال راه‌حلهایی هستند که نه تنها برای خودشان، بلکه برای همه اعضای جامعه سودمند باشد. به عبارتی، افراد جمع دارای یک رهیافت عقلانی می‌شوند که در آن با استفاده از استدلال منطقی، شواهد معتبر و تحلیل دقیق به یک نتیجه‌گیری مشترک می‌رسند. عقلانیت مشترک تضمین می‌کند که تصمیمات بر پایه داده‌های معتبر، استدلال‌های منطقی و در نظر گرفتن مصلحت عمومی گرفته شود. این امر از بروز تصمیمات ناعادلانه جلوگیری می‌کند و به ایجاد یک فرایند تصمیم‌گیری شفاف و منصفانه کمک می‌کند. در صورتی که تصمیم‌گیری جمعی به‌درستی و با رعایت اصول عقلانی و

اخلاقی انجام شود، عدالت اجتماعی به‌عنوان یکی از اهداف اصلی تصمیم‌گیری جمعی تضمین می‌شود. زیرا، تصمیم‌گیری جمعی می‌تواند ابزار مهمی برای توزیع منصفانه منابع و فرصت‌ها باشد. وقتی همه ذی‌نفعان در تصمیم‌گیری‌ها شرکت می‌کنند و صدایشان شنیده می‌شود، احتمال اینکه تصمیمات نهایی به نفع اکثریت و بر اساس عدالت اجتماعی باشد، افزایش می‌یابد.

بنابر این، عقلانیت مشترک به‌عنوان یک رهیافت می‌تواند ابزاری برای رسیدن به عدالت اجتماعی باشد، چرا که بر اساس این نوع عقلانیت، تصمیمات باید بر مبنای اصول اخلاقی و به‌گونه‌ای باشد که به نفع تمامی اқشار جامعه، به‌ویژه گروه‌های محروم، تمام شود. عقلانیت مشترک به‌عنوان یک رهیافت عقلانی در نظر گرفته شده است و به این معناست که تصمیم‌گیری‌ها و تحلیل‌ها بر اساس منطق و استدلال‌های عقلی مشترک صورت می‌گیرد. این رهیافت تأکید دارد که افراد و سازمان‌ها باید با استفاده از اطلاعات موجود، استدلال منطقی و تحلیل دقیق به تصمیم‌گیری بپردازند و هدف اصلی آن دستیابی به بهترین نتیجه ممکن است.

در این رویکرد، فرض بر این است که انسان‌ها به‌طور معقول و منطقی رفتار می‌کنند و سعی دارند با در نظر گرفتن تمام جوانب و پیامدهای ممکن، تصمیم‌هایی بگیرند که بیشترین سود را برایشان داشته باشد. به عبارت دیگر، تصمیم‌ها بر اساس تجزیه و تحلیل دقیق داده‌ها، شواهد تجربی و استفاده از قواعد و اصول منطقی اتخاذ می‌شوند و وقتی به‌صورت مشترک اتخاذ می‌شود، احتمال رسیدن به حالت بهینه افزایش می‌یابد. تصمیماتی که بر پایه عقلانیت مشترک اتخاذ می‌شوند، معمولاً به توزیع عادلانه منابع و حقوق اجتماعی کمک می‌کنند و از تبعیض و نابرابری جلوگیری می‌کنند.

در نتیجه، عقلانیت مشترک، تصمیم‌گیری جمعی و عدالت اجتماعی به‌شدت به هم مرتبط هستند و یکدیگر را تقویت می‌کنند. عقلانیت مشترک به‌عنوان یک رویکرد منطقی و اخلاقی در تصمیم‌گیری‌ها، می‌تواند زمینه‌ساز تصمیم‌گیری جمعی مؤثر باشد، که خود این فرایند به تحقق عدالت اجتماعی منجر می‌شود. در ادامه، ابتدا توضیحاتی در خصوص عقلانیت مشترک ارائه شده و سپس مفاهیم مرتبط با تصمیم‌گیری جمعی و ضرورت استفاده از آن بیان می‌شود. در پایان نیز توضیحاتی در خصوص مفهوم عدالت اجتماعی ارائه خواهد شد. لازم به ذکر است، در هر قسمت شاخص‌هایی مرتبط با هر مفهوم آورده می‌شود تا به کمک آن بتوان اثر هر مفهوم را بر روی دیگری سنجید. در قسمت بعد نیز از شاخص‌های ذکر شده یک مدل

مفهومی طراحی خواهد شد و روابط بین آن‌ها مورد ارزیابی قرار خواهد گرفت.

۱-۲. عقلانیت مشترک^۱

منظور از عقلانیت، مجموعه دلایلی است که هر فرد برای اعمال و رفتارش دارد. عقلانیت به این معناست که به چه چیزهایی باید به صورت عاقلانه باور داشته باشیم و چه کارها و علاقه‌هایی را به شکل منطقی انجام دهیم. به نظر می‌رسد یک جمع برای رسیدن به یک تصمیم واحد نیازمند داشتن عقلانیت مشترک هستند. عقلانیت در تصمیم‌گیری‌های فردی تفسیر روشنی دارد، اما به راحتی به تصمیم‌گیری‌های تعاملی قابل‌درک نیست. زیرا تصمیم‌گیرندگان تعاملی نمی‌توانند منافع مورد انتظارشان را بدون فرضیه‌های قوی درباره نحوه رفتار سایر مشارکت‌کنندگان به حداکثر برسانند (Colman, 2003). برای فهم میزان نزدیک شدن و هم جهت شدن افکار و عقاید افراد (عقلانیت مشترک)، می‌توان از شاخص‌های جدول ۲، استفاده کرد.

جدول ۲: شاخص‌های عقلانیت مشترک در جمع

منابع	تعریف	شاخص
(Palmiero et al., 2020), (Liang et al., 2021)	تفکر به معنای حرکت منطقی و روشمند از معلومات به سمت کشف مجهولات به منظور یافتن پاسخ یا راه‌حل برای مسائل و مشکلات است که بر نوع تصمیم‌گیری افراد تأثیر می‌گذارد.	تفکرات مشابه (R1) ^۱
(Bui, 1987), (Tongo, 2015), (Zellner et al., 2014)	در امتداد رسیدن به یک تصمیم جمعی افراد باید به اشتراکاتی برسند که ناخواسته دارای اهداف مشترک شوند. زیرا انگیزه تصمیم‌گیری جمعی به مقدار زیادی به اهداف مشترک مربوط می‌شود.	اهداف مشترک (R2)
(Bui, 1987), (Ekwoaba et al., 2019)	ممکن است اعضای جمع به بینشی برسند که منافع فردی و جمعی را یکی بدانند و منافعشان را وقتی تحقق یافته ببینند که اهداف جمع محقق شود.	منافع مشترک (R3)
(Elster, 2020), (Miceli et al., 2018)	علاقه به عنوان شرط لازم برای دستاوردها و تصمیمات بزرگ مطرح می‌شود.	علائق مشترک (R4)

1. Common rationality

۲. این حروف برای کدگذاری شاخص‌ها به منظور پرهیز از تکرار عنوان شاخص‌ها در مدل و جداول تحلیلی استفاده می‌شود.

۲-۲. تصمیم‌گیری جمعی

تصمیم‌گیری جمعی زیر مجموعه رفتار جمعی است که مربوط به چگونگی رسیدن به یک تصمیم مشخص در جمع است (Bosel et al., 2017; Makinson et al., 2017). جمع‌ها می‌توانند ساختارهای پیچیده‌ای داشته باشند و شامل اشخاص، گروه‌ها و حتی شبکه‌های اجتماعی بسیار بزرگ‌تر شوند (Dionne et al., 2019).

بنابر این، فرایند تصمیم‌گیری جمعی به حالتی از تصمیم‌گیری اشاره دارد که در آن ۱. دو یا چند نفر حضور دارند که هرکدام دارای نگرش، ادراک، انگیزه‌ها و شخصیت‌های منحصر به فرد خود هستند؛ ۲. این افراد وجود یک مشکل مشترک را شناسایی می‌کنند و ۳. برای رسیدن به یک تصمیم جمعی تلاش کرده و نظرهای خود را بیان می‌کنند. علاوه بر این، این گروه می‌تواند به‌طور هم‌زمان با هم تعامل داشته باشند یا تصمیمات فردی را به‌صورت جداگانه اتخاذ کرده و سپس به‌طور جمعی درباره نتایج آن به بحث بپردازند (میرباقری و همکاران، ۱۴۰۰).

به عبارتی، تصمیم‌گیری جمعی به دو یا چند بازیگر مربوط می‌شود که در مورد یک مسئله خاص در جست‌وجوی بهبود وضعیت خودشان هستند و هدفی را که می‌خواهند به آن برسند، هماهنگ می‌کنند. در این فرایند، آن‌ها می‌خواهند ترجیحات و اعتقادات خود را در مورد آن مسئله مطرح کنند و به یک تصمیم واحد برسند (Marks et al., 2019).

تصمیم‌گیری جمعی فرایندی است که به‌موجب آن اعضای یک گروه با هم‌فکری درباره یک اقدام تصمیم می‌گیرند (De Oca et al., 2011). در تعریفی دیگر، تصمیم‌گیری جمعی به دو یا چند فرد اشاره دارد که برای بهبود وضعیت خود از طریق دستیابی به هدف مشترکشان، درباره یک مسئله خاص هماهنگ می‌شوند (میرباقری و رفیعی آتانی، ۱۴۰۱). فرایند تصمیم‌گیری جمعی به فرایندی گفته می‌شود که در آن گروهی از افراد با توجه به نظرهای خود، تلاش می‌کنند تا به یک راه‌حل مشترک برای مسئله‌ای با چندین گزینه دست یابند (Wu et al., 2017).

در تصمیم‌گیری جمعی، افراد معمولاً نظرهای خود را با وجود برخی محدودیت‌ها و ترجیحات نسبت به مجموعه معینی از تصمیمات ممکن ابراز می‌کنند و سپس یکی از تصمیمات انتخاب می‌شود (Rossi, 2014). تصمیم‌گیری جمعی روش‌ها و ابزارهایی دارد که در این پژوهش به‌عنوان شاخص معرفی شده است و در جدول ۳، توضیح داده می‌شود.

جدول ۳: شاخص‌های تصمیم‌گیری جمعی

منابع	تعریف	شاخص
(Van Deemen & Rusinowska, 2010), (Cina & Endriss, 2016), (Xu, 2019), (Wu et al., 2017), (Iaryczower et al., 2018), (McHugh et al., 2016).	مشارکت در تصمیم‌گیری جمعی می‌تواند در قالب رأی‌گیری نمود پیدا کند.	رأی‌گیری (D1)
(Iaryczower et al., 2018), (Khaluf et al., 2017), (Sueur et al., 2011), (Wu et al., 2017), (Dionne et al., 2019)	افراد می‌توانند از طریق تعامل مستقیم و غیرمستقیم اطلاعات خاص خود را به اشتراک بگذارند و به تصمیم جمعی بهتری برسند.	اشتراک اطلاعات (D2)
(Bui, 1987), (Mann, 2018), (Iaryczower et al., 2018)	هرگونه نظرخواهی و مشورت به نحوی در انتخاب‌های تصمیم‌گیرنده اثر می‌گذارد.	مشورت (D3)
(Lloyd et al., 2013)	استفاده از تیم‌سازی اقدام مهمی است که جهت آماده‌سازی افراد برای تصمیم‌گیری جمعی استفاده می‌شود.	تیم‌سازی (D4)

۲-۳. عدالت اجتماعی

عدالت اجتماعی مورد توجه بسیاری از نظریه‌پردازان اجتماعی و سیاسی بوده است و بررسی این موضوع در قالب نظریات اجتماعی به‌مرور زمان تکامل یافته است (Zajda et al., 2006). تا قبل از اواسط قرن نوزدهم برداشت فلاسفه از عدالت بیشتر بر کنش‌های افراد توجه داشت، اما بعد از آن «جان استوارت میل»^۱ (۱۸۰۶-۱۸۷۳) برای نخستین بار رویکرد عدالت اجتماعی را مطرح کرد (Clark & Elliott, 2001). در قرن بیستم با انتشار کتاب نظریه عدالت^۲ «رالز»^۳ (۱۹۵۰) انقلابی در نگرش به مسئله عدالت در فلسفه سیاسی ایجاد شد. رالز معتقد است که عدالت عالی‌ترین فضیلت و خوبی است که نهادهای اجتماعی می‌توانند ایجاد کنند (Rawls, 2004).

رالز در نظریه «عدالت به‌مثابه انصاف»^۴ می‌کوشد خانواده‌ای از ارزش‌های مهم را برای عدالت بیان کند که به شیوه منحصر به فردی به نهادهای ساختار سیاسی و اجتماعی مربوط می‌شوند. رالز معتقد است هیچ شخصی نباید کمتر از آنچه در نظام

1. John Stuart Mill
2. Theory of justice
3. John Rawls
4. Justice as fairness: A restatement

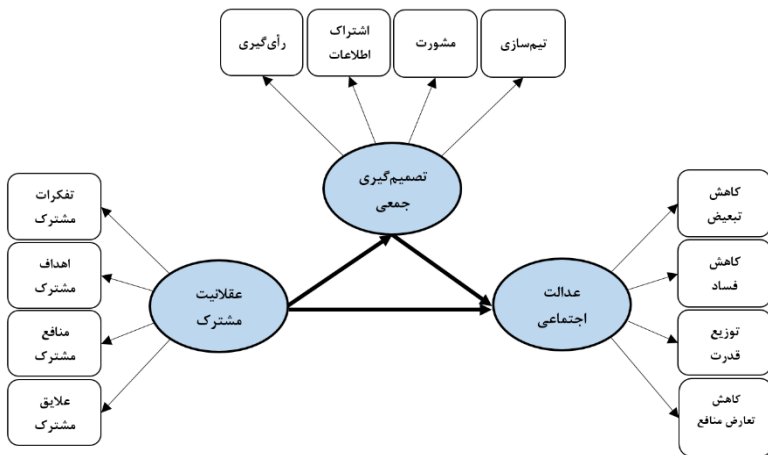
توزیع برابر کالاهای اساسی کسب می‌کند، به دست آورد و وقتی همکاری اجتماعی موجب پیشرفت کلی جامعه می‌شود، نابرابری‌های حاصل باید به نفع تمام کسانی تمام شود که وضعشان کمتر از وضع دیگران در این روند بهبودیافته است (Rawls, 2001). عدالت اجتماعی به توزیع مزایا و مسئولیت‌ها در جامعه اشاره دارد. غالباً فرض بر این است که عدالت اجتماعی و عدالت توزیعی عباراتی مترادف هستند. عدالت توزیعی راه را برای رسیدن به معیارهای عملیاتی عدالت اجتماعی نشان می‌دهد (Hulle et al., 2018). بر اساس مفهوم کلی عدالت (اجتماعی)، نهادها زمانی عادل هستند که در شناسایی وظایف و حقوق اساسی بین افراد تمایز قائل نشده باشند و قوانین عمومی تعادل مناسبی را بین ادعاهای رقیب تعیین کند (Moroni, 2020). عدالت اجتماعی دارای شاخص‌های اقتصادی و سیاسی است. بُعد اقتصادی عدالت اجتماعی به توزیع درآمد و دسترسی به منابع اقتصادی و سایر کالاهای اقتصادی مربوط می‌شود و شاخص‌های سیاسی مربوط به توزیع حقوق سیاسی و قدرت است (Fondacaro & Weinberg, 2002). شناسایی این شاخص‌ها بسیار مهم می‌باشند، زیرا برای دستیابی به عدالت اجتماعی و میزان موفقیت در آن بسیار کمک‌کننده هستند. شاخص‌های مربوط به عدالت اجتماعی که از طریق تصمیم‌گیری جمعی ایجاد می‌شود، در جدول ۴، نشان داده شده است.

جدول ۴: شاخص‌های عدالت اجتماعی

منابع	تعریف	شاخص
(Tuley et al., 1983), (Barnard & Turnbull, 2019)	وقتی همه افراد بتوانند آزادانه نظرشان را اعلام کنند و در تصمیم‌گیری شرکت کنند، تبعیض بین افراد کاهش می‌یابد.	کاهش تبعیض (J1)
(Novella-Garcia & Cloquell-Lozano, 2021)	در تصمیم‌گیری جمعی، افزایش شفافیت آرا و نظرها اتفاق می‌افتد و همین موضوع از سوءاستفاده از قدرت و تصمیمات اشتباه جلوگیری می‌کند.	کاهش فساد (J2)
(Fondacaro & Weinberg, 2002), (Staples, 2012), (Moroni, 2020)	مسئله عدالت مسئله قدرت است و یکی از مهم‌ترین قدرت‌ها در جامعه، قدرت تصمیم‌گیری است. وقتی افراد در تصمیم‌گیری مشارکت می‌کنند و تأثیرگذارند، قدرت نیز توزیع می‌شود.	توزیع قدرت (J3)
(Wendorf et al., 2002), (Bessant, 2004), (Crossley, 2017)	آگاهی از تصمیمات یکدیگر باعث خود نظارتی در جمع می‌شود و در نتیجه از منفعت‌طلبی و تعارض منافع جلوگیری می‌کند.	کاهش تعارض منافع (J4)

۲-۴. مدل مفهومی پژوهش

با توجه به تحلیل محتوای مقاله‌ها و کتاب‌های مرتبط و نظرهای خبرگان یک مدل مفهومی مطابق شکل (۱) استخراج شد. در این مدل مفهومی سه مقوله اصلی عقلانیت مشترک، تصمیم‌گیری جمعی و عدالت اجتماعی تعیین شد و مشخص شد که عقلانیت مشترک زمینه‌ساز رسیدن به تصمیم‌گیری جمعی است (Birkeland et al., 2020; Bisset et al., 2020; Yilmaz & Kafadar, 2020). اجتماعی اثرگذار است (Fondacaro & Weinberg, 2002; Moroni, 2020; Staples, 2012). عقلانیت مشترک شامل ۴ شاخص (تفکرات مشترک، اهداف مشترک، منافع مشترک و علایق مشترک)، تصمیم‌گیری جمعی شامل ۴ شاخص (رای‌گیری، اشتراک اطلاعات، مشورت و تیم‌سازی) و عدالت اجتماعی نیز شامل ۳ شاخص (کاهش تبعیض، کاهش فساد، توزیع قدرت و کاهش تعارض منافع) است.



شکل ۱: مدل مفهومی پژوهش

۳. روش پژوهش

روش پژوهش حاضر از نوع توصیفی - تحلیلی است و روش جمع‌آوری اطلاعات استفاده از منابع کتابخانه‌ای برای بخش مبانی نظری است و برای بررسی نظرهای نمونه از روش پیمایش استفاده شده است. به دلیل تخصصی بودن موضوع و افزایش دقت پاسخ‌ها، افرادی جزو جامعه آماری محسوب شده‌اند که با موضوع تحقیق آشنا هستند و یا در

خصوص استفاده از تصمیم‌گیری جمعی تجربه دارند. بنابر این، نمونه‌گیری هدفمند انجام شده است و تعداد نمونه بر اساس فرمول کوکران تعیین شده است.

$$n = \frac{\frac{z^2 pq}{d^2}}{1 + \frac{1}{N} \left[\frac{z^2 pq}{d^2} - 1 \right]}$$

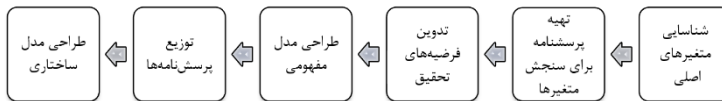
جامعه آماری در دسترس ۲۰۰ نفر از کارشناسان دانشگاهی و سازمانی بخش دولتی در رشته‌های علوم اجتماعی و مدیریت بوده‌اند و بر اساس جدول مورگان، پرسش‌نامه در اختیار ۱۱۵ نفر قرار گرفت. پس از پایش و حذف مواردی که پرسش‌نامه کامل تکمیل نشده بود، ۹۸ پرسش‌نامه مناسب بود و مورد استفاده قرار گرفت. پرسش‌نامه بر اساس طیف لیکرت طراحی شده است و به نسبت میزان موافقت پاسخ‌دهندگان با سؤال مطرح شده، از خیلی کم تا خیلی زیاد تنظیم شد و به آن‌ها نمره‌هایی از ۱ تا ۵ تعلق گرفته است. پرسش‌نامه ۱۲ سؤال دارد و چپینش سؤالات پرسش‌نامه بدین‌صورت است که ۴ سؤال به رابطه بین شاخص‌های تفکرات مشترک، اهداف مشترک، منافع مشترک و علایق مشترک با سازه اصلی عقلانیت مشترک، ۴ سؤال به رابطه بین شاخص‌های رأی‌گیری، اشتراک اطلاعات، مشورت و تیم‌سازی با سازه اصلی تصمیم‌گیری جمعی و ۴ سؤال به رابطه بین شاخص‌های کاهش تبعیض، کاهش فساد، توزیع قدرت و کاهش تعارض منافع با سازه اصلی عدالت اجتماعی پرداخته است. متغیرهای جمعیت‌شناختی شامل سن، سطح تحصیلات و جنسیت در این تحقیق به‌عنوان متغیرهای کنترل در نظر گرفته شده است.

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها و بررسی ارتباط میان عوامل و تعیین سهم هر یک از آن‌ها، از مدل‌سازی معادلات ساختاری استفاده شده است. مدل معادلات ساختاری یک رویکرد آماری جامع است که برای آزمون فرضیه‌ها درباره روابط بین متغیرهای آشکار^۱ و پنهان^۲ به کار می‌رود. این رویکرد امکان آزمون قابل قبول بودن مدل‌های نظری را در جوامع خاص فراهم می‌کند (Devika et al., 2020). مدل‌سازی معادلات ساختاری حداقل مربعات جزئی (PLS-SEM) به یک ابزار استاندارد برای تجزیه و تحلیل روابط پیچیده بین متغیرهای مشاهده شده و پنهان در بسیاری از زمینه‌های تحقیقاتی علمی تبدیل شده است (Sarstedt et al., 2020).

-
1. Observed variables
 2. latent variables

این روش از نوع توصیفی - تحلیلی است و روش جمع‌آوری اطلاعات استفاده از منابع کتابخانه‌ای برای بخش مبانی نظری و از ابزار پرسش‌نامه برای گردآوری نظرهای نمونه استفاده است. مدل معادلات ساختاری^۱ یک ساختار علی خاص بین مجموعه‌ای از سازه‌های غیرقابل مشاهده است. این مدل از دو بخش اصلی تشکیل شده است: یک مدل ساختاری که ساختار علی بین متغیرهای پنهان را تعیین می‌کند و یک مدل اندازه‌گیری که روابط بین متغیرهای پنهان و متغیرهای مشاهده شده را تعریف می‌کند. گام‌های انجام تحقیق با استفاده از تکنیک مدل‌سازی معادلات ساختاری عبارت‌اند از:

- ❖ شناسایی متغیرهای اصلی تحقیق؛
 - ❖ تهیه پرسش‌نامه برای سنجش متغیرها و تعیین گویه‌های سنجش هر متغیر اصلی؛
 - ❖ تدوین فرضیه‌های تحقیق و تعیین روابط میان متغیرهای اصلی مدل؛
 - ❖ طراحی مدل مفهومی بر اساس فرضیه‌های تحقیق؛
 - ❖ توزیع پرسش‌نامه‌ها و گردآوری داده‌ها؛
 - ❖ طراحی مدل ساختاری و اجرای آن با استفاده از نرم‌افزار SmartPLS؛
- می‌توان مراحل تحلیل داده‌ها و یافته‌ها را به صورت شکل زیر نشان داد.



شکل ۲: مراحل تحلیل داده‌ها و یافته‌ها

هدف محققان از استفاده روش مدل‌سازی معادلات ساختاری، بررسی اعتبار مقوله‌ها و شاخص‌هایی است که در تحلیل محتوای چهارچوب نظری استخراج شده و تعیین ارزش پیش‌بینی ساختار طراحی شده است (Chegini & Islam, 2021; Nazari et al., 2019; Quaschnig et al., 2013). بنابراین برای تعیین نوع ارتباط بین سه مقوله «عقلانیت مشترک»، «تصمیم‌گیری جمعی» و «عدالت اجتماعی» و شاخص‌های شناسایی شده هر بخش و میزان اعتبار مدل مفهومی تحقیق از مدل‌سازی معادلات ساختاری استفاده شده است.

به منظور سنجش پایایی پرسش‌نامه از روش محاسبه الفای کرونباخ استفاده شده است و برای سنجش روایی پرسش‌نامه از روش روایی محتوا و روایی همگرا استفاده شده است. برای سنجش روایی محتوا، قبل از توزیع پرسش‌نامه‌ها، نظرهای برخی از اساتید دانشگاه و همچنین نظرها و دیدگاه‌های تعدادی از خبرگان و متخصصان حوزه تصمیم‌گیری جمعی دریافت و اصلاحات لازم بر روی پرسش‌نامه اعمال شده است. برای یک پرسش‌نامه معتبر باید مقدار P-Value کمتر از ۰/۰۵ و مقدار T-Value بیشتر از ۱/۹۶ باشد (Karimi & Emami, 2021).

از معیار R^2 نیز استفاده شده است که بیان‌کننده ضریب تعیین یا تشخیص^۱ است و قدرت توضیح‌دهندگی مدل را نشان می‌دهد و میزان دقت پیش‌بینی متغیرهای وابسته توسط متغیرهای مستقل را توضیح می‌دهد. معیار دیگری که در تحلیل داده‌ها مورد استفاده قرار گرفته، «بارهای عاملی»^۲ است. بارهای عاملی میزان شدت رابطه میان یک متغیر پنهان و متغیر آشکار مربوطه را طی فرایند تحلیل مسیر مشخص می‌کند که در حالت بهینه باید بالای ۰/۴ باشد (Kiani et al., 2020). معیار مهم دیگر، برازش مدل کلی^۳ (GOF) است که شامل دو بخش مدل اندازه‌گیری و ساختاری می‌شود. برای بررسی برازش مدل کلی، از معیار نیکویی برازش استفاده می‌شود (Abri et al., 2021).

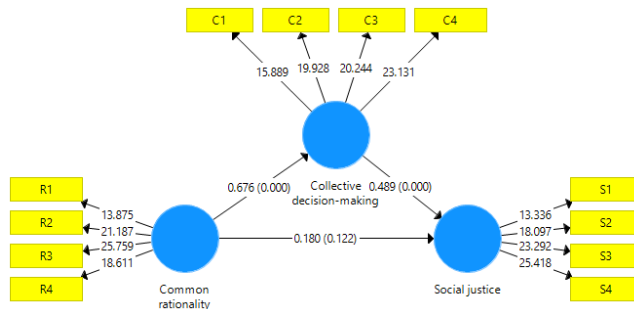
$$GOF = \sqrt{\text{Communalities} \times R^2}$$

مقدار Communalities از میانگین مقادیر معیار میانگین واریانس استخراجی (AVE) متغیرهای پنهان به دست می‌آید. برای معیار نیکویی برازش^۴ (GOF) مقادیر ۰/۰۱، ۰/۲۵ و ۰/۳۶ به عنوان مقادیر ضعیف، متوسط و قوی شناخته می‌شود.

۴. تجزیه و تحلیل داده‌ها

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزارهای SPSS، Excel و SmartPLS استفاده شده است. با استفاده از این نرم‌افزارها مدل پیشنهادی تحقیق مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت که در شکل ۳ نشان داده شده است.

-
1. Coefficient Of Determination
 2. Factor loading
 3. Overall model fit
 4. Goodness-of-fit



شکل ۳: مدل به‌دست‌آمده با استفاده از تحلیل معادلات ساختاری

در مدل نشان داده‌شده، عقلانیت مشترک به‌عنوان متغیر مستقل، عدالت اجتماعی متغیر وابسته و تصمیم‌گیری جمعی نیز متغیر میانجی محسوب می‌شود. جهت اندازه‌گیری میزان ارتباط بین متغیرهای آشکار و متغیرهای پنهان مدل از بارهای عاملی استفاده شده است. بارهای عاملی شاخص‌های مدل مفهومی در جدول ۵، آورده شده است.

جدول ۵: بارهای عاملی شاخص‌های مدل

ردیف	شاخص	بار عاملی	ردیف	شاخص	بار عاملی	ردیف	شاخص	بار عاملی
۱	عقلانیت مشترک ← R1	۰/۷۶۷	۵	تصمیم‌گیری جمعی ← C1	۰/۷۳۳	۹	عدالت اجتماعی ← S1	۰/۷۳۱
۲	عقلانیت مشترک ← R2	۰/۸۲۶	۶	تصمیم‌گیری جمعی ← C2	۰/۷۷۸	۱۰	عدالت اجتماعی ← S2	۰/۸۱۳
۳	عقلانیت مشترک ← R3	۰/۸۰۴	۷	تصمیم‌گیری جمعی ← C3	۰/۸۰۵	۱۱	عدالت اجتماعی ← S3	۰/۸۳۴
۴	عقلانیت مشترک ← R4	۰/۸۱۲	۸	تصمیم‌گیری جمعی ← C4	۰/۸۲۲	۱۲	عدالت اجتماعی ← S4	۰/۷۹۵

همان‌طور که توضیح داده شد، اعدادی که در جدول ۵ نشان داده‌شده است، نشان‌دهنده بارهای عاملی بین متغیرهای آشکار و متغیرهای پنهان است و

متغیرهایی که بار عاملی آن‌ها کمتر از ۰/۴ است باید از مدل حذف شوند. در محاسبات انجام شده، بار عاملی همه شاخص‌ها بیشتر از ۰/۴ است، بنابراین همه شاخص‌ها معتبرند و هیچ‌کدام از آن‌ها از مدل حذف نمی‌شوند.

برای اینکه مشخص شود که آیا مدل طراحی شده توسط داده‌های گردآوری شده حمایت می‌شود یا خیر، از معیارهای برازش می‌توان استفاده کرد. در صورتی که مدل توسط معیارهای برازش تأیید نشود، مدل باید اصلاح شود. معیارهای به‌دست‌آمده برای برازش مدل مفهومی در جدول ۶ نشان داده شده است.

جدول ۶: معیارهای برازش مدل مفهومی

ردیف	روابط اصلی ^۱	ضریب رگرسیون (r)	ضریب تعیین (r ²)	میانگین (M)	انحراف استاندارد (STDEV)	T-Value	P-Value
H ₁	عقلانیت مشترک ← تصمیم‌گیری جمعی	0.676	0.456	0.683	0.038	17.871	0.000
H ₂	تصمیم‌گیری جمعی عدالت اجتماعی ←	0.489	0.390	0.503	0.114	4.275	0.000
H ₃	عقلانیت مشترک ← عدالت اجتماعی	0.180	-	0.172	0.116	1.548	0.122

با توجه به اعداد نشان داده‌شده در شکل ۳ و جدول ۶، مقدار P-Value برای روابط بین متغیرهای عقلانیت مشترک ← تصمیم‌گیری جمعی و تصمیم‌گیری جمعی ← عدالت اجتماعی کمتر از ۰/۰۵ و مقدار T-Value بیشتر از ۱/۹۶ است و این اعداد نشان می‌دهند رابطه بین این متغیرها در سطح خطای ۰/۰۵ معنی‌دار است بنابراین فرضیه‌های H₁ و H₂ تأیید می‌شود. اما مقدار P-Value برای روابط بین متغیرهای عقلانیت مشترک ← عدالت اجتماعی بیش از ۰/۰۵ و مقدار T-Value کمتر از ۱/۹۶ است. بنابراین، رابطه بین متغیرهای عقلانیت مشترک و عدالت اجتماعی معنی‌دار نیست و فرضیه H₃ رد می‌شود. همچنین، ضرایب رگرسیونی بین متغیرهای عقلانیت مشترک ← تصمیم‌گیری جمعی ۰/۶۷۶ و بین متغیرهای تصمیم‌گیری جمعی ← عدالت اجتماعی ۰/۴۸۹ می‌باشند که نشان‌دهنده رابطه مثبت و مستقیم

بین این متغیرهاست. اما ضرایب رگرسیونی بین متغیرهای عقلانیت مشترک ← عدالت اجتماعی ۰/۱۸۰ است که نشان‌دهنده ارتباط ضعیف بین این دو متغیر است. بنابر این می‌توان گفت، عقلانیت مشترک فقط از طریق تصمیم‌گیری جمعی است که می‌تواند منجر به افزایش عدالت اجتماعی شود و به صورت مستقیم نقش کمی دارد. برای دو متغیرهای تصمیم‌گیری جمعی و عقلانیت مشترک معیار R^2 دو مقدار ۰/۴۵۶ و ۰/۳۹۰ به‌دست‌آمده است که نشان‌دهنده دقت پیش‌بینی نسبتاً خوب متغیرهای میانجی و وابسته است.

به منظور سنجش پایایی و روایی پرسش‌نامه از ضریب آلفای کرونباخ، ضریب پایایی ترکیبی و میانگین واریانس استخراجی استفاده شده است که اعداد به‌دست‌آمده در جدول ۷، نشان داده شده است.

جدول ۷: ضرایب پایایی و روایی متغیرهای مدل

متغیرها	آلفای کرونباخ	ضریب پایایی ترکیبی	میانگین واریانس استخراجی (AVE)	$Q^2=(1-SSE/SSO)$
عقلانیت مشترک	0.819	0.878	0.644	0.402
تصمیم‌گیری جمعی	0.793	0.865	0.616	0.356
عدالت اجتماعی	0.806	0.872	0.631	0.381

وقتی که ضریب آلفای کرونباخ^۱ و ضریب پایایی ترکیبی^۲ بزرگ‌تر از ۰/۷ باشد، پرسش‌نامه از پایایی خوبی برخوردار است. با توجه به اعداد به‌دست‌آمده آلفای کرونباخ و ضریب پایایی ترکیبی در جدول ۷، تمام اعداد بزرگ‌تر از ۰/۷ می‌باشند، بنابر این پایایی پرسش‌نامه در حد قابل قبولی قرار دارد. میانگین واریانس استخراجی^۳ نیز برای اندازه‌گیری روایی همگرا استفاده می‌شود و وقتی قابل قبول است که بالاتر از ۰/۵ باشد. با توجه به اینکه میانگین واریانس استخراجی برای هر سه متغیر بالاتر از ۰/۵ است، بنابر این روایی پرسش‌نامه در حد قابل قبولی قرار دارد. معیار مهم دیگر در میزان قدرت پیش‌بینی مدل، Q^2 است که با توجه به اینکه اعداد

1. Cronbach s Alpha
 2. Composite Reliability
 3. Average Variance Extracted

به دست آمده در ستون Q^2 بالاتر از $0/3$ است، نشان دهنده تناسب خوب پیش بینی مدل است. برای به دست آوردن برازش مدل کلی^۱ از معیار نیکویی برازش^۲ (GOF) استفاده شد و با محاسبات انجام شده مقدار $0/516$ برای این معیار به دست آمده است.

$$GOF = \sqrt{\text{Communalities} \times R^2} = \sqrt{0.630 \times 0.423} = 0.516$$

با توجه به توضیحات داده شده در قسمت روش شناسی، به دلیل اینکه عدد به دست آمده بالاتر از $0/36$ است، برازش کلی مدل مناسب است.

۵. نتیجه گیری و پیشنهاد

تصمیم گیری جمعی به عنوان یکی از روش های رسیدن به تصمیم بهینه شناخته می شود. افراد در تمامی جنبه های زندگی اجتماعی خود با شرایط تصمیم گیری جمعی مواجه می شوند. تصمیمات مرتبط با مسائل مهم و پیچیده به ندرت توسط یک فرد به تنهایی اتخاذ می شود. بلکه، این تصمیمات نیازمند همکاری گروهی از متخصصان هستند که هر یک از شرکت کنندگان نظرهای خود را ارائه می دهند. یکی از اهدافی که مدیران و حکمرانان دنبال می کنند، مسئله عدالت اجتماعی است، زیرا عدالت اجتماعی یکی از شاخص های موفقیت در جامعه است. به همین دلیل شناسایی شاخص های و عوامل مؤثر بر عدالت اجتماعی اهمیت دارد.

به دلیل اهمیت بالای این موضوع و کاربردی بودن آن، مدل مفهومی تحقیق در خصوص تصمیم گیری جمعی و اثر آن بر روی عدالت اجتماعی است که از پیشینه تحقیق استخراج شده است و با روش مدل سازی معادلات ساختاری مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. با توجه به مقدار P-Value و مقدار T-Value برای روابط بین متغیرهای عقلانیت مشترک و تصمیم گیری جمعی و همچنین تصمیم گیری جمعی و عدالت اجتماعی در سطح خطای $0/05$ معنی دار است، اما برای روابط بین متغیرهای عقلانیت مشترک و عدالت اجتماعی معنی دار نیست. با توجه به بارهای عاملی به دست آمده، می توان گفت تمامی شاخص های تعریف شده معیار مناسبی برای سنجش متغیرهای پنهان عقلانیت مشترک، تصمیم گیری جمعی و عدالت اجتماعی محسوب می شوند. علاوه بر این، ضرایب رگرسیون^۳ تمامی

1. Overall model fit
 2. Goodness-of-fit
 3. Regression coefficient



متغیرها بالای ۱/۹۶ است و بیان می‌کند این متغیرها ارتباط معنادار و مثبتی با متغیرهای پنهان یکدیگر دارند.

نتایج به‌دست‌آمده از تحقیق نشان می‌دهد که برای رسیدن به یک تصمیم‌گیری جمعی موفق، وجود عقلانیت مشترک در میان اعضای گروه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. عقلانیت مشترک یعنی همگرایی افراد بر پایه تفکرات، اهداف، منافع، و علایق مشترک. در واقع، این شاخص‌ها معیارهایی هستند که قدرت و کیفیت تصمیم‌گیری جمعی را تعیین می‌کنند؛ هرچه این شاخص‌ها در گروه قوی‌تر باشند، فرایند تصمیم‌گیری جمعی کارآمدتر و هماهنگ‌تر خواهد بود. بر این اساس، شاخص‌های عقلانیت مشترک در جمع، تفکرات مشترک، اهداف مشترک، منافع مشترک و علائق مشترک تعریف شدند. برای پیاده‌سازی موفق تصمیم‌گیری جمعی نیز، استفاده از ابزارها و شاخص‌هایی مانند رأی‌گیری، اشتراک اطلاعات، مشورت و تیم‌سازی ضروری است. این روش‌ها نه تنها به تصمیم‌گیری عادلانه و دموکراتیک کمک می‌کنند، بلکه موجب تسهیل مشارکت فعال اعضا و افزایش اعتماد متقابل در گروه می‌شوند.

همچنین نتایج نشان می‌دهد یکی از مهم‌ترین پیامدهای تصمیم‌گیری جمعی، افزایش عدالت اجتماعی است. این امر از طریق دو عامل کلیدی افزایش نظارت در جامعه و افزایش شفافیت تحقق می‌یابد. نظارت بیشتر بر تصمیم‌گیران و سیاست‌ها باعث کاهش تبعیض و فساد می‌شود و افراد احساس می‌کنند که تصمیمات به شکلی منصفانه و بدون تبعیض اتخاذ شده‌اند. از سوی دیگر، شفافیت باعث تقویت پاسخگویی و اعتماد عمومی می‌شود و احتمال سوءاستفاده از قدرت و منافع شخصی کاهش می‌یابد. برای اندازه‌گیری میزان عدالت اجتماعی در یک جامعه از شاخص‌هایی مانند کاهش تبعیض، کاهش فساد، توزیع قدرت و کاهش تعارض منافع استفاده شد.

یافته‌ها نشان می‌دهد که عقلانیت مشترک از طریق متغیر میانجی تصمیم‌گیری جمعی بر عدالت اجتماعی تأثیر می‌گذارد. بدین معنا که وقتی افراد به تفکرات، اهداف و منافع مشترکی دست یابند و به‌طور جمعی تصمیم‌گیری کنند، احتمال ایجاد نظام‌های عادلانه‌تر و کارآمدتر افزایش می‌یابد. این فرایند می‌تواند به ارتقای عدالت اجتماعی کمک کرده و جوامع را به‌سوی توزیع عادلانه‌تر منابع، کاهش فساد و تبعیض و بهبود ساختارهای قدرت هدایت کند. در نهایت، این تحقیق با استفاده از روش معادلات ساختاری و بررسی نظرهای خبرگان، مدلی مفهومی ارائه کرد که

رابطه بین عقلانیت مشترک، تصمیم‌گیری جمعی و عدالت اجتماعی را به تصویر می‌کشد و راهکارهایی عملی برای بهبود عدالت اجتماعی از طریق تقویت تصمیم‌گیری جمعی پیشنهاد می‌کند.

از این پژوهش می‌توان به‌منظور تقویت بنیه علمی و عملی در تصمیم‌گیری جمعی مسئولان، مدیران و فرماندهان استفاده کرد. مهم‌ترین استفاده‌کنندگان این پژوهش عبارتند از: بخش‌های تصمیم‌ساز دولتی و شوراهای از قبیل مجلس شورای اسلامی، دولت، مجلس تشخیص مصلحت نظام، شورای نگهبان و ... همچنین مراکز غیردولتی از قبیل تشکلهای، انجمن‌ها و احزاب، شرکت‌ها و بنگاه‌های خصوصی، نهادهای اجتماعی و غیرانتفاعی و ...

۱. با توجه به اینکه فایده به‌کارگیری روش تصمیم‌گیری جمعی در این مقاله اثبات شده است، پیشنهاد می‌شود استفاده از این روش به‌عنوان یکی از شاخص‌های ارزیابی و ارتقای مدیران در نظر گرفته شود؛
۲. برخی از مدیران از نحوه و فرایند تصمیم‌گیری جمعی آگاهی کافی ندارند، به همین دلیل برگزاری دوره‌های آموزشی برای ترویج استفاده از این روش در سازمان‌ها و شوراهای پیشنهاد می‌شود؛
۳. از آنجا که تصمیم‌گیری جمعی در شوراهایی از قبیل مجلس شورای اسلامی، شورای شهر و روستا، شوراهای عالی و هیئت دولت بسیار کاربرد دارد، نتایج این مقاله می‌تواند بسیار مورد بهره‌برداری قرار گیرد؛
۴. در این مقاله فقط از روش مدل‌سازی معادلات ساختاری برای اثبات دستاوردهای تصمیم‌گیری جمعی استفاده شده بود. از این‌رو، پیشنهاد می‌شود دستاوردهای تصمیم‌گیری جمعی با استفاده از روش‌های علمی دیگری از قبیل مدل‌سازی عامل بنیان نیز بررسی شود؛
۵. تحقیقی در مورد میزان تأثیرگذاری متغیرهای تعدیل‌کننده مانند جنسیت، سن و تجربه مدیران بر تصمیم‌گیری جمعی انجام شود؛
۶. روش تصمیم‌گیری و نحوه رسیدن به یک تصمیم در شوراهای بررسی شود و تفاوت آن با روش‌ها و فرایندهای معرفی شده در این مقاله مقایسه شوند.

۶. جمع‌بندی و توصیه‌های سیاستی

با توجه به توضیحات ارائه شده، استفاده از عقلانیت مشترک بین افراد به‌عنوان یک سرمایه مهم اجتماعی برای رسیدن به مشارکت و عدالت اجتماعی حیاتی است. عقلانیت مشترک با شاخص‌هایی مانند تفکرات مشترک، اهداف مشترک، منافع مشترک و علایق مشترک مشخص می‌شود. همان‌طور که در شکل ۳ نشان داده شده است، مشاهده می‌کنیم که گذر مستقیم از عقلانیت مشترک به عدالت اجتماعی دارای ضریب مسیر بسیار پایین (۰/۱۸۰) است، اما گذر غیرمستقیم تصمیم‌گیری جمعی دارای ضرایب عبور بالاتر (۰/۶۷۶ و ۰/۴۸۹) است. این اعداد نشان می‌دهد که اگرچه عقلانیت مشترک دارایی قابل‌توجهی برای یک سازمان است، اگر مدیری بخواهد از آن برای رسیدن به عدالت اجتماعی استفاده کند، باید آن را از طریق تصمیم‌گیری جمعی به کار گیرد. در واقع، تصمیم‌گیری جمعی نقش میانجی قابل‌توجهی بین عقلانیت مشترک و عدالت اجتماعی ایفا می‌کند.

بنابر این، اگر مدیران بخواهند از عقلانیت مشترک سازمانی خود برای افزایش عدالت اجتماعی استفاده کنند، نباید از تصمیم‌گیری جمعی غافل شوند. زیرا تصمیم‌گیری جمعی به استفاده از ظرفیت عقلانیت مشترک برای افزایش عدالت اجتماعی کمک می‌کند. تصمیم‌گیری جمعی از طریق خرد جمعی منجر به هم‌افزایی و کاهش سوگیری تصمیمات می‌شود و به ارتقای کیفی تصمیمات و رسیدن به تصمیم بهینه کمک می‌کند. در این مقاله سعی شده است رابطه بین این سازه‌ها نشان داده شود و می‌تواند انگیزه‌ای را برای مدیران ایجاد کند تا به سمت تصمیم‌گیری جمعی به‌عنوان روشی برای استفاده از عقلانیت مشترک سازمان برای دستیابی به عدالت اجتماعی بیشتر بروند.

بنابر این، می‌توان ادعا کرد که از سه فرضیه این پژوهش، H_1 و H_2 تأیید شده اما H_3 رد شده است. H_1 و H_2 انتقال غیرمستقیم از عقلانیت مشترک به عدالت اجتماعی را از طریق تصمیم‌گیری جمعی به‌عنوان میانجی و تأکید بر اهمیت مشارکت در بین جمع نشان می‌دهد. اما H_3 تأثیر مستقیم عقلانیت مشترک بر عدالت اجتماعی است و به دلیل عدم به‌کارگیری تصمیم‌گیری جمعی مردود است. برخی از مطالعات مانند (Moroni, 2020) and (Fondacaro & Weinberg, 2002) یافته‌های ما را در مورد تأثیر تصمیم‌گیری جمعی بر عدالت اجتماعی تأیید می‌کنند.

بررسی شاخص‌های متغیرهای نهفته در این مطالعه حائز اهمیت است. عقلانیت مشترک، تصمیم‌گیری جمعی و عدالت اجتماعی سه متغیر پنهان هستند و هرکدام

دارای شاخص‌هایی هستند که آن‌ها را می‌سنجند. در این مطالعه از چهار شاخص برای عقلانیت مشترک در جمع استفاده کردیم که شامل: تفکرات مشترک (Liang et al., 2021)، اهداف مشترک (Tongo, 2015)، منافع مشترک (Ekwoaba et al., 2019) و علائق مشترک (Elster, 2020). تصمیم‌گیری جمعی را می‌توان از طریق چندین شاخص اندازه‌گیری کرد، از جمله رأی‌گیری (Xu, 2019)، اشتراک اطلاعات (Dionne et al., 2019)، مشورت (Iaryczower et al., 2018) و تیم‌سازی (Lloyd et al., 2013). برای اندازه‌گیری عدالت اجتماعی، شاخص‌های کاهش تبعیض (Barnard & Turnbull, 2019)، کاهش فساد مشورت (Crossley, 2017) هستند. همه بارهای عاملی شاخص‌ها در سطح مناسبی هستند که نشان‌دهنده مناسب بودن آن‌ها برای اندازه‌گیری سه متغیر پنهان است. با توجه به توضیحات ارائه شده، برای استفاده از روش تصمیم‌گیری جمعی جهت افزایش عدالت اجتماعی، می‌توان توصیه‌های سیاستی زیر را ارائه داد:

❖ جمع‌آوری نظرهای گروه‌های متنوع و فراگیر برای حکمرانی مناسب و اداره کشور: یکی از مهم‌ترین اصول در حکمرانی عادلانه، توجه به تنوع و شمول در فرایندهای تصمیم‌گیری است. حضور نمایندگان اقشار مختلف، به‌ویژه اقلیت‌ها و گروه‌های محروم، باعث می‌شود دیدگاه‌ها و تجربیات متنوعی در تصمیم‌گیری‌ها مدنظر قرار گیرد. این تنوع در نظرها به تصمیم‌گیری‌هایی جامع‌تر و عادلانه‌تر منجر می‌شود. در غیاب این شمولیت، ممکن است منافع بخش‌های خاصی از جامعه نادیده گرفته شده و نابرابری‌ها تشدید شوند. با در نظر گرفتن منافع همه مردم، امکان توسعه سیاست‌های پایدارتر و کارآمدتر افزایش می‌یابد و موجب تقویت اعتماد عمومی به نظام حکمرانی می‌شود؛

❖ آموزش و توانمندسازی اعضای جامعه: مشارکت مؤثر در فرایندهای تصمیم‌گیری نیازمند داشتن دانش و مهارت‌های لازم است. برگزاری کارگاه‌ها و برنامه‌های آموزشی می‌تواند اعضای جامعه را توانمند سازد تا به‌صورت مؤثرتری در تصمیم‌گیری‌های جمعی شرکت کنند. این آموزش‌ها نه‌تنها به بهبود کیفیت تصمیم‌ها کمک می‌کند، بلکه باعث افزایش احساس مالکیت و مسئولیت‌پذیری اجتماعی می‌شود. افراد وقتی احساس کنند در فرایند تصمیم‌گیری سهیم هستند، ارتباط عمیق‌تری با نتایج آن خواهند داشت و این ارتباط می‌تواند منجر به اجرای موفق‌تر سیاست‌ها شود؛

- ❖ شفافیت و دسترسی به اطلاعات: شفافیت در ارائه اطلاعات و داده‌های مرتبط با مسائل اجتماعی از مهم‌ترین عوامل در افزایش عدالت اجتماعی است. دسترسی همگانی به اطلاعات باعث می‌شود که افراد بتوانند بر اساس داده‌های معتبر و دقیق، تصمیم‌گیری کنند. در جوامعی که اطلاعات آزادانه در دسترس نیست، تصمیم‌گیری‌های جمعی ممکن است بر پایه اطلاعات ناقص یا گمراه‌کننده باشد. شفافیت همچنین به تقویت پاسخ‌گویی و اعتماد عمومی کمک می‌کند، زیرا مردم احساس می‌کنند که تصمیم‌گیران اقدامات خود را به‌طور روشن و بدون پنهان‌کاری انجام می‌دهند؛
- ❖ استفاده از فناوری‌های نوین: فناوری‌های نوین و پلتفرم‌های دیجیتال می‌توانند به‌طور قابل توجهی فرایندهای مشارکت عمومی را تسهیل کنند. این ابزارها امکان جمع‌آوری نظرها و پیشنهادهای بخش‌های گسترده‌تری از جامعه را فراهم می‌کنند که ممکن است به دلیل مشکلات جغرافیایی یا فیزیکی قادر به مشارکت نباشند. فناوری می‌تواند مشارکت را فراگیرتر و سریع‌تر کند و علاوه بر این، امکان دسترسی آسان‌تر به اطلاعات و نظرهای جمعی را فراهم نماید. استفاده از این ابزارها می‌تواند به ارتقای کیفیت تصمیم‌گیری و افزایش عادلانه بودن آن کمک کند؛
- ❖ ترویج فرهنگ مشارکت، همکاری و همبستگی: یکی از چالش‌های اصلی در مسیر تحقق عدالت اجتماعی، نبود فرهنگ مشارکت و همکاری اجتماعی است. با ترویج فرهنگ همکاری و همبستگی اجتماعی، افراد به این باور می‌رسند که مشارکت جمعی به بهبود کیفیت زندگی آن‌ها و جامعه کمک می‌کند. برنامه‌های آموزشی و فرهنگی می‌توانند این فرهنگ را تقویت کرده و افراد را به مشارکت فعال‌تر در فرایندهای اجتماعی تشویق کنند. تقویت حس همبستگی باعث ایجاد جوامعی خواهد شد که افراد آن نه تنها به منافع خود، بلکه به رفاه عمومی نیز توجه دارند؛
- ❖ ایجاد سازوکارهای بازخورد و ارزیابی: سازوکارهای بازخورد و ارزیابی به فرایندهای تصمیم‌گیری جمعی کمک می‌کنند تا به‌طور مستمر بهبود یابند. این سازوکارها نقاط ضعف و قوت تصمیم‌ها را مشخص کرده و به تصمیم‌گیران امکان می‌دهند تا از تجربیات گذشته درس بگیرند. بازخورد مستمر می‌تواند باعث افزایش شفافیت، کارایی و عدالت در تصمیم‌گیری‌ها شود و همچنین مشارکت مردم را در این فرایندها تقویت کند. این

ارزیابی‌ها می‌توانند موجب اصلاح سیاست‌ها و بهبود فرایندهای تصمیم‌گیری آینده شوند؛

❖ حمایت از نهادهای مدنی و سازمان‌های مردم‌نهاد: نهادهای مدنی و سازمان‌های مردم‌نهاد نقش مهمی در نمایندگی گروه‌های مختلف جامعه و دفاع از منافع آن‌ها دارند. این نهادها می‌توانند صدای اقشار محروم و اقلیت‌ها را به گوش تصمیم‌گیران برسانند و به تحقق عدالت اجتماعی کمک کنند. تقویت و حمایت از این نهادها به جامعه این امکان را می‌دهد که به شکلی منظم و سازمان‌یافته‌تر در فرایندهای تصمیم‌گیری جمعی مشارکت کند و اطمینان حاصل شود که منافع همه اقشار جامعه در تصمیمات لحاظ شده است؛

❖ ایجاد فضای امن برای بحث و گفت‌وگو: ایجاد فضایی امن برای بحث و گفت‌وگو از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، به‌ویژه برای کسانی که به دلیل ترس یا عدم اعتماد، از ابراز نظر خودداری می‌کنند. این فضا باید بدون ترس از مجازات یا برخورد منفی باشد و تضمین حریم خصوصی و امنیت اطلاعات مشارکت‌کنندگان را فراهم کند. چنین فضایی باعث می‌شود افراد با اطمینان بیشتری در تصمیم‌گیری‌ها مشارکت کنند و نظریات متنوع‌تری مطرح شود که این خود به ارتقای عدالت اجتماعی کمک خواهد کرد.

نتایج این مطالعه مشمول این محدودیت‌ها است: اول، از همه، محدودیت زمانی باعث شد که داده‌ها فقط یک دوره زمانی جمع‌آوری شوند. درحالی‌که می‌توان تأثیر تصمیم‌گیری جمعی را بر افزایش عدالت اجتماعی در دوره‌های مختلف به‌صورت تجربی سنجید. دوم، در مورد درک مفهوم تصمیم‌گیری جمعی است. سوم، در برخی موارد، مفهوم تصمیم‌گیری جمعی در بین مدیران به‌خوبی درک نشده است و این تصور غلط ممکن است آن‌ها را دچار خطای شناختی کند.

فهرست منابع

- ابراهیمی‌خو (۱۳۹۶). پیش‌بینی ذهن آگاهی بر اساس سبک‌های تصمیم‌گیری و استدلال اخلاقی. دانشگاه پیام نور استان تهران، مرکز پیام نور تهران غرب.
- کرمی (۱۳۹۶). بررسی مسائل و مشکلات تصمیم‌گیری گروهی. فصلنامه مطالعات مدیریت و حسابداری، شماره ۶.
- میرباقری، رفیعی آتانی (۱۴۰۱). طراحی الگوی تصمیم‌گیری جمعی با استفاده از مبانی اسلامی. مدیریت در دانشگاه اسلامی، ۱۱(۲۳)، ۴۹-۸۰.
- میرباقری، رفیعی آتانی، پارسانژاد (۱۴۰۰). مروری نظام‌مند بر ادبیات تصمیم‌گیری جمعی. پژوهش‌های نوین در تصمیم‌گیری، ۶(۳)، ۲۳۹-۲۵۸.
- میرباقری (۱۴۰۲). حکمرانی مشارکتی: روش‌ها و ابزارهای سیاسی آن در ایران. فصلنامه علمی راهبرد، ۳۲(۲)، ۱۷۵-۲۰۴.
- میرباقری، رفیعی آتانی، پارسانژاد (۱۴۰۱). طراحی الگوی مفهومی حکمرانی مشارکتی در ایران: رویکرد داده بنیاد. فصلنامه علمی راهبرد، ۳۱(۲)، ۱۹۵-۲۱۸.
- نجاری، معارفی (۱۳۹۵). بررسی اثر مشارکت در تصمیم‌گیری گروهی بر سازمان شاد با فرض متغیر میانجی اعتماد سازمانی (مورد مطالعه: دانشگاه پیام نور استان خوزستان). فصلنامه پژوهش‌های مدیریت عمومی، ۹(۳۱)، ۱۸۷-۲۰۴.

References

- Abri, M., Vosughi, S., Abolghasemi, J., Rahimi, J., & Ebrahimi, H. (2021). The effect of job security on safety behavior with the moderating role of salary: a structural equation model (SEM). *International Journal of Occupational Safety and Ergonomics*, just-accepted, 1–15.
- Barnard, R. T., & Turnbull, D. J. (2019). Discrimination and Social Justice: Questions of Diversity, Plurality, Representativeness, Measurability, and Doublespeak. *International Journal of Interdisciplinary Civic and Political Studies*, 14(2), 21–34.
- Bessant, J. (2004). Procedural Justice, Conflict of Interest and the Stolen Generations. Case.
- Birkeland, S., Linkhorst, T., Haakonsson, A., Barry, M. J., & Möller, S. (2020). Representativeness of personality and involvement preferences in a web-based survey on healthcare decision-making. *BMC Health Services Research*, 20(1), 1–8.
- Bisset, C. N., Dames, N., Oliphant, R., Alasadi, A., Anderson, D., Parson, S., Cleland, J., & Moug, S. J. (2020). Exploring shared surgical decision-making from the patient's perspective: is the personality of the surgeon important? *Colorectal Disease*, 22(12), 2214–2221.
- Bosel, T., Reinal, A., & Marshall, J. A. R. (2017). Collective decision-making. *CURRENT OPINION IN BEHAVIORAL SCIENCES*, 16, 30–34. <https://doi.org/10.1016/j.cobeha.2017.03.004>
- Briffett Aktacs, C. (2024). Enhancing social justice and socially just pedagogy in higher education through participatory action research. *Teaching in Higher Education*, 29(1), 159–175.
- Bui, T. X. (1987). A group decision support system for cooperative multiple criteria group decision making. *Lecture Notes in Computer Science*, Berlin Heidelberg, Germany, Springer-Verlag.
- Chegini, Z., & Islam, S. M. S. (2021). Shared-decision-making Behavior in Hospitalized Patients: Investigating the Impact of Patient's Trust in Physicians, Emotional Support, Informational Support, and Tendency to Excuse Using a Structural Equation Modeling Approach. *Journal of Patient Experience*, 8, 23743735211049660.
- Cina, G., & Endriss, U. (2016). Proving classical theorems of social choice theory in modal logic. *AUTONOMOUS AGENTS AND MULTI-AGENT SYSTEMS*, 30(5), 963–989. <https://doi.org/10.1007/s10458-016-9328-6>
- Clark, B. S., & Elliott, J. E. (2001). John Stuart Mill's Theory of Justice. *Review of Social Economy*, 59(4), 467–490.
- Colman, A. M. (2003). Cooperation, psychological game theory, and limitations of rationality in social interaction. *Behavioral and Brain Sciences*, 26(2), 139–153.
- Crossley, S. (2017). The 'official' social justice: an examination of the Coalition government's concept of social justice. *Journal of Poverty and Social Justice*, 25(1), 21–33.
- De Oca, M. A., Ferrante, E., Scheidler, A., Pinciroli, C., Birattari, M., & Dorigo, M. (2011). Majority-rule opinion dynamics with differential latency: a mechanism for self-organized collective decision-making. *SWARM INTELLIGENCE*, 5(3–4, 1, SI), 305–327. <https://doi.org/10.1007/s11721-011-0062-z>
- Devika, R., Harikrishna, M., & Anjaneyulu, M. (2020). Influence of

- psychological factors in mode choice decision making: a structural equation modeling approach. *Transportation Research Procedia*, 48, 2821–2830.
- Dionne, S. D., Sayama, H., & Yammarino, F. J. (2019). Diversity and Social Network Structure in Collective Decision Making: Evolutionary Perspectives with Agent-Based Simulations. *COMPLEXITY*. <https://doi.org/10.1155/2019/7591072>
 - Ekwoaba, J., Ufodiama, N., & Enyinnaya, E. I. (2019). Participative Decision Making and Organisational Performance: A Snapshot Survey of Nigerian Oil and Gas Sector. *Ilorin Journal of Human Resource Management*, 3(1), 13–28.
 - Elster, J. (2020). Enthusiasm and anger in history. *Inquiry*, 1–59.
 - Fondacaro, M. R., & Weinberg, D. (2002). Concepts of social justice in community psychology: Toward a social ecological epistemology. *American Journal of Community Psychology*, 30(4), 473–492.
 - Franks, N. R., Dornhaus, A., Fitzsimmons, J. P., & Stevens, M. (2003). Speed versus accuracy in collective decision making. *PROCEEDINGS OF THE ROYAL SOCIETY B-BIOLOGICAL SCIENCES*, 270(1532), 2457–2463. <https://doi.org/10.1098/rspb.2003.2527>
 - Ganzer-Ripoll, J., Criado, N., Lopez-Sanchez, M., Parsons, S., & Rodriguez-Aguilar, J. A. (2019). Combining Social Choice Theory and Argumentation: Enabling Collective Decision Making. *GROUP DECISION AND NEGOTIATION*, 28(1), 127–173. <https://doi.org/10.1007/s10726-018-9594-6>
 - Hülle, S., Liebig, S., & May, M. J. (2018). Measuring attitudes toward distributive justice: The basic social justice orientations scale. *Social Indicators Research*, 136(2), 663–692.
 - Iaryczower, M., Shi, X., & Shum, M. (2018). Can Words Get in the Way? The Effect of Deliberation in Collective Decision Making. *JOURNAL OF POLITICAL ECONOMY*, 126(2), 688–734.
 - Karimi, N., & Emami, A. (2021). Women's fear of crime in residential open spaces: a structural equation model. *Journal of Housing and the Built Environment*, 1–24.
 - Khaluf, Y., Ferrante, E., Simoens, P., & Huepe, C. (2017). Scale invariance in natural and artificial collective systems: a review. *Journal of the Royal Society Interface*, 14(136), 20170662.
 - Kiani, Z., Simbar, M., Dolatian, M., & Zayeri, F. (2020). Structural equation modeling of psychosocial determinants of health for the empowerment of Iranian women in reproductive decision making. *BMC Women's Health*, 20(1), 1–9.
 - Laughlin, P. R. (2011). Social choice theory, social decision scheme theory, and group decision-making. *GROUP PROCESSES & INTERGROUP RELATIONS*, 14(1), 63–79. <https://doi.org/10.1177/1368430210372524>
 - Liang, F., Tan, Q., Zhan, Y., Wu, X., & Li, J. (2021). Selfish or altruistic? The influence of thinking styles and stereotypes on moral decision-making. *Personality and Individual Differences*, 171, 110465.
 - Lloyd, A., Joseph-Williams, N., Edwards, A., Rix, A., & Elwyn, G. (2013). Patchy 'coherence': using normalization process theory to evaluate a multi-faceted shared decision making implementation program (MAGIC). *IMPLEMENTATION SCIENCE*, 8. <https://doi.org/10.1186/1748-5908-8-102>
 - Makinson, J. C., Schaerf, T. M., Wagner, N., Oldroyd, B. P., & Beekman,

- M. (2017). Collective decision making in the red dwarf honeybee *Apis florea*: do the bees simply follow the flowers? *INSECTES SOCIAUX*, 64(4), 557–566. <https://doi.org/10.1007/s00040-017-0577-4>
- Mann, R. P. (2018). Collective decision making by rational individuals. *PROCEEDINGS OF THE NATIONAL ACADEMY OF SCIENCES OF THE UNITED STATES OF AMERICA*, 115(44), E10387–E10396. <https://doi.org/10.1073/pnas.1811964115>
 - Mann, R. P. (2020). Collective decision-making by rational agents with differing preferences. *PROCEEDINGS OF THE NATIONAL ACADEMY OF SCIENCES OF THE UNITED STATES OF AMERICA*, 117(19), 10388–10396. <https://doi.org/10.1073/pnas.2000840117>
 - Marks, P., Gerrits, L., & Marx, J. (2019). How to use fitness landscape models for the analysis of collective decision-making: a case of theory-transfer and its limitations. *BIOLOGY & PHILOSOPHY*, 34(1). <https://doi.org/10.1007/s10539-018-9669-4>
 - McHugh, K. A., Yammarino, F. J., Dionne, S. D., Serban, A., Sayama, H., & Chatterjee, S. (2016). Collective decision making, leadership, and collective intelligence: Tests with agent-based simulations and a Field study. *LEADERSHIP QUARTERLY*, 27(2, SI), 218–241. <https://doi.org/10.1016/j.leaqua.2016.01.001>
 - Miceli, S., de Palo, V., Monacis, L., Di Nuovo, S., & Sinatra, M. (2018). Do personality traits and self-regulatory processes affect decision-making tendencies? *Australian Journal of Psychology*, 70(3), 284–293.
 - Moroni, S. (2020). The just city. Three background issues: Institutional justice and spatial justice, social justice and distributive justice, concept of justice and conceptions of justice. *Planning Theory*, 19(3), 251–267.
 - Nazari, M., Riahi, L., Tabibi, S. J., & Farahani, M. M. M. (2019). FACTORS AFFECTING DECISION-MAKING IN OUTSOURCING HEALTH SERVICES USING A STRUCTURAL EQUATION MODELING APPROACH. *Journal of Evolution of Medical and Dental Sciences*, 8(27), 2137–2144.
 - Novella-Garcia, C., & Cloquell-Lozano, A. (2021). The ethics of maxima and minima combined with social justice as a form of public corruption prevention. *Crime, Law and Social Change*, 75(3), 281–295.
 - Palmiero, M., Nori, R., Piccardi, L., & D'Amico, S. (2020). Divergent Thinking: The Role of Decision-Making Styles. *Creativity Research Journal*, 32(4), 323–332.
 - Perea, A. (2022). Common belief in rationality in games with unawareness. *Mathematical Social Sciences*, 119, 11–30.
 - Pratt, S. C., & Sumpter, D. J. T. (2006). A tunable algorithm for collective decision-making. *PROCEEDINGS OF THE NATIONAL ACADEMY OF SCIENCES OF THE UNITED STATES OF AMERICA*, 103(43), 15906–15910. <https://doi.org/10.1073/pnas.0604801103>
 - Quaschnig, K., Körner, M., & Wirtz, M. (2013). Analyzing the effects of shared decision-making, empathy and team interaction on patient satisfaction and treatment acceptance in medical rehabilitation using a structural equation modeling approach. *Patient Education and Counseling*, 91(2), 167–175.
 - Rawls, J. (2001). *Justice as fairness: A restatement*. Harvard University Press.
 - Rawls, J. (2004). A theory of justice. In *Ethics* (pp. 229–234). Routledge.

- Rossi, F. (2014). Collective decision making: a great opportunity for constraint reasoning. *CONSTRAINTS*, 19(2), 186–194. <https://doi.org/10.1007/s10601-013-9153-3>
- Sarstedt, M., Ringle, C. M., Cheah, J.-H., Ting, H., Moisescu, O. I., & Radomir, L. (2020). Structural model robustness checks in PLS-SEM. *Tourism Economics*, 26(4), 531–554.
- Staples, L. (2012). Community organizing for social justice: Grassroots groups for power. *Social Work with Groups*, 35(3), 287–296.
- Sueur, C., King, A. J., Conradt, L., Kerth, G., Lusseau, D., Mettke-Hofmann, C., Schaffner, C. M., Williams, L., Zinner, D., & Aureli, F. (2011). Collective decision-making and fission-fusion dynamics: a conceptual framework. *OIKOS*, 120(11), 1608–1617. <https://doi.org/10.1111/j.1600-0706.2011.19685.x>
- Tongo, C. (2015). Collective work motivation in knowledge based organizations. *TEAM PERFORMANCE MANAGEMENT*, 21(7–8), 386+. <https://doi.org/10.1108/TPM-06-2015-0030>
- Tuley, M., Cater, P. B., & Jones Jr, E. E. (1983). Social justice programs target discrimination, employment. *Hospital Progress*, 64(3), 52–70.
- Van Deemen, A., & Rusinowska, A. (2010). Collective decision making: Views from social choice and game theory (Vol. 43). Springer Science & Business Media.
- Wendorf, C. A., Alexander, S., & Firestone, I. J. (2002). Social justice and moral reasoning: An empirical integration of two paradigms in psychological research. *Social Justice Research*, 15(1), 19–39.
- Wu, B., Zhou, X., Jin, Q., Lin, F., & Leung, H. (2017). Analyzing Social Roles Based on a Hierarchical Model and Data Mining for Collective Decision-Making Support. *IEEE SYSTEMS JOURNAL*, 11(1), 356–365. <https://doi.org/10.1109/JSYST.2014.2386611>
- Xu, Y. (2019). Collective decision-making of voters with heterogeneous levels of rationality. *PUBLIC CHOICE*, 178(1–2), 267–287. <https://doi.org/10.1007/s11127-018-00627-7>
- Yilmaz, S., & Kafadar, H. (2020). Investigating the relationship between decision-making processes and cognitive processes, personality traits, and affect via the structural equation model in young adults. *Applied Neuropsychology: Adult*, 27(6), 558–569.
- Zajda, J., Majhanovich, S., & Rust, V. (2006). Introduction: Education and social justice. *International Review of Education/Internationale Zeitschrift Für Erziehungswissenschaft/Revue Internationale de l'Education*, 9–22.
- Zellner, M., Watkins, C., Massey, D., Westphal, L., Brooks, J., & Ross, K. (2014). Advancing Collective Decision-Making Theory with Integrated Agent-Based Modeling and Ethnographic Data Analysis: An Example in Ecological Restoration. *JASSS-THE JOURNAL OF ARTIFICIAL SOCIETIES AND SOCIAL SIMULATION*, 17(4). <https://doi.org/10.18564/jasss.2605>

Iran's Naval Strategy in Southwest Asia and the North Indian Ocean


Mansour Lashani

Ph.D. Candidate in International Relations, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Rahmat Hajimineh

Associate Professor of International Relations, East Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran (Corresponding Author).

Email: hajimineh@gmail.com

 0000-0002-1225-9541

Hossein Daheshiar

Professor of International Relations, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Alireza Alipoor

Associate Professor of Education Management, Imam Khomeini Naval Academy, Nowshahr, Iran.

Abstract

Southwest Asia and the North Indian Ocean are important and strategic regions of the world, which are of great importance in terms of geopolitics and geoeconomics. What is remarkable is the Islamic Republic of Iran, which is a country that has a good position in the region in terms of the sea. Therefore, this situation has caused Iran to not be indifferent to the regions of Southwest Asia and the North Indian Ocean and monitor the developments in the mentioned regions. The question raised in this research is, what is Iran's naval strategy to increase sea power in Southwest Asia and the North Indian Ocean? In response to this question, the author emphasizes the qualitative research method and the descriptive-analytical method, expressing that according to the general policies of sea-oriented development, Iran's maritime strategy is not hegemonic but a peaceful and cooperative strategy. To implement this strategy, Iran has two opportunities: transportation and energy, which will expand its maritime credibility and become the foundation of Iran's maritime power. However, the Islamic Republic of Iran is facing obstacles from its competitors in the region to use these two mentioned opportunities. Despite this, one of the main goals of Iran's competitors is to isolate the country. They are looking for the Islamic Republic not to use the two mentioned opportunities so that the country will be in economic trouble and lack global acceptance and cause the reduction of Iran's presence in the sea. It also provides the arena for other regional and extra-regional forces. Therefore, the solution for Iran's strong presence in both transportation and energy sectors is to activate Chabahar port and pay attention to regional and extra-regional energy needs. Qualitative methods, library, and internet sources have been used to investigate my research.

Keywords: Sea power theory, Iran Sea Strategy, Southwest Asia, North Indian Ocean.



راهبرد دریایی ایران در جنوب غرب آسیا و شمال اقیانوس هند

منصور لشنی

دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

رحمت حاجی‌مینه

دانشیار روابط بین‌الملل، واحد تهران شرق، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

Email: hajimineh@gmail.com

ORCID ID: 0000-0002-1225-9541

حسین دهشیار

استاد روابط بین‌الملل، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

علیرضا عالی‌پور

دانشیار مدیریت آموزشی، دانشگاه علوم دریایی امام خمینی (ره)، نوشهر، ایران.

چکیده

جنوب غرب آسیا و شمال اقیانوس هند از مناطق مهم و استراتژیک جهان هستند که به لحاظ ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک اهمیت بالایی دارند. آنچه قابل توجه است جمهوری اسلامی ایران به لحاظ دریایی از موقعیت مناسبی در این مناطق برخوردار است. از همین رو این موقعیت موجب شده ایران نسبت به مناطق جنوب غرب آسیا و شمال اقیانوس هند بی‌تفاوت نباشد و تحولات مناطق مذکور را رصد کند. سؤالی که در این پژوهش مطرح می‌شود این است که راهبرد دریایی ایران در جنوب غرب آسیا و شمال اقیانوس هند چیست؟ در پاسخ به این سؤال نویسنده با تأکید بر روش تحقیق کیفی و روش توصیفی-تحلیلی بیان می‌دارد که با توجه به سیاست‌های کلی توسعه دریا محور، راهبرد دریایی ایران سلطه‌گرایانه نیست، بلکه راهبرد صلح‌گرایانه و همکاری‌جویانه می‌باشد. برای اجرایی‌سازی این راهبرد، ایران از دو فرصت حمل و نقل و انرژی برخوردار است که از این طریق اعتبار دریایی گسترش پیدا کرده و زمینه‌ساز قدرت دریایی برای کشور خواهد شد. با وجود این، از اصلی‌ترین اهداف رقبای ایران، در انزوا قرار دادن کشور است. آنان به دنبال این هستند تا جمهوری اسلامی از دو فرصت مذکور استفاده نکند تا کشور در تنگنای اقتصادی و عدم مقبولیت جهانی قرار بگیرد و در نهایت این امر موجب کاهش حضور ایران در دریا شود و عرصه را برای سایر نیروهای منطقه‌ای و فرماندهی‌های فراهم کند. بنابر این، راهکار حضور قدرتمند ایران در دو بخش حمل و نقل و انرژی از طریق فعال کردن بندر چابهار و توجه به نیازهای انرژی منطقه و فرماندهی‌های است.

کلیدواژه‌ها: نظریه قدرت دریایی، راهبرد دریایی ایران، جنوب غرب آسیا، شمال اقیانوس هند



مقدمه و بیان مسئله

بدون شک، دریاها، سواحل، اسکله‌ها، بنادر، تنگه‌ها، اقیانوس‌ها و خلیج‌ها و با توجه به قابلیت‌ها و ظرفیت‌های محیطی خود می‌توانند بستر مناسبی برای توسعه زیرساخت‌های رشد اقتصادی کشورها باشند. بنابر این، توجه به رشد علم، تکنولوژی و فناوری، افزایش کار، تولید و ثروت، برطرف کردن نیازهای حیاتی گوناگون بشر و داشتن قدرت و اقتدار در عرصه بین‌المللی نیازمند بهره‌برداری درست و اصولی از دریاهاست. در طول تاریخ جوامع زیادی در کنار دریا شکل گرفته‌اند؛ اما زمانی که رویکرد تاریخی بشر از خشکی‌نگری به دریا به‌صورت برنامه‌ریزی‌شده تغییر کرد، باعث ایجاد انقلاب دریانوردی و دگرگونی ژرف گردید. به‌گونه‌ای که از مدیریتانه جنوبی و شبه‌جزیره ایبری و سپس شمال غرب اروپا، دریانگاری جایگزین خشکی‌نگری شد. نتیجه انقلاب دریانوردی (گذشته از ریشه‌هایش) که بشر را وارد عصر و ساحت نوینی کرد، دگرگونی آرام اما استوار و پایدار در همه چشم‌اندازهای بشر ساخت؛ از جمله دستاوردهای دریانگاری، تبدیل اقتصاد شهری به اقتصاد ملی و سپس اقتصاد جهانی و در نهایت رفاه نوع بشر در چشم‌انداز جهانی بوده است. به عبارتی دریا به‌عنوان مؤلفه مهم در زندگی جوامع دریایی و کشورها مورد استفاده قرار گرفت (عالی‌پور، ۱۴۰۲). بررسی‌ها حکایت از آن دارد، ایران یکی از کشورهای است که به لحاظ دریایی قدمت تاریخی طولانی داشته است. تاریخ تمدن دریایی ایران قدمتی ۳۰۰۰ ساله داشته و ایرانیان نخستین مردمانی بوده‌اند که در جهت تأمین نیازهای اقتصادی و امنیتی خود از دریا بهره برده‌اند. فعالیت نیروی دریایی ایران در طول دوره‌های مختلف تاریخ با فراز و فرودهایی همراه بوده است. پس از انقلاب اسلامی نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران و در کنار آن نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی وظیفه خطیر حفظ امنیت مرزهای آبی را بر عهده داشته‌اند. این در حالی بود که پس از انقلاب، کشور تحت شدیدترین تحریم‌ها و فشارهای حداکثری از سوی دولت‌های غربی به سرکردگی آمریکا قرار داشته است. در این راستا، کشور نیازهای اساسی و ضروری خویش را نمی‌توانست از سایر کشورها تأمین کند، چه برسد به اینکه تجهیزات و تسلیحات پیشرفته نظامی بخرد و یا وارد کند و از همه‌جا تحت شدیدترین موانع و کارشکنی‌ها بود. در چنین شرایطی بحث بومی‌سازی تجهیزات نظامی مطرح شد. به این ترتیب، متخصصان ایرانی موفق شده‌اند بدون پشتیبانی و کمک گرفتن از دولت‌های خارجی به تجهیزات پیشرفته

نظامی دست یابند. شواهد موجود نیز حاکی از آن است که جمهوری اسلامی ایران تمام تسلیحات و تجهیزات نظامی و دریایی را در داخل کشور تولید می‌کند. ایران به لحاظ موقعیت جغرافیایی و دریایی و واقع شدن بین دو دریا و داشتن هزاران کیلومتر سواحل در شرایط مناسبی در منطقه قرار گرفته و این موقعیت موجب شده ایران نسبت به مناطق استراتژیک جنوب غرب آسیا و شمال اقیانوس هند بی‌تفاوت نباشد و برای امنیت‌زایی و ثبات مناطق مذکور اقداماتی انجام داده است. جنوب غرب آسیا و شمال اقیانوس هند به دلیل خطوط مواصلاتی حمل و نقل کالا و انرژی از اهمیت فزاینده‌ای برای همه کشورهای پیرامونی و هم‌جوار و حتی برای کشورهای فرامنطقه‌ای برخوردار می‌باشند. با توجه به اهمیت فراوان این مناطق، نیروی دریایی راهبردی ارتش جمهوری اسلامی ایران نقش حداکثری را در خلال دهه‌های گذشته ایفا کرده است. در این رابطه، هدف نوشتار بررسی راهبرد دریایی جمهوری اسلامی ایران در جنوب غرب آسیا و شمال اقیانوس هند است. بر مبنای همین هدف پژوهش، این سؤال مطرح است که راهبرد دریایی ایران در جنوب غرب آسیا و شمال اقیانوس هند چیست؟ روش گردآوری اطلاعات در این پژوهش، روش کتابخانه‌ای و اسنادی می‌باشد و با مراجعه به منابع اطلاعات لازم گردآوری شده است. تجزیه و تحلیل داده‌ها از نوع کیفی و استنباطی می‌باشد. ابتدا قدرت دریایی و جایگاه ایران در بحث دریا مورد بررسی قرار گرفت. سپس، بر اساس مبانی نظریات حوزه دریا و جایگاه استراتژیک منطقه غرب آسیا، راهبرد دریایی ایران در جنوب غرب آسیا و شمال اقیانوس هند تبیین گردید.

۱. پیشینه پژوهش

در ارتباط با راهبرد دریایی ایران مطالعات بسیاری انجام شده که به آن پرداخته می‌شود:

امیری (۱۳۹۹) در مقاله‌ای به بررسی نقش نیروی دریایی در قدرت دریایی ایران پرداخته و معتقد است نیروی دریایی می‌تواند با بهره‌مندی از دو اصل مدیریت نظامی تاکتیکی و استراتژیک قدرت دریایی جمهوری اسلامی ایران را تحت تأثیر قرار دهد.

منفرد و همکاران (۱۳۹۷) در مقاله‌ای به نقش‌ها و کارکردهای نیروی دریایی ارتش بر گسترش قدرت بازدارندگی در عرصه دریا تأکید کرده‌اند.

کریمی‌پور و همکاران (۱۳۹۷) در مقاله‌ای بین استراتژی دریایی و قدرت ملی ارتباط برقرار کرده‌اند. از منظر آنان مؤلفه‌های تأثیرگذار در تدوین استراتژی دریایی شامل مواردی همچون اقتصاد دریایی، نیروی دریایی، جغرافیا، فرهنگ دریایی و قوانین و مقررات و همچنین دیپلماسی منطقه‌ای و جهانی می‌شوند که نیازمند به مدیریت و هماهنگی دارند.

اعظمی و فرشته‌منش (۱۳۹۱) در پژوهشی به جایگاه نیروی دریایی راهبردی و توسعه سواحل مکران تأکید کرده‌اند و باور دارند قدرت دریایی ارکان متعددی دارد؛ اما مهم‌ترین رکن آن نظامی است.

آنچه پژوهش حاضر را با مطالعات انجام شده فوق متفاوت می‌سازد این است که در این پژوهش ابتدا وضعیت قدرت دریایی ایران طبق مبانی نظریات حوزه دریا بررسی شده و سپس راهبرد دریایی کشور در جنوب غرب آسیا و شمال اقیانوس هند مورد تجزیه و تحلیل واقع شده است و این نکته بیان می‌شود که راهبرد دریایی ایران طبق ابلاغیه سیاست‌های کلی توسعه دریا محور صلح‌گرایانه و همکاری‌جویانه می‌باشد و در جهت اجرایی‌سازی این راهبرد ایران می‌تواند از فرصت‌های مهم خود در جهت قدرت دریا بهره‌بردارد.

۲. چهارچوب مفهومی و نظری

۲-۱. تعریف قدرت دریا

در ادبیات استراتژیک، دو تعریف کلی از مفهوم قدرت دریا رایج شده است: «تعریف محدود که به قدرت نظامی اطلاق می‌شود که در دریا و یا از طریق دریا اعمال می‌شود و تعریف گسترده که به معنی توانایی یک ملت، اعم از نظامی و غیرنظامی، برای استفاده از دریا برای اهداف اقتصادی و سیاسی، که نمی‌تواند قابل تفکیک از نیروی دریایی نظامی باشد، است. ناوگان ماهی‌گیری یک کشور، سکوهای نفت و گاز دریایی آن، صنعت کشتی‌سازی و مهم‌تر از همه، ناوگان کشتی‌رانی تجاری، در این تعریف مورد تأکید است» (Grove, 2010, p. 207).

۲-۲. نظریه قدرت دریا

نظریه قدرت دریا از زمان پی‌ریزی شدن آن در ۱۸۹۰ تحت تأثیر نگاه واقع‌گرایانه به چگونگی کارکرد سیستم بین‌المللی قرار داشته است. نگاه سلسله‌مراتبی و

رقابتی آلفرد ماهان به روابط بین‌الملل سبب شده تا او اصطلاح فرماندهی بر دریاها در قلب نظریه قدرت دریا مطرح کند. ماهان تنها پیام‌آور قدرت دریا نبود. در واقع، از آغاز قرن نوزدهم، چندین نویسنده به‌طور کاملاً مستقل از یکدیگر متون مربوط به قدرت دریا را تنظیم کرده بودند. در ایتالیا، جولیو روکو تأملات خود را در مورد قدرت دریا در اوایل سال ۱۸۱۴ نوشت و چندین نویسنده دیگر نیروی دریایی که به وفور توسط خود ماهان نقل شده است، نویسندگانی مانند جوزف توماسی و دریاسالار فیلیپ کلمب که ایده‌هایی شبیه به ایده‌های ماهان ارائه کردند (Nohara, 2017, p. 216).

ماهان نیز همانند هم‌تایان واقع‌گرای خود امنیت را در نبود تهدیدات نظامی برای بقای دولت‌ها تعریف می‌کند. از آن جهت که در نظام بین‌المللی آنارشیک نمی‌توان به هیچ دولتی در جهت تأمین امنیت خود اعتماد داشت، لذا، اصل خودیاری به‌عنوان اصلی که می‌تواند نقشه راه چگونگی تأمین امنیت دولت‌ها باشد، مورد تأکید قرار می‌گیرد. این اصل به‌ویژه در امور نظامی مورد تأکید قرار گرفته و حاصل آن، این است که کشورها را از وابستگی به دیگران در امور نظامی و امنیتی بر حذر می‌دارد. اگر از این نظر به مفهوم تئوریک قدرت دریا بنگریم می‌توانیم اهمیت قدرت نظامی را در بعد عملیاتی‌سازی قدرت دریا را درک کنیم. مطالعات امنیتی از این نظر محدود به امور نظامی خواهد بود (Baldwin, 2018, pp. 9-12). از نگاه دریاسالار ماهان و بسیاری از اندیشمندان سنت‌گرایای روابط بین‌الملل، توانمندی کنترل دریا و مسیرهای ارتباطی در آن می‌تواند برای یک ملت رفاه را به ارمغان بیاورد. به اعتقاد او کسی که بر امواج حکومت کند می‌تواند بر جهان نیز حکومت کند (Mahan, 1890). برداشت سنتی از مفهوم قدرت دریا، با تأکید بر عملیاتی‌سازی این مفهوم به‌عنوان معیاری برای سلسله‌مراتب و ابزاری برای رقابت دولتی بر این دیدگاه استوار است که رقابت بر ایده‌های مبتنی بر همکاری‌های بین‌المللی ارجحیت دارد (Pugh, 1996). نقش دولت این بود که پتانسیل دریایی و تجاری کشور را در زمان صلح تقویت کند و با بهره‌برداری ماهرانه از قدرت دریا در زمان جنگ، پیروزی را به دست آورد که موقعیت کشور را در جهان پس از پایان مناقشه افزایش دهد. ماهان احساس می‌کرد که در مطالعات تاریخی از ابعاد قدرت دریا غفلت شده و تلاش وی در جهت اصلاح جهل غالب در رابطه با نوع نگاه به قدرت دریا در طول تاریخ آن بوده است. خوانش ماهان از تاریخ به او آموخت که کشور نباید از خود در برابر همسایگان در خشکی دفاع کند و یا نباید قلمرو خود را در خشکی‌های به هم

پیوسته گسترش دهد، نسبت به کشوری که دائماً باید در برابر همسایگان زمینی آماده باشد، در موقعیت مطلوب‌تری برای تمرکز بر رشد نیروی دریایی خود قرار خواهد داشت (Kennedy, 1988, pp. 3-10). عناصر کلیدی قدرت دریایی شدن از نظر ماهان عبارتند از:

- ❖ موقعیت جغرافیایی مناسب: به معنای، موقعیت دریایی مناسب و کنترل استراتژیک تنگه‌ها و آبراه‌های مهم و پایگاه‌هایی است که دشمن ممکن است از آن‌ها برای تهدید و یا محاصره استفاده کند؛
 - ❖ وضعیت طبیعی: مقصود از وضع طبیعی، وضعیت سواحل و مشخصه‌های فیزیکی آن است. سواحل مناسب شرط اساسی در تأسیس بندر، لنگرگاه‌ها و تأسیسات مرتبط با دفاع ساحلی است؛
 - ❖ وسعت قلمرو ساحل: در اندیشه ماهان نسبت به شاخص وسعت قلمرو ساحلی آنچه اهمیت دارد این است که اصولاً چه اقداماتی در رابطه با دفاع از خطوط ساحلی صورت گرفته است؛
 - ❖ جمعیت: میزان جمعیت در جهت ایجاد نیروی دریایی و تأمین منابع انسانی برای آن بسیار مهم و حیاتی است؛
 - ❖ خصوصیات ملی: خصوصیات ملی به معنی میل و علاقه مردمان یک سرزمین به دریانوردی و تجارت با ملل گوناگون است؛
 - ❖ وضع سیاسی دولت: وضع سیاسی دولت عامل مهم در قدرت دریاست که به معنی کیفیت تصمیم‌گیری در رابطه با بهره‌برداری از منابع چه منابع انسانی و چه منابع طبیعی و شیوه‌های اجرایی کارآمد است که این پتانسیل‌ها را از حالت بالقوه به بالفعل تبدیل می‌نماید (Giok, 2015, p. 3).
- مقصود ماهان از قدرت دریایی، تنها داشتن نیروی دریایی نظامی قدرتمند نبود، بلکه برای او قدرت دریا یک اصطلاح اقتصادی نیز بود، که چگونگی تسلط یک ملت در دریا را در سه مرحله تولید کالا، ساخت نیروی دریایی برای حفاظت و حمل و نقل این کالاها و ایجاد مستعمرات که مواد خام لازم برای تولید کالاهای بیشتر را فراهم و هم‌زمان بازارهای دیگری را برای تجارت ایجاد می‌کرد، توضیح می‌داد (Varacalli, 2016, p. 3).

به‌صورت کلی ماهان در افکار خود قدرت را به دو بخش نظامی و اقتصادی تقسیم می‌نماید. تجویز او برای دولت‌ها این است، که این بازیگران می‌بایست برای افزایش قدرت بر هر دو بُعد آن یعنی، قدرت نظامی و اقتصادی متمرکز شوند.

مطرح شدن نظریه قدرت توسط ماهان به هنگام برتری دریایی انگلیس و تفوق این کشور بر دولت‌های مختلف در قرن ۱۹ بوده است (۱۸۹۰). لذا، شالوده این نظریه با اندیشه دولت قدرتمند که توانایی دفاع از منافع ملی خود را دارد ترکیب شده است. از این جهت تئوری ماهان همچون تئوری واقع‌گرایی کلاسیک به برداشت‌های سخت و خشن از روابط بین‌الملل روی آورده، و بر داشتن برتری نیروی دریایی قدرتمند که مشخصه اصلی آن کشتی‌های جنگی، تسلیحات، تاکتیک، فرماندهان برتر و آزادی تجارت دریایی برای تبادل کالا و اطلاعات است، تأکید داشته است (Giok, 2015, p. 11). با نگاهی کل‌گرایانه به قدرت دریا و یا قدرت دریایی در اندیشه ماهان می‌توان ابراز داشت؛ قدرت دریا، به قدرتی اطلاق می‌شود که یک دولت از طریق ظرفیت دریا برای اهداف نظامی و غیرنظامی خود اعمال می‌کند (Mahan, 1890).

سر جولیان کوربت از دیگر تئوری‌پردازان اثرگذار در حوزه قدرت دریا نکته بسیار مهمی را در رابطه با چگونگی اثرگذاری قدرت دریا بر وقایع بیان می‌دارد، از منظر کوربت مقصود واقعی قدرت دریا آنچه در دریا رخ می‌دهد نیست، بلکه او قدرت دریا را چگونگی تأثیرگذاری آن بر رویدادها در خشکی می‌داندست (Corbett, 1911). از دیدگاه کوربت دو مورد از ضعف‌ها و یا چالش‌های پایداری که می‌بایست در رابطه با قدرت دریایی مورد توجه قرار بگیرند و مشخصه بارز تمام قدرت‌های دریایی در تاریخ بوده و هست. این است که اول، قدرت دریایی باید توانمندی آن را دارا باشد برتری خود بر دریاها را به ثمرات سیاسی در خشکی تبدیل کند و این عمل به خودی خود اتفاق نخواهد افتاد و مستلزم وجود شرایط خاصی خواهد بود که خارج از صلاحیت نیروی دریایی می‌باشد. دوم، قدرت و یا قدرت‌های دریایی به دلیل تزلزل در اتحادها و عدم پایداری پایگاه‌ها از شکاف اعتباری رنج می‌برند که از قدرت ماندگاری آن‌ها را در سرزمین‌ها می‌کاهد. نکته‌ای که می‌توان از این گزاره‌ها دریافت این است که ضعف‌های مطرح شده ناشی از وجود یک مشکل ساختاری است و آن این است که «سیاست‌ها در خشکی، جایی که مردم زندگی می‌کنند، ساخته و پرداخته می‌شوند و فرماندهی بر دریاها، نتایج مطلوب سیاسی را در خشکی تضمین نخواهد کرد» (Grygiel, 2021, p. 4).

از نظر کوربت وظیفه اصلی نیروی دریایی این نبوده که همیشه در جست‌وجوی ناوگان و کشتی‌های نظامی دشمنان بر سطح دریا باشد. بلکه او در مقابل استدلال می‌کند که وسعت دریا به نیروی دریایی این امکان را خواهد داد که منافع ملی را

پیش برند، حتی اگر نتوانند یا تصمیم بگیرند ناوگان دشمن را در نبرد با شکست مواجه سازند (Corbett, 1911).

اصرار سر ویلیام بر این بوده است که نمی‌توان فرماندهی دریا را یک مفهوم دوگانه مانند سیاه و سفید یا برنده همه چیز را خواهد برد، دانست. او بر تفاوت بین خشکی و دریا را به‌عنوان فضاهای استراتژیک تأکید کرد و گفت: هدف جنگ دریایی کنترل ارتباطات دریایی است، نه مانند جنگ‌های زمینی تسخیر سرزمین و فتح خشکی‌ها. او معتقد بود عملیات دریایی که توسط کشورها انجام می‌شود، دست کم برای به دست آوردن یکی از این دو هدف است: مناقشه فرماندهی دریا؛ و اعمال کنترل ارتباطاتی است که در گذشته داشته، خواهد بود (Hande, 2000). وی ضمن اذعان به اینکه آرمان نیروی دریایی از شکست حتمی ناوگان دشمن خواهد بود. متذکر می‌شود: ممکن است این آرمان به واقعیت تبدیل نشود. برخی از معروف‌ترین اصول استراتژی دریایی اثر کوربت است که در آن اصول استراتژی را به ترتیب ذیل نام می‌برد؛

۱. فرماندهی بر دریا؛
۲. محاصره دریایی؛
۳. پشتیبانی از عملیات روانی؛
۴. پدافند (Corbett, 1911).

دیدگاه کوربت در رابطه با مناقشات دریایی منجر به شکل‌گیری بنیان‌های استراتژی جنگ محدود دریایی شد. «کوربت به اهمیت دفاع و پراکندگی نیروها در جنگ دریایی پی برده و بر اهمیت ایجاد فشار به دور از هیاهو با استفاده از حضور نیروی دریایی و پراکندگی موقت در دریا و پرهیز از تنش با نیروهای دشمن تأکید داشته است. نکته مهم دیگر از دیدگاه او، اهمیت عنصر اقتصاد و نقش مهمی که این عنصر در سرنوشت قدرت‌های دریایی داشته بوده است. در این رابطه، کوربت بیان می‌دارد: هر چیزی که بتوانیم در جهت فلج کردن منابع مالی دشمنان به دست آوریم، گامی مستقیم برای سرنگونی اوست و مؤثرترین ابزاری که می‌توانیم برای این منظور علیه یک کشور دریایی به کار ببریم، محروم کردن او از منابع تجارت دریایی است» (Rubel, 2012, p. 3).

جفری تیل، از دیگر نظریه‌پردازان مطرح در حوزه قدرت دریا، با تمرکز بر تئوری ماهان، مفهوم قدرت دریا را از دو جنبه، یعنی ورودی و خروجی، توسعه داده است. نیروی دریایی به‌عنوان یک ورودی شامل منابعی است که می‌توانند در حوزه

دریایی، نیرو تولید کنند که برای تیل نیز عمدتاً از سمت نیروی دریایی ناشی می‌شود. با این حال، او استدلال کرد که این قدرت دریایی باید توسط شش مؤسسه که شامل جمعیت؛ جامعه و دولت؛ جغرافیا؛ فناوری؛ منابع؛ اقتصاد دریایی است، حمایت شود. درحالی‌که برخی از این مؤلفه‌ها با عناصر شش‌گانه قدرت ماهان مشابه هستند، اما تفاوت آن در اهمیت دادن به منابع اقتصادی برای توسعه نیروی دریایی است. جنبه دوم قدرت دریایی به‌عنوان یک خروجی است. در این تز، قدرت دریا به‌عنوان ظرفیت تأثیرگذاری بر رفتار افراد یا چیزهای دیگر از طریق کاری که فرد در دریا یا از دریا انجام می‌دهد، تعریف می‌شود (Pertwi, 2020, p. 5).

۳. پیشینه تاریخی نظام دریایی ایران

اولین ظهور نیروی دریایی ایران به عهد هخامنشیان باز می‌گشت و هدف از داشتن نیروی دریایی جنگ با دشمن دیرینه خویش یونانیان بوده که در آن سوی دریای سیاه سکونت داشتند. در عصر خلفای صدر اسلام و در حکومت‌های بنی‌امیه و بنی‌عباس متخصصان دریایی ایرانی جذب نیروی دریایی آنان در مدیترانه و خلیج فارس شده‌اند و فرماندهی و هدایت نیروهای دریایی را بر عهده داشتند و همچنین در فن کشتی‌سازی و دریانوردی به آنان تعلیم می‌داده‌اند. در سلسله آل‌بویه، سلجوقیان و اتابکیان شرایط برای قدرت دریایی ایران مساعد بود. با تجاوز تیمور به ایران، حکومت آل‌مظفر برچیده گردید و کشور دچار نابه‌سمانی شدید شد. جنگ داخلی برای کسب قدرت شرایط اداره کشور را سخت و دشوار ساخت. در قرن شانزدهم، استعمارگران پرتغالی توانستند از فرصت داخلی ایران استفاده کرده و در منطقه خلیج فارس تسلط کامل پیدا کنند (سیاری، ۱۳۸۵: ۲۰۶).

با به قدرت رسیدن شاه عباس اول صفوی، شرایط برای بیرون کردن پرتغالی‌ها فراهم گردید. وی با کمک ناوگان انگلیس موفق به بیرون کردن پرتغالی‌ها از جزایر خلیج فارس شد؛ اما شاه سلطان حسین صفوی که به لحاظ شخصیتی فردی ناتوان و ضعیف حال بود باعث شد روسیه به ایران حمله کند. در دوره سلطنت نادرشاه، ایران از کشورهای انگلیس و هلند درخواست خرید ناوهای جنگی داد که با مخالفت کشورهای مذکور همراه شد. در دوران پادشاهان قاجار نخستین بار در دوره سلطنت محمدشاه، میرزا ابوالقاسم قائم‌مقام فراهانی به فکر ایجاد نیروی دریایی در دریای خزر افتاد، اما به دلیل جنگ ایران و روسیه و شکست سنگین ایران در حق حاکمیت بر دریای خزر این برنامه ناکام ماند. در دوره صدر اعظمی امیرکبیر، اقداماتی برای

ایجاد نیروی دریایی در کرانه‌های خلیج فارس انجام گرفت که انگلستان به دلیل ترس و نگرانی از اهداف تعرضی ایران با آن مخالفت کرد. در زمان ناصرالدین‌شاه نخستین کشتی‌های جنگی به نام‌های «پرسپولیس» و «شوش» خریداری شدند. در زمان سلطنت مظفرالدین‌شاه هم کارهایی در این حوزه انجام گرفت که البته نتایج سودمندی نداشت. به‌گونه‌ای که از منظر مورخان سال‌های ۱۲۹۰ الی ۱۳۰۴ وضعیت نیروی دریایی ایران مساعد نبوده و نیروی دریایی انگلیس در خلیج فارس جولان می‌داد (سوری و بیگ‌مرادی، ۱۳۹۳).

رضاخان در راستای برنامه خود مبنی بر طراحی ارتش نوین قدرتمند و منظم و در سفری که به خوزستان داشت، داشتن یک نیروی دریایی قدرتمند را احساس کرد. به‌طوری‌که در همان سال کشتی کوچک مظفری به‌عنوان اولین کشتی رسمی نیروی دریایی ایران فعال شد. نیروی دریایی ایران در سال ۱۳۰۳ با یک فروند کشتی و چندتن از افسران و ملوانان با تجربه و ماهر تشکیل شد. در سال ۱۳۰۶ نمایندگان مجلس شورای ملی لایحه تشکیل یک نیروی دریایی مدرن برای حراست، سیادت و تأمین امنیت از منطقه خلیج فارس را به تصویب رساند (سوری و بیگ‌مرادی، ۱۳۹۳). در سال ۱۳۱۳ یک حوض شناور ۶۰۰۰ تنی جهت تعمیرات زیرآبی ناوهای دریایی خریداری شد. در سال ۱۳۱۴ نیروی دریایی تأسیسات و یگان‌های خود را در دریای خزر گسترش داد و در سال ۱۳۱۵ ناو شهسوار از هلند خریداری و از طریق کشور روسیه به دریای خزر وارد شد. در دوره حکومت محمدرضاشاه پهلوی دوباره ایران در جهت یک نیروی دریایی قدرتمند اقداماتی انجام داد. به‌طوری‌که با استفاده از غرامت ناوهای غرق شده و عودت ناوهای شاهرخ، شهباز، سیمرغ و کرکس، هسته نیروی دریایی شکل گرفت. ناوهای کلاس بایندر (پاسیور) و مین‌جمع‌کن‌های کرانه‌ای و رودخانه‌ای و ناوچه‌های توپدار و ناو تعمیراتی به‌صورت کمک‌های نظامی و خرید از کشور آمریکا تحویل گرفته شد. همچنین، ایران سفارش ساخت ناوشکن‌های سبک موشک‌انداز به کشور انگلیس داد و ناوشکن‌های سنگین مدرنیزه شده از آمریکا تحویل گرفت (سیاری، ۱۳۸۵).

با پیروزی انقلاب اسلامی، ایران به لحاظ تجهیزات نظامی کاملاً مستقل و خودکفا شد. جمهوری اسلامی ایران با عنایت به نقش و اهمیت نیروی دریایی در امنیت و توسعه کشور، به تقویت و توسعه آن پرداخت و اقدامات مهمی در این حوزه انجام داده است. در این راستا، می‌توان گفت در حال حاضر نیروی دریایی ایران در آب‌های خلیج فارس به‌صورت یک نیروی قدرتمند درآمده است. ناوگان دریایی

جمهوری اسلامی ایران از انواع ناو جنگی، ناوشکن، ناوهای لجستیک، ناوهای مین‌روب، ناوچه‌های ضد زیردریایی و ... تشکیل شده است. همچنین، زیردریایی‌های ایران از جمله توانمندی و پتانسیل‌های نیروی دریایی است که در خدمت ناوگان دریایی به انجام وظیفه خطیر می‌پردازد (صادقی و دیگران، ۱۳۹۱).

۴. دستاوردهای نیروی دریایی جمهوری اسلامی ایران

نظام بین‌الملل همواره در حال تغییر است. یکی از مهم‌ترین تحولات این نظام، تغییر در ماهیت و توزیع قدرت است که دولت‌ها را ناگزیر از تطبیق با تغییر و تحولات آن می‌کند (ارغوانی و پیرسلامی، ۱۳۹۸: ۵۲). از مبناهای کلیدی قدرت ملی که سبب افزایش اعتبار بین‌المللی برای یک کشور می‌شود قدرت در عرصه‌های مختلف نظامی می‌باشد (زمانیان و دیگران، ۱۳۹۹: ۱۵۵). از این‌رو، مقامات ایران درصدد بوده در حوزه نظامی به‌ویژه در بخش نیروی دریایی اقتدار خویش را به نمایش بگذارند. ایران در دهه‌های گذشته تلاش کرده تا نیروی دریایی خود را که با هدف دفاع از خلیج فارس در برابر ناوگان خارجی طراحی شده، مدرن‌سازی کند. اکنون این کشور برنامه‌های بومی را برای توسعه و ارتقای ناوگان شناورهای سطحی آغاز کرده است (Agnes Helou, 2022). سرمایه‌گذاری خوبی بر روی طرح‌های زیرسطحی سبک و شناورهای موشک‌انداز و اژدرافکن تندرو، پس از اعمال فشارها و تحریم‌ها از سوی دولت آمریکا علیه ایران و تغییر منبع تأمین تسلیحات و تکنولوژی دریایی، از کشورهای غربی به کشورهایمانند روسیه، چین و کره شمالی آغاز شد. شناورهای قدیمی همانند ناوچه‌های کلاس الوند و یا شناورهای کلاس کمان، به موشک‌ها و سامانه‌های مدرن مانند موشک ضد کشتی تجهیز شدند. خریدهای اصلی نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران سه فروند زیردریایی روسی کلاس کیلو بود. همچنین، ایران اقداماتی در جهت بومی‌سازی ساخت تسلیحات و تجهیزات دریایی انجام داد. به‌علاوه، زیردریایی‌های کلاس نهنگ و غدیر، شناورهای تندرو و موشک‌انداز، اژدر فوق‌سریع حوت، ناوشکن کلاس جماران و ناو محافظ کلاس موج از جمله مهم‌ترین دستاوردهای نیروی دریایی ایران هستند که در نتیجه تلاش فراوان متخصصان ایرانی صورت گرفته است (مطالعات گروهی، ۱۳۹۸). نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران بنا به تدابیر فرماندهی معظم کل قوا (مدظله‌العالی) از سال ۱۳۸۸ با توسعه مأموریت خود به نیروی دریایی راهبردی ارتش تبدیل گردید. به‌گونه‌ای که در سال ۱۴۰۲ برای اولین بار در تاریخ دریانوردی ایران توانست در مأموریت ناوگروه ۸۶ دور

کره زمین را با ناوشکن تمام ایرانی دنا و ناوبندر مکران دریانوردی با موفقیت انجام دهد.

۵. قدرت دریایی جمهوری اسلامی ایران

۵-۱. موقعیت جغرافیایی

یکی از مهم‌ترین چهره‌های سرزمین هر کشوری موقعیت جغرافیایی آن کشور است. کشورهای محصور در خشکی، از دسترسی مستقیم به دریا و منابع آن محروم هستند. درحالی‌که کشورهایی که از موقعیت دریایی مناسبی برخوردارند مانور و ابتکار عمل بیشتری می‌توانند از خود در عرصه‌های متعدد به نمایش بگذارند. دریاها در بخش‌های گوناگون اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، صنعتی، نظامی و ... اهمیت خاصی برخوردارند و کشوری که دسترسی بیشتری به محیط دریا داشته باشد و بتواند از ظرفیت و پتانسیل فراوان آن بیشترین بهره و منفعت را کسب کند یقیناً از اقتدار و توان بیشتری برخوردار خواهد بود (منفرد و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۲۵). بنابراین، موقعیت جغرافیایی دریایی بر خط‌مشی و سیاست خارجی کشورها تأثیرگذار می‌باشد. برخی‌ها معتقدند موقعیت جغرافیایی عامل تأثیرگذار و مهم بر رفتار و کنش خارجی یک کشور می‌باشد (Cohen, 1963). موقعیت دریایی و دسترسی به منابع آبی تأثیر مهمی بر سیاست خارجی کشورها برجای می‌گذارد (Morgenthau, 1954, pp. 106-107). در جنوب ایران، خلیج فارس قرار دارد که کشورهای مهم تولیدکننده نفت و گاز را در خود جای داده و در شمال کشور نیز دریای خزر قرار گرفته است.

۵-۲. وضعیت طبیعی

وضعیت طبیعی کشور ایران نسبت به دیگر کشورها بسیار مناسب می‌باشد. از یک‌سو، سواحل طولانی ایران در خلیج فارس، دریای عمان و دریای خزر با خورها و رودخانه‌هایی که به آن منتهی می‌گردد و همچنین داشتن جزایر با موقعیت‌های استراتژیک سبب ایجاد شرایط مناسبی برای به وجود آوردن بنادر، لنگرها و راه‌های مواصلاتی دریایی شده است. از سوی دیگر، آب و هوای خلیج فارس و دریای عمان علی‌رغم گرم و شرجی بودن، هیچ‌گاه در طول سال بنادر ایران در خلیج فارس،

دریای عمان و نیز دریای خزر بر اثر طوفان یا شرایط بد بسته نمی‌شوند و یا اینکه دریانوردی غیرممکن نمی‌گردد (سیاری، ۱۳۸۵: ۲۱۵).

۳-۵. وسعت قلمرو ساحلی

ایران با داشتن وسیع‌ترین طول ساحل در خلیج فارس، تمامی کرانه‌های شمالی این آبراه را در اختیار و کنترل خویش دارد. همچنین، جزایر در شمال و مرکز خلیج فارس و دهانه تنگه هرمز تحت حاکمیت جمهوری اسلامی ایران است. نکته مهم اینکه اقتصاد ایران با امنیت خلیج فارس ارتباط پیدا می‌کند و سرنوشت اقتصاد کشور را از سواحل و جزایر و بنادر این خلیج مشخص می‌شود. به‌علاوه، جمهوری اسلامی ایران نزدیک به ۱۳۰۰ کیلومتر ساحل با بنادر و لنگرگاه‌های بسیار در خلیج فارس دارد (صادقی، ۱۳۹۵: ۱۷۲). سواحل دریای خزر با وجود اینکه از نظر وسعت نسبت به سواحل دریایی خلیج فارس کمتر می‌باشد؛ اما از اهمیت راهبردی فزاینده‌ای برخوردار است. دریای خزر دارای ۱۲۰۰ کیلومتر طول و بین ۲۲۰ تا ۵۵۰ کیلومتر پهنا و ۶۵۰۰ کیلومتر محیط است که از این مقدار، ۶۵۷ کیلومتر ساحل متعلق به ایران می‌باشد. ایران با وجب به وجب این خاک آشنایی کامل دارد و نسبت به نیروهای منظم دشمنان فرمانطقه‌ای که از فاصله ۱۶۰۰۰ کیلومتری به منطقه‌ای ناشناس آمده‌اند، برتری دارد (سیاری و طحانی، ۱۳۹۴: ۶۲).

۴-۵. جمعیت

جمعیت ایران حدود ۸۹ میلیون نفر است و به‌عنوان پرجمعیت‌ترین کشور در حوزه خلیج فارس نامیده شده است. همین عامل بسیار خوبی برای تبدیل شدن کشور به قدرت دریایی است. ایران با بیش از یک میلیون پرسنل نظامی فعال و ذخیره، به‌عنوان بزرگ‌ترین نیروهای مسلح منطقه به خود می‌بالد که به‌طور قابل توجهی همه ارتش‌های منطقه‌ای دیگر را به‌جز ارتش ترکیه و مصر تحت‌الشعاع قرار داده است (Lamrani, 2020). بر اساس آمار سایت گوبال فایرپاور در سال ۲۰۲۴ پرسنل فعال نظامی ایران در حدود ۶۱۰۰۰۰ نفر و بیش از ۳۵۰۰۰۰ نفر نیروی ذخیره می‌باشد و بر اساس شاخص GFP ایران در زمره ۱۵ قدرت برتر نظامی معرفی شده است (Firepower Global, 2024).

۵-۵. ویژگی‌های ملت

ملت ایران در ادوار تاریخ نشان داده‌اند که در خصلت و روحیه‌شان به دریا عشق و علاقه وجود دارد و به دنبال استفاده مطلوب از پتانسیل دریا و منابع آن هستند. ملت ایران دریا را نماد توسعه، صلح و آرامش و دوری از تنش، جنگ و نزاع می‌دانند. متأسفانه در طول تاریخ حضور و نفوذ دولت‌های فرامنطقه‌ای که گاه با خواست و حمایت دولت‌های منطقه‌ای بوده، موجب بی‌ثباتی و ناامنی در منطقه شده است.

۵-۶. وضع سیاسی دولت

وضعیت سیاسی دولت به لحاظ کسب قدرت دریایی بسیار اهمیت دارد. چون اگر دولت و حکومت یک کشور واقعیت‌های موجود عرصه داخلی و بین‌المللی را درک نکند و در سیاست‌گذاری‌ها و تصمیم‌گیری‌ها به مسئله مهم قدرت دریایی در راهبرد توسعه کشور توجهی ننماید و بستر را برای ایجاد قدرت دریایی مهیا نسازند، بدون تردید، وجود سایر عوامل نمی‌تواند کمکی به کشور برای تبدیل شدن به قدرت دریایی کند. بنابر این، مقامات ایران به‌ویژه مقام معظم انقلاب (مدظله‌العالی) به داشتن نقشه راه در جهت اقتدار دریایی و بهره‌گیری از محیط دریا و منابع آن توجه و تأکید داشته‌اند. ابلاغ سیاست‌های کلی توسعه دریا محور توسط ایشان بیانگر اهمیت موضوع مزبور است.

۶. سیاست‌های کلی توسعه دریا محور ایران

مقام معظم رهبری در سال ۱۴۰۲ پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام سیاست‌های کلی توسعه دریا محور را برای اقدام به روسای قوای سه‌گانه و رئیس مجمع تشخیص مصلحت ابلاغ نمودند که به‌طور خلاصه به شرح ذیل است:

- ♦ سیاست‌گذاری یکپارچه امور دریایی و تقسیم کار ملی و مدیریت چابک و کارآمد دریا با هدف بهره‌گیری حداکثری از ظرفیت‌های دریا و احراز جایگاه شایسته و رتبه اول در منطقه؛
- ♦ توسعه فعالیت‌های اقتصادی دریا محور و ایجاد قطب‌های توسعه دریایی پیشران در سواحل، جزایر و پس‌کرانه‌ها با هدف دو برابر کردن نرخ رشد اقتصادی کشور؛

- ❖ تسهیل و توسعه سرمایه‌گذاری و مشارکت داخلی و خارجی که لازمه آن ایجاد زیرساخت‌های نرم‌افزاری و سخت‌افزاری در عرصه‌های حقوقی، اقتصادی، زیربنایی و امنیتی است؛
 - ❖ تدوین طرح جامع توسعه دریا محور با پهنه‌بندی دریا، کرانه و پس‌کرانه با تأکید بر هویت ایرانی - اسلامی؛
 - ❖ بهره‌برداری حداکثری و بهینه از ظرفیت‌ها، منابع و ذخایر زیست بوم دریایی؛
 - ❖ تأمین و ارتقای سرمایه انسانی و مدیریت متعهد و کارآمد و ایجاد پشتوانه علمی، آموزشی و پژوهشی برای توسعه دریا محور؛
 - ❖ توسعه و گسترش همکاری‌های اقتصادی، تجاری و سرمایه‌گذاری در طرح‌های بزرگ با هدف بهره‌گیری از ظرفیت‌های دریایی، حضور مؤثر و دستیابی به موقعیت قطب‌های منطقه‌ای؛
 - ❖ افزایش سهم کشور در حمل و نقل دریایی و ترانزیت؛
 - ❖ حمایت از سرمایه‌گذاران بومی، محلی و بنگاه‌های کوچک و متوسط در عرصه‌های صیادی، کشاورزی، صنعتی و کشاورزی (دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۴۰۲).
- بنابراین، با توجه به سیاست‌های کلی دریا محور ترسیم شده فوق و در جهت تحقق مؤثر آن می‌بایست راهبرد دریایی ایران در جنوب غرب آسیا و شمال اقیانوس هند را بررسی کرد.

۶-۱. موقعیت منطقه‌ای جنوب غرب آسیا

جنوب غرب آسیا به‌عنوان یک منطقه جغرافیایی وسیع تعریف شده که بخش‌هایی از قفقاز، ایران، افغانستان و پاکستان، بخش‌هایی از آسیای میانه، ترکیه، عراق و کشورهای عربی حوزه خلیج فارس، لبنان، سوریه، فلسطین و گاهی مصر نیز به‌متابۀ بخشی از جنوب غرب آسیا نامیده شده است (سلیمی، ۱۳۸۸).

بدون شک، منطقه جنوب غرب آسیا به لحاظ قدمت تاریخی از کانون‌های اصلی ظهور تمدن‌ها و فرهنگ‌های دیرین بشر و از همه مهم‌تر از محورها و مسیرهای کلیدی و اصلی تبادل و مناسبات فرهنگی، علمی و تجاری میان شرق و غرب بوده است. از ویژگی‌های بی‌بدیل و مهم این منطقه این است که اکثریت مردم مسلمان هستند. منطقه جنوب غرب آسیا با داشتن بیشترین پتانسیل و موقعیت مناسب

جغرافیایی و از همه مهم‌تر داشتن منابع غنی و باارزش از اهمیت بالایی برخوردار می‌باشد. این منطقه جغرافیایی همان‌طور که گفته شد محل اتصال سه قاره مهم آسیا، آفریقا و اروپاست. شایان ذکر است برخی از کشورهای این منطقه مهم به دلیل موقعیت مطلوب جغرافیایی و منابع سرشار نفت و گاز از شرایط ایدئال برخوردار می‌باشند. به‌علاوه، وجود تنگه‌های راهبردی و کلیدی مانند تنگه هرمز (ایران و عمان)، تنگه داردانل (ترکیه)، تنگه تیران (مصر و عربستان سعودی)، تنگه بسفر (ترکیه) و تنگه باب‌المندب (جیبوتی و یمن) اهمیت این منطقه را دو چندان کرده است (یعقوبی و دیگران، ۱۳۹۸: ۸۲).

۶-۱-۱. راهبرد دریایی ایران در جنوب غرب آسیا

بدون شک، جنوب غرب آسیا به لحاظ اقتصادی و فرهنگی برای ایران اهمیت بالایی دارد. آنچه می‌توان گفت این منطقه حیات خلوت تهران به شمار می‌رود. در خلال دهه‌های گذشته دخالت کشورهای غربی و به‌ویژه دولت آمریکا در منطقه، بروز فرقه‌های مذهبی و گروهک‌های تکفیری و تروریستی مانند داعش در عراق و سوریه و حمایت برخی از دولت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای از این گروهک‌ها، جنگ میان ائتلاف سعودی و یمن سبب بی‌ثباتی و ناامنی در جنوب غرب آسیا شده است. اهداف راهبردی جمهوری اسلامی ایران گسترش اقتدار خویش و مهار نفوذ آمریکا در منطقه است و برای به فعلیت رساندن این اهداف در حوزه دریایی پیشرفت‌هایی داشته است. نیروی دریایی راهبردی ارتش جمهوری اسلامی و نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و همچنین ناوگان کشتیرانی تجاری آن در راستای اهداف راهبردی ایران فعالیت می‌کنند (Harmer, 2013).

متأسفانه در دهه‌های اخیر روابط ایران با برخی از کشورها به دلایلی حسنه و مساعد نبوده و حتی با تنش و نزاع همراه بوده است. همین امر موجب شده کشورهای فرامنطقه‌ای از این موضوع استفاده نمایند و برای تضعیف اقتدار ایران و افزایش نفوذ و حضور خویش اقداماتی انجام داده‌اند. به نظر می‌رسد ایران این فرصت را دارد سطوح مبادلات و تعاملات خویش با دولت‌های هم‌جوار را در حوزه‌های گوناگون به‌ویژه دریایی و اقتصادی توسعه و گسترش دهد. به‌علاوه، نیروی دریایی ایران می‌تواند همکاری‌های گسترده‌تری با سایر نیروی دریایی کشورهای پیرامونی داشته باشد و ائتلاف دریایی با این کشورها در منطقه برای تضمین امنیت دریا و عبور و مرور کشتی‌های تجاری شکل دهد. علاوه بر موارد

مذکور، در زمینه‌های مبارزه با تهدیدات دریایی، صلح و امنیت، مخاطرات زیست‌محیطی، آموزشی، تجهیزات نظامی و دفاعی، اقتصاد آبی برای توسعه پایدار دریا و عملیاتی شدن تمدن دریایی همکاری‌هایی می‌تواند میان ایران و کشورهای هم‌جوار انجام گیرد. نکته حائز اهمیت اینکه همه این اقدامات به‌منظور افزایش حضور و قدرت دریایی ایران و مقابله با کارشکنی‌های دشمنان در منطقه انجام می‌شود.

۲-۶. موقعیت اقیانوس هند

اقیانوس هند سومین اقیانوس جهان است که محل رقابت قدرت‌های بزرگ در آینده است (Kaplan, 2010, p. 7). اقیانوس هند با ۷۰,۵۶۰,۰۰۰ کیلومتر مربع وسعت، ۲۰ درصد از سطح آب‌های زمینی را فراگرفته است. این اقیانوس از شمال به آسیا، از غرب به آفریقا، از شرق به استرالیا و از جنوب به اقیانوس منجمد جنوبی منتهی شده و زیر مناطق کلیدی آن عبارتند از: جنوب آسیا، خاورمیانه، سواحل شرقی آفریقا و جزایری که از سریلانکا در شرق تا مجمع‌الجزایر کومور در غرب در اقیانوس قرار دارند (Baruah, 2021).

شایان توجه است اقیانوس هند شلوغ‌ترین خطوط دریایی را دارد که نفت غنی آسیای غربی را به آسیای شرقی، آفریقا و اروپا ارسال می‌کند. نکته مهم اینکه بیشترین حجم تجارت نفت و کالاها در این مسیرها انجام می‌گیرد. اقیانوس هند به بزرگراه تجارت جهانی تبدیل شده است. نیمی از محموله‌های کانتینر جهان، یک‌سوم از محموله‌های فله و دوسوم از حمل و نقل جهانی در این منطقه جریان دارد. آب‌های اقیانوس هند ترافیک سنگین نفت و فراورده‌های نفتی را از میدان‌های نفت خلیج فارس به سمت تنگه مالاگا و باب‌المنندب ارسال می‌کند و نزدیک به یک‌سوم نفت در سواحل دریایی آن تولید می‌شود (خزایی و دیگران، ۱۳۹۸: ۴). شمال اقیانوس هند شامل کشورهای جمهوری اسلامی ایران، هند، عمان، پاکستان، یمن، امارات متحده عربی، جیبوتی و سومالی می‌شود.

۲-۶-۱. راهبرد دریایی ایران در شمال اقیانوس هند

این منطقه دارای پنج زیرسیستم (شبه قاره هند، خاور عربی، خلیج فارس و دریای عمان، قفقاز و آسیای مرکزی) می‌باشد که ایران در نقش محوری آن قرار دارد و با

دو حوزه تمدنی ایرانی و اسلامی در هر پنج زیرسیستم، دارای ارتباط است. بنابراین، با عنایت به موقعیت مناسب خود در این منطقه می‌تواند به‌مثابه قطب هژمونیک یک نظم منطقه‌ای ایفای نقش کند (ولی شریعت‌پناهی و دیگران، ۱۳۹۶: ۲۳۲). طبق شاخصه‌های ترسیم شده توسط دریا سالار ماهان، ایران یک کشور دریایی است و تمام آن شش خصیصه را دارا می‌باشد؛ اما این امر به تنهایی کفایت نمی‌کند، بلکه ایران می‌تواند بر اساس موقعیت دریایی خویش، راهبردی برای خود طراحی و ترسیم کند. به نظر می‌رسد جمهوری اسلامی ایران با توجه به ظرفیت و قابلیت‌هایش می‌تواند نگاه فرامرزی داشته باشد و خود را از محدوده جغرافیایی مرزی خارج سازد. در حال حاضر رقبای ایران برای افزایش قدرت و نفوذ در اقیانوس هند اقداماتی انجام داده‌اند. برای مثال در حالی که چین به رشد خیره‌کننده خود به‌عنوان یک قدرت اقتصادی، سیاسی و نظامی ادامه داده است، آمریکا و هند به دنبال روابط راهبردی عمیق بودند. از زمان امضای بیانیه چشم‌انداز راهبردی مشترک آمریکا و هند برای منطقه آسیا - اقیانوس آرام و اقیانوس هند در سال ۲۰۱۵ دو دولت بر گسترش تعامل و همکاری‌ها و برگزاری مانور تأکید داشتند (Singh, 2021).

به نظر می‌رسد ایران این قابلیت را دارد برای نمایش اقتدار دریایی خود تعامل با کشورهای هم‌جوار شمال اقیانوس هند داشته باشد. از همین رو، وزارت امور خارجه و دستگاه دیپلماسی کشور می‌تواند نقش پررنگی در این راستا ایفا نماید. در همین حال جمهوری اسلامی می‌تواند با نهادینه کردن حضور خویش در مناطق راهبردی مختلف دریایی و از طریق همکاری‌های جامع و سازنده با کشورهای هم‌چون هند، پاکستان و چین و با حضور حداکثری و مؤثر در آب‌های شمالی اقیانوس هند، دریای عمان، دریای سرخ و دریای مدیترانه اقتدار دریایی خویش را به دنیا به نمایش بگذارد. بی‌تردید، حضور حداکثری و نقش‌آفرینی مؤثر در اقیانوس‌ها، آب‌های آزاد و بین‌المللی یکی از مهم‌ترین الزامات حفظ امنیت است. شایان توجه است نیروی دریایی نقش بسیار مهم در این زمینه ایفا می‌کند. امنیت کشتی‌های تجاری با نیروی دریایی است. طبق بررسی‌های انجام شده نیروی دریایی راهبردی ارتش جمهوری اسلامی ایران در دهه‌های گذشته توان فزاینده‌ای برخوردار بوده و توانسته با اعزام ناوگروه‌های گوناگون در مسیرهای اصلی و مهم اقتصادی جهان در اقیانوس هند، دریای سرخ، دریای مدیترانه، باب‌المنندب، جنوب

قاره آفریقا و دریای چین حضور مقتدرانه و عزتمندانه داشته باشد (خزایی و دیگران، ۱۳۹۸: ۱۵).

در سال‌های اخیر، جمهوری اسلامی مناسبات خویش را با برخی از کشورهای هم‌جوار شمال اقیانوس هند افزایش داده، اما با برخی از کشورها همچنان اختلافات باقی است که امکان رفع آن وجود دارد و ایران می‌تواند روابط خود با کشورهای هم‌جوار شمال اقیانوس هند را در ابعاد گوناگون تقویت نماید. این امر با افزایش هماهنگی‌ها و همکاری‌ها انجام می‌شود. در گام بعدی ایران می‌تواند به ایجاد پایگاه‌های دریایی راهبردی اقدام کند. داشتن پایگاه دریایی نشان‌دهنده قدرت نیروی دریایی است. حضور حداکثری ایران در شمال اقیانوس هند نیازمند به داشتن پایگاه دریایی راهبردی است. از پایگاه برای سوخت‌گیری، تعمیر و حفظ و نگهداری ناوگان در نزدیکی راه‌های اصلی ارتباطی استفاده می‌شود. همچنین، داشتن پایگاه‌های راهبردی نزدیک به آب‌هایی که کشتی‌ها در آن به هم نزدیک می‌شوند یا از طریق آن انتقال نیروی نظامی صورت می‌گیرند و یا لجستیکی می‌شوند حفظ امنیت و اعمال قدرت دریایی را تسهیل می‌سازند (رشید و دیگران، ۱۴۰۰: ۲۰). آمریکا در خلال دهه‌های گذشته در این منطقه پایگاه دریایی احداث کرده است. اهداف آمریکا از این اقدام عبارتند از: حفظ و نگهداری خطوط مواصلاتی تجارت و به‌ویژه در حوزه انرژی، حفظ نیرویی با قدرت برای حفظ تعادل و مقابله با حوادث گوناگون در منطقه و اطمینان خاطر از امنیت دریایی در سواحل اقیانوس هند. برای رسیدن به اهداف مذکور دولت آمریکا پایگاه‌های نظامی راهبردی را در دیگوگارسیا در اقیانوس هند، خلیج فارس، جیبوتی، شاخ آفریقا و اقیانوس هند ایجاد کرده است. پایگاه دیگوگارسیا که بخشی از مجمع‌الجزایر چاگوس است، پایگاه مخفیانه دولت آمریکاست که از طریق آن از نزدیک‌ترین خطوط تجارت دریایی کالا و انرژی پکن مطلع می‌شود (خزایی و دیگران، ۱۳۹۸: ۱۱).

با توجه به موارد فوق، ایران از طریق موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک خود می‌تواند زمینه قدرت دریایی را مهیا سازد، برای تحقق این راهبرد دو فرصت کم‌نظیر تاریخی برای ایران فراهم است که عبارتند از:

۱. حمل و نقل: بنادر نقش به‌سزایی در ترانزیت و حمل و نقل کالا برخوردارند. ایران بنادر استراتژیک و مهمی دارد که نیازمند به تجهیز و توسعه دارند. یکی از مهم‌ترین بندری که برای کشورهای هم‌جوار شمال اقیانوس هند اهمیت بسیاری دارد، بندر چابهار است. بندر چابهار در جنوب سیستان و بلوچستان و در کرانه

دریای مکران و اقیانوس هند واقع شده است. این بندر تنها بندر ایرانی است که دسترسی مستقیم به اقیانوس هند دارد. بندر چابهار جایگاه ویژه‌ای در تعاملات و مبادلات ایران با سایر کشورهای منطقه دارد. این بندر یکی از بندرهای کلیدی برای تجارت و بازرگانی است و از موقعیت ایدئال برای حمل و نقل کالا، ترانزیت و ترانشیپ برخوردار است. آنچه می‌بایست توجه داشت ایران در تقاطع کریدورها قرار گرفته است و راه‌های دسترسی زیادی دارد که می‌تواند از این فرصت استفاده کند. همه کشورهایی که دو سر طیف شمال - جنوب و شرق - غرب قرار دارند، فرصت‌هایی هستند برای اینکه تجارتشان را از مسیر ایران عبور دهند. به این ترتیب، از مجموع سه کریدور در حمل و نقل جهانی دو کریدور از مسیر ایران می‌گذرد و بندر چابهار محل عبور جنوبی‌ترین کریدور شرقی - غربی جهان است. کریدور شرق - غرب با احیای جاده قدیم ابریشم، حمل و نقل کالا را از طریق ایران بین کشورهای آسیایی و اروپایی، امکان‌پذیر می‌کند. همچنین، بندر چابهار به دلیل دسترسی مستقیم به اقیانوس هند برای کشورهای آسیای میانه، جنوب آسیا و آسیای مرکزی به لحاظ حمل و نقل کالا و انرژی هزینه بسیار کمی دارد. دولت هند در سال‌های اخیر نگاه ویژه‌ای به بندر چابهار داشته و درصدد بوده این بندر را تجهیز و توسعه دهد. افغانستان نیز با وجود اینکه در شمال اقیانوس هند واقع نشده، اما نگاه ویژه‌ای به بندر چابهار دارد. علت این است که افغانستان در زمینه تجارت و بازرگانی در خشکی قرار گرفته و از طریق پاکستان با مشکل روبه‌رو است. بنابر این، بندر چابهار گزینه مساعدی برای این کشور است. همین اقدامات برای سایر کشورها می‌تواند اتفاق بیفتد و سایر کشورها می‌توانند از این بندر استراتژیک بهره‌برداری نمایند و سرمایه‌گذاری کلان توسط سایر کشورها در این بندر انجام گیرد. با این حال، سرمایه‌گذاری در بخش حمل و نقل با هدف تبدیل ایران به تقاطع کریدورهای بین‌المللی یکی از ضرورت‌های اساسی کشور است.

۲. انرژی: یکی از اساسی‌ترین کالاهای استراتژیک کشورهاست که نقش شایانی در جهان ایفا کرده است. ایران با توجه به موقعیت ژئوپلیتیکی و قرارگرفتن بین کشورهای دارنده ذخایر بزرگ نفت و گاز و به‌علاوه قرارگرفتن بین بازارهای بزرگ انرژی در شرق و غرب، امتیاز ویژه‌ای برای کشور محسوب می‌شود که تأثیر مطلوبی در تبدیل شدن ایران به هاب انرژی منطقه را دارد. در این راستا، سرمایه‌گذاری خوبی در بخش ساخت خط لوله نفت و گاز توسط کشورهای خارجی می‌تواند انجام گیرد. از آنجایی که دولت‌های هند، چین و پاکستان به انرژی ایران

نیازمند هستند. بنابر این، این فرصت مناسبی است تا شرایط را برای سرمایه‌گذاری این کشورها در ایران فراهم کرد. نکته مهم اینکه ایران مسیر امن‌تری برای امنیت انرژی و صادرات انتقال انرژی است. دولت چین به‌واسطه رشد اقتصادی خود یک طرحی را با نام «یک جاده، یک کمربند» یا «راه ابریشم جدید» ترسیم کرده، که در این طرح قرار است قاره‌های آسیا، آفریقا و اروپا را با شبکه‌های تجاری ریلی، زمینی و به‌خصوص دریایی به یکدیگر اتصال دهد. چین درصدد است تا از تمام ظرفیت‌های کشورهای مختلف و از همه مهم‌تر ظرفیت و پتانسیل کشور ایران به‌ویژه بندر چابهار در پیشبرد این طرح استفاده کند.

۷. نتیجه‌گیری و پیشنهاد

با توجه به جایگاه جغرافیایی ایران و همچنین در نظر گرفتن مؤلفه‌های قدرت دریایی، می‌توان گفت ایران یک کشور دریایی است که می‌تواند حضور پرقدردت در مرزهای آبی و حتی در ورای مرزهای خود داشته باشد. ایران قسمت مهمی از منطقه جنوب غرب آسیاست که در راستای سیاست‌های کلی دریا محور نظام در آب‌های آزاد شمال اقیانوس هند و دریای سرخ به فعالیت می‌پردازد. یافته‌های پژوهش این است که راهبرد دریایی ایران راهبرد سلطه‌گرایانه نیست، بلکه راهبرد صلح‌گرایانه و همکاری‌جویانه است. مطابق این راهبرد، ایران اقتدار و اعتبار دریایی خویش را نمی‌خواهد از طریق حربه زور کسب نماید، بلکه می‌خواهد از طریق همکاری‌های گوناگون به‌ویژه همکاری اقتصادی به دست آورد. برای تحقق این راهبرد دو فرصت برای ایران فراهم است. یکی از این فرصت‌ها موضوع حمل و نقل است که ایران در تقاطع کریدورها قرار دارد، به‌طوری‌که از مجموع سه کریدور در حمل و نقل جهانی دو کریدور از مسیر ایران می‌گذرد و فرصت دوم اینکه ایران منبع مهم انرژی است که می‌تواند در مسئله امنیت انرژی منطقه نقش مؤثری ایفا کند. با وجود این، یکی از مهم‌ترین اهداف رقبای جمهوری اسلامی، تحمیل انزوای کشور می‌باشد. به‌طوری‌که آنان به دنبال این هستند تا ایران از دو فرصت خود استفاده نکند تا موجبات کاهش حضور کشور در دریا شوند. در واقع، با انزوای اقتصادی و نظامی، قدرت دریایی ایران کاهش پیدا کرده و عرصه را برای سایر دولت‌های منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای فراهم خواهد شد. به هر حال، موارد ذیل به‌عنوان پیشنهاد‌های سیاستی در جهت تحقق سیاست‌های کلی توسعه دریا محور و تداوم رشد اقتدار و اعتبار دریایی ایران در مناطق مزبور بیان می‌شود:

- ❖ بهره‌مندی مؤثر و مناسب ایران از دو فرصت حمل و نقل و انرژی از طریق تجهیز و توسعه اسکله‌ها و بنادر استراتژی کشور به‌ویژه بندر استراتژی چابهار؛
- ❖ تقویت دیپلماسی دریایی با کشورهای پیرامونی جنوب غرب آسیا و شمال اقیانوس هند به‌منظور شکل دادن به یک ائتلاف و یا اتحاد دریایی قوی؛
- ❖ توجه فزاینده مقامات دولتی کشور به نیازهای محسوس انرژی منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، مشارکت حداکثری، حضور فعال در عرصه‌های گوناگون و همکاری‌های نظامی، غیرنظامی و زیست بوم دریایی؛
- ❖ نوسازی و گسترش کشتی‌ها و ناوگان تجاری ایران؛
- ❖ توسعه و گسترش اقتصاد دریا محور (اقتصاد آبی) خصوصاً توسعه سواحل مکران که مورد تأکید مقام معظم رهبری می‌باشد؛
- ❖ جذب سرمایه‌گذاران خارجی دولتی و خصوصی منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در جهت ساخت خط لوله نفت و گاز و همچنین سرمایه‌گذاری در حوزه دریایی ایران.

References

- Agnes Helou. (2022). Iran Seek to grow naval power as it prioritizes asymmetric warfare. In Available: <https://www.defensenews.com/naval/2022/01/10/iran-seeks-to-grow-naval-power-as-it-prioritizes-asymmetric-warfare/>.
- Alipour, A. (2023). Maritime Civilization. Naval Strategic Studies Center publications. [In Persian].
- Amiri, A. (2020). Explaining the role of the navy in the maritime power of the Islamic Republic of Iran. *Geopolitics Quarterly*, 16 (1). 138-182. [In Persian].
- Arghwani Pirsalami, F. and S. Pirankho (2017). The Evolution of Missile Technology and Defense-Security Strategy of the Islamic Republic of Iran. *Strategic Quarterly* 26. 51-74. [In Persian].
- Baldwin, D. (2018). The concept of security. In *National and International Security*. Routledge, 41-62.
- Baruah, M. (2021). What is Happening in the Indian Ocean? Carnegie Endowment for International Peace.
- Cohen, S. (1963). *Geography and Politics in a world Divided*, 2nded. New York: Random House.
- Corbett, J. (1911). *Some Principles of Maritime Strategy*. London: Longmans, Green and Co.
- Firepower Global. (2024). 2024 Iran Military. In Available: https://www.globalfirepower.com/country-military-strength-detail.php?country_id=iran.
- Giok, K. (2015). Sea power as a strategic domain. *Pointer, J Singap Armed Forces* 41(3). 1-14.
- Group Studies. (2019). Architecture of maritime power of the Islamic Republic of Iran. Group studies of first - year research - oriented students of National Defense Higher University. [In Persian].
- Grove, E. (2010). Seapower. In *International Security in the Modern World*. London: Palgrave Macmillan UK.
- Grygiel, J. (2021). The Limits of Sea Power. *Naval War College Review* 74(4).
- Hande, M. (2000). Corbett, Clausewitz, and Sun Tzu. *Naval War College Review*, 106-124.
- Harmer, C. (2013). *Iranian Naval and Maritime Strategy*. Institute for the Study of War.
- Kaplan, R. (2010). *Monsoon: The Indian Ocean and the Future of American Power*. Random House Trade.
- Kennedy, P. (1988). The Influence and the Limitations of Sea Power. *The International History Review* 2. 2-17.
- Khazaei, A., S. Elahi and F. Ayazi (2019). The role of the Indian Ocean and its strategic straits in maritime competition. the second conference of interdisciplinary studies in management and engineering, March 22, University of Tehran. [In Persian].
- Lamrani, O. (2020). Iran's Conventional Military Capabilities. New Lines Institute. In Available: <https://newlinesinstitute.org/strategic-competition/irans-conventional-military-capabilities/>.
- Mahan, A. (1890). *The Influence of Seapower on History*. Gutenberg. org.

- Monfard, S., E. Nasiri and A. Tabatabai (2018). Examining the roles and functions of the Navy of the Islamic Republic of Iran on improving the deterrence power in the sea area. *two Quarterly Journal of Marine Civilization* 1(2). 118-140. [In Persian].
- Morgenthau, H. (1954). *Politics Among Nations, The Struggle for Power and Peace*. New York: Alfred.
- Nohara, J. (2017). Sea power as a dominant paradigm: The rise of China's new strategic identity. *Journal of Contemporary East Asia Studies* 6(2). 210-232.
- Pertiwi, S. (2020). Repositioning Indonesia in the changing maritime landscape of the Indo-Pacific region. *Global: Jurnal Politik Internasional* 22(1). 1-25.
- Pugh, M. (1996). Is Mahan Still Alive? State Naval Power in the International System. *Journal of Conflict Studies* 16(2). 109-124.
- Rashid, G., P. Jafari Tehrani., H. Sayari and A. Farshchi (2021). Designing a strategic model for the establishment of Iran's naval base in the western Indian Ocean. *Defense Strategy Quarterly* 19(74). 13-54. [In Persian].
- Rubel, M. (2012). Navies and economic prosperity—The new logic of sea power. *Corbett Paper* (11).
- Sadeghi, S. (2016). *The international system and the geopolitics of the disputes of the Persian Gulf countries*. Tehran: Farzanroz Publications. [In Persian].
- Sadeghi, A., M. Shushtri and B. Zarghami (2012). *Strategic Navy of the Islamic Republic of Iran; Necessities and goals. the first national conference on the development of Makran coasts and maritime authority of the Islamic Republic of Iran*. [In Persian].
- Salimi, H. (2009). Southwest Asia as a region? Analyzing the applicability of the region to Southeast Asia. *Geopolitics Quarterly* 5(2). 116-137. [In Persian].
- Sayari, H. (2006). Naval power is a historical need of the Islamic Republic of Iran. *Quarterly Journal of Military Sciences and Techniques* 2(5). 194-219. [In Persian].
- Sayari, H and G. Tahani (2015). *Strategies and Naval Power*. Tehran: Publications of the Office of Theoretical Research and Strategic Studies of the Navy of the Islamic Republic of Iran. [In Persian].
- Singh, A. (2021). The U.S. Navy in the Indian Ocean: India Goldilocks Dilemma. in: <https://warontherocks.com/2021/05/the-u-s-navy-in-the-indian-ocean-indias-goldilocks-dilemma/>.
- Suri, S and S. Begmoradi (2014). *The power of the Persian Gulf Navy during the period of Reza Shah. a collection of papers of the 10th National Scientific and Research Conference of the Persian Gulf*. [In Persian].
- Vali Shariat Panahi, M., S. Karimi Pashaki., S. Zinati and M. Amanullah (2017). Iran's position in the geostrategic domain of the Indian Ocean with an emphasis on presenting a strategic model in foreign policy and economic planning. *New Perspectives in Human Geography Quarterly* 9(2). 223-243. [In Persian].
- Varacalli, T. (2016). National interest and moral responsibility in the political thought of Admiral Alfred Thayer Mahan. *Naval War College Review* 69(2). 108-128.


- Yaqoubi, S., E. Ezzati and I. Romina (2019). Explaining the pattern of regional convergence; Case: Southwest Asia. *Geographical Quarterly of Sarmeen* 16(63). 74-96. [In Persian].
- Zamaniyan, A., H. Tajabadi and I. Motaqi (2020). Characteristics, strategy and deterrence power of missile weapons with a focus on the Islamic Republic of Iran. *Strategic Quarterly* 29(96). 137-171. [In Persian].

Identifying the dimensions and effective components in the design of the acquisition system of emerging technologies of the armed forces

Seyed Hadi Sadeghi

Assistant Professor, Department of Cyberspace Strategic Management, Supreme National Defense University, Tehran, Iran.

Email: Ssad2473@alumni.sydney.edu.au

 0000-0002-6652-3045

Hassan Esvand


Associate Professor of Aerospace and Aerodynamics, Shahid Sattari Aeronautical University, Tehran, Iran.

Email: isvand@chmail.ir

Abdollah Vosoughi Niri

Assistant Professor, Shahid Sattari Aeronautical University, Tehran, Iran.

Email: vosoughi@ssut.ac.ir

 0000-0002-6317-7829

Mehrdad Eskandari

Ph.D. student of Military Strategic Management, Supreme National Defense University, Tehran, Iran.

Email: Mehردادes35@gmail.com

Abstract

Emerging technologies are those anticipated to reach maturity within a 10 – 20 year horizon, offering both opportunities and challenges for decision-makers in defense and armed forces acquisition systems. In this context, “system” refers to the norms, laws, expectations, goals, institutions, and motivations that guide military organizations’ responses to emerging technologies, along with the infrastructures and exchanges required for engagement in this domain. These systems exhibit structured basic components—parts, relationships, and behaviors—in dynamic interaction with each other and their environments. This study aims to systematically review prior research on this topic using a meta-synthesis method, analyzing the processes of system formation and outcome realization. To achieve this, reliable sources from electronic databases between 2008 and 2023 were reviewed. Out of 235 initially selected studies, 64 were deemed relevant. The content analysis method was applied to extract key dimensions and components in the design of emerging technology acquisition systems. To validate the identified concepts, the Delphi method was used with input from subject matter experts. The findings present six main dimensions and 24 components, including intelligent strategic technology surveillance, strategic management of combat power, strategic management of technology, strategic management of technology acquisition, strategic management of the technology life cycle, and technology leadership.

Keywords: emerging technologies, acquisition system, dimensions and components, armed forces




شناسایی ابعاد و مؤلفه‌های مؤثر در طراحی نظام اکتساب فناوری‌های نوظهور نیروهای مسلح

سید هادی صادقی

استادیار گروه مدیریت راهبردی فضای سایبر، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

Email: Ssad2473@alumni.sydney.edu.au

 0000-0002-6652-3045

حسن عیسوند


دانشیار هوافضا و آیرودینامیک، دانشگاه هوایی شهید ستاری، تهران، ایران.

Email: isvand@chmail.ir

عبداله وثوقی نیری

استادیار گروه مدیریت دانشگاه هوایی شهید ستاری، تهران، ایران.

Email: vosoughi@ssut.ac.ir

 0000-0002-6317-7829

مهرداد اسکندری

دانشجوی دکتری مدیریت راهبردی نظامی، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران.

Email: Mehrdades35@gmail.com

چکیده

فناوری‌های نوظهور فناوری‌هایی هستند که انتظار می‌رود طی افق زمانی ۱۰ تا ۲۰ سال به مرحله بلوغ می‌رسند و فرصت‌هایی را ارائه می‌دهند، اما چالش‌هایی را نیز برای تصمیم‌گیرندگان نظام اکتساب در حوزه دفاع و نیروهای مسلح ایجاد می‌کنند. منظور از نظام در اینجا هنجارها، قوانین، انتظارات، اهداف، نهادها و انگیزه‌هایی است که هدایتگر عکس‌العمل سازمان‌های نظامی در مواجهه با فناوری‌های نوظهور است و همچنین زیرساخت‌ها و مبادلاتی است که برای سازمان‌های نظامی در ورود به این حوزه ضروری‌اند. نظام‌هایی که دارای ساختاری منظم از اجزای اساسی (قطعات، روابط و رفتار) هستند و در تعاملی پویا با یکدیگر و محیط قرار دارند. مقاله حاضر در تلاش است تا با استفاده از روش فراترکیب، یافته‌های مطالعات صورت گرفته در این خصوص را به صورت نظام‌مند بررسی کرده و بر اساس فرایند شکل‌گیری و دستاورد خروجی، به تحلیل آن‌ها بپردازد. برای این منظور، با مراجعه به اسناد و مدارک معتبر قابل دسترس در پایگاه‌های الکترونیکی در بازه زمانی ۲۰۰۸ تا ۲۰۲۳ از میان ۲۳۵ مقاله انتخابی، تعداد ۶۴ مقاله مناسب شناسایی شدند. به منظور تحلیل مقاله‌های انتخاب‌شده و شناسایی ابعاد و مؤلفه‌های مؤثر در طراحی نظام اکتساب فناوری‌های نوظهور از روش تحلیل محتوا استفاده شد. در ادامه به منظور اعتبارسنجی مفاهیم استخراج شده، از روش دلفی و با حضور تعدادی از صاحب‌نظران بهره‌جسته شد. یافته‌ها در قالب ۶ بعد و ۲۴ مؤلفه شامل «دیدبانی هوشمند راهبردی فناوری»، «مدیریت راهبردی توان رزمی»، «مدیریت راهبردی فناوری»، «مدیریت راهبردی اکتساب فناوری»، «مدیریت راهبردی چرخه عمر فناوری» و «رهبری فناوری» ارائه شد.

کلیدواژه‌ها: فناوری‌های نوظهور، نظام اکتساب، ابعاد و مؤلفه‌ها، نیروهای مسلح، فراترکیب.



مقدمه و بیان مسئله

فناوری‌های نوظهور، فناوری‌ها یا اکتشافات علمی که در حال حاضر هنوز کاربرد گسترده نیافته و یا تأثیر جدی یا دقیقی بر همکاری‌های دفاعی و امنیتی یا کارکرد سازمان‌های نیروهای مسلح ندارند؛ ولی انتظار می‌رود طی افق زمانی ۱۰ تا ۲۰ سال به مرحله بلوغ برسند (محمدی و دهقانی، ۱۴۰۰: ۱۶). فناوری‌های نوظهور می‌توانند مزایای متعددی برای صنعت و جامعه فراهم کنند. ولی با توجه به تجربه انقلاب‌های صنعتی پیشین، محقق شدن کامل این مزایا مستلزم غلبه بر سه چالش دشوار انقلاب صنعتی چهارم، یعنی توزیع برابر مزایا، مدیریت اثرات جانبی و اطمینان یافتن از انسان‌محور بودن آینده است (شواب و دیویس، ۲۰۱۸: ۴۳).

به بیان دیگر چالش اصلی در مواجهه با فناوری‌های نوظهور شناخت و مدیریت این فناوری‌ها است. همان‌طور که «مادلین آلبرایت»^۱ تصریح می‌کند، ما با چالش شناخت و مدیریت فناوری‌های قرن ۲۱ با ذهنیت قرن ۲۰ و نهادهای قرن ۱۹ مواجهیم؛ از این‌رو، ایجاد تغییرات سازمانی برای غلبه بر این چالش‌ها حیاتی بوده و تعدیل ذهنیت خود بر اساس چالش‌های قرن ۲۱ نیز ضروری است (شواب و دیویس، ۲۰۱۸: ۴۰).

لازم است به این نکته اشاره کنیم که در مواجهه با انقلاب صنعتی چهارم، فناوری‌ها به خودی خود مهم نیستند، آنچه واقعاً اهمیت دارد نظام‌هایی است که موجب سهولت دستیابی و اکتساب این فناوری‌ها می‌شود. منظور ما از نظام‌ها در اینجا هنجارها، قوانین، انتظارات، اهداف، نهادها و انگیزه‌هایی که هر روز رفتار ما را هدایت می‌کنند و همچنین زیرساخت‌ها و مبادلاتی است که برای سازمان‌های نظامی ضروری‌اند. نظام‌هایی که دارای ساختاری منظم از اجزای اساسی (قطعات، روابط و رفتار) هستند و در تعاملی پویا با یکدیگر و محیط قرار دارند. به نظر می‌رسد که در حال حاضر قوانین، هنجارها و ساختارهای مربوط به مجموعه‌ای از فناوری‌های نوظهور قدرتمند در سراسر جهان در دست تدوین و اجرا هستند که می‌تواند مقدمه ورود به نظام و نظام‌سازی برای اکتساب این فناوری‌ها باشد. چرا که پیشبرد شناسایی روندهای فناوری نوظهور برای تصمیم‌گیری‌های طراحی آگاهانه و کاهش ریسک بسیار مهم و حیاتی می‌باشد.

با توجه به مکانیسم اکتساب فناوری در دنیا تحقیقات توسعه‌ای عمیقی در این حوزه در حال آنجا است به‌عنوان نمونه برنامه تحقیقاتی ابتکاری دانشگاه تسینگ‌هوا با حمایت مالی بنیاد ملی علوم طبیعی چین یک روش جدید را معرفی می‌کند که بر زیرگراف‌های فناوری در یک گراف دانش پتنت متمرکز است و از شبکه‌های عصبی گراف همراه با تکنیک‌های افزایش داده بر اساس ویژگی‌های ساختاری تحلیل می‌کند تا فناوری‌های نوظهور را شناسایی کند که نتایج نشان می‌دهد این روش بهبود قابل توجهی در شناسایی دقیق فناوری‌های نوظهور دارد (Zhou, He, LIU Liu, & Dong, 2024). در این مسیر رشد نسبتاً سریع فناوری‌های نوظهور سبب شده است که سازمان‌ها به‌ویژه سازمان‌های نیروهای مسلح برای اکتساب فناوری‌های مورد نیاز خود به شیوه‌های مرسوم با چالش مواجه باشند. در این راستا نکته قابل تأمل و اساسی، ارزیابی و شناخت عکس‌العمل این سامانه یا نظام اکتساب در برخورد با فناوری‌های نوظهور در محیط‌های نیروهای مسلح است، که به نوعی شکل‌دهنده دغدغه محقق در این تحقیق است.

از لحاظ سابقه بحث در خصوص طراحی نظام اکتساب فناوری‌های نوظهور در نیروهای مسلح در رساله‌ها، پایان‌نامه‌ها مقاله‌ها، موردی یافت نشد. اگرچه به‌صورت موردی برخی از ویژگی‌ها، فرایندها، الزامات و چهارچوب‌ها مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است؛ اما موضوع «نظام اکتساب فناوری‌های نوظهور» به‌صورت کامل و روشن مورد کنکاش قرار نگرفته است. بر این اساس، تحقیق حاضر در نظر دارد «طراحی نظام اکتساب فناوری‌های نوظهور در نیروهای مسلح» را با انجام یک پژوهش کاربردی و با بهره‌گیری از روش‌های علمی، مورد بررسی قرار دهد.

نکته اول؛ غلبه بر ابهام و عدم قطعیت ناشی از تغییر سریع فناوری‌های مستلزم انطباق است. انطباق نیازمند پیش‌بینی آینده نیست. ایجاد ذهنیتی آینده‌محور و هم‌راستا با ارزش‌های مشترک بین گروه‌های مختلف ذی‌نفعان، که به اثرات در سطح کلان و بر افراد توجه می‌کند، به‌مراتب مهم‌تر است؛ بر این اساس، هنگام بررسی نحوه ایجاد اثرات توسط فناوری‌های جدید باید به چهار اصل توجه کرد (شواب و دیویس، ۲۰۱۸: ۴۴):

- ❖ نظام‌ها، نه فناوری‌ها؛
- ❖ توانمندسازی، نه تعیین؛
- ❖ اختیارگرایی، نه جبرگرایی؛
- ❖ ارزش‌ها به‌عنوان یک ویژگی، نه نقیصه.

نکته دوم؛ امروزه با پیچیده‌تر شدن تغییر و تحولات محیط امنیتی- دفاعی، تغییر شکل انگاره‌های منازعه و جنگ در دهه‌های اخیر، بسیار بارزتر شده است و همین امر، نظام اکتساب دفاعی را با چالش‌های متعدد و جدی روبه‌رو کرده است. برخی از نوع چالش‌های راهبردی هستند که به سرعت در حال تغییر هستند و باید برای مواجه شدن با آن‌ها خود را آماده کرد. پویایی و تغییر در محیط دفاعی، ماهیت تهدیدات نظامی و صحنه نبرد و همچنین عوض شدن شیوه جنگیدن نیروهای خودی و دشمن، به معنای تغییر نیازهای آتی نیروهای مسلح و ضرورت خلق شایستگی‌ها و قابلیت‌های دفاعی جدید است (سند ۲۰ ساله وزارت دفاع ج.ا.ایران، ۱۳۹۳).

نکته سوم؛ طراحی سازمانی و اکتساب قابلیت‌ها جدید (نظام‌سازی)، آخرین منبع مزیت رقابتی برای سازمان‌ها و شرکت‌هاست (منابع سنتی مزیت رقابتی، که عبارت‌اند از: نوع محصولات، فناوری، بازار و فرایندهای تولید منسوخ شده و از دور خارج گردیدند). طراحی سازمانی یک ساختار ساده و تهیه نمودار سازمانی نیست؛ بلکه ارتباط بین کار، فعالیت‌ها، ساختارهای رسمی، رفتارها و مهارت‌های غیررسمی سازمان است، روشی است برای هماهنگی و ساختاردهی کارکنان و فرایندها که می‌توانند از قابلیت‌های انحصاری سازمان در یک دوره بسیار طولانی سودمندی و مزیت ایجاد کنند (Dumais, Paul, 2011).

با در نظر گرفتن این نکته‌ها به نظر می‌رسد که مدیریت راهبردی فناوری‌های در نیروهای مسلح نیازمند طراحی سازمانی، نظام‌ها و سامانه‌های اثربخشی، همانند نظام اکتساب فناوری‌های نوظهور است، تا اطمینان حاصل شود که سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه و ارتقای قابلیت‌ها با نیازهای سازمان‌های نظامی، در زمان حال و آینده هم‌سو شده تا به‌کارگیری این نظام‌ها در این مسیر، جدیدترین و پیشرفته‌ترین قابلیت‌های راهبردی برای نیروهای مسلح فراهم شود.

البته ذکر این نکته نیز ضروری است که تمامی فناوری‌های نوظهور ارتباط مستقیمی با امور نظامی داشته و آینده انقلاب در امور نظامی را رقم می‌زنند. با این وجود، اهمیت فناوری فقط برای مبارزه در جنگ نیست. بلکه برای برقراری صلح نیز به فناوری نیاز است. طی جنگ سرد، فناوری نقش مهمی را در تحقق بازدارندگی هسته‌ای ایفا نموده و همچنین بعد از جنگ سرد هم این نقش را ادامه داده است (له‌له، ای، ۱۳۹۰:۱۱).

از طرفی نیز، یک نظام از طریق «کنش فرایندها» به تولید «نتایج» می‌پردازد، (در واقع) نظام‌ها «پیامدها» را خلق می‌کنند و صاحبان نظام «پیامدها» را مدیریت

می‌کنند. «پیامدها» عبارت‌اند از: «نتایج میان‌مدت و بلندمدت» مورد انتظار. برای نمونه پیامد نظام اکتساب دفاعی می‌تواند «مؤثر و به هنگام بودن» سامانه‌های دفاعی باشد که فرایند تأمین ارائه می‌کند و این امر حاصل نمی‌شود مگر با تعامل و تعاون سه فرایند کلان (فولادی و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۷-۲۸).

هدف اصلی در این نظام باید دیده‌بانی تحولات و توسعه قابلیت‌ها در زمینه فناوری نوظهور و حوزه‌های راهبردی و درعین حال ارتقای عملکرد و افزایش بهره‌وری مالی و زمانی باشد. در واقع مهم‌ترین انتظاری که از نظام اکتساب فناوری‌های نوظهور می‌رود، پاسخ هوشمندانه و مقرون به صرفه به نیازهای فناورانه حال و آینده نیروهای مسلح در این محیط پیچیده و متغیر کنونی است. از این منظر پاسخ هوشمندانه بر اساس چهارچوب‌های اصولی و راهبردی هوشمند به فناوری‌ها شکل می‌گیرد که عامل اصلی ایجاد و امکان اکتساب فناوری، هوشمندی انسان‌محور بر اساس یادگیری است (Sadeghi, H, 2022).

افزون بر این، به دنبال تغییراتی که در سازمان‌های پیچیده عصر حاضر، به‌ویژه سازمان‌های دفاعی در حوزه‌های مختلف؛ از جمله فرایند، ساختار، سرمایه انسانی، فناوری و بالأخص فناوری‌های نوظهور و ... یکپارچه‌سازی آن‌ها در ابعاد مختلف به‌وجود آمده، نیاز است که سامانه رسمی اکتساب فناوری‌های نوظهور در ستاد کل نیروهای مسلح توانایی لازم برای سیاست‌گذاری، راهبری و هدایت دگرگونی‌های مستمر و بنیادی داشته باشد و از طرفی نیز چهارچوبی مشخص برای پوشش تمامی سیستم‌ها رسمی و غیر رسمی و ارتباط آن‌ها با ساختارهای موجود در جهت اکتساب فناوری‌های نوظهور دفاعی تعیین شود.

تاکنون و با ارائه مصادیق و گزاره‌هایی که از نظر گذشت، ارتباط بین کلیدواژه‌های موضوع تحقیق روشن شد و تا حدودی چالش‌ها و نیازهای سامانه اکتساب فناوری‌های نوظهور در محیط پرتلاطم امروزی، توصیف گردید و مشکلات موجود در این حوزه به‌خوبی احساس شد.

به همین دلیل، می‌توان عنوان کرد که گامی هر چند کوچک در ترسیم وضعیت فعلی و احتمالاً وضعیت مطلوب نظام اکتساب فناوری‌های نوظهور برداشته شد. از این رو دغدغه اصلی تحقیق منتج و مسئله تحقیق شکل شفاف‌تری به خود گرفته که مستلزم تلاش و تدبیر برای چاره‌اندیشی است.

در همین امتداد، این تحقیق بنا دارد بر اساس اسناد بالادستی، تجربیات گذشته و مقتضیات آینده طراحی نظام اکتساب فناوری‌های نوظهور در نیروهای مسلح

جمهوری اسلامی ایران را بررسی نماید. پس، آنچه در حکم مسئله تحقیق از آن یاد می‌شود، طراحی نظام اکتساب فناوری‌های نوظهور در نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران است. همچنین طراحی نظام اکتساب فناوری‌های نوظهور در نیروهای مسلح ج. ا. ایران» به‌عنوان هدف اصلی این پژوهش تعیین و اهداف فرعی نیز به شرح زیر صورت‌بندی گردید:

۱. شناسایی اجزای اساسی نظام اکتساب فناوری‌های نوظهور در نیروهای مسلح؛

۲. شناسایی ابعاد و مؤلفه‌های نظام اکتساب فناوری‌های نوظهور در نیروهای مسلح ج. ا. ایران؛

۳. ارائه الگوی مفهومی نظام اکتساب فناوری‌های نوظهور در نیروهای مسلح ج. ا. ایران؛

در راستای دستیابی به اهداف تعیین شده و با توجه به نوع تحقیق و روش سؤالات تحقیق هم نظیر به نظیر اهداف مطرح و صورت‌بندی شد تا در طول اجرای تحقیق، پاسخ‌های متناسب تهیه و ارزیابی و ارائه گردد.

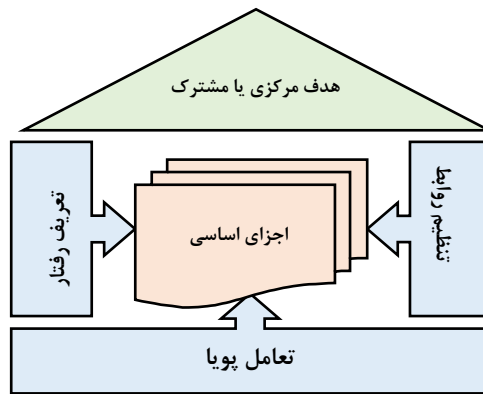
۱. مبانی نظری

۱-۱. نظام و نظام‌سازی

نظام عبارت است از اجزای متعامل و دارای وابستگی متقابل که به نحوی تنظیم شده‌اند که یک کل مجزا از تک‌تک اجزا را به‌وجود می‌آورند. جوامع بشری نوعی نظام هستند. اتومبیل‌ها، گیاهان و بدن انسان‌ها نیز نمونه‌هایی از انواع نظام‌ها هستند. این نظام‌ها، نهاده‌هایی را به‌دست‌آمده می‌آورند، و پس از تغییر و تبدیل آن‌ها، ستاده‌هایی را تولید می‌کنند (دانایی فرد، ۱۳۹۱: ۷۸).

«نظام‌سازی» عبارت است از: ایجاد منسجم‌ترین و معقول‌ترین ساختار بین اجزای یک مجموعه که کوتاه‌ترین و سریع‌ترین مسیر به‌سوی هدف را موجب شود. هر سیستم کارآمدی از چهار رکن؛ ساختار کلی، روابط پیوسته و منسجم، عقلانیت و سرعت در جهت هدف تشکیل می‌شود (نبوی، ۱۳۷۵). نظام، ساختاری منظم از اجزای اساسی (قطعات، روابط و رفتار) است که در تعاملی پویا با یکدیگر قرار دارند.

روابط و رفتار اجزای اساسی در این ساختار برای تحقق هدف مرکزی، تنظیم و تعریف می‌گردد.



شکل ۱: مفهوم نظام

منبع: نگارنده بر اساس مطالعات نظری

این شکل نشان می‌دهند که یک نظام مجموعه‌ای از اجزا به‌طور تصادفی نیست. از اجزای اساسی تشکیل شده است که به دلیل یک هدف مرکزی یا هدف مشترک می‌توان آن‌ها را به‌عنوان متعلق به یکدیگر شناسایی کرد. بنابراین اجزای اساسی، تعامل و ساختار، هدف، رفتار و چرخه زندگی از ویژگی‌های نظام محسوب می‌گردد.

۱-۱. اکتساب فناوری و نظام اکتساب دفاعی

اکتساب فناوری یکی از شش فعالیت عام مدیریت فناوری (شناسایی، انتخاب، اکتساب، بهره‌برداری، حفاظت، یادگیری فناوری) می‌باشد. برای درک بهتر مفهوم اکتساب فناوری در جدول ۱، برخی از تعاریف‌های که در این خصوص مطرح است، اشاره می‌شود؛

جدول ۱: برخی از تعاریف منتخب اکتساب فناوری

محقق / تاریخ	خلاصه تعریف
(آقایی و قاضی‌نوری، ۱۴۰۲)	انتقال و اکتساب فناوری را می‌توان فرایند انتقال، تطبیق و جذب فناوری (اعم از دانش فنی، تجهیزات نرم و سخت، فرایندها و ...) دانست که با روش‌های گوناگونی از مسیر روابط فناورانه بین بنگاه‌ها قابل انجام است.
(نامداری، عادل و محمدی‌لیما، ۱۳۹۸)	اکتساب فناوری به معنی تعریف و تعیین چگونگی دستیابی به فناوری‌های منتخب از راه‌های توسعه داخلی همکاری با شرکت‌ها و نهادها و یا خرید فناوری می‌باشد.

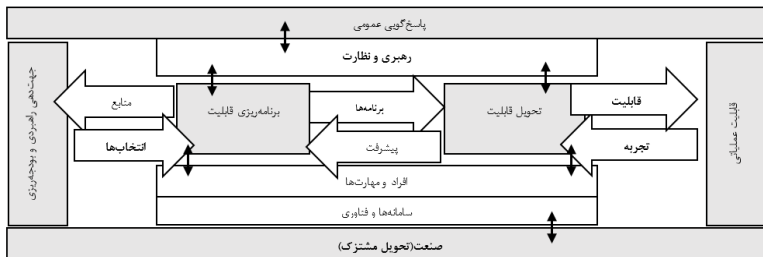
محقق / تاریخ	خلاصه تعریف
(کریمی پور و همکاران، ۱۳۹۸)	انتخاب یک گزینه از میان گزینه‌های خرید، همکاری یا ساخت. به تعبیری وسیع‌تر، اکتساب فناوری به‌عنوان کسب دانش فناورانه به‌منظور توسعه محصولات و فرایندهای جدید تعریف شده است که ممکن است از طریق فعالیت‌های درون بنگاهی، همکاری با بنگاه‌های خارجی و یا تأمین از خارج بنگاه صورت پذیرد
(مجید پور، ۱۳۹۸)	یعنی مسیر تحقق یک نیاز فناورانه که مورد شناسایی و انتخاب واقع شده است.
(Kocaoglu, D. F, & Iyigun, M. G., 1994)	به دست آوردن و تطبیق فناوری‌های جدید از طریق دانش، سخت‌افزار، نرم‌افزار، طراحی و قابلیت تولید، برای بهبود عملکرد و رقابت بلندمدت را اکتساب فناوری گویند.

۱-۲. نظام اکتساب دفاعی

نظام اکتساب واسط بین نیازهای نیروهای مسلح و بخش صنعتی است. یعنی حل مسئله‌های نیروهای مسلح در عرصه نبرد و یا سفارش‌های آن‌ها را مبنی بر تغییر، بهبود و یا تهیه و تولید سامانه‌ها، تحت عنوان برنامه‌های اکتساب دفاعی^۱ تعریف کرده است و با ایجاد شبکه‌ای از همکاری‌های تحقیقاتی و صنعتی در داخل و خارج بخش دفاع، آن‌ها را تا تحقق نتایج مطلوب مدیریت می‌کند.

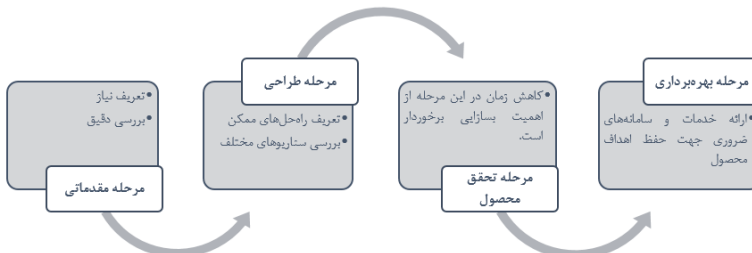
اکتساب دفاعی، فرایندی پیچیده و دشوار است که به تخصص در زمینه مسائل دفاعی، صنعت، مدیریت قراردادها و طرح‌ها و سیاست‌گذاری نیاز دارد. افزون بر این، بخش مهمی از منابع ملی بالغ بر میلیاردها دلار صرف این فرایند می‌شود. بهره‌وری در اکتساب دفاعی نه تنها منجر به آمادگی دفاعی بیشتر می‌شود، بلکه موجب صرفه‌جویی در منابع، افزایش توانمندی‌های صنعتی و فواید اقتصادی دیگر نیز می‌شود (فولادی و زارعی، ۱۳۹۸: ۴۷). برخی اصول کلیدی در نظام‌های اکتساب کشورهای پیشرو دارای اهمیت است، همچون وجود یک مقام مسئول از ابتدا تا انتهای پروژه، توجه هم‌زمان به سه عامل زمان، هزینه و کیفیت؛ وجود تیم‌های یکپارچه از متخصصین و ذی‌نفعان مختلف به‌منظور اتخاذ تصمیمات مهم و کمک به مقام مسئول، برون‌سپاری و ایجاد رقابت بین تولیدکنندگان و اصول دیگر (بابایی و همکاران، ۱۳۹۶).

در نگاه وزارت دفاع انگلستان، اکتساب دفاعی یعنی اینکه «چگونه وزارت دفاع انگلستان با همراهی صنعت، قابلیت‌های نظامی مورد نیاز حال حاضر و آینده نیروهای نظامی کشور را فراهم کند و شامل این موارد است؛ تعیین نیازمندی‌ها، انتخاب، توسعه و ارائه یک راهکار در جهت برآورده‌سازی نیازمندی‌ها، معرفی به‌صورت خدمات، پشتیبانی از تجهیزات یا سایر عناصر مرتبط با قابلیت در طول عمر و در نهایت رهاسازی مناسب قابلیت فراهم‌شده» (طلوعی اشلقی و همکاران، ۱۳۹۰).



شکل ۲: نظام اکتساب دفاعی در وزارت دفاع انگلستان

نظام اکتساب دفاعی فرانسه، این نظام شامل چهار مرحله مقدماتی، طراحی، تحقق محصول و بهره‌برداری است. در مرحله مقدماتی نیاز به‌صورت دقیق تعریف می‌شود و یک بررسی اولیه راجع به گزینه‌های مختلف صورت می‌گیرد؛ در مرحله طراحی، راه‌حل‌های ممکن به‌صورت دقیق‌تر تعریف و آزمایش می‌شوند؛ در ادامه پس از آنکه اعتبار و صحت انتخاب‌ها مشخص می‌شود، مرحله تحقق محصول آغاز می‌شود که کاهش زمان در این مرحله از اهمیت به‌سزایی برخوردار است؛ مرحله آخر بهره‌برداری از محصول می‌باشد که سازمان مسئول اکتساب به ارائه خدمات و سامانه‌های ضروری جهت حفظ اهداف محصول در سراسر این مرحله می‌پردازد و همچنین به‌موازات مشتری اقدام به شناسایی و رفع نقاط ضعف محصول می‌پردازد (Kapstein & Oudot, 2009).



شکل ۳: نظام اکتساب دفاعی وزارت دفاع فرانسه

بابایی و همکاران (۱۳۹۶) در تحقیق خود به بررسی نظام اکتساب ۳ کشور چین، هند و ایران پرداخته‌اند. مطالعه و بررسی نظام‌های اکتساب در سه کشور در حال توسعه چین، هند و ایران، گویای برخی نتایج و یافته‌ها است که در ادامه ارائه می‌گردد. در هر سه کشور «فرایند تعیین و تدوین نیاز و مطالبات نیروهای مسلح» فرایندی نامطلوب است و یک رویکرد جامع و کل‌نگر در تعیین مطالبات وجود ندارد که بررسی‌های انجام شده نشان‌دهنده این یافته‌ها است:

۱. مشارکت نداشتن تمامی نقش‌آفرینان در تعیین مطالبات؛
۲. تغییرات مکرر در مطالبات اولیه؛
۳. در نظر نگرفتن کل چرخه عمر در بیان مطالبات؛
۴. فقدان نگاه بلندمدت در بیان مطالبات؛
۵. بیان نشدن مطالبات به زبان قابلیت‌های عملیاتی؛
۶. ضعف در تبادل اطلاعات میان صنایع دفاعی و نیروها؛
۷. تعریف و انجام برخی پروژه‌های اکتساب نه بر اساس نیاز واقعی که بر مبنای جذب منابع مالی و تعریف پروژه‌های اکتساب بر اساس سلايق و علايق فردی، گروهی و سازمانی.

۳-۱. فناوری‌های نوظهور

با نگاه به زمینه گسترده راهبردی و جغرافیای سیاسی ماهیت درگیری، در حال تغییر به نظر می‌رسد و یک توافق کلی در این زمینه وجود دارد که محیط فناوری در حال تغییر، یک عامل مهم در این زمینه است. این ماهیت در حال تغییر درگیری، خود را به صورت جنگ ترکیبی، فراجنگ^۱، جنگ وانمایی یا نیابتی^۲ یا درگیری نسل بعدی نشان می‌دهد. در هر یک از این‌ها، فناوری‌های شالوده شکن با فناوری‌های موجود و قابلیت‌های نظامی ادغام می‌شوند تا راه‌ها و روش‌های جدیدی برای جنگ ایجاد شود. عوامل مشترکی که فناوری‌های انقلاب چهارم صنعتی را به هم پیوند می‌دهد به نوعی شکل گرفته یا ماهیتی هوشمند، به هم متصل، توزیع شده و دیجیتال (I²D²)^۳ دارند (عیسوند و همکاران ۱۴۰۱: ۱۷).

1. Hyper-war
 2. Memetic warfare
 3. Intelligent interconnected, distributed and digital

نوظهور بودن، فرایندی پویا و همواره در حال اتفاق افتادن است. جدید بودن، رشد سریع، عدم قطعیت، دارا بودن پتانسیل اقتصادی یا بازار (در شرایطی که هنوز فناوری به‌طور کامل مورد بهره‌برداری قرار نگرفته است)، علم‌محور بودن و تأثیر قابل‌توجه بر حوزه‌های اجتماعی - اقتصادی از مهم‌ترین ویژگی‌های فناوری نوظهور می‌باشند (Daniele Rotolo D. H., 2015).

استراتژی دفاع ملی ایالات‌متحده آمریکا در سال ۲۰۲۲ اشاره می‌کند که (فناوری‌های نوظهور) هوش مصنوعی، علوم کوانتومی، خودمختاری، بیوتکنولوژی و فناوری‌های فضایی پتانسیل تغییر جنگ را دارند. در حالی که ایالات‌متحده پیشرو در توسعه بسیاری از این فناوری‌های نوظهور است، چین و روسیه - رقبای استراتژیک کلیدی - در حال پیشرفت مداوم در توسعه آن‌ها (فناوری‌های پیشرفته نظامی) هستند. فناوری‌های نظامی منتخب در حال ظهور در ایالات‌متحده، چین و روسیه شامل هوش مصنوعی^۱، سلاح‌های خود مختار کشنده^۲، سلاح‌های مافوق صوت^۳، سلاح‌های انرژی هدایت شده^۴، زیست‌فناوری^۵ و فناوری کوانتومی^۶ است.

۱-۴. نشانه‌های نوظهور بودن

یکی از کامل‌ترین مطالعات انجام شده در این حوزه، پنج ویژگی تازگی بنیادی، رشد نسبتاً سریع، میزان انسجام، تأثیر برجسته به‌علاوه عدم اطمینان و ابهام را در این خصوص ذکر کرده‌اند. که در مقایسه با تعریف ارائه شده در این مقاله سطح نفوذ را به‌صورت کامل و سطح تأثیرات بر حوزه‌های جنبی را به‌صورت ناقص پوشش داده است. در مقاله‌ای دیگر به سه ویژگی رشد سریع، سرعت جذب نویسندگان جدید و تعداد ارجاعات در مجلات به‌عنوان شاخص‌های نوظهور بودن اشاره شده است (Hanning Guo, 2011) که تعریف اخیر نیز نسبت به تعریف ارائه شده توسط این مقاله دارای نواقص بسیاری است. همچنین در مقاله دیگری که به موضوع نوظهور بودن پرداخته تنها دو عامل سرعت رشد و تازگی مورد اشاره قرار گرفته و به سایر جنبه‌های نوظهور بودن توجه نشده است (Henry Small, 2014).

-
1. Artificial Intelligence
 2. Lethal autonomous weapons
 3. Ultrasonic weapons
 4. Directed energy weapons
 5. Biotechnology
 6. Quantum technology



شکل ۴: شاخص‌های نوظهور
منبع: نگارنده بر اساس مطالعات نظری

۲. فناوری‌های منتخب نوظهور در کشورهای پیشرو

اعضای کنگره و مقامات پنتاگون به‌طور فزاینده‌ای بر توسعه فناوری‌های نظامی نوظهور برای تقویت امنیت ملی ایالات‌متحده و همگام شدن با رقبای ایالات‌متحده متمرکز شده‌اند. ارتش ایالات‌متحده برای اطمینان از تسلط خود در درگیری‌ها و تضمین امنیت ملی ایالات‌متحده، مدت‌هاست بر برتری فناوری تکیه کرده است. با این حال، در سال‌های اخیر، در نتیجه پیشرفت در بخش تجاری، فناوری هم به‌سرعت تکامل یافته و هم به‌سرعت تکثیر شده است. همان‌طور که چاک هیگل^۱، وزیر دفاع پیشین، مشاهده کرد، این تحول منابع سنتی مزیت نظامی ایالات‌متحده را تهدید کرده است. وزارت دفاع (DOD) ابتکارات متعددی را برای جلوگیری از این روند انجام داده است. به‌عنوان مثال، در سال ۲۰۱۴، وزارت دفاع آمریکا، سومین راهبرد جبرانی^۲ را اعلام کرد، تلاشی برای بهره‌برداری از فناوری‌های نوظهور برای ارتش و اهداف امنیتی و همچنین راهبردها، تاکتیک‌ها و مفاهیم عملیات مرتبط. در حمایت از این راهبرد، وزارت دفاع تعدادی از سازمان‌های متمرکز بر نوآوری دفاعی، از جمله «واحد نوآوری دفاعی»^۳ و «گروه هم‌ترازی بازی جنگ»^۴ دفاعی را تأسیس کرد

1. Chuck Hagel
2. Offset strategy
3. Defense Innovation Unit
4. Wargaming Alignment Group.

(Kelley M. Sayler, 2024). دو عامل کاهش منابع مالی وزارت دفاع آمریکا و تحلیل برتری آمریکا در حوزه سلاح‌های متعارف با فناوری بالا که در سه دهه گذشته سرمایه عظیمی صرف تقویت آن شده، باعث حرکت این کشور به سمت اتخاذ سومین راهبرد جبرانی شده است. نکته جالب آنکه مسئول بخش تحقیق و مهندسی وزارت دفاع آمریکا در جلسه استماع سنای آمریکا مورخ ۱۲ آوریل ۲۰۱۶ (۲۴ فروردین ۱۳۹۵) اذعان می‌کند که قدرت‌نمایی نظامی روسیه در کارزار سوریه، مهر پایانی بر استراتژی جبرانی دوم بوده است، بدین معنی که کشورهای دیگر توانسته‌اند که سطح توانمندی دفاعی- نظامی خود را هم‌تراز با توانمندی‌های پنتاگون کرده و برتری کیفی ایالات متحده در حوزه دفاعی- نظامی را با چالش روبه‌رو سازد. هدف ایالات متحده آمریکا از پیگیری استراتژی جبرانی سوم (همانند دو راهبرد پیشین) برتری کیفی این کشور در حوزه‌های دفاعی- نظامی علیه رقبای/حریفان/دشمنان است. همچنین، همانند دو راهبرد پیشین، مؤلفه «فناوری»، نقش اصلی در ایجاد مزیت برای آمریکا ایفا کرده و می‌کند. امروزه، کشورهای مختلف، نهادهای آکادمیک و نیروهای مسلح در حال انتشار ارزیابی‌های فناوری‌های پیشرفته و تأثیر آن‌ها بر جنگ هستند. بسیاری از این کشورها در حال استفاده از این ارزیابی‌ها برای کسب اطلاع از وقوع تغییر در سازمان‌ها و مفاهیم خود هستند. با این حال، ابعاد، مطلوبیت فناوریانه و سرعت تحولات آمریکا و چین بدان معناست که تمام تلاش‌های دیگر احتمالاً به نوعی توسط آن‌ها شکل می‌گیرد (ماک رایان، ۱۴۰۲: ۱۲۵).

۲-۱. وزارت دفاع آمریکا

سرمایه‌گذاری‌های طبقه‌بندی نشده وزارت دفاع آمریکا در هوش مصنوعی از کمی بیش از ۶۰۰ میلیون دلار در سال مالی ۲۰۱۶ به تقریباً ۱/۸ میلیارد دلار در سال مالی ۲۰۲۴ افزایش یافته است و این وزارتخانه دارای بیش از ۶۸۵ پروژه فعال هوش مصنوعی است (Kelley M. Sayler, 2024). در جدول ۲، یک دهه تلاش وزارت دفاع آمریکا در مواجهه با فناوری‌های نوظهور به صورت مختصر بیان شده است.

جدول ۲: تلاش سازمان‌یافته وزارت دفاع آمریکا برای اکتساب فناوری هوش مصنوعی

ردیف	سال	اقدام	شرح
۱	۲۰۱۴	اجرای سومین راهبرد جبرانی	در سال ۲۰۱۴، وزارت دفاع آمریکا، سومین راهبرد جبرانی را اعلام کرد، تلاشی برای بهره‌برداری از فناوری‌های

ردیف	سال	اقدام	شرح
			نوظهور برای ارتش و اهداف امنیتی و همچنین راهبردها، تاکتیک‌ها و مفاهیم عملیات مرتبط.
۲	۲۰۱۵	تأسیس واحد نوآوری دفاعی	وزارت دفاع در حمایت از راهبرد جبرانی سوم، تعدادی از سازمان‌های متمرکز بر نوآوری دفاعی، از جمله «واحد نوآوری دفاعی» را تأسیس کرد.
۳	۲۰۱۵	تأسیس گروه هم‌ترازی بازی جنگ	وزارت دفاع در حمایت از راهبرد جبرانی سوم، تعدادی از سازمان‌های متمرکز بر نوآوری دفاعی، از جمله «گروه هم‌ترازی بازی جنگ» را تأسیس کرد.
۴	۲۰۱۶	سرمایه‌گذاری‌های در زمینه هوش مصنوعی	کمی بیش از ۶۰۰ میلیون دلار سرمایه‌گذاری‌های طبقه‌بندی‌نشده وزارت دفاع آمریکا در هوش مصنوعی.
۵	۲۰۱۹	تأسیس مرکز هوش مصنوعی مشترک (JAIC)	در سال مالی ۲۰۱۹، وزارت دفاع آمریکا مرکز هوش مصنوعی مشترک ^۱ (JAIC) با تلفظ «جیک» را برای هماهنگی پروژه‌های وزارت دفاع با بیش از ۱۵ میلیون دلار تأسیس کرد.
۶	۲۰۱۹	شروع فعالیت مرکز جیک	جیک تعدادی مأموریت ابتکاری در سطح ملی را برای هوش مصنوعی انجام داده است، از جمله تعمیر و نگهداری پیش‌بینی، کمک‌های بشردوستانه و امداد رسانی در بلایای طبیعی، سلامت سربازان و تحول فرایند کسب و کار.
۷	۲۰۱۹	تدوین نقشه راه راهبردی برای توسعه و میدان‌دهی به هوش مصنوعی	قانون صدور مجوز دفاع ملی (NDAA) سال مالی ۲۰۱۹ به وزارت دفاع دستور داد تا یک نقشه راه استراتژیک برای توسعه و میدان‌دهی هوش مصنوعی منتشر کند.
۸	۲۰۱۹	تدوین دستورالعمل	توسعه دستورالعمل «سیاست‌های اخلاقی، قانونی و سایر سیاست‌های مناسب برای وزارت حاکم بر توسعه و

ردیف	سال	اقدام	شرح
			استفاده از سیستم‌ها و فناوری‌های فعال‌کننده هوش مصنوعی در موقعیت‌های عملیاتی.»
۹	۲۰۱۹	تبیین اصول اخلاقی هوش مصنوعی	اصل مسئولیت، اصل برابری، اصل قابلیت ردیابی، اصل قابلیت اطمینان و اصل حاکمیت.
۱۰	۲۰۱۹	ایجاد کمیسیون امنیتی	بخش ۱۰۵۱ NDAA سال مالی ۲۰۱۹ یک کمیسیون امنیت ملی در زمینه هوش مصنوعی (NSCAI) را برای انجام یک ارزیابی جامع از فناوری‌های هوش مصنوعی مرتبط نظامی و ارائه توصیه‌هایی برای تقویت رقابت‌پذیری ایالات متحده ایجاد کرد.
۱۱	۲۰۲۱	تبیین توصیه‌های محور اصلی تلاش	۱. سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه؛ ۲. استفاده از هوش مصنوعی در مأموریت‌های امنیت ملی؛ ۳. آموزش و جذب استعداد‌های هوش مصنوعی؛ ۴. حفاظت و ایجاد بر اساس مزایای فناوری ایالات متحده؛ ۵. همکاری جهانی هوش مصنوعی.
۱۲	۲۰۲۱	تأسیس اداره کل	در دسامبر ۲۰۲۱، کاتلین هیکس ^۱ ، معاون وزیر دفاع، اداره کل دفتر هوش مصنوعی و دیجیتال را راه‌اندازی کرد که قرار است «به‌عنوان سازمان جانشین جیک عمل کند و مستقیماً به معاون وزیر دفاع گزارش دهد.»
۱۳	۲۰۲۱	تدوین دستورالعمل	در ۲۶ مه ۲۰۲۱، کاتلین هیکس، معاون وزیر دفاع، یادداشتی را صادر کرد که دستورالعمل‌هایی را در مورد اجرای هوش مصنوعی مسئولیت‌پذیر ^۲ (RAI) با رعایت اصول اخلاقی ارائه می‌کند.
۱۴	۲۰۲۴	اجرای دستورالعمل	بخش ۱۵۴۴ از NDAA سال مالی

1. Kathleen Hicks
2. Responsible Artificial Intelligence

ردیف	سال	اقدام	شرح
			۲۰۲۴، به وزارت دفاع دستور می‌دهد تا ارزیابی کند که آیا یک فناوری هوش مصنوعی معین اصول RAI را عملیاتی می‌کند یا خیر. (دستور اجرایی ۱۴۱۱ (E.O) در مورد ایمنی، حفاظت، قابلیت اطمینان توسعه و استفاده از هوش مصنوعی)
۱۵	۲۰۲۴	افزایش سرمایه‌گذاری	در سال ۲۰۲۴ سرمایه‌گذاری در هوش مصنوعی تقریباً ۱/۸ میلیارد دلار افزایش یافته است و این وزارتخانه دارای بیش از ۶۸۵ پروژه فعال هوش مصنوعی است.

۲-۲. وزارت دفاع چین

چین به‌طور گسترده به‌عنوان نزدیک‌ترین رقیب ایالات‌متحده در بازار بین‌المللی هوش مصنوعی در نظر گرفته می‌شود. «برنامه توسعه نسل بعدی هوش مصنوعی» در سال ۲۰۱۷، هوش مصنوعی را یک «فناوری استراتژیک» توصیف می‌کند. که به «تمرکز رقابت بین‌المللی» تبدیل شده است. مدیریت چین بر اکوسیستم هوش مصنوعی خود کاملاً در تضاد با ایالات‌متحده است. به‌طور کلی، مرزهای کمی بین شرکت‌های تجاری چینی، آزمایشگاه‌های تحقیقاتی دانشگاه، ارتش و دولت مرکزی وجود دارد. برای مثال، قانون اطلاعات ملی چین، شرکت‌ها و افراد را ملزم می‌کند که «پشتیبانی، کمک و همکاری با کارهای اطلاعاتی ملی» داشته باشند. در نتیجه، دولت چین ابزار مستقیمی برای هدایت اولویت‌های توسعه هوش مصنوعی نظامی و دسترسی به فناوری توسعه یافته برای اهداف غیرنظامی دارد (Kelley M. Saylor, 2024).

۲-۳. وزارت دفاع روسیه

ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه گفته است که «هر کسی که در [هوش مصنوعی] رهبر شود، حاکم جهان خواهد شد». با این حال، در حال حاضر، توسعه هوش مصنوعی روسیه به‌طور قابل توجهی از ایالات‌متحده و چین عقب است. به‌عنوان بخشی از تلاش روسیه برای پر کردن این شکاف، روسیه یک استراتژی ملی

منتشر کرده است که معیارهای ۵ و ۱۰ ساله را برای بهبود تخصص هوش مصنوعی، برنامه‌های آموزشی، مجموعه داده‌ها، زیرساخت‌ها و سیستم نظارتی قانونی مشخص می‌کند. روسیه اعلام کرده است که به برنامه نوسازی دفاعی خود در سال ۲۰۰۸ که خواستار روباتیک کردن ۳۰ درصد تجهیزات نظامی این کشور تا سال ۲۰۲۵ بود، ادامه خواهد داد (Kelley M. Saylor, 2024).

۳. روش‌شناسی

این پژوهش از نظر هدف توسعه‌ای و کاربردی، بر اساس ماهیت داده‌ها، کیفی و از نظر روش جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات، کیفی و از نظر روش جمع‌آوری داده، اسنادی است. روش انجام پژوهش، تحلیلی - توصیفی است و داده‌های کیفی از روش پژوهش فراترکیب یا متاستز جمع‌آوری شدند. فراترکیب روش تحقیق فراترکیب که یکی از انواع روش‌های فرامطالعه است و یک روش تحقیق کیفی محسوب می‌شود. در واقع نوعی مطالعه کیفی است که از اطلاعات یافته‌های مستخرج از مطالعات دیگر در زمینه موضوع مرتبط، استفاده می‌کند (باقری هشی و غلامی، ۱۴۰۳). در این پژوهش، از روش فراترکیب به منظور برای دستیابی به اهداف از روش فراترکیب، از الگوی سندلوسکی و باروسو^۱ (۲۰۰۷) استفاده می‌شود. این الگو شامل بررسی منظم یافته‌های تحقیقات کیفی است تا از طریق هفت مرحله، تفسیر جدیدی ایجاد شود و شامل هفت گام به شرح شکل ۵ است؛



شکل ۵: مراحل روش سندلوسکی و باروسو

۴. تجزیه و تحلیل اطلاعات به دست آمده از روش فراترکیب

پارامترهای مرتبط با معیار انتخاب مقالات، بازه زمانی مقالات چاپ شده و روش تجزیه و تحلیل بر اساس اهداف و مسئله اصلی پژوهش مشخص شده است. بر اساس اهداف پژوهش، بررسی منظمی از یافته‌های تحقیقات کیفی صورت گرفت.

1. Sandlowski and Barroso

بدین منظور از کلیدواژه‌های فناوری نوظهور، اکتساب فناوری، نظام اکتساب دفاعی، دیده‌بانی، پیش‌بینی، فن‌کاوی فناوری و جنگ آینده، محیط رزم آینده جهت جست‌وجو استفاده شد. این جست‌وجوها در عناوین، چکیده و کلمات کلیدی مقالات منتشر شده انجام شد.

۴-۱. مشخص کردن هدف

در گام اول اجرای تحقیق با روش فرا ترکیب نیاز است تا هدف اصلی پژوهش آشکار شود. هدف اصلی این پژوهش، شناسایی ابعاد و مؤلفه‌های مؤثر در نظام اکتساب فناوری‌های نوظهور است.

گام دوم، مشخص کردن سؤالات پژوهش، مفاهیم کلیدی و منابع جست‌وجو. برای تکمیل سؤالات پژوهش، موارد زیر بررسی و پاسخ داده شد؛

۱. چه چیزی: شناسایی ابعاد و مؤلفه‌های نظام اکتساب فناوری‌های نوظهور در

نیروهای مسلح در بخش‌های مختلفی مورد مطالعه قرار گرفت. بنابراین سعی شد تنها به منابعی که به موضوع اکتساب، به‌کارگیری و دستیابی به فناوری‌های نوظهور بحث می‌کنند، مراجعه گردد؛

۲. جامعه مورد مطالعه؛ شامل منابع مختلف از جمله کتاب‌ها، رساله‌ها، مقاله‌ها و پروژه‌های تحقیقاتی منتشر شده و موجود در پایگاه‌های اطلاعاتی، فصلنامه‌های علمی - پژوهشی است؛

۳. بازه زمانی پژوهش؛ از سال (۲۰۰۸) تا (۲۰۲۳) میلادی در منابع خارجی و متناسب با آن از (۱۴۰۲-۱۳۸۷) شمسی در منابع داخلی تا زمان انجام پژوهش است؛

۴. چگونگی روش مطالعه؛ با روش تحلیل اسناد، داده‌های کیفی تحلیل شدند؛

۵. واژه‌های کلیدی؛ برخی از مهم‌ترین مفاهیم کلیدی که در جست‌وجو مورد استفاده قرار گرفتند شامل موارد جدول شماره ۳ هستند.

جدول ۳: برخی از واژه‌های کلیدی جست‌وجو

تعداد منابع (مقاله و ...)	معادل انگلیسی	واژه فارسی
۳۱	Emerging technology	فناوری نوظهور
۲۵	acquisition Technology	اکتساب فناوری
۲۷	acquisition system	نظام اکتساب دفاعی

۱۲	Technology monitoring, Technology forecasting, mining technology	دیده‌بانی، پیش‌بینی و فن‌کاوی فناوری
۲۹	Technology and future war	فناوری و جنگ آینده
۴۳	Future combat environment	محیط رزم آینده
۲۰	the system	نظام
۲۰	Technological innovations	نوآوری‌های فناورانه
۴	Technological foresight	آینده‌نگاری فناوری
۱۱	Technological changes	هوشمندی
۱۳	Technology management	مدیریت فناوری
۲۳۵	Total	جمع

۴-۲. بررسی و جست‌وجوی انتخابی مقالات و منابع مرتبط منابع

در این گام با توجه به سؤال پژوهش، برای بررسی و تحلیل و انتخاب منابع مناسب از مراحل معرفی شده استفاده شده است. در این فرایند بازبینی بر روی پارامترهای مختلفی مانند جزئیات مقاله، عنوان، کلمات کلیدی، چکیده، دسترسی‌پذیری، محتوا و کیفیت مقاله را در نظر گرفته و در هر مرحله تعدادی از مقالات حذف شد. ۶۴ مقاله نهایی باقی ماند.

جدول ۴: الگوی انتخاب مقاله‌های نهایی

مراحل	مقالات مورد بررسی	مقالات حذف شده	دلایل حذف مقالات
جست‌وجوی کلمات کلیدی در پایگاه‌های داده	ورود ۲۳۵ مقاله و بررسی عناوین	خروج ۹۰ مقاله	نامرتب بودن عنوان، نمایه نبودن مجله غیرفارسی در اسکوپوس و مقالات تکراری در پایگاه‌های داده فارسی
بررسی مقالات انتخاب شده در مرحله قبل	ورود ۱۴۵ مقاله و بررسی چکیده	خروج ۳۵ مقاله	نامرتب بودن هدف، روش غیر کیفی
بررسی مقالات انتخاب شده در مرحله قبل	ورود ۱۱۰ مقاله و بررسی کل مقاله	خروج ۳۶ مقاله	نامرتب بودن هدف، روش غیر کیفی، یافته‌های غیرمرتبط
بررسی مقالات انتخاب شده در مرحله قبل	ورود ۷۴ مقاله و مشاوره برای اجماع نظری	خروج ۱۰ مقاله	نامرتب بودن هدف، روش غیر کیفی، یافته‌های غیرمرتبط، طرح تحقیقاتی ناسازگار با هدف پژوهش
تعداد مقالات نهایی	ورود ۶۴ مقاله مرتبط با هدف پژوهش		

۵. استخراج مفاهیم و کدهای مرتبط با موضوع پژوهش

در این مرحله، با بررسی دقیق محتوای مقالات نهایی، کدگذاری اجرا شد و کدهایی که ارتباط با واژه‌های کلیدی داشتند، انتخاب و بر اساس آن‌ها مفاهیم و مقوله‌ها شکل گرفت. در ادامه به برخی از کدهای استخراج شده به همراه منبع هریک به صورت نمونه در جدول ۵ ارائه شده است.

جدول ۵: نمونه‌ای از واحدها و کدهای استخراج شده

ردیف	نویسنده / نویسندگان	سال انتشار	نوع منبع	کدهای مرتبط با نظام اکتساب فناوری‌های نوظهور
۱	هیلاری سیلیتو و همکاران	۲۰۱۸	مقاله	مینیمالیستی، سازنده‌گر، واقع‌گرای معتدل، سیستم‌های پیچیده، حالت و فرایند
۲	فرحی و آراستی	۱۳۹۳	مقاله	نظام مدیریت فناوری (راهبردی و عملیاتی)، تأثیرپذیری مثبت فرایندها، هم‌افزایی فناوری‌ها.
۳	گروه نویسندگان	۲۰۱۶	کتاب	اجزای اساسی، تعامل و ساختار، هدف، رفتار، چرخه زندگی
۴	بروس مک ناتون.	۲۰۲۳	پروژه تحقیقاتی	دیدگاه ساختاری (قطعات و روابط آن‌ها)، نمای رفتاری (پویایی سیستم)، نمای ویژگی‌های سیستم، (ویژگی‌های نوظهور ایجاد شده از طریق تعامل قطعات)
۵	استفان سیلفورسکی اولد	۲۰۲۱	مقاله	توان رزمی به‌عنوان یک سیستم، دیدگاه محوری ایجاد قابلیت نظامی، ارزیابی سودمندی کاربرد نظامی آینده فناوری (اثربخشی، شایستگی و مقرون به صرفه بودن)، پیش‌بینی فناوری
۸	کیارسری و فرتاش	۱۳۹۹	مقاله	نقشه راه فناوری (شناسایی شکاف‌ها و محدودیت‌ها، ارزیابی اقدامات اجرایی و رتبه‌بندی و زمان‌بندی)
۱۹	شورای راهبردی اطلاعات ملی آمریکا	۲۰۲۱	پروژه	سخت‌افزار (خود سیستم‌های تسلیحاتی و فناوری‌های جدید)، نرم‌افزار (دکترین، آموزش و روش‌های استفاده از این فناوری‌های جدید) و کاربران (دولت‌ها یا بازیگران غیردولتی که از این سلاح‌ها و دکترین‌ها استفاده می‌کنند).

۱-۵. ترکیب یافته‌های کیفی و استخراج مقوله‌ها

در این مرحله بعد از استخراج کدها و شناخت مفاهیم (قریب به ۳۰۰ کد) از منابع انتخاب شده در جدول ۵، طبقه‌بندی آن‌ها در قالبی مناسب شکل گرفت. تا شرایط بهتری برای تفسیر یکپارچه و تازه‌ای از یافته ایجاد شده و به بهترین توصیف ممکن برای مفاهیم برسیم. یافته بعدی که در این فرایند فراترکیب حاصل شد، تبیین ارتباط بین مفاهیم، مقوله‌ها و مضامین است. جدول ۶ نمونه‌ای از ارتباط میان مفاهیم، مقوله‌ها برای شکل‌گیری قضیه را نشان می‌دهد.

جدول ۶: ارتباط میان مفاهیم، مقوله‌ها و قضایا

فرآوانی	منبع کدها	مقوله‌ها	قضیه
۳۵	جهانپور، ۱۳۹۰، آلن آل پورتر، ۲۰۰۴، محمدی و همکاران، ۱۴۰۰، دانیل روتور، ۲۰۱۵ و ...	پیش دیدبانی	تبیین رابطه بین مفاهیم، مقوله‌ها و مضامین
	جهانپور، ۱۳۹۰، میرشاه ولایتی و نظری، ۱۳۹۸، آلن پورتر، ۲۰۰۴ و ...	دیدبانی اصلی	
	جهانپور، ۱۳۹۰، آلن آل پورتر، ۲۰۰۴، میرشاه ولایتی و نظری، ۱۳۹۸ و ...	پس دیدبانی	
	میرشاه ولایتی و نظری زاده، ۱۳۹۸، ناسولوا و همکاران، ۲۰۱۵، و ...	پایش راهبردی	
	میرشاه ولایتی و نظری زاده، ۱۳۹۸ - عیسوند و همکاران، ۱۴۰۰، ناسولوا و همکاران، ۲۰۱۵، و ...	پویش راهبردی	
	میرشاه ولایتی و نظری زاده، ۱۳۹۸، آجی الله، ۲۰۱۸، ناسولوا و همکاران، ۲۰۱۵، محمدی و همکاران، ۱۴۰۰ و ...	پیش‌بینی راهبردی	
۱۵	دسترنج و همکاران، ۱۳۹۵، استفان سیلفورسکی اولد، ۲۰۲۱، گزارش کمیته منتخب مجلس نمایندگان ایالات متحده، ۲۰۱۸ و ...	تجزیه و تحلیل سازمان رزمی	تبیین رابطه بین مفاهیم، مقوله‌ها و مضامین
	استفان سیلفورسکی اولد، ۲۰۲۱، دسترنج و همکاران، ۱۳۹۵، گزارش کمیته منتخب مجلس نمایندگان ایالات متحده، ۲۰۱۸ و ...	تجزیه و تحلیل برنامه‌های آمادگی رزمی؛	
	شورای راهبردی وزارت دفاع آمریکا، ۲۰۲۱، راندولف کنت، ۲۰۱۵، عیسوند و همکاران، ۱۴۰۰ - ای کی آنتونی، راکشا مانتی، ۲۰۱۳، رافائل کوهن و همکاران، ۲۰۱۸، مایکل راسکا ۲۰۲۱، و ...	تجزیه و تحلیل دینامیک‌های درحال ظهور میدان نبرد	

فرآوانی	منبع کدها	مقوله‌ها	قضیه
۲۵	دسترنج و همکاران، ۱۳۹۱-کیاسری و فرتاش، ۱۳۹۹- ای کی آنتونی، راکشا مانتری، ۲۰۱۳، اخروی و شکیبامنش، ۱۳۹۷، بندریان، ۱۳۹۱- دسترنج و همکاران، ۱۳۹۵- کریستن هوته، ۲۰۲۳، محمدی فاتح و ابراهیمی، ۱۳۹۹- کیاسری و فرتاش ۱۳۹۹ و ...	تدوین رنگاشت نگاری ترکیبی مسیرهای فناوریانه	مدیریت و برنامه‌ریزی راهبردی
	آجی الله، ۲۰۱۸، اخروی و شکیبامنش، ۱۳۹۷، استغان سیلورسگی اولد، ۲۰۲۱ و ...	ترسیم معماری دفاعی آینده	
	مایکل راسکا، ۲۰۲۰، ژان چارلز دومرکانت، ۲۰۱۱، مگی مارکوم و میلشن، ۲۰۱۴ و ...	ایجاد اکوسیستم دفاعی/ نوآوری	
	فاطمه ثقفی و همکاران، ۱۳۹۹- قاسمی و همکاران، ۱۳۹۹ و ...	تدوین فرایندهای همپایی و پسا همپایی فناوری	
۲۵	استغان سیلفورسگی اولد، ۲۰۲۱، میرزاپور ارمکی و رثوفیان، ۱۴۰۰، بهرامی‌پور و همکاران، ۱۴۰۱ و ...	شناسایی چالش‌ها (داخلی، خارجی، تلفیقی)	مدیریت راهبردی اکتساب
	کلی‌ام سیلر، ۲۰۲۲، میرزاپور ارمکی و رثوفیان، ۱۴۰۰، کریمی‌پور و همکاران، ۱۳۹۸، رثوفیان و همکاران، ۱۳۹۸	شناسایی مشکلات و موانع اکتساب فناوری (عوامل مؤثر)	
	استغان سیلفورسگی اولد، ۲۰۲۱، ای کی آنتونی، راکشا مانتری، ۲۰۱۳، آلن آل پورتر، ۲۰۰۴، میرزاپور ارمکی و رثوفیان، ۱۴۰۰، ژان چارلز دومرکانت، ۲۰۱۱ و ...	تجزیه و تحلیل سرمایه و بازار	
	استغان سیلفورسگی اولد، ۲۰۲۱، میرزاپور ارمکی و رثوفیان، ۱۴۰۰، بهرامی‌پور و همکاران، ۱۴۰۱، آلن آل پورتر، ۲۰۰۴ و ...	تجزیه و تحلیل مقررات	
	کریمی‌پور و همکاران، ۱۳۹۸ ای کی آنتونی، راکشا مانتری، ۲۰۱۳	تعیین شرایط زمینه‌ای کسب فناوری نوظهور	
	کریمی‌پور و همکاران، ۱۳۹۸، ای کی آنتونی، راکشا مانتری، ۲۰۱۳، رثوفیان و همکاران، ۱۳۹۸	تجزیه و تحلیل ریسک‌های اکتساب فناوری نوظهور	
	فرانکلین و اندورز، ۲۰۱۶ گزارش کمیته منتخب مجلس نمایندگان ایالات متحده، ۲۰۱۸، کریمی‌پور و همکاران، ۱۳۹۸	تعیین سازماندهی و ساختار اجرایی پروژه اکتساب	
۱۳	گزارش کمیته منتخب نمایندگان آمریکا، ۲۰۱۸- قلی زاده و همکاران، ۱۳۹۴- دانیل روتور، ۲۰۱۵- بابایی و همکاران، ۱۳۹۶	راهبرد بازنگری و بازخورد	مدیریت راهبردی راهبردی عصر فناوری

قصبیه	مقوله‌ها	منبع کدها	فراوانی
	راهبرد بهبود و ارتقا	گزارش کمیته منتخب نمایندگان آمریکا، ۲۰۱۸- قلی زاده و همکاران، ۱۳۹۴- دانیل روتور، ۲۰۱۵- بابایی و همکاران، ۱۳۹۶	
	راهبرد حفظ و نگهداری	گزارش کمیته منتخب نمایندگان آمریکا، ۲۰۱۸- قلی زاده و همکاران، ۱۳۹۴- دانیل روتور، ۲۰۱۵- بابایی و همکاران، ۱۳۹۶	
رهبری نظام فناوری	مدیریت بهره‌برداری مسئولانه	دفتر پاسخگویی دولت وزارت دفاع آمریکا، ۲۰۲۱- جهانپور، ۱۳۹۰، مایکل راسکا ۲۰۲۰- مایکل بی هویزه، ۲۰۱۵	۱۴
	مدیریت اقدامات حفاظتی	دفتر پاسخگویی دولت وزارت دفاع آمریکا، ۲۰۲۱- جهانپور، ۱۳۹۰، مایکل راسکا ۲۰۲۰- مایکل بی هویزه، ۲۰۱۵	

۵-۲. تحلیل و ترکیب یافته‌های کیفی

در این مرحله محقق جهت ارزیابی کیفیت فرایند فراترکیب، از ابزار حیاتی گلین (۲۰۰۶) استفاده نموده است. در این پژوهش، علاوه بر موارد اشاره شده محقق برای کنترل مفاهیم استخراجی خود از مقایسه نظرات خود با یک خبره دیگر نیز استفاده نمود. برابر آنچه قبلاً نیز عنوان شد است، برای حصول این منظور تعدادی از مقالات انتخابی در اختیار یکی از خبرگان قرار گرفت و نتایج حاصله از طریق شاخص پایایی ارزیاب‌ها، ارزیابی گردید. مقدار ضریب محاسبه شده ۸۰ درصد می‌باشد.

۵-۳. ارائه یافته‌ها در قالب مدل مفهومی (مؤلفه‌های نظام اکتساب)

در این مرحله با استفاده از کدهای استخراج شده در مراحل قبلی به ارائه یافته‌ها در قالب مفاهیم پرداخته شد و کدهای تکراری حذف و بقیه کدها در زیر یک مفهوم مشابه دسته‌بندی شدند و سپس مفاهیم نیز در مقوله‌های کلی‌تر قرار گرفتند. به‌طورکلی ۳۰۰ کد از منابع مورد مطالعه استخراج شد که این کدها در ۲۴ مؤلفه و هفت بُعد اصلی قرار گرفتند که اطلاعات آن‌ها در جدول ۶ آمده است.

پاسخ به سؤال یکم؛ نظام اکتساب بنابر آنچه در ادبیات به آن اشاره مختصری شد در واقع مجموعه‌ای از عوامل و عناصر منظم و به هم پیوسته (اجزای اساسی) که همواره در یکی از نقش‌های نهاده، فعالیت تبدیل، ستاده و محیط ظاهر و به‌طور هماهنگ در راستای اکتساب فناوری‌های نوظهور در نیروهای مسلح با یکدیگر در تعامل‌اند تا ارزش‌ها و هنجارها، شرایط و مقتضیات محیطی و کارکرد اساسی نظام

مذکور تنظیم گردد. به بیان دیگر، طراحی نظام اکتساب فناوری نوظهور، به معنی تعیین اجزای اصلی مؤثر در اکتساب فناوری نوظهور با تبیین کارکرد مستقل و وابسته هر یک از آن‌ها باهم برای فهم و جهت‌گیری سیستمی در ارتباط با نهادینه نمودن ابعاد و مؤلفه‌های اکتساب فناوری‌های نوظهور به‌منظور زمینه‌سازی و ایجاد چهارچوب‌هایی برای انجام تکالیف سازمانی هست.

اجزای اساسی نظام در واقع همان واحدهای عملکردی یا همان عناصر اساسی‌اند که به هم مرتبط و تعامل دارند و این تعامل و وابستگی بین آن‌ها پویایی نظام را در پی خواهد داشت. از این رو، در مدل ارائه شده سعی شد، تعامل، ساختار، هدف و رفتار اجزای اساسی به‌خوبی تبیین و ترسیم شود.

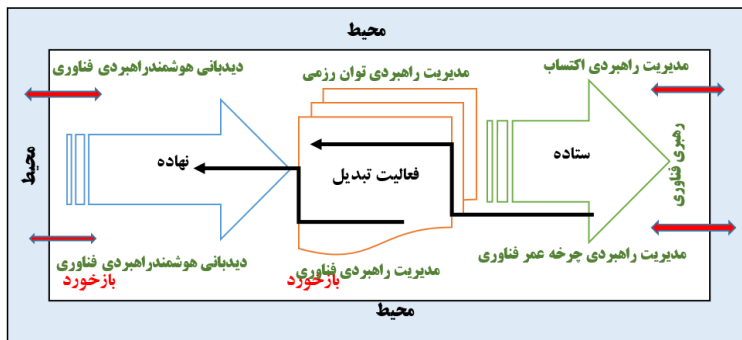
با مطالعه منابع منتخب و کدگذاری آن‌ها، به‌محض این‌که کدها شناسایی و مشخص شدند، یک طبقه‌بندی جدیدی شکل گرفت. در این مرحله کدگذاری محوری بر روی کدهای استخراج شده صورت گرفت تا اجزای اصلی نظام اکتساب فناوری‌های نوظهور (سؤال اول) شکل گیرد. با در نظر گرفتن مفهوم هر یک از کدها، آن‌ها را در یک مفهوم مشابه دسته‌بندی شد و در نتیجه مفاهیم پژوهش مشخص گردید. در گام بعدی کدگذاری بر روی مفاهیم صورت گرفت. در این مرحله سعی شد مفاهیم با یکدیگر مقایسه شوند تا شباهت‌ها و تفاوت‌هایشان مشخص گردد و زمینه برای شکل‌گیری مقوله‌ها فراهم شود.

جدول ۷: نمونه‌ای از کدگذاری محوری در راستای تعیین اجزای اساسی

مؤلفه‌های اساسی		اجزای (عوامل و عناصر) نظام و ماهیت آن‌ها		
مقاله	مؤلفه	ماهیت	کدهای استخراج شده	کد منبع
اجزای اساسی نظام اکتساب فناوری‌های نوظهور	مدیریت فناوری	فرایند تبدیل	نظام مدیریت فناوری (راهبردی و عملیاتی)، تأثیرپذیری مثبت فرایندها، هم‌افزایی فناوری‌ها، نمای ویژگی‌های سیستم (ویژگی‌های نوظهور ایجاد شده از طریق تعامل قطعات)، سیاست‌گذاری، هماهنگی و نظارت کلان	۱، ۲، ۳
		ورودی	برتری هوشیاری میدان نبرد، دیدگاه محوری ایجاد قابلیت نظامی، ارزیابی سودمندی کاربرد نظامی آینده فناوری	۵، ۶
	توان رزمی	ورودی	ارزیابی سودمندی کاربرد نظامی آینده فناوری (اثربخشی، شایستگی و مقرون به‌صرفه بودن)	۵، ۶
		ورودی	تخمین وضعیت‌های گذشته و حال توان رزمی	۵، ۶

۹،۷،۸ و ۱۰	شناسایی، طبقه‌بندی و تعیین حیطه کاربرد فناوری‌های نوظهور (تکنیکی، تاکتیکی، راهبردی)، رویکرد تحقیق و توسعه باز (ایجاد همکاری، اکتشاف، آزمایش و ارزیابی) شناسایی چالش‌ها (داخلی، خارجی، تلفیقی)	فرایند تبدیل	مدیریت فناوری
۱۲،۱۳	هوشمند بودن سلاح‌ها (کاربرد وسیع هوش مصنوعی در سلاح، تسلیحات و تجهیزات)، نگاه سیستمی، نحوه آگاهی و اشراف از تغییر و تحول‌های فناوری	پیامد	هوشمندی راهبردی

با توجه به تحلیل‌های انجام‌شده و نتایج خلاصه‌شده در جدول ۷ در پاسخ به این سؤال که اجزا اصلی نظام اکتساب فناوری‌های نوظهور در نیروهای مسلح کدام‌اند؟ اکنون به راحتی می‌توان به هر یک از این اجزای نظام پرداخت و شرحی کامل در خصوص اجزای نظام (ورودی، فرایند تبدیل، خروجی، پیامد و بازخورد) ارائه نمود. شکل ۶: اجزای نظام اکتساب فناوری‌های نوظهور را در قالب کلی نمایش می‌دهد که به شرح مختصر هر یک از این اجزا پرداخته می‌شود.



شکل ۶: اجزای نظام اکتساب فناوری‌های نوظهور

نهاده: آنچه به‌عنوان نهاده (ورودی) نظام اکتساب فناوری‌های نوظهور مهم و مطرح است، درک موج تغییر سریع فناوری است که بر اساس ارتباط جهانی، هوش مصنوعی سیلیکون پایه، زیست‌فناوری و پیشرفت‌های در حال وقوع در توانایی و توانمندی سامانه‌های رباتیک مختلف شکل گرفته است. این درک می‌تواند به معنی «رصد تغییرات و تحول‌های فناورانه نوظهور که به اصطلاح «انقلاب صنعتی چهارم»

نامیده می‌شود و در حال شالوده‌شکنی حوزه‌های مختلفی از جمله ارتباطات، کسب و کار، حمل و نقل، اقتصاد، جنگ و ... است، باشد. نتایج تحلیل حاکی از این است که در مقوله اجزای نظام اکتساب فناوری‌های نوظهور، مؤلفه مهم و راهبردی مطرح؛ «دیدبانی هوشمند راهبردی فناوری» می‌باشد در ادامه با توجه به نتایج تحلیلی بخش قبل، سعی می‌شود به‌طور مختصر به آن‌ها پرداخته شود.

فرایند تبدیل: فرایند تبدیل، توالی فعالیت‌هایی است که با تولید خروجی‌های موردنیاز از ورودی‌های متنوع، ارزش افزوده و مزیت ایجاد می‌کنند. همچنین، شامل مجموعه‌ای از فعالیت‌هاست که یک یا چند ورودی را به یک خروجی مشخص تبدیل می‌کند که این خروجی برای ذی‌نفعان ارزش و مزیت تولید می‌کند. برابر تحلیل‌های انجام‌شده و نتایج خلاصه جدول فوق جزء فرایند در نظام اکتساب فناوری‌های نوظهور خود متشکل از دو فرایند مدیریت راهبردی توان رزمی و فرایند مدیریت راهبردی فناوری است. نتایج تحلیل‌ها به‌خوبی نمایانگر این موضوع است که «مدیریت راهبردی توان رزمی» یکی از محوری‌ترین اجزای نظام اکتساب فناوری‌های نوظهور در محیط سازمانی نیروهای مسلح است. مؤلفه مدیریت راهبردی توان رزمی در این سازه با مفاهیمی همانند؛ سازمان رزم، برنامه آمادگی رزمی و دینامیک‌های در حال ظهور میدان نبرد، ساخته و پرداخته شده است.

ستاده: خروجی که از فرایند تبدیل در بخش فوق با در نظر گرفتن تحلیل‌های صورت‌گرفته، مورد انتظار است. می‌تواند در دو مفهوم اساسی «مدیریت راهبردی فناوری‌های نوظهور» و «مدیریت راهبردی اکتساب فناوری‌های نوظهور» ارائه شود تا برای کارکنان نظام اکتساب فناوری‌های نوظهور در شکل بهتری قابل درک باشد. در واقع این دو مفهوم اجزای اساسی نظام اکتساب فناوری‌های نوظهور در بخش خروجی نظام را شکل می‌دهند.

پیامد: از نظر نوشتاری، پیامدها با واژه‌هایی همچون کاهش، گسترش، افزایش، زدودن، شکل‌گیری، پیدایش و ... آغاز می‌شوند. مهم‌ترین پیامد نظام اکتساب فناوری‌های نوظهور، رهبری نظام اکتساب یا به بیان دیگر رهبری فناوری است که مستلزم بهره‌برداری مسئولانه، حفاظت راهبردی و هدایت و جهت‌دهی راهبردی فناوری است. افزون بر این، تصمیم‌گیری درباره میزان سرمایه‌گذاری در زمینه فناوری، انتخاب رویکردها و ابزارهای مورد استفاده و تعدیل ساختارهای سازمانی، مهارت‌های ضروری و روابط در زنجیره ارزش به‌منظور ایجاد ارزش بیشتر برای ذی‌نفعان نیز از اقدامات این جز از نظام اکتساب فناوری‌های نوظهور است.

بازخور: مهم‌ترین انتظاری که از نظام اکتساب دفاعی می‌رود پاسخ به هنگام و مؤثر به نیازها و غلبه بر مشکلات اکتساب فناوری‌های نوظهور در یک محیط پیچیده و متغیر است. مشکل اصلی نظام اکتساب فناوری‌های نوظهور کوتاه‌تر شدن چرخه عمر فناوری است. توسعه فناوری‌ها در سال‌های اخیر مدام سریع‌تر شده است و این امر به معنای آن است که چرخه عمر فناوری‌ها مدام کوتاه‌تر شده است. این ویژگی در خصوص فناوری‌های پیشرفته به‌شدت کلیدی‌تر است چرا که فناوری‌های پیشرفته عمده‌تاً دارای چرخه عمر سریع‌تری نیز هستند. به همین دلیل به مانند گذشته نمی‌توان به راحتی وضعیت یک فناوری و موقعیت دقیق آن را در چرخه عمر به خوبی تشخیص داد. به منظور بازخور، یعنی سنجش و مقایسه عملکرد واقعی نظام اکتساب فناوری‌های نوظهور با اجزای از پیش تعیین شده که در بخش‌های قبلی به آن‌ها اشاره شد، راهبرد بهبود و ارتقا، راهبرد بازنگری و بازخورد و راهبرد حفظ و نگهداری در قالب مدیریت راهبردی چرخه عمر فناوری‌های نوظهور احصا شد.

چنین رابطه‌ای بین اجزای اساسی مرزبندی‌ها را با محیط نظام مشخص می‌کند و ساختار به شکلی هماهنگ نمایان می‌شود. نمایش هماهنگی بین تمام اجزای اساسی در این مدل در رسیدن به هدف مرکزی (اکتساب فناوری‌های نوظهور) از درجه اهمیت بالاتری برخوردار است و تمام فعالیت‌های برای رسیدن به نتیجه مطلوب یکپارچه به نظر می‌رسد. منظور از یکپارچه‌سازی تمام فعالیت‌های در این نظام، اجرای کار ترکیبی همه اجزا به منظور دستیابی به هدف مرکزی نظام است. هدف از به‌کارگیری واژه یکپارچه‌سازی کاملاً واضح است. چرا که نظام باید به‌عنوان «کل» در نظر گرفته شود نه فقط به‌عنوان مجموع اجزای آن، تا هم‌افزایی لازم محقق گردد. یعنی چهارچوب‌بندی اجزای اساسی نظام ارائه شده در تعامل پویا با همدیگر، داری درجه بالایی از هم‌افزایی هستند.

در پاسخ به سؤال دوم تحقیق: به منظور شناسایی ابعاد و مؤلفه‌ها و زیرمؤلفه‌های تشکیل‌دهنده نظام اکتساب فناوری‌های نوظهور در نیروهای مسلح، ابتدا با استفاده از روش مرور نظام‌مند که در سطور قبلی به آن اشاره شد، بررسی و مطالعه عمیق مقالات منتخب انجام شد. در این راستا مطالعه مقالات و متون منتخب در دستور کار قرار گرفت و برای تحلیل داده‌ها از فرایند کدگذاری باز و محوری استفاده شد. در نتیجه کدگذاری و حذف کدهای تکراری و تلخیص نهایی داده‌ها تعداد ۳۰۰ کد شناسایی گردید و سپس از ترکیب کدهای مشابه زیرمؤلفه‌ها و مؤلفه‌ها شناسایی و در کنار هم قرار داده شدند تا مفاهیم و از تلفیق مفاهیم مشابه مقوله‌ها به وجود

آمدند. در این مرحله با استفاده از کدهای استخراج شده در مراحل قبلی به ارائه یافته‌ها در قالب مفاهیم پرداخته شد و کدهای تکراری حذف و بقیه کدها در زیر یک مفهوم مشابه دسته‌بندی شدند و سپس مفاهیم نیز در مقوله‌های کلی‌تر قرار گرفتند. به‌طور کلی ۳۰۰ کد از منابع مورد مطالعه استخراج شد که این کدها در ۲۴ مؤلفه و ۷ بعد اصلی قرار گرفتند که اطلاعات آن‌ها در جدول ۶ آمده است. در نتیجه مراحل مختلف کدگذاری، ابعاد و مؤلفه‌های نظام اکتساب فناوری‌های نوظهور در نیروهای مسلح ج. ا. ایران مشخص شد. این نظام دارای ۷ بُعد و ۲۶ مؤلفه به این شرح است؛

۱. بُعد دیدبانی هوشمند راهبردی فناوری با ۶ مؤلفه؛ پیش دیدبانی، دیدبانی اصلی، پس دیدبانی، پیش راهبردی، پویا راهبردی و پیش‌بینی راهبردی؛
۲. بُعد مدیریت راهبردی توان رزمی با ۳ مؤلفه؛ تجزیه و تحلیل سازمان رزم، تجزیه و تحلیل برنامه آمادگی رزمی، دینامیک‌های در حال ظهور میدان نبرد؛
۳. بُعد مدیریت راهبردی فناوری با ۴ مؤلفه؛ ترسیم معماری دفاعی آینده، تدوین نقشه راه فناوری، تدوین راهبردهای همپایی و پسا همپایی فناوری، ایجاد زیست‌بوم دفاعی- نوآوری؛
۴. بُعد مدیریت راهبردی اکتساب با ۶ مؤلفه؛ تجزیه و تحلیل دکترین، قوانین و مقررات، تعیین شرایط زمینه‌ای اکتساب (پیش اکتساب)، شناسایی عوامل مؤثر بر اکتساب، شناسایی چالش‌های اکتساب (داخلی، خارجی، تلفیقی)، تجزیه و تحلیل بازار و سرمایه، تجزیه و تحلیل ریسک‌های اکتساب؛
۵. بُعد مدیریت راهبردی چرخه عمر فناوری با ۳ مؤلفه؛ راهبرد بهبود و ارتقا، راهبرد بازنگری و بازخورد، راهبرد حفظ و نگهداری؛
۶. بُعد رهبری نظام فناوری با ۳ مؤلفه؛ همکاری دو طرفه و هدایت و جهت‌دهی، مسئولیت‌پذیری و بهره‌برداری مسئولانه، حفظ و راهبردی فناوری.

در پاسخ به سؤال سوم پژوهش (ارائه مدل مفهومی نظام اکتساب فناوری‌های نوظهور) با توجه به اینکه در پژوهش حاضر برای مدل‌سازی از روش اکتشافی فراترکیب استفاده شده است. حال از ترکیب چهارچوب‌ها و نظریه‌های اشاره شده، مدل مفهومی پیشنهادی پژوهش به‌صورت شماتیک که شامل ابعاد و مؤلفه‌های تأثیرگذار بر اکتساب فناوری‌های نوظهور است، در شکل ۳ ارائه شد. بر اساس این مدل، ترتیب

توالی فعالیت‌ها در نظام اکتساب فناوری‌های نیروهای مسلح شامل فعالیت‌های یک تا هفتم به این شرح است:

- ❖ مرحله اول؛ دیدبانی هوشمند راهبردی فناوری؛
- ❖ مرحله دوم؛ مدیریت راهبردی توان رزمی؛
- ❖ مرحله سوم؛ مدیریت راهبردی فناوری؛
- ❖ مرحله چهارم؛ مدیریت راهبردی اکتساب فناوری؛
- ❖ مرحله پنجم؛ مدیریت راهبردی چرخه عمر فناوری؛
- ❖ مرحله ششم؛ رهبری نظام فناوری؛

با توجه به یافته‌ها، محقق سعی نموده تا در مدل ارائه شده تعامل، ساختار، هدف و رفتار اجزای اساسی به‌خوبی ترسیم شود. اجزای اساسی نظام در واقع همان واحدهای عملکردی به معنای عناصر اساسی‌اند که به هم مرتبط و تعامل دارند و این تعامل و وابستگی بین آن‌ها پویایی نظام را در پی خواهد داشت.

چنین رابطه‌ای بین اجزای اساسی مرزبندی‌ها را با محیط نظام مشخص می‌کند و ساختار به شکلی هماهنگ نمایان می‌شود. نمایش هماهنگی بین تمام اجزای اساسی در این مدل در رسیدن به هدف مرکزی (اکتساب فناوری‌های نوظهور) از درجه اهمیت بالاتری برخوردار است و تمام فعالیت‌های برای رسیدن به نتیجه مطلوب یکپارچه به نظر می‌رسد. منظور از یکپارچه‌سازی تمام فعالیت‌های در این نظام، اجرای کار ترکیبی همه اجزا به‌منظور دستیابی به هدف مرکزی نظام است. هدف از به‌کارگیری واژه یکپارچه‌سازی کاملاً واضح است. چرا که نظام باید به‌عنوان "کل" در نظر گرفته شود نه فقط به‌عنوان مجموع اجزای آن تا هم‌افزایی لازم محقق گردد. یعنی چهارچوب‌بندی اجزای اساسی نظام ارائه شده در تعامل پویا با همدیگر، داری درجه بالایی از هم‌افزایی هستند.

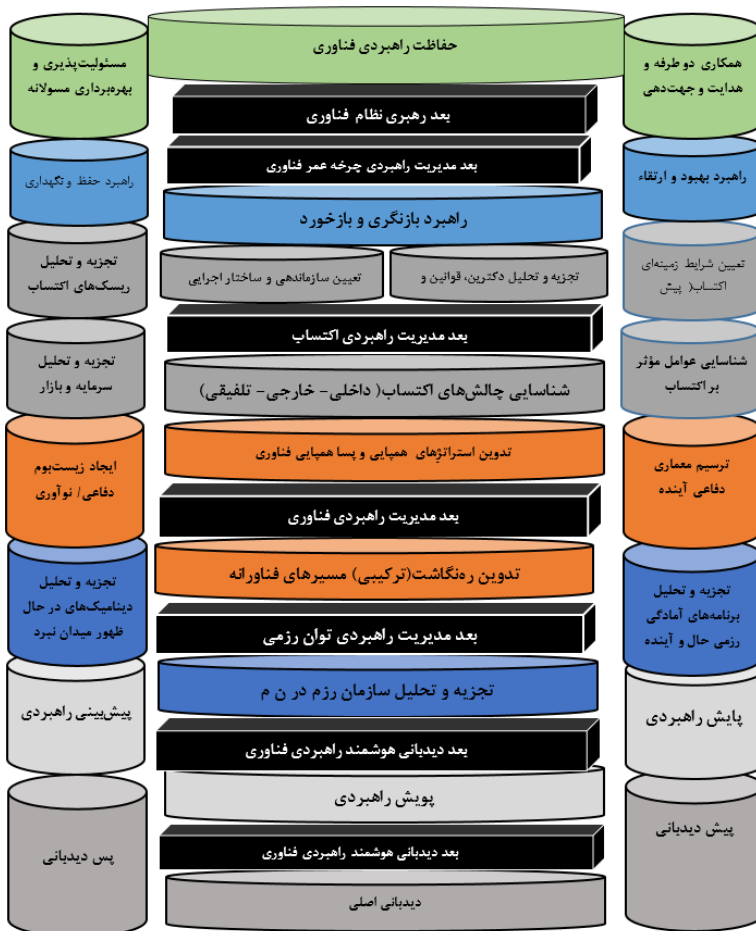
اعتبار این پژوهش در طی تحقیق و با استفاده از سازوکارهای مختلفی (روش سندلوسکی و بارسو) به شرح ذیل تأیید شده است؛

۱. استفاده از معیارهای ورود به بررسی، برگزاری جلسات ارزیابی و نظرخواهی برای گزارش جست‌وجوی مقالات، دسته‌بندی و ذخیره مقالات و بررسی آن‌ها به‌منظور افزایش روایی توصیفی؛
۲. برگزاری جلسات متعدد و ارزیابی نکته نظرات ارائه شده به‌منظور افزایش روایی تفسیری؛

۳. استفاده از یک متخصص (محقق ارشد) در زمینه پژوهش به‌منظور افزایش روایی نظری؛

۴. ممیزی کل فرایند برای اجماع نظری توسط همه اعضای مطالعه و محقق ارشد جهت افزایش روایی عملی.

پایایی پژوهش با استفاده از برنامه مهارت‌های ارزیابی انتقادی^۱ (CASP) توسط اعضای گروه مطالعه و محقق ارشد برای ارزیابی کیفیت، دقت، اعتبار و اهمیت مقاله‌های نهایی سنجیده شده است. ارزیابی انتقادی یک گام اساسی در تصمیم‌گیری مبتنی بر شواهد است. شرایط در نظر گرفته شده برای روش (CASP) در این پژوهش عبارت‌اند از: ۱. وضوح اهداف پژوهش؛ ۲. منطق روش‌شناسی؛ ۳. سازگاری طرح پژوهش برای دستیابی به اهداف؛ ۴. سازگاری روش نمونه‌گیری برای دستیابی به اهداف؛ ۵. سازگاری روش جمع‌آوری داده‌ها با موضوع پژوهش؛ ۶. کیفیت رابطه بین محقق و شرکت‌کنندگان؛ ۷. کیفیت ملاحظات اخلاقی؛ ۸. دقت در تجزیه و تحلیل داده‌ها؛ ۹. بیان شفاف یافته‌ها و ۱۰. ارزش تحقیق. از آنجایی که ۱۰ ویژگی وجود دارد و حداکثر امتیاز هر ویژگی ۵ می‌باشد؛ بنابراین بیشترین نمره‌ای که هر مقاله بر اساس مقیاس (CASP) کسب می‌کند ۵۰ می‌باشد. سپس با استفاده از ارزیابی مقایسه‌ای ۲ (سندلوسکی و بارسو، ۲۰۰۷) مقالات نهایی بر اساس پارامترهای شامل مشخصات نویسندگان، سال انتشار، عنوان مقاله، هدف، روش، تحلیل و یافته‌ها ارزشیابی شدند همچنین بر اساس برنامه مهارت‌های ارزیابی انتقادی (۲۰۱۸)، کیفیت مقالات ارزیابی و امتیاز داده شد. مقالات با امتیاز عالی (۴۱-۵۰) ۸۵ درصد و ۱۵ درصد باقی‌مانده با امتیاز بسیار خوب بود که نشان دهنده کیفیت مقالات نهایی است. به دلیل حجم زیاد مقالات نهایی، تنها ۵ مورد از آن‌ها در جدول ۴ ذکر شده است تا شیوه ارزیابی مقالات نشان داده شود. این روش برای همه مقالات نهایی که در پیشینه پژوهش بررسی شدند، انجام شده است.



شکل ۷: مدل مفهومی نظام اکتساب فناوری‌های نوظهور

۶. نتیجه‌گیری و پیشنهاد

فناوری‌های نوظهور از طریق توسعه تفوق دانش و تصمیم و استفاده از یک محیط امنیتی مملو از ابتکارات ارزان، توزیع‌شده و جهانی، اثربخشی عملیاتی در سازمان‌های نظامی را افزایش می‌دهند؛ بنابر این اکتساب این فناوری‌ها در زمان مناسب از غافلگیری فناورانه جلوگیری می‌نماید و مزیت یک جانبه‌ای به دست می‌آید. در ادبیات مرتبط با این فناوری‌ها عنوان‌های متعددی مانند: آینده‌پژوهی، پیش‌بینی، آینده‌نگری، اسکن آفق، آینده‌پژوهی، پیش‌بینی فناوری، داده‌کاوی،

متن‌کاوی، آینده‌شناسی، تماشای فناوری، تحلیل آینده‌نگر، فناوری‌های نوظهور، فناوری‌های شالوده‌شکن، آینده‌نگری راهبردی، نقشه راه، برنامه‌ریزی سناریو، طوفان فکری ساختاریافته، تجزیه و تحلیل مورفولوژیکی و فناوری‌های شالوده‌شکن نظامی، پژوهش‌هایی منتشر شده است.

اما در این پژوهش هدف کلی‌تری (نظام اکتساب فناوری‌های نوظهور) دنبال شد. زیرا باید توجه داشت که فناوری‌های پیشرفته و محیط امنیتی رقابتی جدید سازمان‌های نظامی را به سمت آزمایش ایده‌های متفاوت درباره محیط عملیاتی که تحت تأثیر این فناوری‌ها هستند، سوق می‌دهند. ایده‌های جدید باید برای رقابت در صحنه عملیات و غلبه بر دشمن طراحی گردند. از این‌رو، باید نظام‌ها و فرایندها در سازمان‌های نیروهای مسلح با توجه به تأثیر فناوری‌های نوظهور و پیشرفته بررسی شوند و تکامل یابند، تا روش‌های مؤثرتر و کارآمدتری برای ساختاردهی متناسب با فناوری‌های مذکور خلق نمایند.

نظام اکتساب، دربرگیرنده طراحی، مهندسی، آزمون، ارزیابی، تولید، عملیات و پشتیبانی از محصولات و فناوری‌های دفاعی است. اما در حوزه فناوری‌های نوظهور (داده‌ها، هوش مصنوعی، خودمختاری، فضا، کوانتوم، مافوق صوت، زیست‌فناوری، مواد) مسئله اکتساب با پیچیدگی‌ها و چالش‌هایی روبه‌رو است که ناشی از ویژگی‌های این فناوری‌ها از جمله؛ تازگی بنیادی، رشد نسبتاً سریع، میزان انسجام، تأثیر برجسته به‌علاوه عدم اطمینان و ابهام (روتولو، دی و همکاران، ۲۰۱۵)، هوشمند، به هم متصل، توزیع شده و دیجیتالی است (عیسوند و همکاران، ۲۰۲۰).

در این پژوهش با بهره‌گیری از روش فراترکیب و تجزیه و تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده، ابعاد، مؤلفه‌های نظام اکتساب فناوری‌های استخراج و نظام اکتساب فناوری‌های نوظهور مدل شد. مدل اولیه پژوهش را با استفاده از نظرات خبرگان مورد تأیید قرار داده و بعد از انجام اصلاحات پیشنهادی، مدل مفهومی تکمیلی پژوهش طراحی گردید. این مدل از ۷ بُعد شامل؛ بعد دیدبانی راهبردی فناوری با ۳ مؤلفه؛ پیش دیدبانی، دیدبانی اصلی و پس دیدبانی. بُعد هوشمندی راهبردی فناوری با ۳ مؤلفه؛ پایش راهبردی، پویش راهبردی و پیش‌بینی راهبردی. بُعد مدیریت راهبردی توان رزمی با ۳ مؤلفه؛ تجزیه و تحلیل سازمان رزم، تجزیه و تحلیل برنامه آمادگی رزمی و دینامیک‌های در حال ظهور میدان نبرد. بُعد مدیریت راهبردی فناوری با ۴ مؤلفه؛ ترسیم معماری دفاعی آینده، تدوین نقشه راه فناوری و تدوین راهبردهای همپایی و پسا همپایی فناوری، ایجاد زیست‌بوم دفاعی- نوآوری. بُعد

مدیریت راهبردی اکتساب با ۶ مؤلفه؛ تجزیه و تحلیل دکترین، قوانین و مقررات، تعیین شرایط زمینه‌ای اکتساب (پیش اکتساب)، شناسایی عوامل مؤثر بر اکتساب، شناسایی چالش‌های اکتساب (داخلی، خارجی و تلفیقی)، تجزیه و تحلیل بازار و سرمایه و تجزیه و تحلیل ریسک‌های اکتساب. بُعد مدیریت راهبردی چرخه عمر فناوری با ۳ مؤلفه؛ راهبرد بهبود و ارتقا، راهبرد بازنگری و بازخورد و راهبرد حفظ و نگهداری. بُعد رهبری فناوری با ۳ مؤلفه؛ هدایت و جهت‌دهی، بهره‌برداری مسئولانه و حفاظت و راهبردی فناوری، نظام اکتساب فناوری‌های نوظهور در نیروهای مسلح ج. ا. ایران را شکل می‌دهند.

۱-۶. دستاوردهای اجرایی و کارکردی پژوهش

در خلال نتایج پژوهش مشخص شد که کشورهای پیشرو (آمریکا چین و روسیه) برای ورود به عرصه عملیات فناورانه، تغییر در سرمایه‌گذاری‌ها، تفکر و ... را برای انطباق با این وضعیت جدید در دستور کار خود قرار داده‌اند و این رویکرد برای آن‌ها مهم و اجتناب‌ناپذیر است. در ادامه به این نکته هم اشاره شد که برای تحقق این امر، نیاز به تغییر راهبردها، ساختارها در سازمان‌های خود دارند. همچنین عنوان شد که در برخورد با فناوری‌های نوظهور آنچه از خود فناوری مهم‌تر است، نظام‌ها هستند نه فناوری‌ها. بر این اساس می‌توان به این شرح به دستاوردهای پژوهش پرداخت؛

۱. اولین و مهم‌ترین دستاورد این پژوهش طراحی و ارائه «نظام اکتساب» است. این به معنی ارائه و ایجاد منسجم‌ترین و معقول‌ترین ساختار ممکن بین ابعاد و مؤلفه‌های اساسی مؤثر در اکتساب فناوری‌های نوظهور؛
 ۲. اجزای اساسی که در قالب نظام اکتساب در این پژوهش احصاء و ارائه شد، نشان دهنده کوتاه‌ترین و سریع‌ترین مسیر به سوی اکتساب فناوری‌های نوظهور است؛
 ۳. موج فناوری‌های نوظهور نیاز به پذیرش راهبردها، سازمان‌ها و مفاهیم جدید دارد، این پژوهش مفاهیم و راهبردهای جدید در قالب ابعاد و مؤلفه‌های نظام اکتساب ارائه داده است؛
- ❖ «دیدهبانی و هوشمندی راهبردی فناوری» بر ردگیری هوشمندانه نخستین نشانه‌های تغییر یا تحول تأکید می‌کند تا بتوان بر اساس آن پاسخ سازمان به تغییر را بهینه کرد.

- ❖ «آگاهی (هوش) فناوری» به‌عنوان یک ابزار راهبردی برای حمایت از نوآوری باز برای شناسایی نقاط امیدوارکننده فناوری‌ها، فرصت‌ها و تهدیدها، شرکای بالقوه، مشتریان و بازارهای آینده در نظر گرفته می‌شود.
 - ❖ «مدیریت راهبردی توان رزمی» شناسایی قابلیت‌های مورد نیاز نبرد آینده و تحلیل فضای متأثر از به‌کارگیری فناوری‌های نوظهور در راستای دستیابی به برتری و خوداتکایی فناورانه در سریع‌ترین زمان ممکن است تا اطمینان حاصل شود که توان رزمی متناسب با پیشرفت‌های فناورانه ارتقا یافته است.
 - ❖ «مدیریت راهبردی اکتساب»، عبارت است از مفهوم‌سازی، طراحی، توسعه، آزمایش، انعقاد قرارداد، تولید، استقرار، پشتیبانی، اصلاح و رهاسازی تسلیحات و دیگر سامانه‌ها، ملزومات یا خدمات برای برآورده ساختن نیازهای وزارت دفاع و استفاده در مأموریت‌های نظامی و پشتیبانی از آن‌ها.
 - ❖ «مدیریت راهبردی چرخه عمر فناوری» یکی از مهم‌ترین موضوعات مرتبط با فناوری‌های نوظهور و مدیریت آن است که می‌تواند در جانشینی فناوری‌های جدیدتر با قدیمی‌تر و پیدایش فناوری‌های جدید در چنین شرایطی مؤثر باشد.
 - ❖ «رهبری نظام فناوری» به‌عنوان یکی از ابعاد، مهم‌ترین اقداماتی است که باید در نظام اکتساب فناوری‌های نوظهور در نیروهای مسلح، اتخاذ گردد.
۴. با در نظر گرفتن تغییرات فناورانه عظیم، نیازمندی به سامانه‌های متعدد، بزرگ و گران مطرح است. این نظام می‌تواند توازن لازم را برای غلبه بر این چالش (با ارائه راه‌کارهای بی‌شمار و ارزان) در اختیار سامانه تصمیم‌ساز و تصمیم‌گیر قرار دهد؛
۵. بازنگری در مفاهیم انبوه اکتساب فناوری در این پژوهش، می‌تواند به‌عنوان یک مزیت و برتری برای این سامانه باشد که توانایی دست یافتن به توان نظارت بر مدیریت فناوری‌های نوظهور را فراهم می‌سازد.

۶-۲. پیشنهادهای سیاستی

سیاست باید منعکس‌کننده پیچیدگی‌های زمینه برای درک این موضوع باشد که فناوری‌های نوظهور را نمی‌توان در خلأ درک کرد و باید در مجموعه وسیع‌تری از ملاحظات و فرایندهای سیاسی و راهبردی مشاهده شود. بنابراین؛ سه رویکرد متفاوت با پیشنهادهای سیاستی متفاوت وجود دارد که ارزش بررسی بیشتر را دارند:

➤ اول، نقطه عزیمت ما برای ورود به مبحث مدیریت راهبردی فناوری‌های نوظهور در نیروهای مسلح باید بر این باور باشد که موضوعات پژوهشی و فناوری‌های انتخاب شده توسط سازمان‌ها و معاونت‌های ذی‌ارتباط و به‌کارگیری آن‌ها بر نتایج میدان نبرد و استمرار عملیات در طول زمان تأثیر می‌گذارد. از این رو، باید تصمیم‌گیری کوتاه‌مدت و بلندمدت در این حوزه «توان رزم محور» باشد؛

➤ دوم، داشتن «نگاه راهبردی، تفکر راهبردی، هوشمندی راهبردی و در یک کلام همدلی راهبردی» برای تصمیم‌گیرندگان در نیروهای مسلح برای غلبه بر چالش‌های برجسته اکتساب فناوری‌های نوظهور و درک ذهنی فرایندهای مهم نظام اکتساب فناوری‌های نوظهور از اهمیت بالایی برخوردار است؛

➤ سوم، همواره باید مفهوم و هدف جنگ در سطوح راهبردی و عملیاتی بازبینی شود و سیاست‌گذاران، همیشه تصور روشنی از روش جنگیدن در یک فضای فناوری نظامی نوظهور و شالوده شکن داشته باشند.

تمام این هفت فعالیت را به‌صورت تمرکزی توسط یک گروه انجام داد، اما نباید این کار را انجام داد و توسط یک گروه در یک سازمان فعالیت‌ها انجام شود. مثلاً در فعالیت سوم، مدیریت راهبردی توان رزمی، در این فعالیت در معاونت عملیات سازمان‌های نیروهای مسلح قابلیت‌های مورد نیاز برابر نیازهای عملیاتی روز تعیین می‌شود و معاونت مذکور به‌عنوان ذینفع و حامی اصلی از طریق معاونت علوم، تحقیقات، فناوری‌هایی که می‌تواند قابلیت‌های تعیین شده را ایجاد و ارتقا بخشد مطالبه می‌کند. همچنین معاونت علوم، تحقیقات و فناوری در ستاد کل و سازمان‌ها می‌تواند فناوری‌های مرتبط را شناسایی، اولویت‌بندی، انتخاب و ارائه نماید و گزارش‌های علمی را در این خصوص تدوین نماید. تهیه گزارش‌های علمی برای

فناوری‌های منتخب مربوط به فعالیت چهارم است. سپس از این اطلاعات به‌عنوان ورود در مرحله پنجم که هدف مرکزی نظام است، استفاده می‌شود.

فهرست منابع

- آزمندیان، مهدیه؛ انصاری، رضا (۱۳۹۳). *اکتساب فناوری از طریق همکاری‌های فناورانه (مطالعه موردی: صنعت کامپیوتر چین)*. چهارمین کنفرانس بین‌المللی و هشتمین کنفرانس ملی مدیریت فناوری (ص. ۱۴). کیش: انجمن فناوری ایران.
- آقایی، پروانه؛ قاضی نوری، سپهر (۱۴۰۲). *گونه‌شناسی روش‌های انتقال و اکتساب فناوری: الهام گرفته از برهم‌کنش‌های بین ذرات در علم شیمی*. پژوهش‌های مدیریت منابع انسانی، ۵۳-۷۷.
- بابایی، سحر؛ صفدری رنجبر، مصطفی؛ توکلی، غلامرضا؛ قیدر خلجانی، جعفر (۱۳۹۶). *اصول و ساز و کار کلیدی در نظام‌های اکتساب دفاعی*. نشریه علمی پژوهشی بهبود مدیریت، ۳۵-۵۹.
- باقری هشی، مهدی؛ غلامی، حمیدرضا (۱۴۰۳). *فرا ترکیب مدیریت استعداد سرمایه انسانی (ارائه مدل مفهومی)*. فصلنامه علمی راهبرد، ۱-۳۲.
- دانایی‌فرد، حسن؛ الوانی، مهدی؛ آذر، عادل (۱۳۹۱). *روش‌شناسی پژوهش کیفی در مدیریت: رویکردی جامع*. تهران: انتشارات صفار.
- دلاور، عطیه؛ محمدی، مهدی؛ سلامی، سیدرضا؛ منوچهر (۱۳۹۱). *فرایند تجاری‌سازی محصولات با فناوری پیشرفته (مطالعه موردی در هواپیمای تجاری)*. بهبود مدیریت، ۸۱-۱۰۴.
- زارعی، وحید؛ فولادی، قاسم (۱۳۹۵). *اکتساب دفاعی؛ تجربیات موفق بین‌المللی*. تهران: انتشارات موسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی.
- نبوی، سید عباس (۱۳۷۵). *فقه، زمان و نظام‌سازی*. کیهان اندیشه، شماره ۶.
- شواب، کلاس؛ دیویس، نیکولای (۲۰۱۸). *شکل‌دهی به آینده انقلاب صنعتی چهارم (راهنمایی برای ساختن جهانی بهتر)*. تهران: موسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی.
- طلوعی اشلقی، عباس؛ رادفر، رضا؛ پسندیده، شبنم (۱۳۹۰). *ارائه مدلی برای اندازه‌گیری سطح فناوری اطلاعات در سازمان‌ها با استفاده از سیستم فازی*. پژوهش‌های مدیریت، ۴۹-۵۷.
- عیسوند، حسن؛ محمدی، مجید؛ دهقانی، مهدی (۱۴۰۱). *روندهای علم و فناوری ۲۰۴۰ - ۲۰۲۰*. تهران: دانشگاه هوایی شهید ستاری.
- فروتوک‌زاده، حمیدرضا؛ جواد، وزیری (۱۳۸۷). *مطالعه تجربه صنایع دفاعی در پایش و ارزیابی تعالی با رویکرد پژوهش در عمل*. فصلنامه علوم مدیریت ایران، دوره ۳، شماره ۱۰.

- فولادی، قاسم؛ زارعی، وحید (۱۳۹۸). *اكتساب دفاعی: تجربیات موفق بین‌المللی*. تهران: موسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی.
- قاسم، فولادی (۱۳۹۷). *چالش‌های نظام اکتساب سلاح و تجهیزات*. تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی.
- کریمی‌پور، مهدی؛ بیات ترک، امیر؛ حقیقت منفرد، جلال. (۱۳۹۸). *مدل مفهومی اکتساب فناوری پیشرفته با رویکرد تحلیل و مدیریت ریسک*. فصلنامه علمی مطالعات مدیریت کسب و کار هوشمند، ۱۳۹-۱۷۴.
- لهله. ای (۱۳۹۰). *تکنولوژی و سیاست دفاعی*. تهران: موسسه آموزشی صنایع دفاعی.
- رایان، ماک (۱۴۰۲). *جنگ تحول یافته آینده رقابت و جنگ قدرت‌های بزرگ در قرن بیستم*، مترجم مسعود منزوی. تهران: موسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی.
- محمدی و دهقانی (۱۴۰۰). *بررسی مرز علم و فناوری*. تهران: همکاری مشترک معاونت‌های علوم، تحقیقات و فناوری آجا و سپاه.
- نامداری، سمانه؛ عادل، کامران، محمدی لیمای، سلیمان (۱۳۹۸). *رقابت، انحصار و تمرکز در بازار واردات خمیر چوب و کاغذ بازیافتی ایران*. مجله صنایع چوب و کاغذ ایران.

References


- Daniele Rotolo, a. a .(2015) .What Is an Emerging Technology ?*Research Policy*.2-45.
- Daniele Rotolo, D. H. (2015). What Is an Emerging Technology?*Research Policy*, 1-44.
- Dumais. Paul. (2011). The Role of Organizational in 21 century Organization. *weLEAD*, 22-48.
- Hanning Guo, S. W .(2011) .Mixed-indicators model for identifying emerging .*Scientometrics*.421-435.
- Henry Small, K. W .(2014) .Identifying emerging topics in science and technology .*Research Policy*.1450-1467.
- Kapstein & Oudot. (2009). Reforming defense procurement: Lessons from France. *Business and Politics*, 11-27.
- Kelley M. Saylor. (2024). *Emerging Military Technologies:Background and Issues for Congress*. Washington: DOD.
- Kelley M. Saylor. (2024). *Emerging Military Technologies:Background and Issues for Congress*. Washington: Congressional Research Service.
- Kocaoglu, D. F., & Iyigun, M. G. (1994). Strategic R&D program selection and resource allocation with a decision support system application. *International Engineering Management Conference*.
- Liu, Zhou,He,LIU&Dong. (2024). Uncovering emerging technologies in intelligent manufacturing via graph classification of community characteristics. *Journal of Engineering Design*.
- Il, D. R .(2015) .Waat is an Emerging Technology ?*Science Policy Reserch Unit,University of Sussex*.2-45.
- Raan, A. F. (2000). On Growth, Ageing, and Fractal Differentiation of Science. *Scientometrics*, 347–362.
- Robert J. Watts, A. L. (2003). R&D cluster quality measures and technology maturity. *Technological Forecasting and Social Change*, 735-758.
- Sadeghi, S.H. (2022). *Smart Campus E-Readiness: A Framework for Cyberspace Learning Strategic Management* (1st ed.). Routledge. <https://doi.org/10.4324/9781003198826>
- Savor, P. S. (2010). Channeling the flow of innovation; Decision-making framework for choosing emerging technologies. *Graduate School of Management and Technology (UMUC)*, 2-34.
- Srinivasan, R. (2008). Sources, characteristics and effects of emerging technologies: Research opportunities. *Industrial Marketing Management*, 633–640.
- Suzanne Bench, T. D.(2010).The user experience of critical care discharge: a meta-synthesis of qualitative research.*Int J Nurs Stud*

Nature-Oriented Governance: Bridging Theory and Practice for Sustainable Human-Nature Integration in Iran

Mohsen Soleymani Roozbahani

Ph.D. Candidate in Environmental Science and Engineering, University of Tehran, Tehran, Iran.

Email: Mohsen.Soleymanir@ut.ac.ir

 0009-0008-5281-1020

Afshin Danehkar

Professor, Faculty of Natural Resources, University of Tehran, Tehran, Iran

Email: danehkar@ut.ac.ir

Ali Bagheri

Associate Professor, Faculty of Agriculture, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.

Email: ali.bagheri@modares.ac.ir

Abstract

This research introduces the Nature-Oriented Governance (NOG) model as a response to the complex socio-environmental challenges, including climate change, biodiversity loss, and unsustainable natural resource management, alongside the resilience of social systems in facing these challenges. The research methodology is based on qualitative content analysis, the analytic hierarchy process (AHP), and the Likert scale, conducted through an evolutionary and participatory process. The theoretical concepts of this model are grounded in principles that emphasize the integration of various sciences and focus on human-nature interactions, contributing to its adaptability in different contexts. The primary objective of this research is to introduce the conceptual and analytical framework of the NOG model, which includes a dynamic system connecting governance components and developing indicators and variables that, while operationalizing this model, enable its evaluation and analysis in various conditions. This model allows stakeholders to actively participate in decision-making processes and provide feedback. One of the key tools in this framework is Nature-Based Solutions (NBS), which leverage natural processes to accelerate and operationalize governance changes. The research findings indicate that the NOG model functions as a practical and flexible framework for sustainable governance and aligning human development with environmental requirements. This model can be employed in various regions of the country as a practical strategy for sustainable natural resource management and enhancing the resilience of social systems towards social, economic, and environmental sustainability. The innovation of this model lies in its ability to link social and natural systems in a transformative and gradual pathway within the governance paradigm.

Keywords: Nature oriented governance, nature based solution, socio-ecological systems, human development, environmental sustainability, Iran.




حکمرانی طبیعت‌محور: پیوند تئوری و اجرا برای همزیستی پایدار انسان و طبیعت در ایران

محسن سلیمانی روزبهبانی

دانشجوی دکتری علوم و مهندسی محیط‌زیست، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

Email: Mohsen.Soleymanir@ut.ac.ir

 0009-0008-5281-1020

افشین دانه‌کار

استاد دانشکده منابع طبیعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

Email: danehkar@ut.ac.ir

علی باقری

دانشیار دانشکده کشاورزی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

Email: ali.bagheri@modares.ac.ir

چکیده

این پژوهش به معرفی مدل حکمرانی طبیعت‌محور (NOG) به‌عنوان پاسخی به چالش‌های پیچیده اجتماعی-محیط‌زیستی از جمله تغییرات آب‌وهوایی، کاهش تنوع زیستی و مدیریت ناپایدار منابع طبیعی و از سوی دیگر تاب‌آوری سیستم‌های اجتماعی در مقابله با این چالش‌ها می‌پردازد. روش تحقیق بر پایه تحلیل محتوای کیفی، مدل تحلیل سلسله‌مراتبی و طیف لیکرت بوده و در یک فرایند تکاملی و مشارکتی انجام شده است. مفاهیم نظری این مدل براساس اصولی است که بر ادغام علوم مختلف و تأکید بر تعاملات انسانی-طبیعی متمرکز است و به قابلیت تطبیق‌پذیری آن در شرایط مختلف کمک می‌کند. هدف اصلی این تحقیق معرفی چهارچوب مفهومی و تحلیلی مدل NOG است که شامل یک سیستم بویا برای ارتباط اجزای مختلف حکمرانی و توسعه شاخص‌ها و متغیرهایی است که ضمن اجرایی کردن این مدل، امکان ارزیابی و تحلیل آن را در شرایط مختلف فراهم می‌کند. این مدل به‌دفعات اجازه می‌دهد تا به‌طور فعال در فرایند تصمیم‌گیری مشارکت کنند و بازخورد خود را اعمال نمایند. یکی از ابزارهای کلیدی در این چهارچوب، راه‌حل‌های مبتنی بر طبیعت (NBS) است که با بهره‌گیری از فرایندهای طبیعی به تسریع و عملیاتی کردن تغییرات در حکمرانی کمک می‌کند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند که مدل NOG به‌عنوان الگویی عملی و انعطاف‌پذیر برای حکمرانی پایدار و همسوسازی توسعه انسانی با الزامات محیط‌زیستی عمل می‌کند. این مدل می‌تواند برای مناطق مختلف کشور به‌عنوان یک راهبرد عملی به‌منظور مدیریت پایدار منابع طبیعی و ارتقای تاب‌آوری سیستم‌های اجتماعی در جهت پایداری اجتماعی، اقتصادی و محیط‌زیستی به‌کار گرفته شود. نوآوری این مدل در این است که سیستم‌های اجتماعی و طبیعی را در یک مسیر تحولی و تدریجی در پارادایم حکمرانی به هم پیوند می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: حکمرانی طبیعت‌محور (NOG)، راه‌حل‌های مبتنی بر طبیعت (NBS)، سیستم‌های اجتماعی-اکولوژیکی، توسعه انسانی، پایداری محیط‌زیست، ایران.



مقدمه و بیان مسئله

نقش حیاتی مکانیسم‌های حکمرانی در پاسخ به چالش‌های پیچیده اجتماعی و محیط‌زیستی و تأثیر عمیق آن‌ها بر زندگی روزمره انسان‌ها و مسیر توسعه پایدار، قابل توجه است (Monkelbaan, 2019). عدم درک جامع از نحوه عملکرد حکمرانی و نبود برنامه استراتژیک برای تحول تدریجی عناصر و رویه‌های آن، تحقق این اهداف مهم را دشوار می‌سازد. ضرورت مواجهه با چالش‌های نوظهور و متغیر اجتماعی- محیط‌زیستی، به‌ویژه در سایه تغییرات اقلیمی، نیازمند بازبینی عمیق در مدل‌های حکمرانی است (Kemp & Loorbach, 2003).

الهام‌بخش توسعه یک چهارچوب حکمرانی جدید، بیش از دو دهه مشارکت مستقیم در پروژه‌های توسعه-محیط‌زیستی به‌منظور حفاظت از محیط‌زیست توأمان با پاسخ به چالش‌های اجتماعی بوده است. شناخت این واقعیت که فقدان درک مکانیسم‌های حکمرانی، به‌طور قابل توجهی مانع موفقیت این تلاش‌ها، به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه از جمله ایران می‌شود، محرک تحقیق پیش‌رو بوده است. این تغییر باید در تمامی عناصر حکمرانی و بازیگران کلیدی آن از سیاست‌مداران و تصمیم‌گیران گرفته تا بخش خصوصی و جامعه محلی، با هدف نه تنها تطبیق بلکه ایجاد تغییرات تدریجی تکاملی در مکانیسم‌های حکمرانی اجرایی شود.

تحقیق حاضر به بررسی چالش‌های اساسی مرتبط با حکمرانی در ارتباط با طبیعت پرداخته و به‌ضرورت بازنگری در مدل‌های حکمرانی کنونی می‌پردازد که در ادامه به برخی از این چالش‌ها اشاره شده است:

چالش‌های درهم‌تنیده: تأثیرات تجمعی مسائل محیط‌زیستی و اجتماعی چالش‌های مورد بررسی در این تحقیق جدا از یکدیگر نیستند بلکه به‌صورت متصل و با ایجاد اثرات متقابل بر حوزه‌های محیط‌زیستی و اجتماعی تأثیر می‌گذارند (Renn et al., 2022). به‌عنوان مثال، تغییرات اقلیمی باعث تسریع در کاهش تنوع زیستی می‌شود و هر دو منجر به کمبود منابع می‌شوند که تأثیرات عمیقی بر تاب‌آوری اجتماعی دارند. مدل‌های حکمرانی کنونی که تخصصی و جزئی‌نگر هستند، نمی‌توانند به‌خوبی به این چالش‌های تجمعی پاسخ دهند (Kettl, 2015). یک تغییر اساسی به‌سوی رویکرد یکپارچه و جامع که تعاملات بین مسائل محیط‌زیستی و اجتماعی را به رسمیت بشناسد، ضروری است.

تاب‌آوری اجتماعی: هدایت تحولات در عرصه حکمرانی علاوه بر چالش‌های محیط‌زیستی، مدل‌های حکمرانی ما باید با موضوع پیچیده تاب‌آوری اجتماعی نیز مواجه شوند. آسیب‌پذیری‌های اقتصادی، نابرابری و الگوهای جمعیتی در حال تحول، چالش‌های اجتماعی فشرده‌ای را ایجاد می‌کنند که با مسائل محیط‌زیستی تداخل دارند (O'Sullivan, 2020). این آسیب‌پذیری‌ها نیاز به چهارچوب‌های حکمرانی دارند که نه تنها پایدار از نظر محیط‌زیستی بلکه عادلانه و جامع از نظر اجتماعی باشند (Leal Filho et al., 2019). تغییر الگوی حکمرانی باید شامل اصول عدالت اجتماعی، مشارکت جامعه و شمولیت باشد، چرا که آینده‌ای پایدار نیازمند حفاظت از طبیعت و همچنین توانمندسازی و رفاه جوامع متنوع است (Zabaniotou, 2020).

کاهش منابع: اقدامات ناپایدار و نواقص حکمرانی کاهش منابع طبیعی به دلیل بهره‌برداری ناپایدار و نواقص حکمرانی، تهدیدی جدی برای تاب‌آوری سیاره زمین و ثبات اجتماعی است (Mondal & Palit, 2022). مدل‌های کنونی اغلب سود اقتصادی کوتاه‌مدت را به پایداری بلندمدت ترجیح می‌دهند و نیازمند الگویی از حکمرانی هستند که مدیریت مسئولانه منابع را در برگیرد (Koskimaa et al., 2021). بنابر این به نظر می‌رسد که نیازمند رویکردی باشیم که بر اهمیت روش‌های تجدیدپذیر برای تضمین رفاه محیط‌زیست و نسل‌های آینده تأکید دارد و سرنوشت درهم‌تنیده اکوسیستم‌ها و رونق اجتماعی را به رسمیت می‌شناسد.

تغییرات اقلیمی: تهدید جهانی بدون کنترل در حکمرانی متعارف تغییرات اقلیمی به‌عنوان تهدیدی غیرقابل انکار برای تعادل سیاره ما مطرح است. مدل‌های حکمرانی موجود، اغلب در تطبیق، با مقیاس و فوریت چالش‌های مرتبط با اقلیم دست و پنجه نرم می‌کنند (Hölscher, 2020). افزایش بی‌سابقه دمای جهانی، حوادث شدید جوی و الگوهای اقلیمی متغیر نیازمند چهارچوب حکمرانی است که بتواند به سرعت و به‌صورت جامع به ماهیت پویای این بحران با در نظر گرفتن پیامدهای محیط‌زیستی و اجتماعی عمیق آن پاسخ دهد.

کاهش تنوع زیستی: بحران انقراض خاموش بحران خاموش کاهش تنوع زیستی در سراسر جهان در حال رخ دادن است و با پیامدهای گسترده اجتماعی همراه است (Shivanna, 2020). مدل‌های حکمرانی کنونی که بر اهداف اقتصادی محدود تمرکز دارند، در ارائه الگوهای حفاظتی و مدیریتی

کارآمدی برای شبکه پیچیده حیات ناکام مانده‌اند (Pascual et al., 2022). تخریب سریع زیستگاه‌ها، آلودگی و بهره‌برداری بیش از حد از گونه‌ها بدون توقف ادامه دارد و نیازمند تغییر الگویی است که حفاظت از تنوع زیستی را در مرکز حکمرانی قرار دهد. این تغییر به پیوند ناگسستنی بین اکوسیستم‌های پویا و رفاه جوامع انسانی را به رسمیت بشناسد. با توجه به چالش‌های فوق و با توجه به طبیعت پیچیده و درهم‌تنیده چالش‌های معاصر محیط‌زیستی و اجتماعی، محدودیت‌های مدل‌های حکمرانی کنونی آشکار می‌شود (Lemos & Agrawal, 2006). تغییر الگو نه تنها یک گزینه بلکه یک ضرورت است (Meckling & Allan, 2020). فوریت مقابله با تغییرات اقلیمی، کاهش تنوع زیستی، کاهش منابع و پیامدهای اجتماعی آن‌ها نیازمند چهارچوب‌های حکمرانی نوآورانه، تطبیقی و جامع است و تنها از طریق بازاندیشی تدریجی، پیوسته و رادیکال در رویکرد خود به حکمرانی می‌توان پیچیدگی این معضل درهم‌تنیده را مدیریت کرده و آینده‌ای پایدار برای محیط‌زیست و جامعه تضمین کرد. این مطالعه یک تحقیق کیفی و چندبُعدی است که علاوه بر بررسی مؤلفه‌های انسانی، مدیریتی و حاکمیتی، به جنبه‌های محیط‌زیستی، اجتماعی و اقتصادی نیز می‌پردازد. هدف اصلی این تحقیق معرفی مدل حکمرانی طبیعت‌محور و ارائه چهارچوب مفهومی و تحلیلی مرتبط با آن است. برای رسیدن به این هدف، سؤالات اصلی زیر مطرح شده‌اند: آیا دست‌اندرکاران حکمرانی از محدودیت‌ها و قابلیت‌های اقلیمی، توپوگرافیک، منابع آبی و تنوع زیستی سرزمین در ارتباط با ظرفیت‌های اجتماعی- اقتصادی آگاه هستند؟ آیا سازوکارهای حکمرانی موجود برای حرکت به سمت حکمرانی مبتنی بر طبیعت کافی هستند یا باید آن‌ها را ایجاد کرد؟ آیا ذی‌نفعان کلیدی نسبت به فرایند حکمرانی احساس تعلق و تعهد دارند و نقش خود را در حکمرانی و فرایند توسعه به‌خوبی می‌شناسند و مشارکت فعالی دارند یا باید این موارد را تقویت کرد؟

اهمیت این مطالعه در پتانسیل آن برای تحول در پارادایم‌های حکمرانی است، به‌گونه‌ای که اقدامات انسانی با الزامات زیست‌محیطی هم‌سو شود. این چهارچوب نه تنها به بحث‌های حکمرانی پایدار و نظریه حکمرانی تکاملی کمک می‌کند، بلکه راه را برای تصمیم‌گیری‌های آگاهانه‌تر در نقطه تلاقی سیستم‌های انسانی و طبیعی هموار می‌سازد؛ این مدل، با توجه به قابلیت تطبیق‌پذیری و مشارکتی بودن، می‌تواند به‌عنوان ضمیمه و در کنار سایر تئوری‌های حکمرانی پیشرو مانند حکمرانی تکاملی، حکمرانی انطباقی، حکمرانی چند سطحی و حکمرانی چندمرکزی برای سایر مناطق

و کشورها در جهت دستیابی به حکمرانی پایدار و همسوسازی توسعه انسانی با نیازهای محیط‌زیستی مورد استفاده قرار گیرد.

۱. پیشینه پژوهش

در رابطه با سیر تحولات حکمرانی در ارتباط با منابع طبیعی و محیط‌زیست؛ اولسون برای اولین بار در سال ۱۹۶۵ نظریه اقدام جمعی را معرفی کرد و سپس الینور اوستروم در کتاب «مدیریت منابع مشترک» این نظریه را معروف کرد. این نظریه توضیح می‌دهد که چرا بسیاری از جوامعی که از منابع طبیعی مشترک استفاده می‌کنند، همیشه با بهره‌برداری بیش از حد (برای منابع مشترک) یا تأمین ناکافی (برای کالاهای عمومی) که به اصطلاح «تراژدی منابع مشترک» نامیده می‌شود، روبه‌رو نمی‌شوند (Hardin, 1968; Olson, 2012; Ostrom, 1990).

اوستروم این فرضیه را مطرح می‌کند که رابطه مثبت بین گروه‌هایی که قادر به اقدام جمعی مؤثر هستند نتایج اجتماعی و محیط‌زیستی مناسبی را به همراه دارد. این نظریه توضیح می‌دهد که چگونه و چرا مردم از طریق فرایندهای خودسازمان‌دهی (یعنی اقدام جمعی) همکاری می‌کنند و چه متغیرهای اجتماعی (مانند رهبری، اندازه گروه، دانش، سرمایه اجتماعی، وابستگی) و محیط‌زیستی (مانند منابع، اندازه سیستم، نرخ رشد و جایگزینی) بر خودسازمان‌دهی تأثیر می‌گذارند (Ostrom, 2009).

لوبل به این موضوع اشاره می‌کند که در نهایت، نظریه اقدام جمعی به دنبال توضیح این است که چرا اقدام جمعی خودسازمان‌یافته می‌تواند به نتایج اجتماعی و محیط‌زیستی مطلوب‌تری منجر شود، کار اوستروم بر روی این چهارچوب به یک دیدگاه جامع‌تر در زمینه سیستم‌های اجتماعی-محیط‌زیستی تبدیل شده است. نظریه اقدام جمعی، با تمرکز بر راه‌حل‌های مبتنی بر جامعه در مدیریت منابع، اغلب به‌عنوان یک درک سوم یا چشم‌انداز حکمرانی در نظر گرفته می‌شود که پاسخی برای حل مشکل تاریخی هماهنگی منافع فردی و گروهی برای استفاده و تأمین منابع از طریق حکمرانی محسوب می‌شود. این نظریه به‌عنوان جایگزینی برای رویکردهای دیگری همچون خصوصی‌سازی یا فرایندهای بالا به پایین دولتی برای حل مشکلات مشابه مطرح می‌شود. نظریه اقدام جمعی همچنین برای درک خودسازمان‌دهی جنبش‌های اجتماعی در ارتباط با مسائل مختلف از جمله محیط‌زیست استفاده شده است (Lubell, 2002). در این بخش سیر تحولات حکمرانی

در ارتباط با منابع طبیعی و محیط‌زیست مورد بررسی قرار می‌گیرد و در جدول ۱ این نظریه‌ها به صورت خلاصه جمع‌بندی شده‌اند.

جدول ۱: نظریه‌های حکمرانی مرتبط با مدیریت منابع طبیعی و محیط‌زیست

مفاهیم اصلی	ادبیات ترکیبی کلی مرتبط	نظریه
تمرکززدایی، تصمیم‌گیری چند مرکز	استروم ۲۰۱۰، آلیگیکا و تارکو ۲۰۱۲، کارلیسل و گروبی ۲۰۱۹	چند مرکزی
بازیگران و قوانین، اتصال بازیگران، وابستگی‌ها، چهارچوب‌های مسئله، تعاملات و روابط	جونز و همکاران ۱۹۹۷، تاچر ۱۹۹۸، دوئیت و گالاز ۲۰۰۸، رابینز و همکاران ۲۰۱۱، کلین و کوپن‌جان ۲۰۱۲	حکمرانی شبکه‌ای
نهادها و تغییر نهادی، عقلانیت محدود، نظریه مشترکات (منابع مشترک)، سیستم‌های اجتماعی-اکولوژیکی	استروم ۱۹۹۸، کاکس و همکاران ۲۰۱۰، پوتیت و همکاران ۲۰۱۰، گیبا و همکاران ۲۰۱۴، هولاهان و لایبل ۲۰۱۶	اقدام جمعی
قدرت/دانش، نظریه گفتمان، حکمرانی به‌عنوان فناوری اجتماعی، حکمرانی از دور	برچل و همکاران ۱۹۹۱، اسکات ۱۹۹۸، داریه ۱۹۹۸، لوک ۱۹۹۸، رز و همکاران ۲۰۰۶، مالت ۲۰۰۹، بیویر ۲۰۱۰، فلچر ۲۰۱۰، ۲۰۱۷	حکومتی/محیط‌زیستی
یکپارچگی عمودی، سازمان اجتماعی، اداره عمومی	استفنسون ۲۰۱۳	حکمرانی چندسطحی
قابلیت حکمرانی، شیوه‌های حکمرانی، سطوح حکمرانی، عناصر حکمرانی، تعاملات حکمرانی	جنتوفت ۲۰۰۷، کویمین و همکاران ۲۰۰۸، سونگ و همکاران ۲۰۱۸	حکمرانی تعاملی
انطباق، تفکر تاب‌آوری، پانارشی، سیستم‌های اجتماعی-اکولوژیکی	ریکه و همکاران ۲۰۱۲، چافین و همکاران ۲۰۱۴، کونتز و همکاران ۲۰۱۵، چافین و گندرسان ۲۰۱۶، کاکس و شون ۲۰۱۹	حکمرانی تطبیقی
اقتصاد نهادی، نظریه سیستم‌های اجتماعی، وابستگی به مسیر، زیست‌شناسی تکاملی، نظریه گفتمان، حکمرانی چندسطحی	-	حکمرانی تکاملی

همچنین در رابطه با پیشینه ارتباط حکمرانی با خدمات اکوسیستمی و راه‌حل‌های مبتنی بر طبیعت؛ کرم‌ن در مقاله‌ای با عنوان «مدیریت خدمات اکوسیستمی: آنچه ما نیاز داریم در مورد اکولوژی آن‌ها بدانیم؟»، به بررسی چهار حوزه کلیدی پرداخته است: ۱. شناسایی ارائه‌دهندگان خدمات اکوسیستمی؛ ۲. تعیین جنبه‌های مختلف ساختار اکوسیستم که بر عملکرد زمین‌سماهای واقعی تأثیر دارد؛ ۳. ارزیابی عوامل کلیدی محیطی تأثیرگذار بر ارائه خدمات؛ ۴. اندازه‌گیری مقیاس فصلی-زمانی که بر اساس آن ارائه‌دهندگان و خدمات کار می‌کنند. این تحقیق می‌تواند در توسعه سیاست‌های محیط‌زیستی و برنامه‌های مدیریت منابع طبیعی کمک کند (Kremen, 2005).

وینکلر و همکاران در سال ۲۰۲۱ در تحقیقات خود در حوزه خدمات اکوسیستمی، انواع مختلف حکمرانی را مورد بررسی قرار داده‌اند، اما هنوز میزان حمایت عملی از این حکمرانی‌ها در ادبیات خدمات اکوسیستمی مبهم است. درک موقعیت‌هایی که زیرساخت‌های حکمرانی مورد تحقیق و استفاده قرار گرفته‌اند می‌تواند به تصمیم‌گیران کمک کند تا استراتژی‌های مناسبی را برای ارائه خدمات اکوسیستمی انتخاب کنند. نتایج نشان می‌دهد که تعداد مقالات در مورد حکمرانی خدمات اکوسیستمی افزایش یافته و پژوهشگران به‌طور اصلی از روش‌های کیفی و ترکیبی استفاده کرده‌اند. هیچ حالت حکمرانی مشخصی در این حوزه برجسته نشده است، بلکه اغلب حالت‌های مختلف حکمرانی در کنار یکدیگر مورد مطالعه قرار گرفته‌اند که این ممکن است نشان‌دهنده این باشد که بیش از یک نوع ترتیب حکمرانی به‌صورت هم‌زمان و با اشتراک اغلب تأثیرات، بر ارائه خدمات اکوسیستمی اثرگذار است (Winkler et al., 2021).

یگر و همکاران در سال ۲۰۱۸ در مطالعه خود در مورد سیستم‌های اجتماعی و طبیعی تأکید دارند که سامانه‌های اجتماعی-اکولوژیک، سیستم‌هایی هستند که در آن زندگی روزمره ما جریان دارد، بنابراین درک آن‌ها مهم است. خواص پیچیده چنین سیستم‌هایی، مدل‌سازی را به ابزاری ضروری برای توصیف و تجزیه و تحلیل آن‌ها تبدیل کرده است. بازیگران انسانی نقش اساسی در این سیستم‌ها ایفا می‌کنند، اما تعاملات آن‌ها با یکدیگر و محیطشان اغلب در مدل‌سازی SES دست کم گرفته می‌شود (Jager & Gotts, 2018).

مک جنیس و استروم مطالعه‌ای با عنوان «چهارچوب سیستم اجتماعی-اکولوژیک: تغییرات اولیه و چالش‌های ادامه‌دار» در سال ۲۰۱۴ انجام دادند. چهارچوب سیستم اجتماعی-اکولوژیک مورد استفاده، محققان را در تخصص‌های مختلف و مناطق متفاوت جغرافیایی قادر می‌سازد که واژگان مشترک برای ساخت و آزمایش تئوری‌های جایگزین و مدل‌ها به اشتراک گذارند. در این مطالعه تغییراتی که در این چهارچوب ایجاد شده به‌طور خلاصه ذکر و در مورد چند ابهام باقی‌مانده در فرمول‌بندی آن بحث شده است. به‌طور خاص، در این تحقیق یک بازچینش موقت برای لیستی از ویژگی‌های مربوط به سیستم‌های حکمرانی و بحث در مورد سایر راه‌ها برای ایجاد این چهارچوب پیشنهاد شده که مورد استفاده برای تنظیمات سیاست‌گذاری فراتر از تنظیمات منابع طبیعی است. مادامی که محققان بیشتری SES را در زمینه‌های دیگر اعمال کنند، چهارچوب SES همچنان تغییر خواهد کرد. هدف اصلی از این پژوهش تعریف نسخه‌ای که به‌عنوان پایه‌ای برای نوآوری‌های نظری و تجزیه و تحلیل‌های تجربی دقیق ارائه شده در این موضوع است (McGinnis & Ostrom, 2014).

۲. چهارچوب نظری

۲-۱. حکمرانی

حکمرانی، به بیان ساده؛ فرایند تصمیم‌گیری در جوامع بشری و سازوکاری است که بر اساس آن تصمیمات اتخاذ شده به اجرا درآمده یا با ناکامی مواجه می‌شوند. اما ذکر این نکته نیز ضروری است که حکمرانی به‌عنوان یک محصول نهایی تلقی نمی‌شود و آن را بایستی به‌عنوان یک فرایند پویا در نظر گرفت (Farazmand, 2015). برنامه توسعه ملل متحد حکمرانی را اعمال قدرت اقتصادی، سیاسی و اداری برای مدیریت عمومی یک کشور در همه سطوح تعریف می‌کند (Programme, 2014) و بانک جهانی نیز حکمرانی را شیوه استفاده از قدرت در مدیریت منابع اقتصادی و اجتماعی کشور برای رشد و توسعه می‌داند (Williams & Young, 1994). از نظر کمیسیون حکمرانی جهانی، حکمرانی مجموعه بسیار وسیعی از روش‌ها است که به کمک آن‌ها اشخاص و مؤسسات هم در بخش خصوصی و هم در بخش عمومی به اداره امور مشترک خود می‌پردازند (Zahiri et al., 2021). به نظر می‌رسد که واژه حکمرانی تلاش می‌کند تا خود را از واژگانی نظیر حکومت، حاکمیت و دولت تا اندازه‌ای جدا کند و

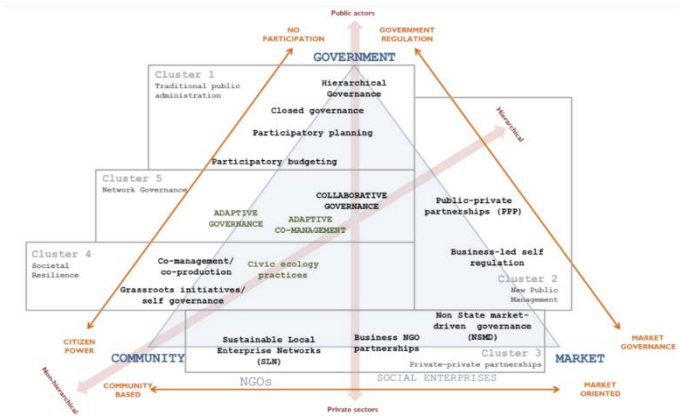
برای اداره جامعه نقش بازیگران دیگری نظیر بخش خصوصی و جامعه مدنی را نیز کاملاً به رسمیت بشناسد. طبیعتاً از بین کلیه بازیگران عرصه حکمرانی، حاکمیت یکی از بازیگران اصلی است و سایر بازیگران درگیر در حکمرانی بسته به نقش و اعمال قدرت دولت ایفای نقش می‌کنند (Escap, 2009). به همین دلیل شناخت دقیق از فرایند حکمرانی و ساختار آن در هر جامعه تا حد زیادی به شناخت بازیگران اصلی، تحلیل جایگاه، روابط قدرت در نزد آن‌ها و همچنین نحوه اثرگذاری بر اتخاذ تصمیمات و اجرایی شدن آن بستگی دارد.

۲-۲. ارتباط تنگاتنگ حکمرانی، توسعه و محیط‌زیست

تجربه تاریخی بشر نشان می‌دهد که توسعه‌یافتگی ارتباط کمی با ویژگی‌های سرزمینی و یا صفات فرهنگی- اجتماعی مردمان هر کشور دارد. جوامع توسعه یافته هم در مناطق با منابع طبیعی غنی (مثل نروژ و ایالات متحده) و هم در سرزمین‌هایی با ظرفیت‌های طبیعی کم (سنگاپور و کره جنوبی) یافت می‌شوند. در دو دهه پایانی قرن بیستم، نهادهای بین‌المللی تفاوت‌های توسعه‌یافتگی کشورها را عمدتاً با اشاره به مشکلات سیاست‌گذاری اقتصادی در کشورهای کمتر توسعه یافته توضیح می‌دادند. در گذشته تصور غالب این بود که اگر فرمول‌های مشخص حکمرانی اقتصادی صحیح مبتنی بر رقابت و قواعد بازار آزاد در هر کشوری به اجرا درآید آن کشور می‌تواند به توسعه برسد. به‌رغم این نگرش، این رویکرد، نتیجه یکسانی در همه نقاط دنیا به بار نیاورد و این نهادها در ابتدای قرن حاضر، ناچار به بازبینی تعاریف خود و اتخاذ رویکردی وسیع‌تر برای توضیح اثر حکمرانی بر خوشبختی جوامع شدند. توجه به پیچیدگی‌های چند وجهی اداره جوامع، موضوع حکمرانی را به‌مرور جایگزین سیاست‌های اقتصادی درست کرد (Ebrahimipour et al., 2020).

با توجه به اینکه افزایش رشد اقتصادی، کاهش فقر و حفظ محیط‌زیست، اجزا و مؤلفه‌های توسعه پایدار هستند، حکمرانی بر هر یک از این اجزا و در نهایت بر توسعه پایدار تأثیر خواهد داشت. آنچه در حکمرانی حائز اهمیت است، ارتباط سه حوزه دولت، بخش خصوصی و جامعه است که اگر چنین وضعیتی رخ دهد، حکمرانی برای دستیابی به توسعه شکل می‌گیرد و در نتیجه امکان برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری در راستای بهبود و ارتقای وضعیت توسعه در آن جامعه میسر خواهد بود (Zahiri & Zaianderoodi, 2021).

به عبارت دیگر امروزه تعریف توسعه یافتگی تنها محدود به رشد اقتصادی نیست و توسعه اقتصادی، در کنار توسعه اجتماعی، توسعه انسانی، توسعه فرهنگی و توسعه سیاسی، قابل ارزیابی است. این پنج شکل توسعه در بستر هر سرزمینی با پیوست تاریخی و پذیرش اجتماعی متفاوتی همراه هستند و چنانچه با مسئولیت نسبت به سرنوشت منابع سرزمینی و مسئولیت بین نسلی در استمرار آن همراه شوند می‌توانند در مسیر توسعه پایدار قرار گیرند (Roozbahani et al., 2023). برای جمع‌بندی این بخش به نظر می‌رسد که تصویر ارائه شده از مثلث حکمرانی (شکل ۱) که از سوی آگوسکیوزا و همکاران ارائه شده تا حد زیادی بیانگر ارتباط بازیگران اصلی حکمرانی در ارتباط با اولویت‌های محیط‌زیستی و توسعه پایدار باشد (Egusquiza et al., 2019).



شکل ۱: پیکربندی مدل‌های مختلف حکمرانی در ارتباط با اولویت‌های محیط‌زیستی و توسعه پایدار (Egusquiza et al., 2019)

۳-۲. ارتباط سامانه‌های اکولوژیک - اجتماعی با حکمرانی

محققان از مفهوم سیستم‌های اجتماعی- اکولوژیک به‌منظور تأکید بر مفهوم یکپارچه انسان در طبیعت و همچنین تأکید بر اینکه تمایز بین سیستم‌های اجتماعی و اکولوژیک ساختگی و زاینده ذهن بشر است، استفاده کرده‌اند. درحالی‌که تاب‌آوری معنای متفاوتی در زمینه اجتماعی و اکولوژیک دارد. رویکرد سیستم اجتماعی- اکولوژیک معتقد است که سیستم‌های اجتماعی و اکولوژیک از طریق مکانیسم‌های بازخورد به هم متصل و هر دوی آن‌ها دارای تاب‌آوری و پیچیدگی

هستند (Folke et al., 2003). به همین سبب سیستم‌های طبیعی و انسان ساخت به‌صورت سامانه‌های جفتی و اغلب به شکل سیستم‌های اجتماعی- اکولوژیک^۱ نمایش داده می‌شوند (Albert et al., 2019). سیستم‌های اجتماعی- اکولوژیک، پیچیده و سازگار هستند و توسط مرزهای فضایی یا عملکردی اطراف اکوسیستم‌های خاص محدود می‌شوند. شکل ۲، تصویری از ارتباط سیستم‌های اجتماعی و اکولوژیک در ارتباط با حکمرانی را نمایش می‌دهد.



شکل ۲: ارتباط سیستم‌های طبیعی و اجتماعی در ارتباط با حکمرانی (Albert et al., 2019)

۴-۲. راه‌حل‌های مبتنی بر طبیعت در مسیر ارتقای حکمرانی

اگرچه اهمیت NBS به‌طور گسترده‌ای در سراسر جهان شناخته شده است. اما مطالعات محدودی در مورد جنبه‌های حکمرانی آن صورت گرفته است (Albert et al., 2017; Nelson et al., 2020; Nesshöver et al., 2019). از سوی دیگر اغلب مطالعات موجود ثبت شده نیز عمدتاً بر روی برنامه‌های NBS در کشورهای اروپایی و به‌خصوص مدیریت شهری تمرکز داشته (Frantzeskaki, 2019; Faivre et al., 2017) است. تحلیل مناسب ارتباط بین حکمرانی و NBS ناگزیر از درک عمیق ارتباط بین اکوسیستم‌های طبیعی و مسائل اجتماعی است. چرا که در بسیاری از موارد سیستم‌های اکولوژیک و اجتماعی بسیار درهم‌تنیده و مرتبط هستند و به عبارت دیگر محیط‌زیست انسانی و طبیعی محصول یک فرایند تکاملی از تعامل بین انسان و طبیعت هستند (Déjeant-Pons, 2006). در نتیجه با استفاده از مفهوم NBS در

تحقیقات و تحلیل‌های مرتبط با سیستم‌های برنامه‌ریزی و حکمرانی می‌توان فرصت‌های جدیدی را متصور بود که در آن درک عمیق‌تر، توجه بیشتر، حمایت‌های سیاسی و استراتژی‌های نوآورانه برای حرکت به سمت توسعه پایدار صورت پذیرد. برای پیشگیری از پیامدهای ناشناخته این رویکرد، توصیه شده است که NBS به تدریج، با دقت و در مرزهای مشخصی از قوانین موجود، هنجارهای اجتماعی و ارزش‌های فرهنگی طراحی و پیاده‌سازی شود (Albert et al., 2017). در بررسی ارتباط بین حکمرانی و NBS باید به دو موضوع مهم توجه داشت اولاً، اصطلاح «مبتنی بر طبیعت» شامل یک بخش توصیفی است که نشان می‌دهد موضوع طبیعی (یا خودتنظیمی) فرایندهای اکوسیستم برای این تعریف ضروری هستند. دوم، واژه «راه حل» به این معنی است که یک چالش یا مشکل خاص وجود دارد که بایستی آن را حل کرد. ارجاع به راه‌حل‌ها، روشن می‌کند که بایستی فرایندهای اکوسیستمی با توجه به ظرفیت آن‌ها برای کمک به حل مسئله، مورد ارزیابی قرار گیرند. به این نکته نیز باید توجه داشت که فرایندهای اکوسیستمی به خودی خود بهتر از اقدامات فنی نیستند. این روش‌ها اغلب به فضا و زمان بیشتر و اغلب بودجه بیشتری نسبت به جایگزین‌های فنی قابل مقایسه برای حل مسئله نیاز دارند، یا به عبارت دیگر در نگاه اول و بدون در نظر گرفتن اثرات بلندمدت، راه‌حل‌های صرفاً فنی می‌توانند مقرون به صرفه‌تر یا از نظر فضا کارآمدتر به نظر برسند (Galler et al., 2015).

چنین رویکردی از برنامه‌ریزی توسعه، ناگزیر به درک مسائل بوم‌شناختی است و شناخت خدمات اکوسیستم‌ها و تلاش برای پایداری آن به روش نوینی از مدیریت سرزمین مبتنی بر راه‌حل‌های اکوسیستمی (مبتنی بر طبیعت) نیاز دارد. NBS در کنار سایر ابزار و روش‌ها، نظیر رویکردهای مشارکتی حل مسئله، رویکرد مدیریت زیست بومی و مدیریت چندمنظوره منابع طبیعی، می‌تواند تا حد زیادی در ارائه رویکردی از حکمرانی راهگشا باشد که در آن اولویت‌های محیط‌زیستی نقش پیشران را ایفا می‌کنند. به عبارت دیگر با شناخت دقیق NBS می‌توان شیوه‌های خلاقانه و در عین حال واقع‌گرایانه‌ای را پیش روی بازیگران اصلی حکمرانی و توسعه یک منطقه برای گذار از رویکردهای مرسوم حاکمیتی به سوی حکمرانی مطلوب قرارداد.

۳. روش‌شناسی

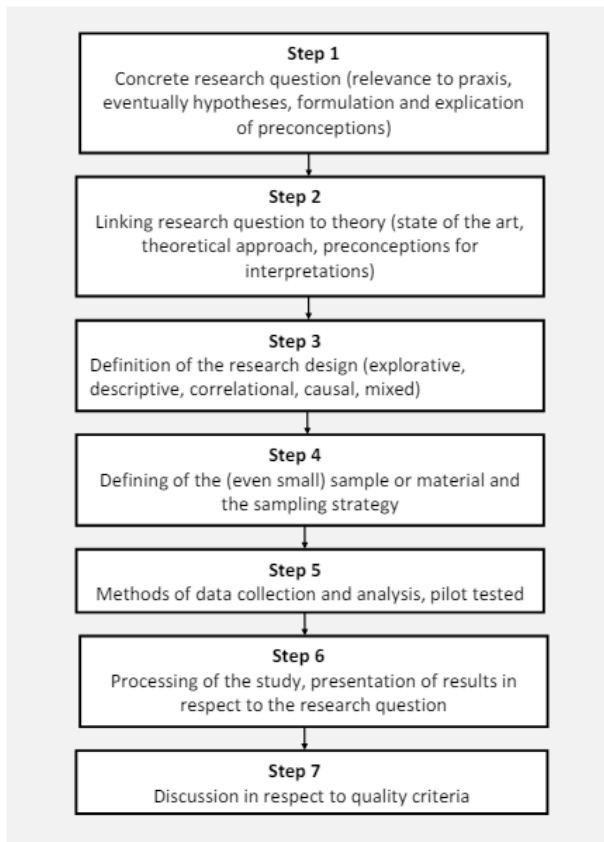
برای انجام این تحقیق، از روش تکاملی یا روش اصلاح و تجدید نظر مکرر بهره گرفته شده است که به وسیله آن فرایند تدوین به یک فرایند پویا تبدیل می‌شود

(Wynn & Eckert, 2017). این روش شامل چرخه‌های تکراری از مراحل تدوین اولیه، بازبینی و اصلاح، ارزیابی و بازنگری، تجدید نظر و اصلاح همچنین تکرار می‌باشد. در این فرایند، مراحل جمع‌آوری و تدوین اولیه اطلاعات تا تدوین نتایج نهایی به صورت چند باره تکرار شده است و در طول مسیر این تحقیق، ایده‌های جدید و یا مطالعات جدید در تدوین دستاوردهای نهایی مورد استفاده قرار گرفته است.

به‌منظور پیوند دادن فعالیت‌های تحقیق با شرایط واقعی ایران از منظر حاکمیتی و اولویت‌های محیط‌زیستی، اسناد حاکمیتی، اسناد ملی و برنامه‌های منطقه‌ای مانند برنامه آمایش سرزمین به‌دقت مطالعه شدند. در این راستا، از مرور نظام‌مند برای جمع‌آوری و تحلیل مطالعات موجود استفاده شد تا تمامی مقالات و گزارش‌های مرتبط با موضوع تحقیق، شناسایی و بررسی شوند. همچنین، تحلیل محتوای کیفی به‌منظور تفسیر و تحلیل اسناد و برنامه‌ها به کار رفت تا اطلاعات کلیدی و مفاهیم اصلی استخراج شوند. فرایند مرور اسنادی نیز به‌صورت تکاملی و رفت و برگشتی ادامه یافت و بر اساس نیازهای هر بخش، اسناد و منابع جدیدتر به بررسی‌ها اضافه شدند.

در ادامه مسیر، بررسی شیوه‌های حکمرانی در سطح بین‌المللی، هم‌راستا با شناخت حکمرانی در ایران انجام شد. مطالعه تطبیقی برای مقایسه شیوه‌های حکمرانی در کشورهای مختلف و استخراج نکات قابل استفاده برای ایران به کار گرفته شد. همچنین، بهترین تجربیات حکمرانی در ارتباط با چالش‌های درهم‌تنیده اجتماعی و طبیعی در کشورهای مختلف به‌منظور استفاده در مدل پیشنهادی، مورد تحلیل قرار گرفت.

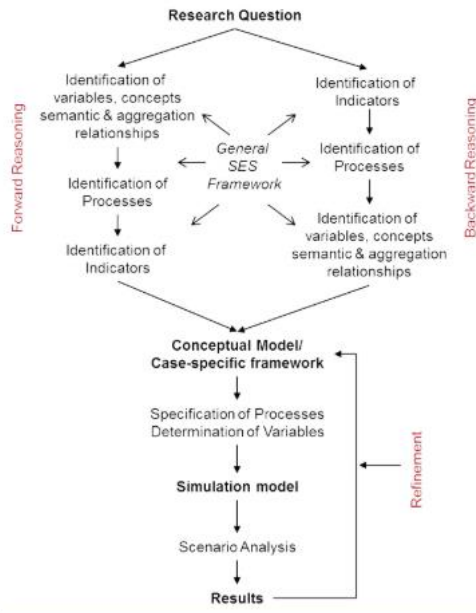
این فرایند با استفاده از روش علمی تحلیل محتوای کیفی انجام شد (Mayring, 2014) که به بررسی عمیق دیدگاه‌ها و تجارب مصاحبه‌شوندگان پرداخته و اطلاعات ارزشمندی را برای بهبود مدل حکمرانی طبیعت‌محور فراهم آورده است. شکل ۳ گام‌های اصلی به‌کارگیری این روش را نشان می‌دهد.



شکل ۳: گام‌های اصلی به‌کارگیری روش علمی تحلیل محتوای کیفی (Mayring, 2014)

به همین منظور، ابتدا سوالات مصاحبه نیمه‌ساختار یافته به‌منظور بررسی موضوعاتی مانند نقاط قوت مدل حکمرانی طبیعت‌محور، ضعف‌ها و محدودیت‌های احتمالی این مدل، عناصر یا اصول پنهان در مدل، ارزیابی امکان‌پذیری و چالش‌های احتمالی در پیاده‌سازی مدل، شاخص‌ها و معیارهای پیشنهادی برای اندازه‌گیری اثربخشی و موفقیت مدل و مقایسه آن با سایر چهارچوب‌ها و رویکردهای حکمرانی موجود، طراحی شدند. در ادامه مسیر به‌منظور توسعه مدل تحلیلی تدوین و توسعه متغیرها و شاخص‌های اجرایی با تأکید بر ارتباط و درهم‌تنیدگی آن‌ها در دستور کار قرار می‌گیرد. این مراحل با تشخیص متغیرهای اساسی و شناسایی شاخص‌های مرتبط آغاز شده و در نهایت به تدوین یک مدل قابل اجرا برای حکمرانی طبیعت‌محور منجر می‌شوند. برای این منظور با بهره‌گیری از روش‌های قبلی توسعه

داده شده در این زمینه، برای درک بهتر تعاملات بین سیستم‌های اجتماعی و اکولوژیکی و توسعه راهبردهای مدیریتی پایدار، از چهارچوب عمومی سیستم‌های اجتماعی-اکولوژیکی^۱ استروم استفاده شده است. این چهارچوب با ارائه یک رویه گام‌به‌گام برای شناسایی متغیرها و روابط مرتبط، به ما کمک می‌کند تا سیستم را به صورت سیستماتیک و شفاف تحلیل کنیم. این روش در مواجهه با پیچیدگی سیستم‌های اجتماعی-اکولوژیکی و ادغام زمینه‌های مفهومی از رشته‌های مختلف بسیار حائز اهمیت است و به توسعه مدل‌های پویایی که درک عمیق‌تری از این سیستم‌ها ارائه می‌دهند، کمک می‌کند (Schlüter et al., 2014). شکل ۴ فرایند مدل‌سازی بر اساس چهارچوب مفهومی، با استفاده از فرایند استدلال پیشرو و پسرو برای شناسایی متغیرها و روابط مرتبط را نشان می‌دهد.



شکل ۴: فرایند مدل‌سازی بر اساس چهارچوب مفهومی، با استفاده از فرایند استدلال پیشرو و پسرو برای شناسایی متغیرها و روابط آن‌ها (Schlüter et al., 2014)

۳-۱. شناسایی متغیرها و شاخص‌ها

مرحله اول شناسایی متغیرها و شاخص‌ها مبتنی بر ارتباط و درهم‌تنیدگی آن‌ها است. این ارتباطات از طریق یک فرایند سیستماتیک و تدریجی شناسایی می‌شوند که به‌وسیله مشارکت فعال خبرگان این حوزه و تحلیل دقیق داده‌ها به دست می‌آیند. با استفاده از چهارچوب عمومی سیستم‌های اجتماعی - اکولوژیکی استروم، یک رویه گام‌به‌گام برای شناسایی متغیرها و روابط آن‌ها که برای تحلیل سیستم‌های اجتماعی - اکولوژیکی ضروری هستند، توسعه داده می‌شود. این رویه به ما کمک می‌کند تا سیستم را به‌صورت سیستماتیک و شفاف تحلیل کنیم.

۴. یافته‌های پژوهش

همان‌طور که در بخش‌های قبل نیز به آن اشاره شد، این تحقیق به معرفی و بررسی یک مدل حکمرانی با عنوان حکمرانی طبیعت‌محور (NOG) می‌پردازد که رویکردی عملی به حکمرانی بر مبنای حفظ طبیعت در راستای پاسخ مسئولانه به نیاز اجتماعی نوع بشر دارد. هدف اصلی این پژوهش، توسعه یک چهارچوب مفهومی و تحلیلی است که قادر به تطبیق و واکنش به نیازهای مختلف در زمینه‌های گوناگون باشد و بتواند چالش‌های اجتماعی - محیط‌زیستی فعلی را در یک مسیر تدریجی و تکاملی به‌طور مؤثر حل کند. در ادامه نتایج اصلی این تحقیق شامل چهارچوب مفهومی، چهارچوب تحلیلی و شیوه به‌کارگیری آن‌ها برای پیاده‌سازی الگوی حکمرانی طبیعت‌محور ارائه شده است.

۴-۱. چهارچوب مفهومی

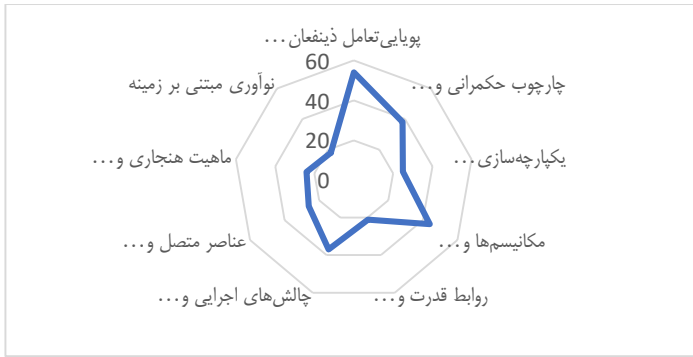
مسیر تحقیق به‌سوی حکمرانی طبیعت‌محور، تدوین چهارچوب مفهومی در پیش‌نویس اولیه آن را اجتناب‌ناپذیر می‌کرد. تکامل چهارچوب مفهومی برای حکمرانی طبیعت‌محور، نمایانگر یک مسیر پویا است که از همگرایی مطالعات، تجربیات و تلاش مستمر برای یافتن شیوه مناسب تعامل سیستم‌های طبیعی و اجتماعی در قالب یک مدل حکمرانی ناشی می‌شود. پس از تدوین اولین ویرایش از چهارچوب مفهومی که بر اساس چندین سال تجربه شخصی در پروژه‌های محیط‌زیستی - توسعه‌ای، تأملات قبلی و بررسی‌های ادبیات علمی شکل گرفته بود فضای مناسبی را برای گفت‌وگو با خبرگان، صاحب‌نظران و ذی‌نفعان محلی در مراحل مختلف تحقیق فراهم کرد. تدوین تدریجی و تکاملی این چهارچوب، نه تنها

از بررسی جامع دیدگاه‌های علمی بهره برد بلکه بازخورد ذی‌نفعان محلی، شامل مقامات، بخش‌های خصوصی و نمایندگان جامعه را نیز در خود جای داد تا نسخه نهایی را ایجاد کند. مصاحبه‌های نیمه‌ساختار یافته با گروه متنوعی از ۴۲ محقق حرفه‌ای و متخصص ملی و بین‌المللی، هر یک دیدگاه منحصربه‌فردی را به بحث آوردند. این مصاحبه‌ها با افراد مختلف از زمینه‌های آکادمیک و حرفه‌ای شامل فعالان محیط‌زیست، بوم‌شناسان، کارشناسان توسعه پایدار، تحلیلگران سیاست، مهندسان محیط‌زیست، اقتصاددانان، دانشمندان اجتماعی، کنشگران اجتماعی، استادان، محققان، دانشجویان کارشناسی ارشد و دکتری، مشاوران فنی و دارندگان کرسی‌های علمی در دانشگاه‌ها انجام شد. علاوه بر این، ۱۶ نماینده کلیدی ذی‌نفع در جزیره قشم ایران مصاحبه شدند تا اطمینان حاصل شود که این چهارچوب به دیدگاه‌ها و نیازهای محلی نزدیک و قابل درک است.

جدول ۲: مشخصات مصاحبه شونده‌گان

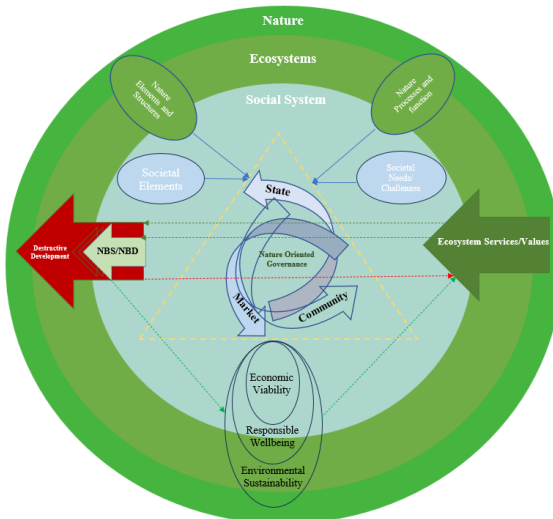
تعداد	نمایندگان محلی (جزیره قشم)	تعداد	خبرگان
۷	نمایندگان بخش دولتی	۴	علوم اقتصادی
۴	نمایندگان بخش خصوصی	۵	علوم اجتماعی
۴	نمایندگان جوامع محلی	۹	توسعه پایدار
۱	بخش تحقیقات	۸	مهندسی و علوم محیط‌زیست
		۳	علوم سیاسی
		۸	حکمرانی
		۵	اکولوژیست

ذکر این نکته ضروری است، نسخه چهارچوب مفهومی که با ذی‌نفعان محلی به اشتراک گذاشته شد، یک ویرایش ارتقا یافته بود که پس از بحث‌های دقیق با دانشمندان توسعه یافته بود. شکل ۵، نمودار تحلیل فراوانی از نظرات به دست آمده از مصاحبه‌ها، توزیع و تأکیدات مختلف در توسعه و بهبود مدل حکمرانی طبیعت محور را نشان می‌دهد.



شکل ۵: نمودار تحلیل فراوانی نتایج به دست آمده از مصاحبه‌ها

بر اساس مصاحبه و چرخه‌های بازخورد متعدد در طول مسیر تحقیق نسخه تکامل یافته از چهارچوب مفهومی تهیه شد که در شکل ۶، ارائه شده است. چهارچوب مفهومی برای حکمرانی طبیعت محور به‌عنوان یک نقشه پویا برای ادامه مسیر عمل می‌کند که روابط بین طبیعت، سیستم‌های اجتماعی و مکانیسم‌های حکمرانی را بازتعریف می‌کند. این چهارچوب، از طریق تصویر گرافیکی ساده‌سازی شده، به‌تصویر کشیده شده است و نشان‌دهنده یک رویکرد تکاملی و تدریجی به مکانیسم‌های حکمرانی به‌ویژه در ارتباط با تصمیم‌گیری و طراحی، اجرا و بهره‌برداری از پروژه‌های توسعه‌ای است.



شکل ۶: چهارچوب مفهومی حکمرانی طبیعت محور

در جدول ۳، بخش‌های کلیدی متصل که این چهارچوب را نه به دلیل اجزای آن بلکه شکل ارتباط بین اجزا منحصر به فرد می‌سازند، ارائه شده است.

جدول ۳: اجزا کلیدی چهارچوب مفهومی حکمرانی طبیعت‌محور

عنوان	توضیحات
یکپارچه‌سازی سیستم‌های اجتماعی در اکوسیستم‌ها و طبیعت	چهارچوب مرزهای سنتی را به چالش می‌کشد و سیستم‌های اجتماعی را به‌عنوان اجزای یکپارچه درون اکوسیستم‌ها در نظر می‌گیرد که هر دو توسط مفهوم کلی طبیعت محصور شده‌اند. این یکپارچه‌سازی پیوند بین جوامع انسانی و طبیعت را مورد تأکید قرار می‌دهد و این نگاه را زیر بنای حکمرانی طبیعت‌محور می‌داند.
نقاط ورودی برای تصمیم‌گیری و ورودی‌های طبیعت و جامعه به سیستم حکمرانی	حکمرانی طبیعت‌محور عناصر، ساختارها و فرایندهای طبیعت را در کنار عناصر، نیازها و چالش‌های اجتماعی به‌عنوان نقاط ورودی اصلی برای ساز و کارهای حکمرانی قرار می‌دهد. با اولویت دادن به هر دو عنصر طبیعت و عملکردهای آن همراه با عناصر اجتماعی، آن‌ها را از ابتدای شکل‌گیری هر پروژه یا ابتکار توسعه، در فرایندهای تصمیم‌گیری در اولویت قرار می‌دهد.
خدمات اکوسیستم و ارزش‌های به‌عنوان متصل‌کننده سیستم‌های اجتماعی و اکولوژیک	خدمات اکوسیستم و ارزش‌ها به‌عنوان متصل‌کننده‌های حیاتی بین اکوسیستم‌ها و سیستم‌های اجتماعی عمل می‌کنند. با این حال، چهارچوب تأکید می‌کند که اتصال کنونی اغلب از طریق توسعه مخرب رخ می‌دهد که به تأثیرات منفی قابل توجهی منجر می‌شود. هدف، انتقال به اتصالات مثبت و پایدار از طریق حکمرانی طبیعت‌محور است.
همکاری بازار، جامعه و دولت	در قلب سیستم اجتماعی بازار، جامعه و دولت به‌عنوان ارکان اصلی حکمرانی را در حال همکاری برای تشکیل یک ساختار حکمرانی طبیعت‌محور تجسم می‌کند. هدف آن تعادل ملاحظات اقتصادی، رفاه جامعه و سیاست‌های دولتی در یک چهارچوب محیط‌زیستی پایدار است.
طبیعت در مرکز تصمیم‌گیری	با قرار دادن طبیعت در مرکز تصمیم‌گیری، این چهارچوب برای دستیابی به رفاه پایدار انسانی عمل می‌کند. این تمرکز دوگانه تضمین می‌کند که حفاظت از محیط‌زیست به‌طور جدایی‌ناپذیری با بهبود شرایط جوامع انسانی مرتبط باشد.
تأثیر منفی توسعه مخرب	توسعه مخرب به‌عنوان تأثیر منفی بر خدمات اکوسیستم شناخته شده است. این شناخت نیاز به یک تغییر به سمت حکمرانی طبیعت‌محور را تقویت می‌کند تا این تأثیرات منفی را کاهش داده و یک مسیر پایدارتر را ترویج کند.

عنوان	توضیحات
تأثیر مثبت توسعه مبتنی بر طبیعت	در مقابل، توسعه مبتنی بر طبیعت یا راه‌حل‌های مبتنی بر طبیعت تأثیر مثبتی بر خدمات اکوسیستم دارند. این روند مثبت از افزایش قابلیت اقتصادی، رفاه مسئولانه و پایداری محیط‌زیستی در چهارچوب نشئت می‌گیرد.
جایگزینی تدریجی توسعه مخرب با توسعه مبتنی بر طبیعت	در این سیستم، راه‌حل‌های مبتنی بر طبیعت و توسعه مبتنی بر طبیعت به تدریج جایگزین شیوه‌های توسعه مخرب می‌شوند. این انتقال، نتیجه مستقیم اجرای حکمرانی طبیعت‌محور است و تأثیر تحول‌آفرین چهارچوب را بر رویکردهای توسعه برجسته می‌کند.
تأثیر بر خدمات و ارزش‌های اکوسیستمی	چهارچوب مفهومی یک حلقه بازخورد را مورد تأکید قرار می‌دهد که در آن خدمات اکوسیستمی به‌طور مثبت با سیستم اجتماعی و توسعه مخرب در ارتباط است و از آن‌ها تأثیر می‌گیرد. برعکس، توسعه مبتنی بر طبیعت که توسط حکمرانی طبیعت‌محور ترویج می‌شود، ورودی‌های مثبتی به خدمات اکوسیستم ارائه می‌دهد و به یک پایه اکولوژیکی پایدار و مقاوم کمک می‌کند.
پایایی اقتصادی تحت رفاه مسئولانه و پایداری محیط‌زیستی	نتیجه ترویج حکمرانی طبیعت‌محور، دستیابی به پایایی اقتصادی در چهارچوب مناسب است. این پایایی اقتصادی در رفاه مسئولانه و پایداری محیط‌زیستی جای می‌گیرد و یک سه‌گانه متعادل ایجاد می‌کند که به تعامل مثبت با خدمات و ارزش‌های اکوسیستم کمک می‌کند.

۴-۲. چهارچوب تحلیلی

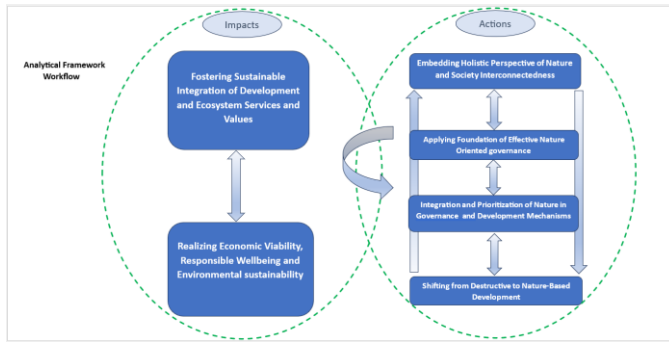
تلاش برای تبدیل یک چهارچوب مفهومی به یک چهارچوب تحلیلی در حکمرانی طبیعت‌محور، یک تلاش سیستماتیک برای ترجمه اصول انتزاعی به کاربردهای عملی و واقعی بوده است. ایجاد اتصال بین چهارچوب مفهومی و چهارچوب تحلیلی با توجه به گام‌های زیر انجام شده است، هر چند ذکر این نکته نیز ضروری است که این گام‌ها در تعامل با یکدیگر و در یک فرایند تکاملی و رفت و برگشتی به کار گرفته شده‌اند.

ترجمه اصول مفهومی به اصطلاحات عملی و فرایندهای دنیای واقعی: اولین گام حیاتی شامل تجزیه اصول مفهومی چهارچوب حکمرانی طبیعت‌محور به اصطلاحات عملی بود. هر اصل، که از چهارچوب مفهومی استخراج شده بود، به‌دقت تجزیه و تحلیل شد و پیامدهای عملی آن برای تبدیل ایده‌های نظری به اجزای ملموس و قابل اجرا مورد بررسی قرار گرفت.

ارتباط با سازوکارهای حکمرانی فعلی: یکی از جنبه‌های حیاتی این فرایند، ایجاد ارتباط منطقی بین اصول ترجمه‌شده و سازوکارهای حکمرانی فعلی بود. این مرحله شامل تجزیه و تحلیل دقیق نحوه ادغام هر عنصر از چهارچوب طبیعت‌محور در ساختارهای موجود بود. هدف این بود که یک سیستم موازی ایجاد نشود، بلکه سازوکارهای حکمرانی فعلی را با تزریق اصول طبیعت‌محور بهینه کند.

ایجاد ارتباطات منطقی و چهارچوب عملی و قابل درک: این امر تضمین می‌کرد که یک رویکرد جامع و یکپارچه وجود دارد که در آن هر بخش از چهارچوب تحلیلی نقش خود را در ادغام اصول طبیعت‌محور در شیوه‌های حکمرانی ایفا می‌کند. هدف اصلی ایجاد یک چهارچوب تحلیلی بود که نه تنها عملی بلکه قابل فهم باشد. با ساده‌سازی مفاهیم پیچیده، اجتناب از اصطلاحات تخصصی و ارائه اطلاعات به شکلی کاربرپسند، چهارچوب تحلیلی به ابزاری تبدیل شد که می‌توان آن را به‌طور مؤثر به مخاطبان متنوع، از جمله سیاست‌گذاران، تصمیم‌گیران و رهبران جامعه، منتقل کرد. توسعه جریان کاری: با قرار دادن اصول ترجمه‌شده و مرتبط، مرحله بعدی شامل توسعه یک جریان کاری بود. این جریان کاری یک فرایند گام به گام را تشریح می‌کرد و نشان می‌داد که چگونه اصول حکمرانی طبیعت‌محور می‌توانند به‌طور عملی در مکانیسم‌های حکمرانی و تصمیم‌گیری و اجرای پروژه‌ها ادغام شوند. این جریان کاری به‌عنوان راهنمایی برای مجریان، سیاست‌گذاران و ذی‌نفعان عمل می‌کند و مسیری واضح از ایده‌های مفهومی به عمل‌گرایی را ارائه می‌دهد. در نتیجه طرح اولیه از جریان کاری مرتبط با چهارچوب تحلیلی آماده شد که نتیجه آن در شکل ۷ ارائه شده است.

نمودار جریان کاری چهارچوب تحلیلی برای حکمرانی طبیعت‌محور تعامل پویا بین بخش‌های مختلف عمل‌محور را نشان می‌دهد که هرکدام بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند و با هم در ارتباط هستند. در ادامه، بخش‌های مختلف این جریان تفکیک شده و توضیحات لازم برای درک عمیق‌تر اجزای این چهارچوب ارائه می‌شود.



شکل ۷: جریان کار چهارچوب تحلیلی

نهادینه کردن دیدگاه جامع در خصوص ارتباط طبیعت و جامعه: در صدر این جریان، «دیدگاه جامع از ارتباط طبیعت و جامعه» به عنوان پایه‌ای که کل چهارچوب بر آن بنا شده است، قرار دارد. این بخش بر پیوندهای ذاتی بین جوامع انسانی و دنیای طبیعی تأکید دارد و نیاز به یک رویکرد یکپارچه به حکمرانی که هر دو جنبه محیط‌زیستی و اجتماعی را در برمی‌گیرد، برجسته می‌کند. در واقع نهادینه شدن این نوع از نگاه در نزد دست‌اندرکاران حکمرانی را سنگ بنای حرکت به سوی حکمرانی طبیعت‌محور می‌داند.

استقرار و تقویت بنیادهای حکمرانی طبیعت‌محور - رویکرد مشارکتی/تعاملی: با تکیه بر این دیدگاه جامع، این بخش اصول و ساختارهای اساسی لازم برای حکمرانی مؤثر را پایه‌گذاری می‌کند. این بخش بر همکاری و تعامل میان ذی‌نفعان در زمینه‌های مختلف تأکید دارد و مسئولیت جمعی در حفظ اکوسیستم‌ها، پاسخ مسئولانه به نیازهای اجتماعی و ترویج توسعه پایدار را به رسمیت می‌شناسد. بر همین اساس شکل‌گیری و تقویت ساختارهایی که تضمین‌کننده مشارکت فعال و مؤثر دست‌اندرکاران حکمرانی باشد را مورد تأکید قرار می‌دهد.

ترویج و استقرار تصمیم‌گیری یکپارچه برای اولویت‌دهی به طبیعت در سازوکارهای حکمرانی و توسعه: نهادینه شدن دیدگاه در نزد دست‌اندرکاران از یک سو و استقرار بنیادهای این شیوه از حکمرانی، راه را برای «تصمیم‌گیری یکپارچه برای اولویت‌بندی طبیعت در سازوکارهای حکمرانی و توسعه» هموار می‌کنند. در اینجا، تصمیمات با درک جامع از ارزش‌ها و خدمات اکوسیستم هدایت می‌شوند و تضمین می‌شود که تلاش‌های پاسخ مسئولانه به نیازها و چالش‌های اجتماعی در

راستای حفاظت از طبیعت و خدمات اکوسیستمی قرار دارد و این نوع از نگاه را در اولویت ساز و کارهای حکمرانی و توسعه قرار می‌دهد.

تغییر از توسعه مخرب به توسعه سازنده / مبتنی بر طبیعت: این بخش‌های اولیه عمل‌محور زمینه‌ساز تغییرات تحول‌آفرین هستند و منجر به تغییر از «توسعه مخرب به توسعه سازنده / مبتنی بر طبیعت» می‌شوند. با هم‌سویی سیاست‌ها و شیوه‌ها با اصول طبیعت‌محور، گام بعدی اصلاح مسیر و اقدامات گذشته است و در این بخش تلاش می‌شود تا با درک درستی از وضع موجود نهادهای تولیدی و خدماتی موجود، برنامه‌های اصلاحی و حمایتی برای حرکت به سوی تغییر تدوین و اجرایی شود تا آثار مخرب اجتماعی - محیط‌زیستی آن‌ها کاهش یابد.

یکپارچگی پایدار توسعه و خدمات و ارزش‌های اکوسیستم: تلاش‌های صورت گرفته در بخش‌های قبل با هم‌سویی سیاست‌ها و شیوه‌ها با اصول طبیعت‌محور، یکپارچگی پایدار توسعه و خدمات و ارزش‌های اکوسیستم را ترویج می‌کنند و نتیجه آن‌ها بایستی نشان دهند آثار مثبت آن‌ها بر وضعیت طبیعت و خدمات و ارزش‌های اکوسیستم باشد. در این بخش تعامل و اثرگذاری سیستم حکمرانی طبیعت‌محور بر ارتباط سیستم‌های اجتماعی و اکولوژیک مورد سنجش قرار می‌گیرد.

بهینه‌سازی پایایی اقتصادی، رفاه مسئولانه و پایداری محیط‌زیست: آخرین و شاید اصلی‌ترین بخش این چهارچوب، نشان‌دهنده و سنگ محک تغییرات پایداری است که منجر به ارتقای پایایی اقتصادی، رفاه مسئولانه و پایداری محیط‌زیست می‌شود که تأثیرات کلی چهارچوب را تشکیل می‌دهد. در واقع در این بخش نمودار اثر زنجیره‌ای به نمایش گذاشته می‌شود که در آن اقدامات متصل و درهم‌تنیده حکمرانی طبیعت‌محور منجر به نتایج جامعی می‌شود که همزیستی انسان و طبیعت را در یک نگاه و بستر واقع‌گرایانه ترویج می‌دهد.

این چهارچوب به‌گونه‌ای طراحی شده است که اجزای آن به‌طور پیوسته و متقابل با یکدیگر در تعامل هستند و هر بخش با یک روند هم‌افزا مکمل بخش دیگر است. دیدگاه جامع از ارتباط طبیعت و جامعه به‌عنوان زیربنای اصلی، کل چهارچوب را هدایت می‌کند و این دیدگاه جامع به بنیادهای حکمرانی مؤثر طبیعت‌محور و رویکرد تعاملی جهت می‌دهد. این بنیادهای حکمرانی با تأکید بر همکاری ذی‌نفعان، سازوکارهایی را فراهم می‌کنند که تصمیم‌گیری‌های یکپارچه را تسهیل می‌کنند.

۴-۳. متغیرها و شاخص‌های چهارچوب تحلیلی در یک روند تکاملی

استفاده عملی از چهارچوب تحلیلی حکمرانی با تمرکز بر طبیعت بسیار حیاتی است و کارایی آن در شرایط واقعی مستلزم تدوین جامع متغیرها و شاخص‌ها برای بررسی نیل به سمت استقرار حکمرانی طبیعت‌محور است. در اینجا، توضیح مفصل‌تری در خصوص متغیرها و نشانگرهای کلیدی ارائه و تلاش می‌شود تا با ارائه روش‌های پیشنهادی توضیح عملیاتی در خصوص نحوه کاربرد آن‌ها ارائه شود. ذکر این نکته ضروری است که این متغیرها و شاخص‌ها در فرایندهای رفت و برگشتی و محک خوردن در شرایط واقعی بارها اصلاح شدند و نتیجه نهایی در جدول ۳ ارائه شده است؛ هر چند شیوه اندازه‌گیری و حتی شاخص‌های پیشنهادی در این مطالعه می‌تواند با توجه به شرایط واقعی و با تبعیت از الگوی حکمرانی تکوینی تغییرات مناسبی با توجه به شرایط منطقه مورد مطالعه داشته باشد.

جدول ۴: متغیرها و شاخص‌های اصلاح شده نهایی چهارچوب تحلیلی

موضوع	متغیرها	شاخص‌ها	روش پیشنهادی
دیدگاه جامع نسبت به درهم‌تنیدگی طبیعت و جامعه بین متصدیان حکمرانی	۱,۱ درک درهم‌تنیدگی سیستم‌های طبیعی و اجتماعی در بین ذی‌نفعان	۱,۱,۱ سواد اجتماعی و محیط‌زیستی ذی‌نفعان	برای سنجش عمق درک وابستگی بین سیستم‌های اجتماعی و طبیعی در نزد دست‌اندرکاران حکمرانی، پس از انجام تحلیل ذی‌نفعان، این سنجش می‌تواند از طریق پرسش‌نامه یا هر مکانیسم دیگر به شکل ویژه برای منطقه هدف انجام شود.
	۱,۲ درهم‌تنیدگی سیستم‌های طبیعی و اجتماعی در قوانین و مقررات	۱,۲,۱ درصد درهم‌تنیدگی ملاحظات سیستم‌های طبیعی و اجتماعی در استراتژی‌ها و سیاست‌های کلان	یک بررسی کتابخانه‌ای استراتژی‌ها و سیاست‌های کلان را برای تعیین درصدی که به‌طور صریح وابستگی بین سیستم‌های اجتماعی و اکوسیستم‌ها را مطرح می‌کند، تحلیل خواهد کرد.

موضوع	متغیرها	شاخص‌ها	روش پیشنهادی
مبانی حکمرانی طبیعت‌محور مؤثر با رویکرد تعاملی/مشارکتی	۲,۱ همکاری ذی‌نفعان در مکانیسم‌های حکمرانی	۲,۱,۱ میزان همکاری ذی‌نفعان در مکانیسم‌ها و ساختارهای حکمرانی	این اندازه‌گیری شامل یک رویکرد دوگانه از بررسی‌های کتابخانه‌ای و پرسش‌نامه است. ابتدا، یک بررسی کتابخانه‌ای مکانیسم‌ها و ساختارهای حکمرانی را که برای تسهیل همکاری بین ذی‌نفعان کلیدی طراحی شده‌اند، شناسایی می‌کند و تطبیق آن‌ها با گذر زمان را به رسمیت می‌شناسد.
۲,۲ مشارکت مؤثر و هم‌افزا	عمق، اثربخشی و توزیع قدرت بین بخش خصوصی، نهادهای مردمی و دولت	۲,۲,۱ میزان عمق، اثربخشی و توزیع قدرت بین بخش خصوصی، نهادهای مردمی و دولت	این اندازه‌گیری شامل ارزیابی سطح تعامل و توزیع قدرت بین ذی‌نفعان کلیدی در مکانیسم‌ها و ساختارهای حکمرانی با تمرکز بر بهبود آن‌ها در طول زمان است. با کمی‌سازی این پارامترها، شاخصی ایجاد می‌شود که میزان همکاری بین بازار، جامعه و دولت را اندازه‌گیری می‌کند.
تصمیم‌گیری یکپارچه برای اولویت‌دهی به طبیعت در مکانیسم‌های حکمرانی و توسعه	۳,۱ تصمیم‌گیری طبیعت‌محور با در نظر گرفتن ملاحظات اجتماعی-اقتصادی	۳,۱,۱ شاخص ملاحظات طبیعی-اجتماعی-اقتصادی در فرایندهای تصمیم‌گیری	ارزیابی سطح ادغام ملاحظات طبیعت‌محور همراه با اولویت‌های اجتماعی-اقتصادی در فرایندهای حکمرانی و توسعه با ارزیابی تعداد مکانیسم‌های جامع، اثربخش و دارای حمایت قانونی در طول چرخه عمر پروژه‌ها از طراحی تا ارزیابی. با توجه ویژه به ارزیابی استراتژیک محیط‌زیست (SEA)، ارزیابی تأثیرات محیط‌زیست (EIA) و استانداردهای بهداشت، ایمنی و محیط‌زیست (HSE) در مراحل طراحی، اجرا، بهره‌برداری.

موضوع	متغیرها	شاخص‌ها	روش پیشنهادی
	۳،۲ هم‌افزایی تشویقی-بازدارنده برای هماهنگی طبیعت-عدالت اجتماعی	۳،۲،۱ نسبت مکانیسم‌های تشویقی- بازدارنده برای هماهنگی طبیعت-عدالت اجتماعی	بررسی تعداد و کارایی ساز و کارهای تشویقی و بازدارنده (اقتصادی، اجتماعی و غیره) در ساختارهای حکمرانی که هدف آن ترویج پروژه‌ها و ابتکاراتی است که در طراحی و اجرای خود، حفظ طبیعت و عدالت اجتماعی را در اولویت قرار می‌دهند.
انتقال از توسعه مخرب به توسعه سازنده/مبتنی بر طبیعت	۴،۱ تحول واحدهای تولیدی و اقتصادی موجود به سوی توسعه مبتنی بر طبیعت	۴،۱،۱ میزان تحول محیطی پروژه‌های موجود	ارزیابی میزان/درصد پروژه‌های جاری با تأثیرات منفی قابل توجه بر محیط‌زیست و طبیعت که دارای برنامه اصلاحی/بازنگری به‌منظور هم‌خوانی با اصول توسعه مبتنی بر طبیعت هستند.
	۴،۲ انتقال به رویکرد توسعه مبتنی بر طبیعت	۴،۲،۱ نرخ نفوذ راه‌حل‌های مبتنی بر طبیعت	ارزیابی درصد پروژه‌های NBS در برنامه توسعه که رویکردهای طبیعت‌محور را در تمام مراحل طراحی، تصویب و اجرای خود پذیرفته‌اند.
یکپارچگی پایدار توسعه و خدمات و ارزش‌های اکوسیستمی	۵،۱ انطباق کاربری اراضی و ظرفیت اکولوژیکی در هماهنگی با خدمات اکوسیستمی	۵،۱،۱ میزان هم‌پوشانی کاربری اراضی و ظرفیت اکولوژیکی با پیوند خدمات اکوسیستمی	ارزیابی هماهنگی بین شیوه‌های استفاده از زمین و ظرفیت اکولوژیکی به‌عنوان محور اصلی، با در نظر گرفتن خدمات اکوسیستم به‌عنوان محور ثانویه. این ارزیابی با کمی‌سازی درصد هم‌پوشانی بین نقشه‌های مربوطه، درجه هماهنگی بین استفاده از زمین و ظرفیت اکولوژیکی و همچنین خدمات اکوسیستم حاصل از آن را نشان می‌دهد.

موضوع	متغیرها	شاخص‌ها	روش پیشنهادی
پایایی اقتصادی، رفاه مسئولانه و پایداری محیط‌زیست	۶،۱ هم‌افزایی بین پایایی اقتصادی، رفاه مسئولانه و پایداری محیط‌زیست	۶،۱،۱ شاخص هم‌افزایی توسعه پایدار منطقه‌ای	محاسبه یک شاخص ترکیبی که از گزارش‌های ملی یا منطقه‌ای استخراج شده و شاخص‌های مرتبط با پایداری اقتصادی، رفاه مسئولانه و پایداری محیط‌زیست را ترکیب می‌کند. این شاخص بازتاب هم‌افزایی کلی در پیشبرد اهداف توسعه پایدار در این ابعاد است، شامل شاخص‌هایی مانند شاخص توسعه انسانی، سلامت محیط‌زیست و کیفیت زندگی.

این به هم‌پیوستگی و ماهیت درهم‌تنیده این بخش‌ها، رویکردی جامع و انعطاف‌پذیر را تقویت می‌کند که توسعه پایدار، حکمرانی مشارکتی و اولویت‌دهی به طبیعت را از ایده‌های مفهومی به اجرای مؤثر و متناسب با شرایط موجود سوق می‌دهد. این چهارچوب تطبیقی امکان یادگیری و تکامل مداوم را فراهم می‌آورد و به چالش‌ها و فرصت‌های نوظهور در حکمرانی پاسخ می‌دهد.

۴-۴. گام‌های اجرایی برای استقرار حکمرانی طبیعت‌محور

در فرایند معرفی و اجرای حکمرانی طبیعت‌محور، گام‌های اجرایی شامل سه مرحله اساسی است که در ادامه به تفصیل توضیح داده خواهند شد.

گام اول: ارائه و نهادینه‌سازی چهارچوب مفهومی

در این مرحله، چهارچوب مفهومی NOG و ابعاد مختلف آن به دست‌اندرکاران حکمرانی ارائه می‌شود که شامل معرفی اصول و ارزش‌های حاکم بر مدل و توضیح ارتباطات میان اجزای مختلف مدل می‌شود. این اصول شامل درهم‌تنیدگی سیستم‌های اجتماعی و طبیعی، همکاری بین‌بخشی، پاسخ مسئولانه به نیازهای اجتماعی و اولویت‌های اقتصادی و احترام به طبیعت هستند که در ارتقای مفهوم حکمرانی طبیعت‌محور نقش اساس دارند. از ابزارهای آگاه‌سازی و اطلاع‌رسانی مناسب برای کمک به درک بهتر مدل استفاده می‌شود. برگزاری جلسات آموزشی و کارگاه‌های عملی نیز جهت آشنایی دست‌اندرکاران با مدل و نحوه پیاده‌سازی آن

انجام می‌شود، هدف این گام و فعالیت‌ها ایجاد درک مشترک و هم‌افزایی میان دست‌اندرکاران درباره مفاهیم و اهداف مدل حکمرانی طبیعت‌محور است.

گام دوم: معرفی، انطباق و اجرای چهارچوب تحلیلی

- توضیح مراحل و چرخه کار

مراحل مختلف و چرخه کاری چهارچوب تحلیلی بر اساس شکل ۵ به دست‌اندرکاران ارائه می‌شود. این شامل جزئیات فرایندها، نقش‌ها و مسئولیت‌ها در هر مرحله از چرخه کار است. به‌عنوان مثال، نقش هر سازمان در جمع‌آوری داده‌ها، تحلیل‌ها و اجرای اقدامات بهبود مشخص می‌شود.

- اندازه‌گیری شاخص‌ها و معیارها

برای شروع کار، شاخص‌ها و معیارهای مربوط به هر بخش چهارچوب تحلیلی بر اساس جدول ۳، اندازه‌گیری می‌شود تا وضعیت هر گام مشخص شود. این اندازه‌گیری‌ها و ارزیابی‌ها به‌منظور بررسی عمق و پیچیدگی هر بخش از مدل استفاده می‌شود که با تجزیه و تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده از طریق روش‌های آماری و تحلیلی، نتایج معنی‌داری را استخراج می‌کند. این فرایند هدفمند به‌منظور اجرای دقیق و سیستماتیک چهارچوب تحلیلی با استفاده از داده‌های واقعی و قابل اعتماد صورت می‌گیرد، تا پایه‌گذاری برای انجام بهینه‌تر و مؤثرتر فعالیت‌ها و تصمیم‌گیری‌ها فراهم شود.

- طراحی و اجرای اقدامات

در فرایند طراحی و اجرای اقدامات، بر اساس نتایج به دست آمده از اندازه‌گیری شاخص‌ها، برنامه‌های عملیاتی مشخصی برای بهبود وضعیت هر شاخص تدوین و اجرا می‌شود. این برنامه‌ها بر اساس چرخه کار ارائه شده در بخش قبلی تنظیم می‌شوند و با توجه به نتایج حاصل از بررسی شاخص‌های مربوط به هر گام، اقدامات لازم برای ارتقای شاخص طراحی و اجرا می‌شوند. اندازه‌گیری دوره‌ای شاخص‌ها نیز در بازه‌های زمانی مناسب مانند هر شش ماه یا یک سال یکبار صورت می‌پذیرد تا میزان اثربخشی اقدامات مشخص گردد و نقاط قوت و ضعف برنامه‌های اجرایی شناسایی شود. در مرحله تجزیه و تحلیل و گزارش‌دهی، گزارش‌های دوره‌ای از نتایج به دست آمده تهیه و به دست‌اندرکاران ارائه می‌شود تا به آن‌ها در تصمیم‌گیری‌های بهتر کمک شود.

گام سوم: چرخه ارزیابی و بهبود مستمر

در چرخه ارزیابی و بهبود مستمر، اصلاحات و بهبود فرایندها بر اساس نتایج ارزیابی‌های دوره‌ای صورت می‌گیرد. این فرایند شامل تدوین و اجرای برنامه‌های عملیاتی جهت بهبود مدل حکمرانی طبیعت‌محور می‌شود. به‌روزرسانی شاخص‌ها و معیارها، تطبیق مدل با شرایط جدید محیطی و نیازهای جامعه از جمله اقدامات مهم در این چرخه است. هدف اصلی این فرایند، تضمین بهبود مستمر و افزایش کارایی و اثربخشی مدل حکمرانی طبیعت‌محور است که با اجرای مؤثر اقدامات و نظارت دقیق، به دست می‌آید.

در چرخه ارزیابی و بهبود مستمر، تعیین بازه‌های زمانی مناسب برای ارزیابی شاخص‌ها و معیارها از اقدامات اصلی است که باید به‌گونه‌ای انجام شود تا وضعیت مدل به‌طور منظم و در فواصل زمانی مناسب ارزیابی گردد. همچنین، معیارهای ارزیابی موفقیت مدل باید به‌دقت مشخص شده و با جزئیات تعیین شوند که در بخش‌های قبلی به‌طور کامل توضیح داده شده‌اند. بر اساس نتایج ارزیابی، اقدامات اصلاحی و بهبودیابی برای طراحی و اجرای مدل باید به‌صورت مداوم توسعه و به‌روزرسانی شوند تا مدل همواره بهینه و کارآمد باقی بماند. گزارش‌دهی دوره‌ای به ذی‌نفعان و جامعه با هدف حفظ شفافیت و ارائه اطلاعات دقیق نیز از دیگر اقدامات مهم در این فرایند است.

۵. نتیجه‌گیری و پیشنهاد

چهارچوب حکمرانی طبیعت‌محور (NOG) شامل چهارچوب مفهومی (شکل ۶)، چهارچوب تحلیلی و شاخص و معیارهای مرتبط (شکل ۷ و جدول ۴) با آن رویکردی نوآورانه به حکمرانی است که بر حفظ طبیعت و پاسخ‌گویی مسئولانه به نیازهای اجتماعی تمرکز دارد. این مدل با ترکیب اصول درهم‌تنیدگی سیستم‌های اجتماعی و طبیعی، همکاری بین‌بخشی و احترام به طبیعت، تلاش می‌کند تا رویکرد عملیاتی و واقع‌گرایانه‌ای را برای پاسخ به چالش‌های اجتماعی-محیط‌زیستی که زندگی نوع بشر را در نقاط مختلف دنیا و کشور تحت تأثیر قرار داده ارائه دهد. برخلاف مدل‌های سنتی حکمرانی که عمدتاً مسائل اجتماعی، اقتصادی و محیط‌زیستی را به‌صورت جداگانه تحلیل می‌کنند (Bergsten et al., 2019)، NOG به ایجاد توازن میان اهداف اقتصادی، اجتماعی و محیط‌زیستی می‌پردازد و به معرفی بستری می‌پردازد که در آن جوامع بشری به همزیستی پایدار و هماهنگ با طبیعت

دست یابند. یکی از مزایای برجسته NOG، تأکید بر مکانیسم‌های حمایت‌کننده برای همکاری بین‌بخشی و استفاده از دانش علمی و خرد جمعی است. این چهارچوب با ادغام دیدگاه‌های مختلف و تجربه‌های عملی، به ایجاد بستری مشترک برای تصمیم‌گیری و اجرای پروژه‌های توسعه کمک می‌کند. در مقابل، بسیاری از مدل‌های حکمرانی دیگر به دلیل نبود همکاری مؤثر میان بخش‌ها و استفاده ناکافی از دانش بین‌رشته‌ای، در مواجهه با چالش‌های پیچیده محیط‌زیستی و اجتماعی ناکارآمد هستند (Moirano et al., 2020). حکمرانی طبیعت‌محور با فراهم کردن فضای گفت‌وگو و تبادل نظر، به بهبود کیفیت تصمیم‌گیری و افزایش مشارکت ذی‌نفعان کمک می‌کند.

برای پیاده‌سازی موفقیت‌آمیز چهارچوب حکمرانی طبیعت‌محور، نظام‌های حکمرانی فعلی نیازمند تغییرات تدریجی و تکاملی هستند. این تغییرات باید به‌گونه‌ای طراحی شوند که ضمن حفظ و در صورت لزوم بازنگری ساختارهای موجود، آن‌ها را با اصول و ارزش‌های NOG تطبیق دهند. اولین تغییر ضروری، فراهم کردن و حمایت از مکانیسم‌های مناسب برای افزایش همکاری بین‌بخشی و هماهنگی میان نهادهای مختلف حکمرانی است. این همکاری نیازمند ایجاد ساختارهای ارتباطی و شبکه‌های همکاری مؤثر میان نهادهای دولتی، خصوصی و جامعه مدنی است. ایجاد بسترهای مشارکتی و استفاده از رویکردها و فناوری‌های نوین ارتباطی می‌تواند به این فرایند کمک کند.

تغییر دیگر، پذیرش و یکپارچه‌سازی دیدگاه‌های چندرشته‌ای در فرایند تصمیم‌گیری است. این تغییر نیازمند ایجاد تیم‌های کاری چندرشته‌ای و فراهم کردن فرصت‌های آموزشی و تحقیقاتی بین رشته‌ای است. همچنین، نظام‌های حکمرانی باید به تدریج به سمت اولویت‌بندی توسعه مبتنی بر طبیعت حرکت کنند. این به معنای بازنگری در سیاست‌ها و قوانین موجود و ایجاد سازوکارهای تشویقی و بازدارنده برای اولویت دادن به پروژه‌ها و فعالیت‌هایی است که برای پاسخ به نیازها و ضرورت‌های اجتماعی درهم‌تنیدگی سیستم‌های اجتماعی و طبیعی را به رسمیت می‌شناسند و پا را از فرایندها و مدل‌های مرسوم فراتر می‌گذارند.

در پاسخ به پرسش اول این تحقیق، نتایج نشان می‌دهد که آگاهی دقیق از محدودیت‌ها و پتانسیل‌های محیطی و درک عمیق از وابستگی‌های متقابل بین سیستم‌های اجتماعی و طبیعی به کنشگران حکمرانی کمک می‌کند تا سیاست‌ها و تصمیمات مناسبی را اتخاذ کنند. همچنین بررسی عمق و گستره دانش و آگاهی

ذی‌نفعان، نقاط ضعف و قوت موجود را آشکار می‌سازد که می‌تواند به‌عنوان مبنایی برای بهبود سیاست‌های حکمرانی مورد استفاده قرار گیرد.

در پاسخ به پرسش دوم، این تحقیق با معرفی و بررسی مدل حکمرانی طبیعت‌محور (NOG) تلاش می‌کند تا سازوکارهای لازم برای حرکت به سمت حکمرانی طبیعت‌محور را بررسی کند. مدل NOG به چالش‌های ناشی از تغییرات آب و هوایی، از دست رفتن تنوع زیستی و مدیریت منابع طبیعی پرداخته و نیاز به تغییرات اساسی در مکانیسم‌های حکمرانی را مطرح می‌کند. این مدل شامل سازوکارهایی مانند تعریف نقش‌ها، بودجه‌ریزی و تخصیص منابع، نظام‌های پایش و ارزیابی و به اشتراک‌گذاری اطلاعات است که به اجرای بهینه و مؤثرتر حکمرانی در راستای حفظ و مدیریت پایدار منابع طبیعی کمک می‌کنند؛ اما باید توجه داشت که بسیاری از سازوکارهای فعلی با این رویکرد مغایرت دارند و نیازمند تغییرات اساسی هستند.

در پاسخ به پرسش سوم، احساس تعلق و تعهد ذی‌نفعان کلیدی به فرایندهای حکمرانی طبیعت‌محور مورد بررسی قرار گرفته است. برای ایجاد این احساس، باید مکانیسم‌هایی فراهم شوند که ذی‌نفعان بتوانند به‌راحتی در فرایندهای تصمیم‌گیری شرکت کنند و آثار این مشارکت را در فرایندهای روزمره مشاهده کنند. ایجاد جلسات مشترک بین دولت، جامعه محلی و نهادهای علمی-تحقیقاتی، تشکیل گروه‌های کاری مشترک، و ارتقای فرهنگ مشارکت می‌تواند به بهبود احساس تعلق و تعهد به فرایندهای حکمرانی کمک کند. همچنین، آموزش و ارائه اطلاعات شفاف و قابل دسترس به ذی‌نفعان، می‌تواند به افزایش آگاهی و مشارکت آن‌ها منجر شود و در نهایت بهبود نتایج حکمرانی و ارتقای اعتماد و همکاری بین نهادها و ذی‌نفعان اصلی را به همراه داشته باشد.

پیشنهادها

❖ توسعه داده‌های محیطی شامل ابعاد اجتماعی و اقتصادی: ایجاد سیستم‌های جامع برای جمع‌آوری و تحلیل داده‌های چندبُعدی شامل ابعاد اجتماعی و اقتصادی مانند تأثیرات اشتغال، درآمد و سطح زندگی مردم در مناطق تحت تأثیر پروژه‌ها. این اقدام با تقویت تصمیم‌گیری‌های مبتنی بر داده، حکمرانی طبیعت‌محور را از طریق ادغام مسائل اجتماعی و اقتصادی در مدیریت منابع طبیعی حمایت می‌کند.

- ❖ استفاده از شاخص‌های ارزیابی چندبعدی: بهره‌گیری از شاخص‌هایی مانند GDP سبز، HDI (شاخص توسعه انسانی) و EPI (شاخص عملکرد محیط‌زیستی) برای ارزیابی تلفیقی اثرات اجتماعی، اقتصادی و محیط‌زیستی پروژه‌ها، به‌منظور فراهم کردن یک دیدگاه جامع و چندبعدی که بتواند حکمرانی طبیعت‌محور را در برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌ها عملی کند.
- ❖ آینده‌پژوهی در حکمرانی طبیعت‌محور: تحلیل و پیش‌بینی تأثیرات آینده ورود نهادهای مختلف از جمله گردشگری و سازمان‌های بین‌المللی بر حکمرانی طبیعت‌محور می‌تواند به شناسایی تغییرات احتمالی و نیاز به تطبیق سیاست‌ها کمک کند. این تحلیل باید به ارزیابی چالش‌ها و فرصت‌های جدیدی که ممکن است با ورود این نهادها به وجود آید، پرداخته و استراتژی‌های لازم را برای انطباق بهتر مدل حکمرانی با این تغییرات ارائه دهد.
- ❖ توسعه و به‌کارگیری مدل‌های تحلیلی چندمنظوره: توسعه مدل‌های تحلیلی چندمنظوره که قادر به ادغام داده‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی و محیط‌زیستی به‌طور هم‌زمان هستند، می‌تواند به بهبود دقت و جامعیت ارزیابی‌های حکمرانی طبیعت‌محور کمک کند. این مدل‌ها باید به‌گونه‌ای طراحی شوند که به تحلیل هم‌زمان ابعاد مختلف تأثیرات پروژه‌ها بپردازند.
- ❖ ادغام راه‌حل‌های مبتنی بر طبیعت (NBS) در استراتژی‌های حکمرانی: راه‌حل‌های مبتنی بر طبیعت (NBS) می‌توانند به‌عنوان یک ابزار کلیدی در تسهیل انتقال به حکمرانی طبیعت‌محور عمل کنند. با ادغام NBS در استراتژی‌های حکمرانی، می‌توان به بهبود مدیریت منابع طبیعی و ارتقای تاب‌آوری جوامع محلی پرداخت. NBS می‌تواند به‌عنوان یک پل ارتباطی میان سیاست‌های محیط‌زیستی و اجتماعی عمل کرده و به کاهش اثرات منفی تغییرات اقلیمی و زیست‌محیطی کمک کند.
- ❖ ارزیابی تأثیرات حکمرانی طبیعت‌محور بر توسعه پایدار با استفاده از مدل‌سازی سیستم داینامیک: استفاده از مدل‌سازی سیستم داینامیک برای ارزیابی تأثیرات حکمرانی طبیعت‌محور بر توسعه پایدار، از جمله پایداری اقتصادی و محیط‌زیستی می‌پردازد. این تحقیق می‌تواند به بررسی چگونگی جایگزینی تدریجی توسعه مخرب با راه‌حل‌های مبتنی بر طبیعت و تأثیرات آن بر شاخص‌های کلیدی حکمرانی طبیعت‌محور بپردازد. مدل‌سازی داینامیک این امکان را فراهم می‌کند که سناریوهای مختلف حکمرانی مورد بررسی قرار

گیرند و نتایج آن‌ها از نظر تعاملات بین رفاه اجتماعی، پایداری محیط‌زیستی و حفاظت از خدمات اکوسیستم مورد ارزیابی قرار گیرند.

❖ ارزیابی سناریوهای آینده‌پژوهی در چهارچوب حکمرانی طبیعت‌محور: با توجه به اهمیت پیش‌بینی تغییرات و مدیریت عدم قطعیت‌ها در حکمرانی طبیعت‌محور، پیشنهاد می‌شود که از آینده‌پژوهی به‌عنوان ابزاری کلیدی برای تحلیل و ارزیابی سناریوهای مختلف حکمرانی استفاده شود. این پیشنهاد شامل توسعه و تحلیل سناریوهای مختلف آینده با تمرکز بر چالش‌های محیط‌زیستی، اجتماعی و اقتصادی است که ممکن است در مسیر توسعه حکمرانی طبیعت‌محور پیش آیند.

References

- Albert, C., Schröter, B., Haase, D., Brillinger, M., Henze, J., Herrmann, S., Gottwald, S., Guerrero, P., Nicolas, C., & Matzdorf, B. (2019). Addressing societal challenges through nature-based solutions: How can landscape planning and governance research contribute? *Landscape and urban planning*, 182, 12-21.
- Albert, C., Spangenberg, J. H., & Schröter, B. (2017). Nature-based solutions: criteria. *Nature*, 543(7645), 315-315.
- Bergsten, A., Jiren, T. S., Leventon, J., Dorresteyn, I., Schultner, J., & Fischer, J. (2019). Identifying governance gaps among interlinked sustainability challenges. *Environmental science & policy*, 91, 27-38.
- Déjeant-Pons, M. (2006). The European landscape convention. *Landscape Research*, 31(4), 363-384.
- Ebrahimpour, H., Zahra, F., Vali, N., & Nasrin, H. (2020). Analyzing the Role of Moderating Good Governance in the Relationship Between Globalization and Economic Growth in Developing Countries Strategic studies of public policies 10(36), 40-69 [Persian].
- Egusquiza, A., Cortese, M., & Perfido, D. (2019). Mapping of innovative governance models to overcome barriers for nature based urban regeneration. *IOP Conference Series: Earth and Environmental Science*, Escap, U. (2009). What is good governance?
- Faivre, N., Fritz, M., Freitas, T., De Boissezon, B., & Vandewoestijne, S. (2017). Nature-Based Solutions in the EU: Innovating with nature to address social, economic and environmental challenges. *Environmental research*, 159, 509-518.
- Farazmand, A. (2015). Governance in the age of globalization: Challenges and opportunities for South and Southeast Asia. *Governance in South, Southeast, and East Asia: Trends, Issues and Challenges*, 11-26 [Persian].
- Folke, C., Colding, J., & Berkes, F. (2003). Synthesis: building resilience and adaptive capacity in social-ecological systems. *Navigating social-ecological systems: Building resilience for complexity and change*, 9(1), 352-387.
- Frantzeskaki, N. (2019). Seven lessons for planning nature-based solutions in cities. *Environmental science & policy*, 93, 101-111.
- Galler, C., von Haaren, C., & Albert, C. (2015). Optimizing environmental measures for landscape multifunctionality: Effectiveness, efficiency and recommendations for agri-environmental programs. *Journal of environmental management*, 15, ۲۵۷-۲۴۳ ,)
- Hardin, G. (1968). The tragedy of the commons: the population problem has no technical solution; it requires a fundamental extension in morality. *science*, 162(3859), 1243-1248.
- Hölscher, K. (2020). Capacities for transformative climate governance: A conceptual framework. *Transformative Climate Governance: A Capacities Perspective to Systematise, Evaluate and Guide Climate Action*, 49-96.
- Jager, W., & Gotts, N. (2018). Simulating social environmental systems. *Environmental Psychology: An Introduction*, 319-329.
- Kemp, R., & Loorbach, D. (2003). Governance for sustainability through transition management. *Open Meeting of Human Dimensions of Global Environmental Change Research Community*, Montreal, Canada,

- Kettl, D. F. (2015). *The transformation of governance: Public administration for the twenty-first century*. Jhu Press.
- Koskimaa, V., Rapeli, L., & Hiedanpää, J. (2021). Governing through strategies: How does Finland sustain a future-oriented environmental policy for the long term? *Futures*, 12, ۱۰۲۶۶۷, ۵
- Kremen, C. (2005). Managing ecosystem services: what do we need to know about their ecology? *Ecology letters*, 8(5), 468-479.
- Leal Filho, W., Tripathi, S. K., Andrade Guerra, J., Giné-Garriga, R., Orlovic Lovren, V., & Willats, J. (2019). Using the sustainable development goals towards a better understanding of sustainability challenges. *International Journal of Sustainable Development & World Ecology*, 26(2), 179-190.
- Lemos, M. C., & Agrawal, A. (2006). Environmental governance. *Annu. Rev. Environ. Resour.*, 31, 297-325.
- Lubell, M. (2002). Environmental activism as collective action. *Environment and Behavior*, 34(4), 431-454.
- Mayring, P. (2014). *Qualitative content analysis: theoretical foundation, basic procedures and software solution*.
- McGinnis, M. D., & Ostrom, E. (2014). Social-ecological system framework: initial changes and continuing challenges. *Ecology and Society*, 19(۲)
- Meckling, J., & Allan, B. B. (2020). The evolution of ideas in global climate policy. *Nature climate change*, 10, ۴۳۸-۴۳۴, (۵)
- Moirano, R., Sánchez, M. A., & Štěpánek, L. (2020). Creative interdisciplinary collaboration: A systematic literature review. *Thinking Skills and Creativity*, 35, 100626.
- Mondal, S., & Palit, D. (2022). Challenges in natural resource management for ecological sustainability. In *Natural Resources Conservation and Advances for Sustainability* (pp. 29-59). Elsevier.
- Monkelbaan, J. (2019). *Governance for the sustainable development goals*. Singapura: Spinger.
- Nelson, D. R., Bledsoe, B. P., Ferreira, S., & Nibbelink, N. P. (2020). Challenges to realizing the potential of nature-based solutions. *Current Opinion in Environmental Sustainability*, 45, 49-55.
- Nesshöver, C., Assmuth, T., Irvine, K. N., Rusch, G. M., Waylen, K. A., Delbaere, B., Haase, D., Jones-Walters, L., Keune, H., & Kovacs, E. (2017). The science, policy and practice of nature-based solutions: An interdisciplinary perspective. *Science of the total environment*, 579, 1215-1227.
- O'Sullivan, J. N. (2020). The social and environmental influences of population growth rate and demographic pressure deserve greater attention in ecological economics. *Ecological economics*, 172, 106648.
- Olson, M. (2012). The logic of collective action [1965]. *Contemporary Sociological Theory*, 124, p62-63.
- Ostrom, E. (1990). *Governing the commons: The evolution of institutions for collective action*. Cambridge university press.
- Ostrom, E. (2009). *Building trust to solve commons dilemmas: Taking small steps to test an evolving theory of collective action*. Springer.
- Pascual, U., McElwee, P. D., Diamond, S. E., Ngo, H. T., Bai, X., Cheung, W. W., Lim, M., Steiner, N., Agard, J., & Donatti, C. I. (2022). *Governing*

- for transformative change across the biodiversity–climate–society nexus. *BioScience*, 72(7), 684-70.۴
- Programme, U. N. D. (2014). Governance for sustainable development: integrating governance in the post-2015 development framework. In: Democratic Governance Group, Bureau for Development Policy, United Nations....
 - Renn, O., Laubichler, M., Lucas, K., Kröger, W., Schanze, J., Scholz, R. W., & Schweizer, P. J. (2022). Systemic risks from different perspectives. *Risk analysis*, 42(9), 1902-1920.
 - Roozbahani, M. S., Daneh-Kar, A., & Bagheri, A. (2023). A Review of Environmental Priorities in Iran's Governance Instruments. *The Scientific Journal of Strategy*, 32.(۱۰۷)
 - Schlüter, M., Hinkel, J., Bots, P. W., & Arlinghaus, R. (2014). Application of the SES framework for model-based analysis of the dynamics of social-ecological systems. *Ecology and Society*, 19(1.(
 - Shivanna, K. (2020). The sixth mass extinction crisis and its impact on biodiversity and human welfare. *Resonance*, 25(1), 93-109.
 - Williams, D., & Young, T. (1994). Governance, the World Bank and liberal theory. *Political studies*, 42(1), 84-100.
 - Winkler, K. J., Garcia Rodrigues, J., Albrecht, E., & Crockett, E. T. (2021). Governance of ecosystem services: a review of empirical literature. *Ecosystems and People*, 17(1), 306-319.
 - Wynn, D. C., & Eckert, C. M. (2017). Perspectives on iteration in design and development. *Research in Engineering Design*, 28, 153-184.
 - Zabaniotou, A. (2020). A systemic approach to resilience and ecological sustainability during the COVID-19 pandemic: Human, societal, and ecological health as a system-wide emergent property in the Anthropocene. *Global transitions*, 2, 116-126.
 - Zahiri, M., Zaianderoodi, M., & Jalae, S. A. (2021). Investigating the Effect of Good Governance Dimensions on the Sustainable Development Index of Iran. *Macroeconomics Research Letter*, 15.
 - Zahiri, M & ,Zaianderoodi, M. J., Seyyed Abdolmajid (2021). Investigating the Effect of Good Governance Dimensions on the Sustainable Development Index of Iran. *Macroeconomics Research Letter*, 15(30), 210-231 [Persian].